سیر تحولات ۷۰ سال

کاریکاتور

در ایران



حمید ساهر

سیر تحولات

۷۰ سال کاریکاتور در ایران

حمید ساهر

آتریات کتاب
تهران، ۱۳۷۷

ساهر، حمید، ۱۳۳۵ ـ
سیر تحولات ۷۰ [هفتاد] سال کاریکاتور در ایران/ حمید ساهر.ـ تهران: آتریپات‌کتاب، ۱۳۳۷.
۳۵٦ ص.: مصور (بخشی رنگی) ISBN: 964-91663-3-4
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرستنویسی پیش از انتشار).
ص.ع. به انگلیسی: Hamid Saher:70 years of caricature in Iran.
شامل ۸ ص تصویر رنگی.
کتابنامه: ص. ۳٤۰.
۱. کاریکاتور ـ ایران ـ تاریخ. الف. عنوان.

۲ س ۱۹ الف/ ۷۲۰ NC ۷٤۱/٥۹٥٥
کتابخانهٔ ملی ایران ۱۹۸٥-۷۷ م

سیر تحولات ۷۰ سال کاریکاتور در ایران

حمید ساهر

مترجم پیشگفتار به انگلیسی **سعیده زنگنه**
صفحه‌آرا **مریم صفری**
طراحی جلد **امیر آبروانی ـ آمنه نوری‌نژاد**
لیتوگرافی **صحیفهٔ نور**
چاپ **چاپخانهٔ شفیعی**
نوبت چاپ **اول، ۱۳۷۷**
تعداد **۳۳۰۰ نسخه**
شابک **۳ - ٤ - ۹۱٦٦۳ - ۹٦٤**

اصفهان، خیابان فردوسی، ساختمان ٥۰۰، شمارهٔ ۷، تلفن: ۲۲۰۲۳۰، فاکس: ۲۲۹۹۸۸
تهران، خیابان جمهوری، ساختمان کاوه، پلاک ۱۳ و ۲۸، تلفن: ٦٤٥١٥١۷، فاکس: ٦۷٥۲۹۸

چاپ و نشرکتاب سیر تحولات ۷۰ سال کاریکاتور در ایران توسط یک بنگاه اقتصادی تولیدی - تجاری، بدون کمک و همیاری اهل فرهنگ و ادب میسر نبود. جناب آقای محمد شریفی نه تنها در انتخاب این کتاب توسط شرکت آترپات نقش مؤثری ایفا نمودند، بلکه در تمامی مراحل آماده‌سازی کتاب برای چاپ، همکاری خود را از انتشارات نوپای آترپات‌کتاب بویژه سرکار خانم آزاده رادنژاد، مدیر این انتشارات دریغ نکردند. پس از سپاس از زحمات ایشان و نیز مؤلف محترم جناب آقای حمید ساهر، بجا می‌نماید خاطرنشان شویم که آثاری از این‌گونه نمی‌تواند خالی از عیب و نقص باشد. همچنین در خصوص ادعای شناخت و تجزیه و تحلیل ۷۰ سال کاریکاتور در ایران، باید در نظر داشت که هرگونه تجزیه و تحلیل و انتخابی از چشم‌انداز و شناخت و امکانات مؤلف نشأت گرفته است، بویژه که کاریکاتورهای مورد بررسی، منتخب از مجله‌ها و روزنامه‌های رسمی این دوره بوده است و چه بسیار کاریکاتوریستهایی که طی این دورهٔ ۷۰ ساله دچار تیغ سانسور و یا خودسانسوری شده و کاریکاتورهایی که به هر دلیل مجال حضور در این مجموعه را نیافته‌اند. از این‌رو به نظر می‌رسد آنچه تقدیم خوانندگان می‌گردد، ۷۰ سال کاریکاتور رسمی ایران از دیدگاه مؤلف محترم است که قابل انتشار بوده است.

ناشر امیدوار است که تحلیلها و توضیحهای این مجموعه مورد نقد و بررسی صاحب‌نظران و علاقه‌مندان فرهنگ و هنر ایران‌زمین قرار گیرد و از هم‌اکنون آمادگی خود را برای انتشار و تقدیم آنها به پیشگاه فرهنگ‌دوستان عزیز اعلام می‌دارد.

در پایان آرزو دارد کاری را که خارج از حوزهٔ تخصص و توان خود انجام می‌دهیم، در جهت خدمت به جامعهٔ فرهنگی کشور باشد، امری که ممکن نیست مگر به یاری اهل فرهنگ از یک‌سو، و لطف خوانندگان و خریداران عزیز از سویی دیگر که آثار منتشره را وحی منزل ندانسته و با دید آثار بشری بدان نگریسته و همواره در نظر داشته باشند که فرضیه‌ها و تحلیلهای بشر ابطال‌پذیرند.

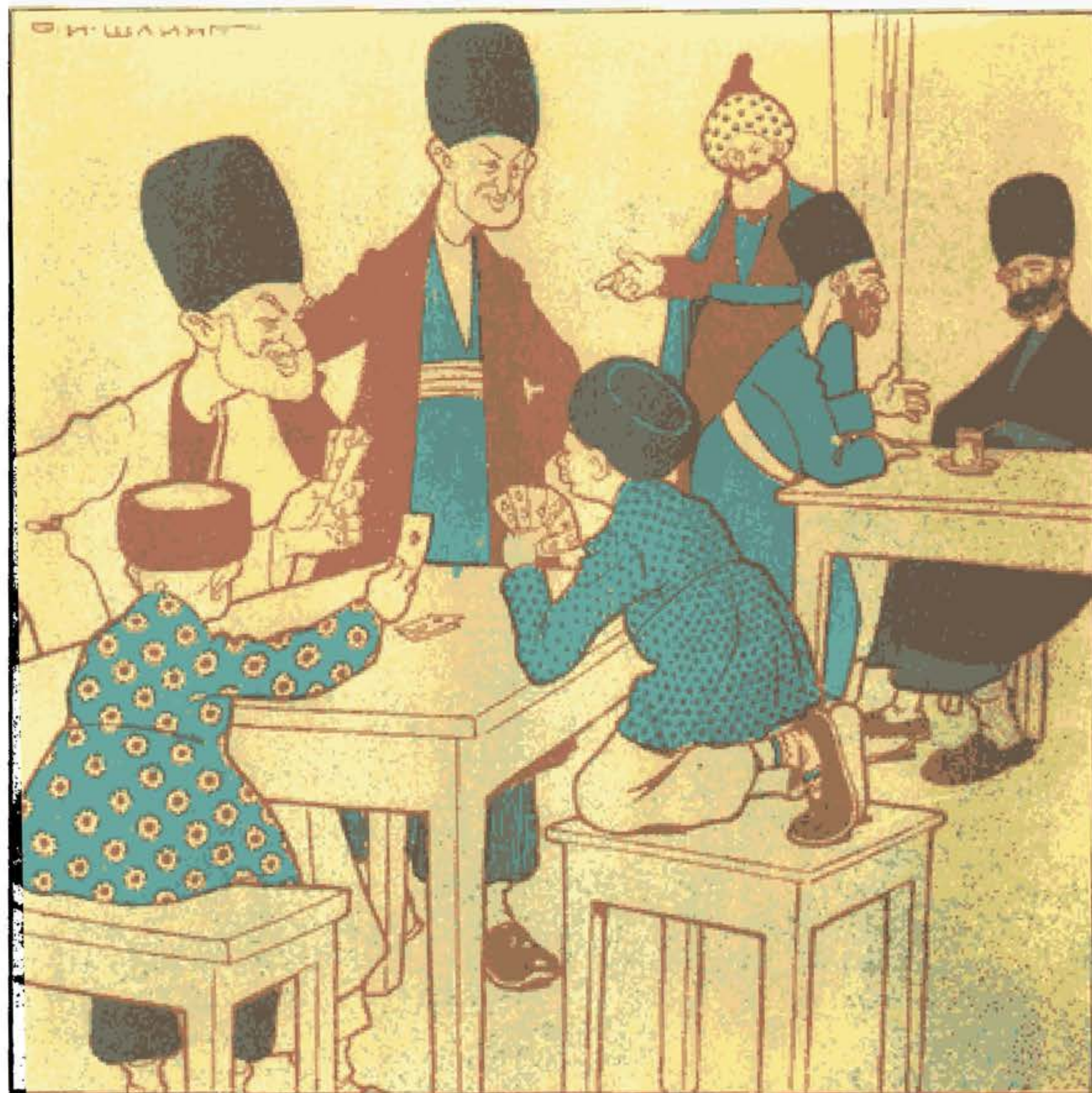
مصطفی نژادستاری

فهرست مطالب



— (قونسول) — بو نانجیب رعیته هیچ رحم لازم دگل

— (رعیته): قوربانم قونسول سزی ایچیتون ؛ من سزک طرفداریکزام ...



تازه اصول ایله آچیلان تربیه خانه لریمز .



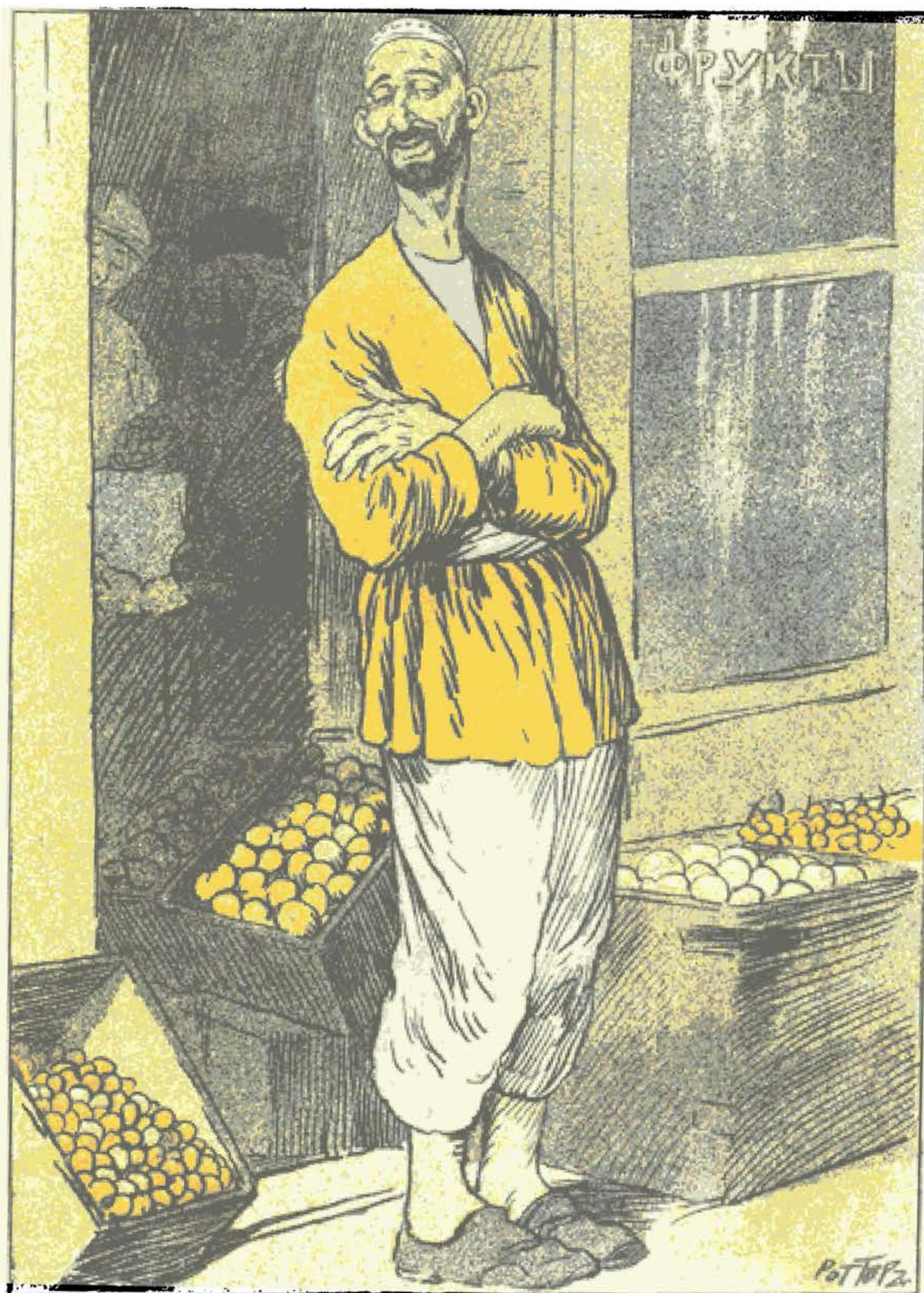
یتمیش یاشنده هوسلی جوانلاریز .

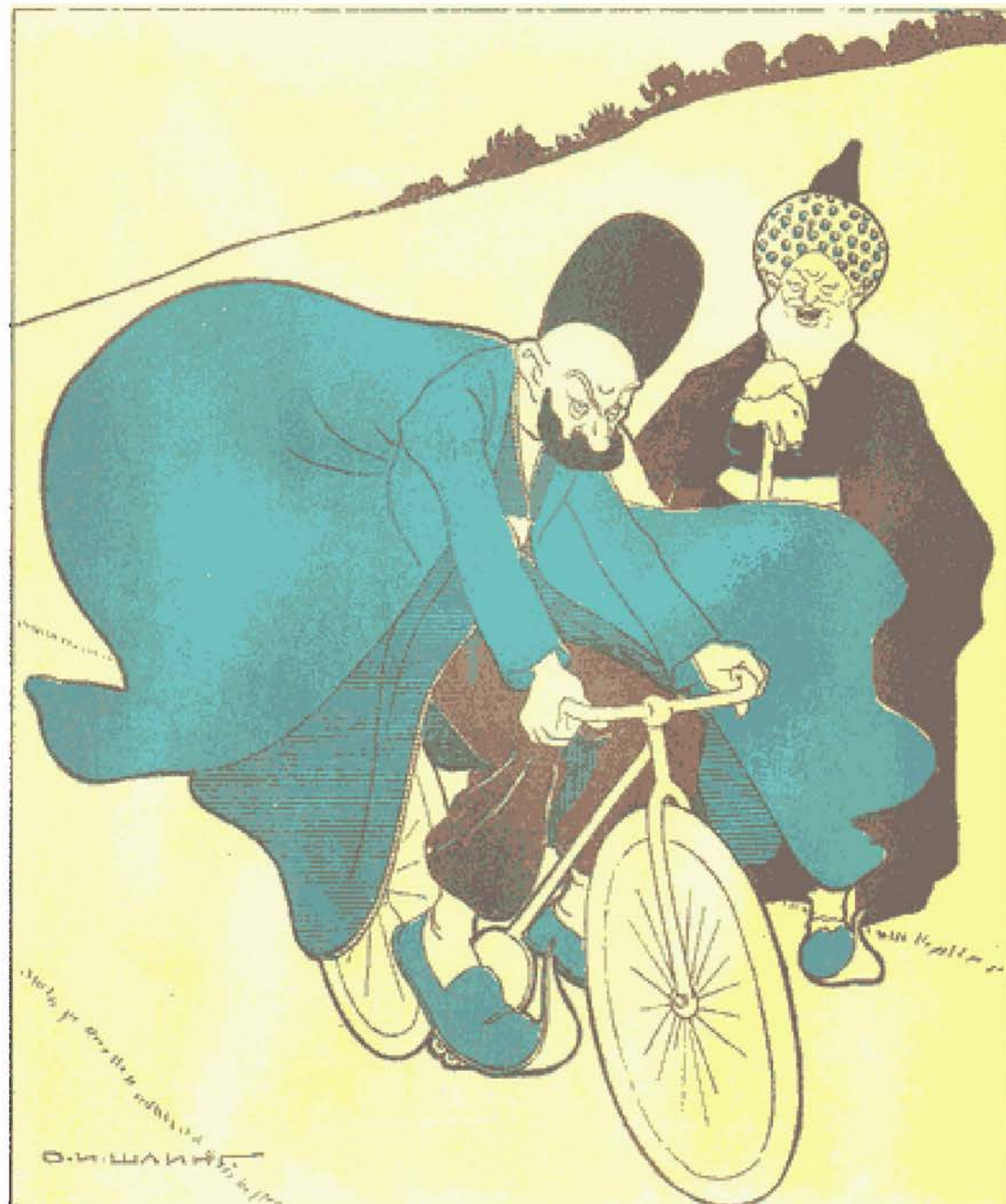
ملکدار و رعیّت

ایرانده تازه مشورت مجلسنده فقیر و فقرانک حالنه یانان جماعت وکیللری .



جمیع قافقاز مسلمانلاری طرفندن
دوردنجی دومانک عضوی .


ФРУКТЫ
РОТТОВ



مقدمهٔ مؤلف

شب بسیار سرد زمستان بود. بیرون کولاک بیداد می‌کرد و دانه‌های ریز برف به همراه سرمای گزنده‌ای از لابلای درزهای در و پنجرهٔ چوبی خانه به درون می‌ریخت. پدرم زیر کرسی عینکش را از چشم برداشته و روی نوشته‌هایش گذاشته بود. آن شب هم یکی از دوره‌های صحافی‌شده با جلد قهوه‌ای قرمز *ملانصرالدین*[1] را ورق می‌زد.

ما بچه‌ها در حالی که پشتمان می‌لرزید، مملو از هیجان ناشی از دیدار تصاویر، روی کتاب خم شده بودیم. پدرم با دقت ورق می‌زد، زیرنویس تصویرها را می‌خواند و ما با صدای بلند می‌خندیدیم. وقتی اشعار طنزآمیز صابر[2] را می‌خواند ـ با اینکه به نظر ما بسیار خنده‌دار بود ـ جرأت نمی‌کردیم بخندیم؛ پدرم با قیافه‌ای جدی این اشعار را می‌خواند و سر تکان می‌داد.

آن شب یکی از تصاویر بیش از همه برایمان جالب بود؛ یک‌خانواده مثل‌ما، زیرکرسی‌نشسته ولحاف‌کرسی را تا زیر چشمان بالا کشیده بودند، گربه‌ای کز کرده از سرما روی کرسی بود، از پنجره منظرهٔ برفی دیده‌می‌شد. یکی از آنها دلسوزانه می‌گفت: راستی، بیچاره اوروس‌ها (روس‌ها) تواین‌سرماچیکارمی‌کنند؟ (لابدبدون‌کرسی!)

با تصاویر و کاریکاتورهای *ملانصرالدین* از دوران کودکی آشنا شدم. پدرم خانه را پر کرده بود از روزنامه‌ها و نشریاتی که بیشترشان تصویر داشتند: مثلاً *باباشمل* و تصاویر آن را به خاطر دارم....

***

تحقیق و نمایشگاه

از سال اول دانشجویی‌ام در دانشکدهٔ هنرهای زیبا، در یکی از گالریهای قدیمی و معروف ایران[3] حضور داشته‌ام. بعداً ما چهارگروه تشکیل دادیم؛ من تمام وقت در گروه تحقیق فعالیت می‌کردم. این گالری تنها نمایشگاهی در ایران بود که فعالیتهای فوق برنامه داشت. پروژه‌ای را در نظر می‌گرفتیم، مطالعه و تحقیق کافی می‌کردیم و بعد نمایشگاه می‌گذاشتیم، و تحقیقات خود را در جریان نمایش آثار، به صورت گسترده عرضه می‌کردیم.

نقاشان قهوه‌خانه‌ای

یکی از پروژه‌های ما، نمایش آثار نقاشان فراموش شدهٔ «قهوه‌خانه»ای بود. مطالعه و تحقیق زیادی کردیم و آثار فراوانی جمع‌آوری شد که به‌واسطهٔ حضور طولانی‌مدتشان در قهوه‌خانه‌ها کاملاً تیره و کدر و به‌زحمت قابل تشخیص بودند.

یکی از همکاران[4] معجونی ساخت و معجزه شد: از زیر تیرگی، ذره ذره طلای زرد گل ماشی نقاش[5] با لیلی سوار و مجنون پیاده، ظاهر شد. لیلی سرخ و سفید و چاق روی شتر نشسته، مجنون مجسمه‌ای از استخوان‌های نحیف نمایان از زیر پوست، پریشان و برهنه‌پای، افسار شتر لیلی را می‌کشید.

***

سپس راجع به «خیمه‌شب بازی»، هنر اجتماعی سیاسی ایران و همینطور «تئاتر روحوضی» و بعداً «پرده‌خوانی» و «تعزیه» مطالعه و کار زیادی کردیم که نمایش آنها چند سالی در تالار ادامه داشت.[6]

بعدها در بارهٔ شعر و نثر و طنز معاصر ایران تحقیق شد و طی سالها با دهها شب شعر، قصه‌خوانی و طنزخوانی برگزار شد، و این روند ادامه یافت.

***

---

۱) نشریهٔ طنز و کاریکاتور.

۲) علی‌اکبر صابر شاعر طنزسرای نشریهٔ *ملانصرالدین*.

۳) «تالار نقش» که از سال ۱۳۴۶ شمسی شروع به فعالیت فرهنگی و هنری کرد.

۴) استاد رسام موزع‌زاده.

۵) نقاش با امضاء «ارژنگی».

۶) نمایشهای اصیل و قابل تعمق در تالار، وقتی «به نحوی» به تلویزیون کشیده شد به مضحکه مبدل گشت.

سال ۱۳۵۵، یک اتفاق هنری

یکی از پروژه‌های جذاب، کار روی کاریکاتور و طنز در ایران بود.

مقولهٔ اول به لحاظ اینکه ما در یک گالری فعالیت می‌کردیم، مقدم بود. تصمیم گرفتیم بعد از یک تحقیق گسترده، و جمع‌آوری تصاویر و کاریکاتورها، نمایشگاهی ارزنده برگزار نماییم، به‌خصوص که تا آن زمان هیچ نمایشگاهی از آثار کاریکاتور در ایران برپا نشده بود. ابتدا به سراغ کتابخانه‌های بزرگ تهران رفتیم؛ آرشیو آنها به اندازه‌ای محدود، ناقص، غیرقابل استفاده[1] و نومیدکننده بود که ناچار به کتابخانه‌های شهرهای بزرگ: تبریز و شیراز و... مراجعه کردم، سپس کتابخانه‌های خصوصی، کلکسیونرها و خانواده‌های فرهنگ‌دوست و... (کسانی که در ایران و راجع به ایران تحقیق کرده‌اند، مراحل و معضلات این گونه جستجوها را بهتر درک می‌کنند.)

مشکلات بسیار بود. گاهی برای پیدا کردن یک تصویر یا کاریکاتور و پیدا کردن شخصی (که منابعی در اختیار داشت) به هر جا سر می‌زدم؛ با بودجهٔ «دانشجویی» مسافرت می‌کردم، به انبارهای متروک کتاب سر می‌زدم، مکاتبه و تبادل آثار کاریکاتور با محافل فرهنگی و موزه‌های خارجی اندکی از مشکلات می‌کاست.

بعد از گذشت سالی توانستم نشانی از سردبیران، تصویرسازان و پیشکسوتان کاریکاتور پیدا کنم. ملاقات و مصاحبه با این «سخت‌کوشان» دریچه‌های امید را گشود و مرا به ادامهٔ این کار تشویق کرد. خانوادهٔ ناهید، رضا گنجه‌ای، روح‌الله داوری و... کمک زیادی کردند.

با اینکه این جمع‌آوری، تحقیق و بررسی بی‌وقفه سه سال طول کشید ولی حاصل آن کلکسیون بی‌نظیری بود که جمع‌آوری شد: تلی از روزنامه‌های چاپ‌شده، تعداد بسیار زیادی تصاویر عکس‌برداری شده، نوارهای مصاحبه، و بالاخره حدود شصت هزار کاریکاتور اورژینال در آرشیو جمع‌آوری شد.

* * *

یک سال نمایشگاه

نمایشگاه قابل توجه «سیر تحولات کاریکاتور ۷۰ سالهٔ ایران» به صورت سری، یکی از پس دیگری برپا شد. نمایشگاه‌ها یک سال تمام در محل گالری (طی ۱۷ نمایشگاه) و به عنوان اولین نمایشگاه کاریکاتور در ایران، برگزار شدند، و سپس سالها در دانشکده‌های تهران و شهرستان‌ها، مدارس و مساجد ادامه یافتند.

در پایان نمایشگاه‌های یک‌ساله، کتابچه‌ای با ۷۰ کاریکاتور برگزیده به صورت کارت‌پستال با بروشورِ همراه، چاپ شد.

انعکاس نمایشگاه یک‌ساله

نمایشگاه کاریکاتور انعکاس گسترده‌ای در مطبوعات داخلی و خارج از کشور[2] داشت و صدها طراح مستعد در کشور، برداشت مثبتی از آن داشته و کلاً این نمایشگاه، فرهنگ تصویری بسیاری را بخصوص در زمینهٔ کاریکاتور بالا برد و شناخت عمیقی به تماشاچیان دارد. (البته در پی‌گیری این حرکت نمایشگاه‌های متعدد از کاریکاتوریستهای خارجی برگزار شد.)

* * *

---

۱) اگر اجازهٔ کپی می‌دادند. دستگاه کپی‌شان آنقدر کیفیت پایینی داشت که صرفنظر می‌کردیم.

۲) کانون‌های معتبر کاریکاتور در اروپا، «تالار نقش» را به عنوان پایگاه و مرکز اشاعهٔ کاریکاتور ایران، به رسمیت شناختند.

کتاب سیر تحولات کاریکاتور در ایران

تألیف این کتاب ۷۰۰ صفحه‌ای که نزدیک به یک سال طول کشید و درواقع زیربنای کتاب حاضر است وادارم کرد مجدداً در بسیاری جهات مطالعه و تحقیق بیشتری نمایم.

انگیزهٔ تألیف این کتاب، کار عظیمی است که صدها نویسنده، شاعر و کاریکاتوریست در مدتی نزدیک به سه‌ربع قرن انجام داده‌اند و بدون تردید میراثی ارزشمند برای ملت ایران از خود به یادگار گذاشته‌اند.

در سال ۱۳۷۶، کوتاه‌شده‌ای از متن قدیمی کتاب، با تجدید نظر مختصری آمادهٔ چاپ شد.

در تألیف این کتاب از کمک و همکاری خانوادهٔ سردبیران، و همچنین سردبیران، نویسندگان، کاریکاتوریست‌های در قید حیات، همکاران و دوستان و اشخاص فرهنگ‌دوست بسیار بهره برده‌ام، و بدون تردید سهمی از این کتاب به ایشان تعلق دارد. همینطور از دکتر رؤیا زارع به‌خاطر تجدیدنظر در برخی از مطالب و ویراستاری کتاب حاضر تشکر می‌شود.

* * *

پایان تألیف اولیهٔ این کتاب مصادف با انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود و باید اذعان کنم که عظمت و شکوه این رویداد تاریخی ارزش کتاب یاد شده را در نزد من بسیار بی‌رنگ کرد و سالها تمایلم را به چاپ آن از دست دادم. البته در این مدت متن تایپ‌شدهٔ کامل کتاب بسیار دست به دست شد و طبق سنت متداول حقوق مکتوم نویسندگان و مؤلفان در ایران، بعضی دست‌ها هر گونه استفاده از این تحقیق چاپ‌نشده را مجاز دانستند!

سیر تحولات ۷۰ سالهٔ کاریکاتور ایران
(۱۲۸۰ ـ ۱۳۵۰ شمسی)

کاریکاتور، اولین هنر تصویری مردمی در ایران

«کاریکاتورهای روزنامه‌ای» در حقیقت بخشی از تاریخ سیاسی و اجتماعی یک ملت هستند. ما در بررسی اجمالی کاریکاتور ۷۰ سالهٔ ایران می‌بینیم با اینکه این هنر مردمی بدعتی از غرب بوده ورود آن از قفقاز با روزنامهٔ *ملانصرالدین* شروع و ادامهٔ راهش در ایران طبعاً با ویژگی‌هایی توأم می‌گردد.

اصولاً شروع کاریکاتور در ایران به همراه موج انتشار مطبوعات همزمان با انقلاب مشروطیت و شروع بیداری مردم است، که آنهم بی‌تأثیر از انقلاب سیاسی ـ اجتماعی اروپا نیست. قبل از این دوره در ایران، به روال سابق آثار نقاشان صرفاً شامل مصوّر کردن افسانه‌ها و روایات عامیانه، و در کنار آن شیوهٔ مینیاتور ـ این هنر سنتی ایران ـ با سوژه و محتوایی همانند تصاویر کتاب بوده است.

«نقاشی قهوه‌خانه‌ای» و مولود آن «پرده‌های مذهبی» شیوهٔ نوظهوری بود که در ادامهٔ سبک نیمه اروپایی قرن هفدهم[1] در اواخر دوران قاجاریه رونق پیدا کرده بود.

با نفوذ ادبیات و هنر رئالیست به ایران، و شرایط خاص سیاسی و اجتماعی زمان مشروطیت، تحولاتی اساسی در روال چندین صدساله پدید آمده و انتشار دهها نشریهٔ گوناگون، ادبیات و هنر مردمی را رواج می‌دهد.

هنر از وابستگی به دربار و اشراف خارج می‌شود و به میان مردم راه می‌یابد.

نخستین طرحهای هجایی ایران، با تمام تأثیری که از سبک اروپایی گرفته‌اند، دارای ویژگیهای بومی و ملهم از خصوصیات سبکهای صنعتی و متداول ایران می‌گردد.

در هر حال، طرحهای هجایی ایران با تمام خصوصیات، به صورت حربه‌ای بّرنده در نشر انقلاب سیاسی و فرهنگی به کار گرفته می‌شوند. نقاشان با سعی در استفاده از تکنیک کاریکاتور در خلال آثار رئالیست انتقادی خود، واقعیتها را نشان داده و برخی از آنان با استفاده از شیوهٔ سمبولیک با تشدید بیان حاد و گزنده، حقایقی را عنوان می‌کنند که تأثیری عمیق در اذهان مردم به جای می‌گذارد.

مطالب نشریات مبین تصاویر هستند ولی به اقتضای فرم و خواست مضمون اثر، گاهی ویژگی خود را از دست داده[2] و پیام مستقلی می‌یابند.

تیپها هر یک سمبلهایی از قشری بخصوصند، که کیفیتی ملموس دارند.

به طور کلی تصاویر و کاریکاتورهای اولیه در ایران، ویژگیهای مشابهی دارند. در این آثار صرفاً به مظاهر زندگی به طور اعم توجه نشده، بلکه پرسوناژها و روابط آنها در اثر، از نظر درونی و روانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و اهمیت فردی هر کدام آشکار می‌گردد، و با ترکیب روابط آنها در اجتماع سعی می‌شود نتیجهٔ معینی به بیننده القاء شود.

در آثار از اکسپرسیونیسم بهرهٔ زیادی می‌برند و گاهی که لحن بیان غیرصریح و اشاره‌ای است، تحلیل و تفکر بیننده لازم می‌آید. چند سال بعد از دوران مشروطیت، با شروع جنگ جهانی اول هیاهوی نشریات هم فروکش می‌کند.

در بررسی مطبوعات ایران از این هنگام تا پیش از ۱۳۰۰ شمسی، دیگر از نشریات انتقادی ـ فکاهی ـ مصور قابل توجه دورهٔ مشروطیت اثری نمی‌بینیم و در تصاویر متفرق نشریات، تنها تقلید و تکرار آثار قبلی به چشم می‌خورد.

---

۱) محمدزمان نقاش قرن هفده (میلادی) ایران که به رم عزیمت کرده بود. بعد از بازگشت به ایران سبکی «نیمه فرنگی» را رایج ساخت و این شیوه سالها هنر درباری شد و صرفاً برای تزیین یا کشیدن شمایل درباریان مورد استفاده قرار گرفت. در قرن هجدهم بخصوص در زمان کریم‌خان زند (۱۷۵۲-۷۹) این شیوهٔ نقاشی رونق بسیاری یافت و شاه زندیه با جمع‌آوری گروهی از نقاشان. هنر آنها را با خصوصیات ذکر شده تشویق نمود و رواج داد. در زمان فتحعلیشاه قاجار (۱۷۹۷-۱۸۳۴) در اثر تشویق بیش از حد. این شیوه به اوج خود رسید و به «سبک نقاشی قاجاریه» معروف گردید.

۲) یکی از ویژگیهای طرح هجایی روزنامه‌ای، وابسته بودن مطلب به محتوای تصویر است. به طوری که اگر مطلب را بدون مشاهدهٔ تصویر مطالعه کنیم، مفهوم کامل پیدا می‌کند.

پس از پایان جنگ جهانی اول و باز شدن نسبی فضای سیاسی در ایران، بار دیگر نشریات گوناگون پا به عرصهٔ وجود می‌گذارند.

البته بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی به جز در روزنامهٔ انتقادی ـ مصور *ناهید*، تصاویر قابل ملاحظه‌ای در نشریات دیگر به چشم نمی‌خورد.

در تصاویر *ناهید* خطمشی ویژه‌ای دیده نمی‌شود، و این به سبب تأثیر سبک اروپایی که (کمال‌الملک بعد از سفرش به اروپا، در ایران رایج کرد) در شیوه‌های نقاشی متداول ایران، و از طرفی سعی نقاشان در تقلید از شیوهٔ طراحان روزنامهٔ *ملانصرالدین* و بالاخره دیدار و تأثیر گرفتن از کاریکاتورهای مطبوعات انگلیسی و فرانسوی است. بعد از شهریور ۱۳۲۰ که برخی مطبوعات با چهره و مرام سیاسی گوناگون منتشر می‌شوند و آثار متعددی از نقاشان و کاریکاتوریست‌ها در این نشریات به چاپ می‌رسد، چند کاریکاتوریست سرشناس این دوره، با تأثیرپذیری از کاریکاتورهای *ملانصرالدین* و نشریات اروپایی، آثار متعددی پدید می‌آورند. ولی همین هنرمندان پیش‌کسوت به تدریج شیوهٔ خاصی را پیدا می‌کنند که کاریکاتور متداول ایران بعد از سال ۱۳۲۵ می‌شود.

توفیق در رواج کاریکاتور نقش عمده و پیگیری بازی می‌کند و شیوهٔ رایج آن، خطمشی اکثر کاریکاتوریستهای مطبوعاتی ایران می‌گردد. توفیق اگرچه کاریکاتور را نشر می‌دهد، ولی با نزدیک کردن بیش از اندازهٔ فرم بیانی و مضمون کاریکاتور به سطح پسند عامهٔ مردم، طی سالهای طولانی باعث درجا زدن هنر کاریکاتور در ایران می‌شود.[1]

با نفوذ مدرن اروپا توسط عوامل داخلی و خارجی به ایران (در حالی که هنوز هنر تصویری ایران دارای هویت شناخته‌شده‌ای نیست) هنرمندان و نقاشان جوان به شیوه‌های نوگرایش زیادی نشان می‌دهند.

از طرفی نشر مطبوعات فکاهی کاریکاتور اروپا و امریکا حتی *کروکودیل* شوروی و *آق‌بابای* ترکیه در ایران، بر کاریکاتور متداول تأثیر می‌گذارد و در محافل هنری و مطبوعاتی بحثهایی در بارهٔ وضعیت کاریکاتور ایران بر می‌انگیزد.

عدم شناخت ماهیت کاریکاتور روزنامه‌ای و تأثیرپذیری مستقیم از طرحها و کاریکاتورهای مدرن اروپایی، باعث می‌شود که این هنر اصیل قبل از شناسایی و ارزیابی صحیح، کیفیت «هنری بازاری» را پیدا کرده و بیشتر مایهٔ امرار معاش طراحانی گردد که به فرم متداول کار می‌کنند.

برخی از کاریکاتوریست‌ها که طرز کار «مطبوعات‌پسند» ایران را رها کرده و در جستجوی شیوهٔ بیان آزادتری هستند، با توجه به فرم ظاهری آثار هنرمندان طراح اروپایی شروع به‌پدید آوردن آثار جدیدی در این زمینه می‌نمایند.

در بررسی ادامهٔ راه کاریکاتور مدرن در ایران می‌بینیم در مقابل طراحانی که با تجربه و زمینهٔ شناخت قبلی آگاهانه آثاری به وجود می‌آورند، اغلب طراحان معاصر ایران بدون تجربهٔ خصوصیات تکنیکی و درک کیفیت بیانی کاریکاتور، به بهانهٔ ذهن‌گرایی شخصیت خود را در پشت خطوط لرزان و ضعیف مخفی می‌سازند و برای شاخص شدن طرحها، اکثراً ظواهر صوری موتیف‌های سنتی ایرانی را برای بومی جلوه دادن اثر، مورد استفاده قرار می‌دهند.[2]

---

۱) حسن توفیق یکی از مسئولان مجله در مصاحبه‌ای با مؤلف پاسخ می‌دهد: «این به دلیل سیاست خاص مجله و اعتقاد ماست به اینکه وظیفهٔ مطبوعات نشر حقایق و روشن کردن اذهان عمومی است.»

۲) در بخشی از جلد دوم این کتاب که با عنوان «طراحان و کاریکاتوریست‌های نوگرای ایران» به چاپ خواهد رسید، ضمن بررسی و مقایسهٔ آثار طراحان ایران با منابع الهام و تقلید آنان، ارزیابی کاملی در این باره صورت گرفته است.

در این کتاب از اردشیر محصص تا طراحان و کاریکاتوریست‌های دیگر، تا سال ۱۳۵۷ ارزیابی می‌گردند.

طنز و کاریکاتور در ایران، ره‌آوردی از دوران مشروطیت

ماهیت و خصوصیات ویژهٔ هر ملتی طی قرنها، با وابستگی به شرایط خاص تاریخی و جغرافیایی و آداب و رسوم ملی ساخته می‌شود و انقلاب سیاسی و اجتماعی یک ملت نیز می‌تواند عامل عمده‌ای در دگرگونی، و سازندهٔ نسل تازه‌ای باشد تا با ارزش‌دادن به اعتقادات و تعلقات بومی خویش حیاتی نوین داشته باشند.

در این راه ادبیات و هنر، همزمان و متأثر از دورهٔ انقلاب مشروطیت ایران، در بازسازی نسل جدید کوشش بی‌دریغی می‌نمایند. و این روند سرآغازیست برای فعالیت مطبوعات در ایران.

ادبیات نوین ایران[1] با استفاده از زبان مردم و مطرح کردن مسائل همه‌گیر به آنها نزدیک شده و با آگاهی و شناختی که می‌دهد سعی در بیداری مردم می‌نماید. بدین ترتیب ادبیات رئالیستی و طنز در غالب مطبوعات ایران شروع به رشد و فعالیت نموده، و در این راه می‌بینیم که حتی هنر تصویری تغییری کلی می‌کند و هنرمندان نقاش در روزنامه‌ها آثار رئالیست، رئالیست انتقادی و کاریکاتور به وجود می‌آورند. تصاویر هجو و کاریکاتور در ایران با پیروی (و گاهی با تقلید صرف) از شیوهٔ آثار نقاشان **ملانصرالدین** شروع شده و چنانکه در این کتاب خواهید دید، شیوهٔ *ملانصرالدین* بیش از پنجاه سال تأثیری عمیق در کیفیت و تکنیک آثار کاریکاتور در ایران به جای می‌گذارد. در این کتاب «کاریکاتورهای روزنامه‌ای» ایران از بدو پیدایش تا سال ۱۳۵۰ شمسی اجمالاً بررسی می‌گردد؛ در این بررسی الزاماً باید اشارهٔ مختصری به وضعیت اجتماعی و سیاسی هر دوره داشت که منجر به فعالیت مطبوعات و (کاریکاتور) گردیده است.

---

۱) با تأثیرپذیری مستقیم از شیوهٔ رئالیستی ***ملانصرالدین*** و طنز انقلابی آن، نویسندگانی با کنار گذاشتن شیوهٔ نگارش پیچیدهٔ کلاسیک ایران، از پایگاه مطبوعات انقلابی شروع به نوشتن مقالات و سرودن اشعاری به‌زبان بسیار ساده و عامیانه کرده و بدین ترتیب رابطه مستقیم با مردم برقرار نمودند. طنز، که از حربه‌های مبارزهٔ مطبوعات ایران شد مولود این دوران است. (میرزا علی‌اکبر دهخدا مشهورترین نمونهٔ این نویسندگان است که مستقیماً از شعر علی‌اکبر صابر و نثر جلیل محمدقلی‌زاده نویسندگان نشریهٔ *ملانصرالدین* تأثیر پذیرفته و حتی در نشریهٔ انقلابی خود آثاری از آنان را به فارسی ترجمه نموده است. شیوهٔ دهخدا تا به امروز در مطبوعات ایران انعکاس دارد.)



تصویر ۱ـ خواب غفلت

ای که در تابوت سنگی قرنها خوابیده‌ای
بی‌خبر از سال کهنه بی‌خبر از سال نو
روز حشراست، آفتاب‌ازباخترسر می‌زند
ای رفیق مومیایی لحظه‌ای بیدار شو[1]

---

۱) بخشی از شعر «خواب غفلت» اثر حبیب ساهر شاعر معاصر ایران.

اوایل سال ۱۳۲۳ قمری، محلهٔ «شیطان بازار» تفلیس پر از کاسبکاران و معامله‌گران ایرانی است.[1]

بسیاری از مردم بیکار و بلازده‌اند و بازار کاسبکاران و صنعتگران کساد و بی‌رونق است. ایران هنوز یک مملکت عقب‌افتادهٔ زراعتی است.

زارعان علاوه بر تحمل مشقت‌بار زندگی نابسامان و تأمین معاش اربابان، با انواع آفتها و امراض و احیاناً خشکسالی دست به گریبانند و اگر در پاییز محصولی باشد، محصولی است که کیسه‌های خالی بسیاری را باید پر کند.

عدم تأمین زندگی مردم را وا می‌دارد که گروه‌گروه به مناطق مختلف دوردست برای تأمین معاش مهاجرت کنند.[2]



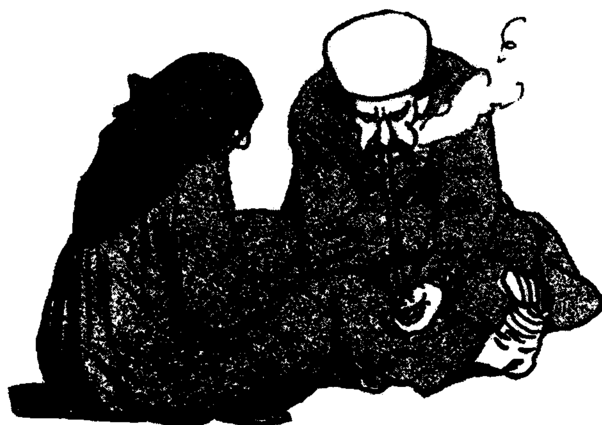
تصویر ۲ـ محلهٔ شیطان بازار

۱) در آن سالها مرزی بین ایران و قفقاز که رفت و آمد مردم را کنترل کند وجود نداشت.

۲) اکثر کارگران و دهقانان آذربایجانی به قفقاز مهاجرت می‌کردند، مثلاً معادن نفت باکو پر از کارگران ایرانی بود. گذشته از این افراد، خیل کاسبکاران و بازرگانان به آن طرف مرز سرازیر می‌شدند.



تصویر ۳



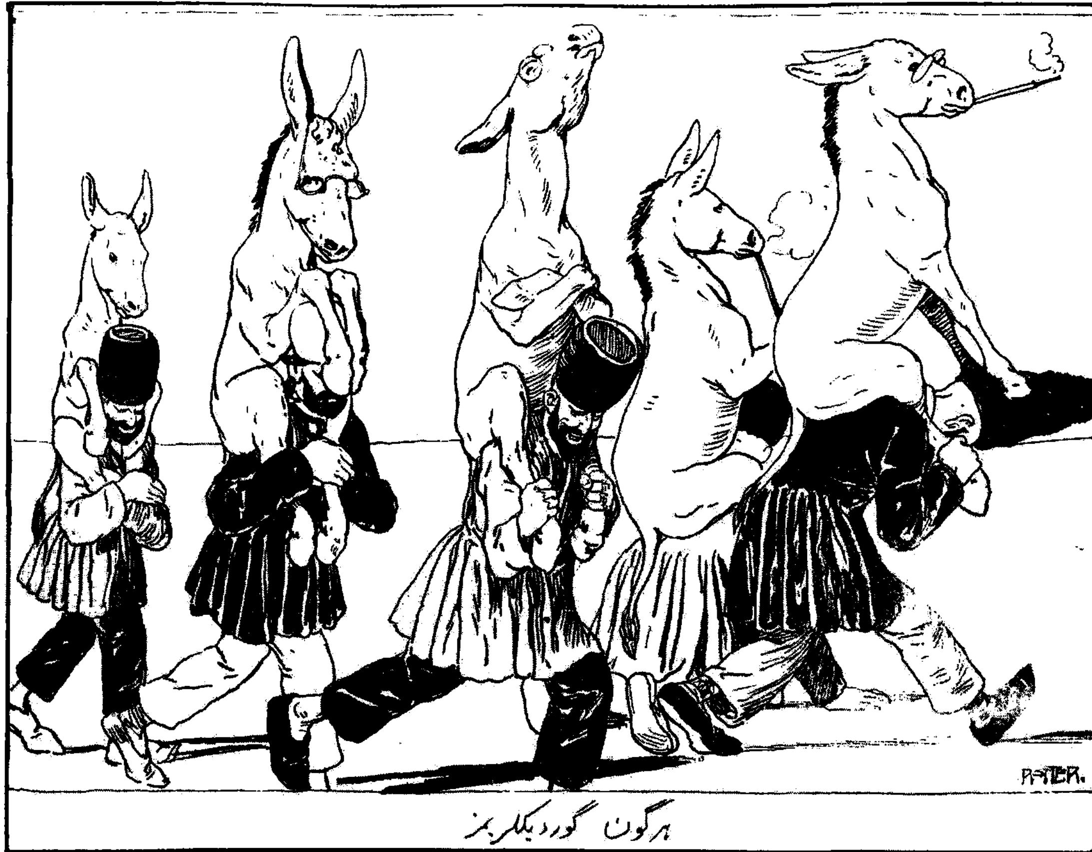
تصویر ۵ـزن خدارو شکر کن و دلتنگ نباش، روی پیشونی آدم هرچه نوشته همان خواهد شد....



تصویر ۴

نابسامانیهای زندگی و اطمینان مردم به بی‌ارزش بودن آن، هرگونه تفکر دربارهٔ شناخت انگیزه‌های حیاتشان را از آنان سلب نموده، همگان معتقد به قدرت خرافات بودند، با عدم اعتماد به مظاهر پیشرفته و دلبستگی خاص به آینده‌ای روشن.

طبقهٔ حاکمه (فئودال‌ها، خانها و عوامل دولت قاجار) مسلط بر تمامی شئونات زندگی و سرنوشت ملت است.



تصویر ۶ـ مناظر روزمره

ملت زیر فشار حکام و فئودال‌ها به سختی روزگار می‌گذرانند، اما همچنان در خواب غفلت به سر برده و در برابر حوادث و تغییرات منفی زندگی تسلیم هستند، و در عین حال در مقابل تغییرات مثبت نیز مقاومت به خرج می‌دهند.

شروع و انگیزهٔ بیداری مردم در ایران، منتج از وضعیت خاص سیاسی و اقتصادی است که ایجاد گردیده.[1]

در همین زمان است که *ملانصرالدین* ظهور می‌کند و به کمک برادران مسلمان می‌آید. انتشار روزنامهٔ *ملانصرالدین* یک اتفاق مهم در منطقه است. نشریه‌ای که مقالات، اشعار و تصاویرش سازنده و در بر دارندهٔ هدفی انسانی است.

ملانصرالدین بزّنده‌ترین حربه را انتخاب کرده و از شیوهٔ جدید در ادبیات و هنر یعنی «طنز رئالیستی» در قالب مقالات، اشعار و تصاویرش با آگاهی و قدرت استفاده می‌نماید. وی دشمن جهل و موهوماتی است که سالیان سال به مردم تحمیل شده و مانع رشد فکری و اجتماعی آنان گردیده است. آثارش همچون آینه‌ای تمام‌نما، معایب و زشتی‌ها و کج‌فکریهای مردم را به آنها نشان می‌دهد:

«برادران، وقتی که روزنامه را به دست دارید و قاه‌قاه خنده‌تان به آسمان رفته و چشمان اشک‌آلودتان را به جای دستمال با دامن پیراهنتان پاک می‌کنید و "لعنت بر شیطان" می‌گویید، در آن حال اگر می‌خواهید بدانید که به چه کسی می‌خندید، آینه‌ای به دست بگیرید و سیمای مبارک خود را در آن ببینید...» (نقل از *ملانصرالدین*)

نشریهٔ *ملانصرالدین* نه‌تنها در سراسر قفقاز و ترکیه و آذربایجان و ایران، بلکه در دوردستها، هندوستان و... نیز پخش می‌شود.

---

۱) دولت روس از حکومت قاجار پشتیبانی می‌کرد، و دولت ایران که شدیداً تحت تأثیر تزاریسم روسیه بود، با قدرت عاریه‌ای بر مردم حکمرانی کرده، و از طرفی راه نفوذ و پیاده شدن سیاستها و آمال انگلیس را باز نگه داشته بود. روسیه پس از شکست از ژاپن متشنج گشت و موج عظیم افکار و عقاید انقلابی سراسر آن را فرا گرفته بود. قفقاز پر از آزادیخواهان و انقلابیون شد و از همین طریق افکار آزادیخواهانه به ایران نفوذ می‌کرد.

هر جنبشی می‌توانست شروعی باشد؛ در تبریز و تهران مردم اقداماتی علیه دولت قاجار صورت داده و به عناوین مختلف در اعتراض خود اصرار نمودند. بسیاری از مردم در اماکن مذهبی و تحت رهبری روحانیان بست نشستند.



تصویر ۷ـ مدنیت



تصویر ۸

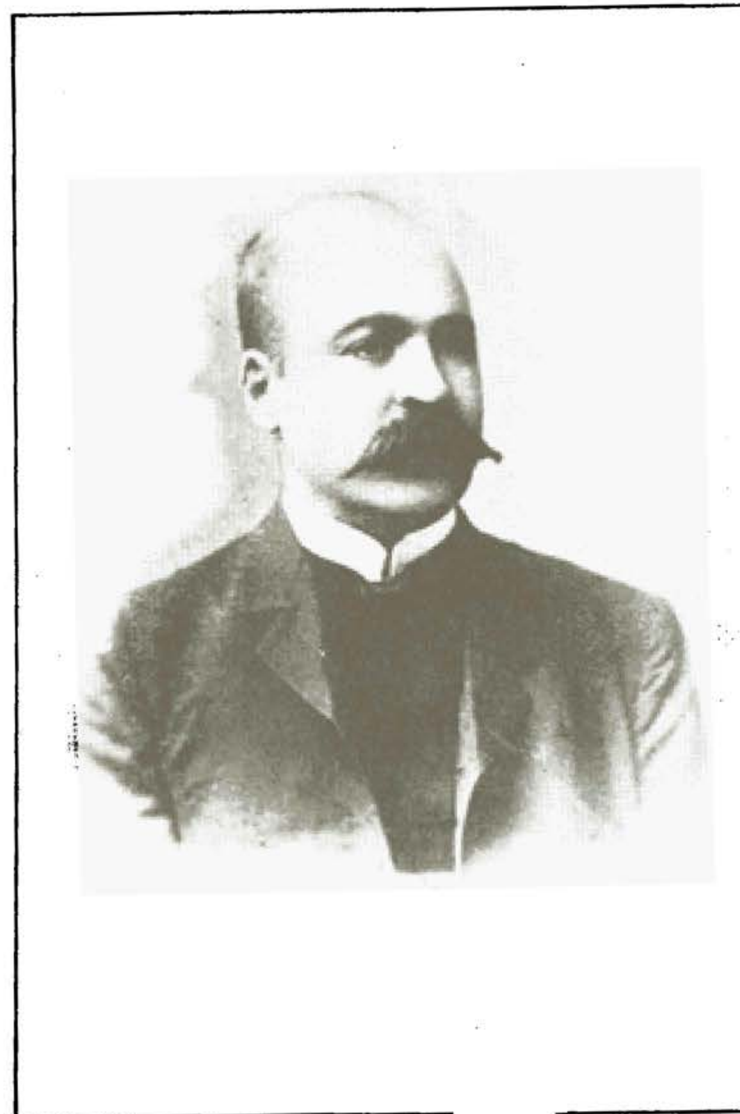
جلیل محمدقلی‌زاده[1] معلمی که سالها در مدارس محلی قفقاز تدریس کرده، بنیانگذار نشریه است.

۱) میرزا جلیل محمدقلی‌زاده (۱۹۳۲-۱۸۶۹) نویسنده و مؤسس *ملانصرالدین* گرچه در ولایت نخجوان متولد شد ولی اجداد وی ایرانی و اهل خوی بودند، و در لوایل قرن نوزدهم میلادی به قفقاز مهاجرت کرده و در نخجوان مقیم شده بودند. میرزا جلیل در شرح حالش به ایرانی بودن پدرانش افتخار می‌کند.

میرزا جلیل فعالیت نویسندگی خود را با نوشتن: «صندوق پست»، «استاد زینال»، «جوانان ره داناباش» آغاز کرد (این آثار به شیوهٔ رئالیست انتقادی و طنز نوشته شده) و فعالیت مطبوعاتی خود را با نوشتن در روزنامهٔ *شرق روس* شروع نمود (این روزنامه که با همت «محمدآقا شاه تختی» انتشار می‌یافت از روزنامه‌های مبارز قبل از انقلاب روسیه بود و یکی از عواملی بود که میرزا جلیل را به فکر تأسیس *ملانصرالدین* انداخت).

از محمدقلی‌زاده آثار باارزشی چون «کمدی مردگان»، «اجتماع دیوانگان»، «آزادی در ایران» و «قربانعلی بیگ» باقی مانده است.

(این عکس اوریژینال که در اختیار خانوادهٔ جلیل محمدقلی‌زاده در تهران بود توسط دوستی به منظور استفاده در متن کتاب ارائه شد.)



تصویر ۹

در این دورهٔ تاریک که جهل و خرافات بیداد می‌کند *ملانصرالدین* در حقیقت «چوب در لانهٔ زنبور» کرده است.[1] انتشار و نفوذ این روزنامه با تصاویری که روح و زندگی غربی در آن موج می‌زند، موجب فراهم ساختن انگیزه‌های مثبت و ایجاد زمینه‌های وسیع در اذهان شده است.



تصویر ۱۰

۱) هیئت حاکمهٔ ایران به عناوین مختلف از ورود روزنامه به ایران جلوگیری می‌کرد. محمدعلی‌شاه دستور ضبط روزنامه ملانصرالدین را در گمرک جلفا داده بود.

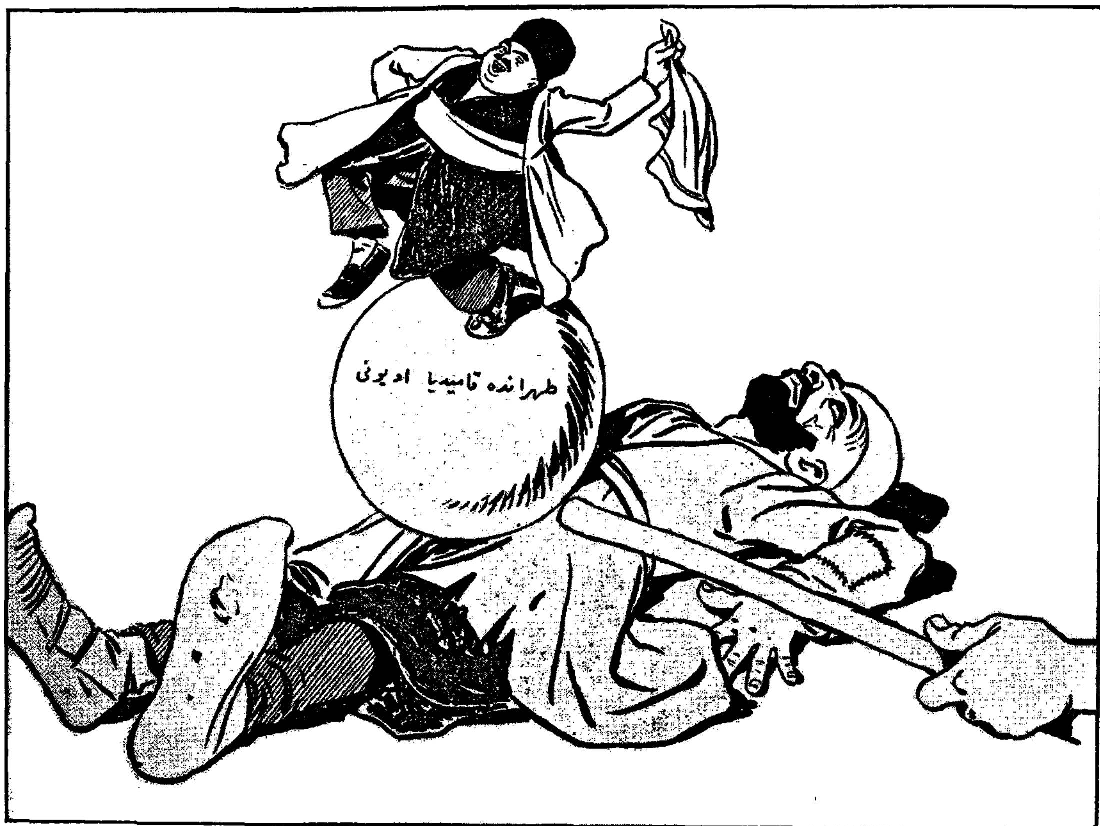
هنرمندان نقاشی که از بدو انتشار با *ملانصرالدین* همکاری می‌کنند[1]، به یاری محمد قلی‌زاده با فکری کاوشگر آیینه‌ای روشن برای انعکاس مظاهر کلی جامعه هستند. در تصاویر آنها تضادها نشان داده می‌شود، پرده‌ها بالا می‌رود و ایشان با نمایان ساختن چهره‌های زشت زندگی، اندیشهٔ یک زندگی انسانی را در ذهن مردم بیدار می‌کنند.

این دو کاریکاتوریست در قالب تکنیکی قوی، آثاری با محتوای قابل توجه عرضه می‌کنند. این آثار ما را با خود به درون جامعه‌ای می‌کشاند که در مجموع به خوبی نمایش داده می‌شود.



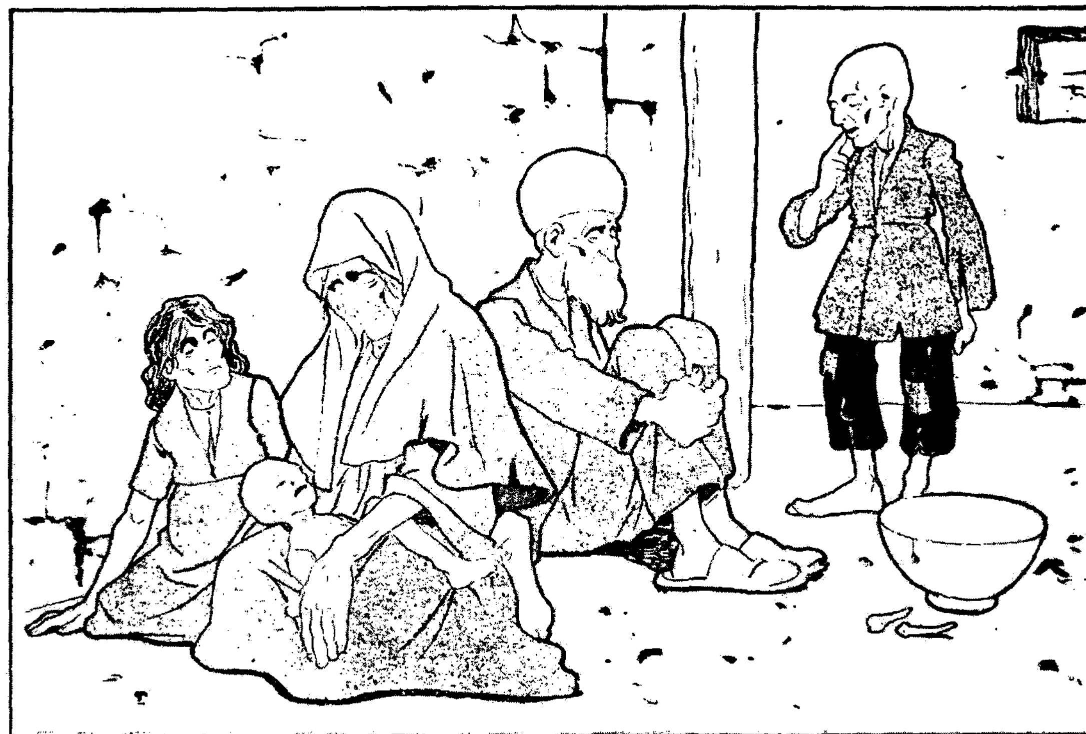
تصویر ۱۱

۱) شلینگ (Sheling) اولین آثار را در *ملانصرالدین* خلق می‌کند. و پس از مدتی کوتاه روتر (Rotter) با خصوصیات تکنیکی مشابه درکنار وی شروع به کار می‌نماید. اجداد آلمانی این دو هنرمند به روسیه و سپس به قفقاز مهاجرت می‌کنند و شلینگ و روتر با وجود نام آلمانیشان، زاده و پرورش‌یافتهٔ محیطی هستند که آن را به تصویر می‌کشند و آشنایی کامل با محیط خلاقیت خود دارند. که مشابهت بسیار با اوضاع اجتماعی و وضع زندگی مردم ایران در همان زمان دارد



تصویر ۱۲ـ نقاشان واقعیت‌ها را به‌زبان سادهٔ تصویری ولی به‌طور کامل بیان می‌کنند

نقاشان از وقایع سیاسی و اجتماعی ایران تصاویر جانداری تهیه و واقعیات پشت پرده را عیان می‌سازند.



تصویر ۱۳ـ پدر می‌گویند در دنیا آدم‌هایی هم هستند که هر روز گوشت می‌خورند، درست است؟[1]

۱) «داداش، دییرلر دنیاده ایله آداملار وار که هر گون اَت یییرلر. دوغری درمی؟»

و در همین هنگام است که پیگیری مبارزه و اقدامات مردم در تهران به پیروزی می‌انجامد[1] و شاه قاجار فرمان مشروطیت را امضاء می‌کند. البته انتخاب نمایندگان هنوز از کمبود شناخت سیاسی مردم و شتابزدگی حکایت می‌کند.[2]

ماهیت *ملانصرالدین*[3] و مبارزات آن، ظهور و رشد مطبوعات را فزونی داده و مطبوعات هرکدام به نحوی در بیداری مردم کوشش می‌نمایند.



تصویر ۱۴

۱) بسیاری از مردم در تهران در سفارت انگلیس بست نشستند، عدهٔ دیگری به قم و اماکن مذهبی رفته و به عناوین مختلف اعتراض خود را آشکار ساختند. مظفرالدین شاه در جمادی‌الآخر ۱۳۲۴ قمری فرمان مشروطیت را امضاء کرده و در دوران حیات او مجلس یکم شورای ملی ۵ ماه فعالیت می‌کند. و پس از مظفرالدین شاه پسرش محمدعلی میرزا که ولیعهد و در تبریز مقیم بوده به پایتخت آمده و به جای پدرش به تخت می‌نشیند.

۲) اکثر نمایندگان انتخاب‌شده، عوامل دولت و تجار بودند و شناختی از سیاست و مملکت‌داری نداشتند.

۳) این روزنامه بیشتر از همه در افکار و اعمال «مجاهدین» زمان مشروطه مؤثر افتاد و پدیدار شدن دهها روزنامه، و دنبال کردن هدف *ملانصرالدین* به روشنی این مطلب را روشن می‌سازد.

نشریات بسیاری ضمن توافق با ماهیت کلی *ملانصرالدین* تحت نفوذ شیوه‌اش قرار گرفتند، این تأثیر در کاریکاتور ایران سالهای سال ادامه می‌یابد و گاهی منجر به تقلید صرف می‌شود.



تصویر ۱۵ـکباب پزی ملت



تصویر ۱۶ـدر این پرده بعضی اشیاء عتیقه پنهان می‌باشد، با مرور زمان درویش نحیف قصیده خوانده از پردهٔ تماشاها به‌قارئین خواهد داد.

اولین روزنامهٔ انتقادی ـ فکاهی مصور چاپ شده در ایران

در تبریز نشریه‌ای با ماهیتی متأثر از *ملانصرالدین* به نام *آذربایجان* به همت میرزا آقابلوری[1] شروع بـه انـتشار می‌نماید.

این روزنامه در بحبوحهٔ حوادث سیاسی[2] ایران بـا دشواری و سرسختی به انتشار خـود ادامـه مـی‌دهد و پـایگاه مـجاهدینی است کـه سرمایهٔ خـود را وقـف مبارزه‌ای چنین نموده‌اند.[3]

آذربایجان از شـماره‌های نـخست، پـرده‌ها را کـنار می‌زند، و واقعیتهای اجـتماعی را بـا مـقالات، اشـعار طنزآلود و تصاویر هجوآمیز آشکار می‌سازد.

مطالب روزنامهٔ آذربایجان تـنها اشـاره و انـتقاد از نقاط ضعف نیست، بلکه در قـالب مـضامین سـادهٔ آن تلاشی برای نشان دادن نحوهٔ غلبه بر مشکلاتِ مـطرح شده نیز به چشم می‌خورد.

برای تداوم انتشار نشریه، مشکلات بسیار و جدی است؛ مشروطیت و پیش آمدن عصر نوین سـیاسی و فرهنگی و مهمتر از همه عدم پذیرش آن از طرف مردم عادی، مشکلی است که در هر لحظه رخ می‌نماید.

اگر از جهات بعضیها خصومتی آشـکـار نـمی‌گردد، دست کم بی‌اعتنایی اکثر آنها موجب ایجاد عدم ارتباط کامل بین بانیان روزنامه و مردم عادی می‌گردد.

آذربایجان سعی می‌کند با زبانی ساده با مردم گفتگو کند، به آنها هشدار دهد و تضادها و مسایلی را کـه در نتیجهٔ عدم توجه کافی و شتابزدگی از دیده‌ها پنهان مانده مطرح نماید.

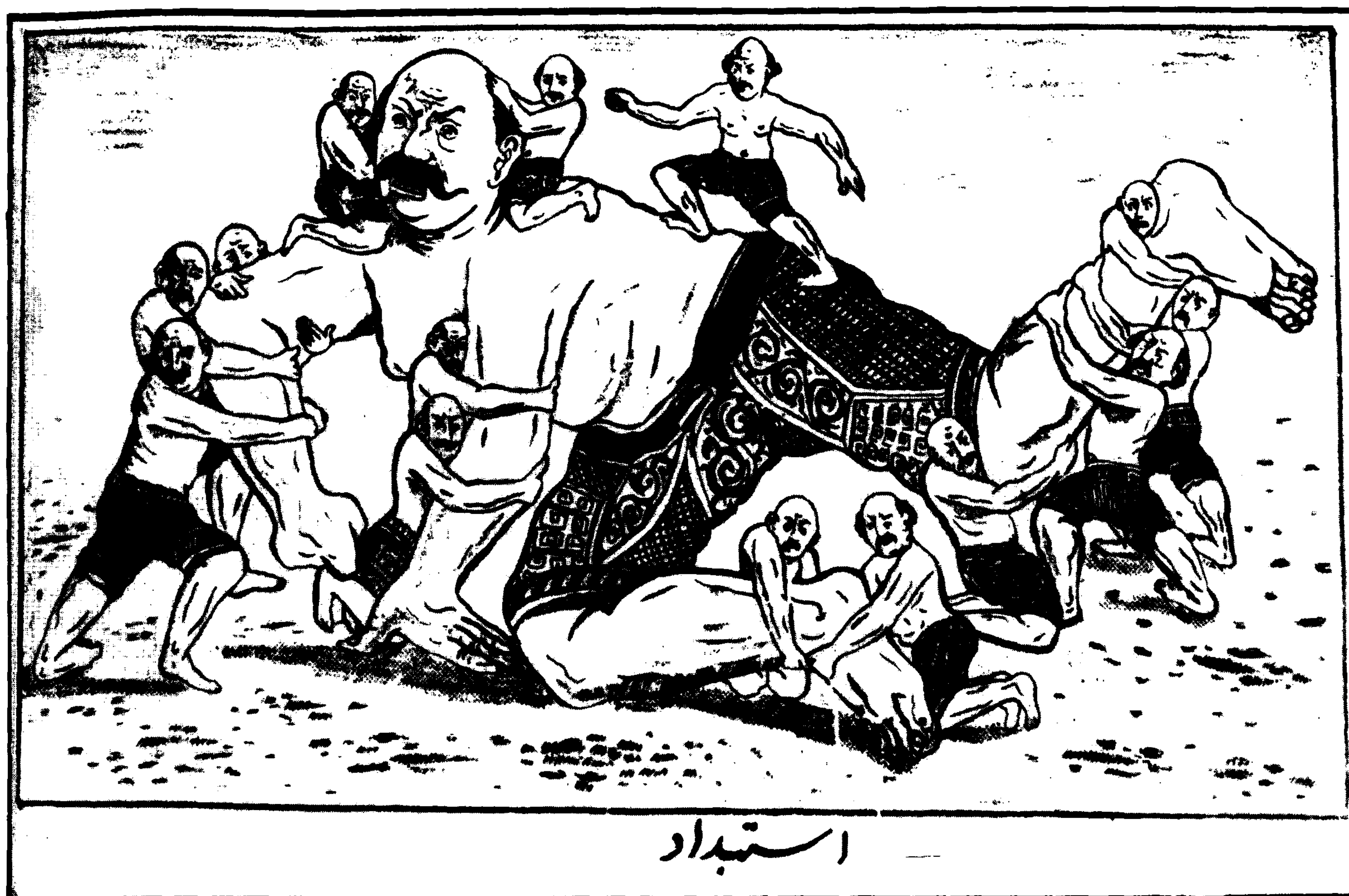
---

۱) *آذربایجان* نخستین نشریهٔ انتقادی ـ فکاهی مصور ایران، یک سـال پس از انـتشار *مـلانصرالدیـن*، در تـبریز تـوسط بـازرگان ترقیخواهی به نام حاج میرزا آقابلوری شروع به انتشار بـه زبـان فارسی و ترکی نمود. هنگامی که محمدعلی میرزا از تبریز روانهٔ تهران می‌شد، حاج‌میرزا آقـابلوری چـاپخانهٔ او را خـریده، ابـتدا مکتوبات آزادیخواهان را با آن چاپ مـی‌نمود و سـپس مـطالب روزنامهٔ *آذربایجان* در آن به طبع می‌رسید. این نـخستین نشـریهٔ چاپ‌شده با حروف سربی در ایران است، و تـصاویر آن نـیز بـه طـریق لیـتوگرافی مـی‌باشد. مـطالب نشـریه را مـیرزا عـلی‌قلی صـفراوف مـی‌نوشت. ایـن نشـریه هـر هـفته یک شـماره مـنتشر می‌شد، و مجموعاً ۲۰ شـماره از چاپ در آمد. این نشریه کـه در آغاز مشروطیت شروع به انتشار کرد حاوی ۸ صـفحه رنگی بـه ترکی و فارسی بود که معمولاً ۲ صفحهٔ آخر به زبان ترکی نوشته می‌شد.

تـاریخ انـتشار اولیـن شـمارهٔ *آذربـایجان* ۶ مـحرم ۱۳۲۵ و بیستمین شماره ۶ شوال ۱۳۲۵ قمری است.

۲) محمدعلی‌شاه که از دخـالت مـجلس شـورای مـلی در امـور مملکت خوشنود نبود و حیطهٔ قدرت و اختیاراتش را ضعیف‌شده می‌دید، به منظور برقرار کردن مجدد استبداد تدارکـاتی دیـد، از جمله اتابک «امین‌السلطان» را دوباره به ایران آورده و بر مسـند صدارت نشاند.

۳) در این جنبش آزادی، بازرگانان ایران از پیشاهنگان بودند، بـه ویژه در آذربایجان که می‌توان گفت بنیاد مشروطیت با پول اینان گذارده شد. (کـسروی، *تاریخ هجده‌ساله آذربایجان*).



تصویر ۱۷ـ استبداد

تصاویر این نشریه را حسن محمدزاده می‌کشد.

محمدزاده[1] خالق تصاویر *آذربایجان* ـ دیگر تصویرساز افسانه‌ها نیست[2]. او به یاری نویسندهٔ نشریه[3] با پرداختی دیگر، واقعیتهای ملموس اجتماعش را تصویر کرده، و با اعتقاد صمیمانه‌ای به‌طور پیگیر این راه را دنبال می‌کند.



تصویر ۱۸ـآهای، آهای، ای صاحب رمه، گوسفندانت را گرگها تلف کردند.

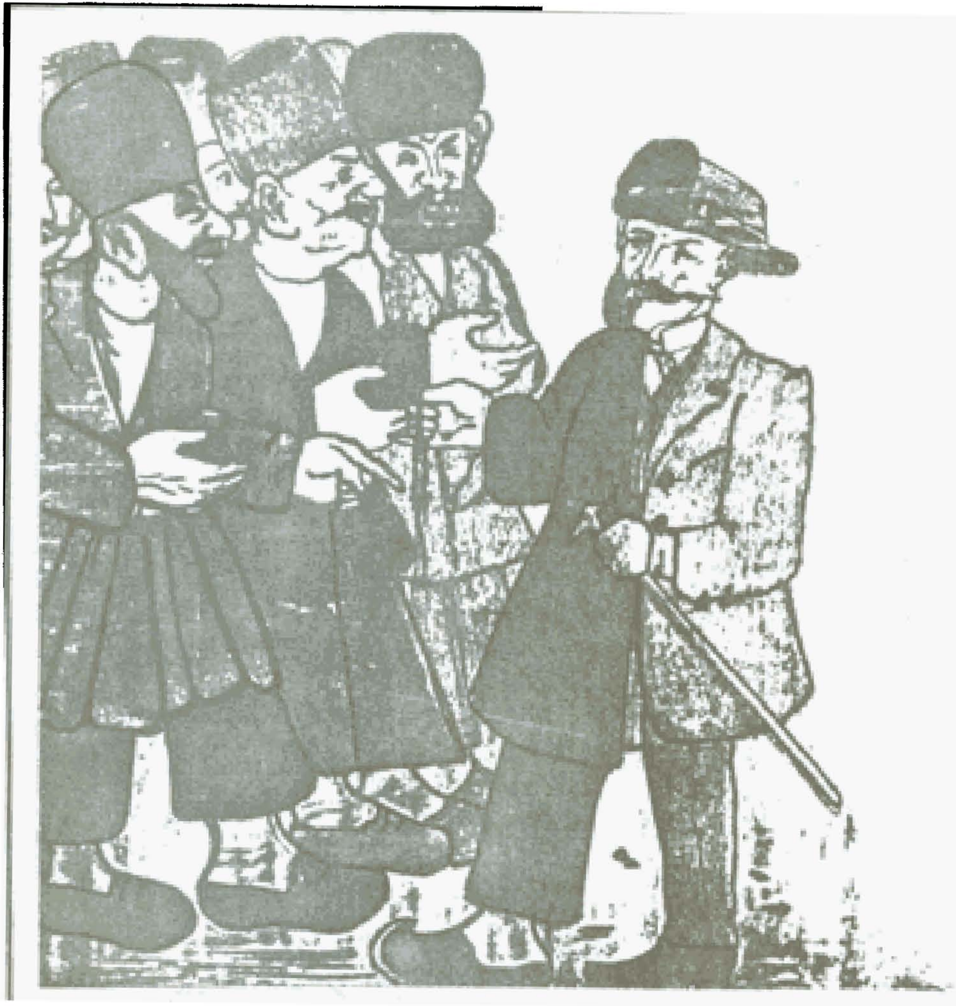
۱) حسن محمدزاده، نقاش قهوه‌خانه‌های محلهٔ «نوبر» تبریز (۱۳۵۴ـ۱۲۹۰ قمری).

۲) حسن محمدزاده مانند عمویش که نقاش «پرده‌ساز» بود. سالها روایات مذهبی و افسانه‌های عامیانه را با شیوهٔ نقاشی «قهوه‌خانه‌ای» تصور می‌کرد.

۳) علیقلی صفراوف. نویسنده‌ای است که فعالیتهای زیاد و مثبتی در نشریات گوناگون داشت.

در اواخر فعالیت این نشریه محیط متشنج شده[1] و روزنامهٔ *آذربایجان* با دشواری به انتشار ادامه می‌دهد، و سرانجام در اوایل سال ۱۳۲۶ قمری پس از سوء قصد به‌جان محمدعلی شاه تعطیل می‌گردد.

حاج میرزا بلوری با ایمان صمیمانه‌ای مبارزهٔ خود را از طریق مطبوعات ادامه داده و پس از تعطیل شدن *آذربایجان*، *حشرات‌الارض*[2] را جایگزین آن می‌سازد.



تصویر ۱۹

۱) عباس‌آقا تبریزی اتابک اعظم را در تهران ترور کرد (۲۱ رجب ۱۳۲۵ قمری) و همان روز دولتین روس و انگلیس با امضاء قراردادی ایران را به دلخواه به دو قسمت تقسیم نمودند.

۲) *حشرات‌الارض* از تاریخ ۱۸ صفر ۱۳۲۶ قمری به طور هفتگی منتشر می‌شد و شیوهٔ نگارش آن مورد توجه مطبوعات آن زمان قرار گرفت، چنان که *صور اسرافیل* در شمارهٔ ۳۶، ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری نوشت:

«مشترکین عظام را به طلوع کوکبی سعد از افق آذربایجان به نام روزنامهٔ *حشرات‌الارض* مژده می‌دهیم و اقبال به این بخت مقبل را به همهٔ هواداران صور با تمام دل توصیه می‌نماییم، چه این روزنامه که اینک هفته‌ای یک بار طبع می‌شود یکی از تحفه‌های دورهٔ جدید تاریخ ما و بهترین زمینه و محرک صفات حسنه و اخلاق نیک است. کمتر روزنامه‌ای تا به حال از حیث نظم و نثر دارای اینقدر عذوبت کلام و شیرینی ادا بوده. گذشته از اینکه روزنامهٔ مزبور حاوی خیلی از دقایق و شامل بسی از حقایق است، به صورتهای رنگین مصور می‌باشد و در تصویر همین صور، آن ذوق و سلیقه به کار می‌رود که در نظم و نثر آن به عمل می‌آید.»

حشرات‌الارض

حشرات‌الارض در حقیقت نخستین نشریهٔ فکاهی مصوّری است که به سبک و شیوهٔ *ملانصرالدین* اما با خصوصیات ویژهٔ خود، در ایران منتشر می‌گردد. این نشریه در قالب مطالب[1] و تصاویرش[2]، دارای طنزی گزنده است که از جهات مختلف سعی در بیداری مردم می‌نماید.

مقالات و اشعار طنزآمیز از زبان «غفار وکیل» دیوانه‌نمای مشهور تبریز نقل می‌گردد. او در قالب کلماتی ساده با مردم و گاهی با خود گفتگو می‌کند و در تصاویر و کاریکاتورهای *حشرات‌الارض* به صورت شاهدی، ناظر بر صحنه‌های گوناگونی است که به مردم می‌نمایاند.



تصویر ۲۰ـ ای حیوان بی‌ادب، اینجا باغ ملت است چرا اینقدر خرابکاری می‌کنی

ـ به من چه، من دلم انگور می‌خواهد.

---

۱) مطالب *حشرات‌الارض* را میرزا آقا ملقب به «نالهٔ ملت» می‌نوشت.

۲) تصاویر *حشرات‌الارض* را طراح و نقاش نشریهٔ آذربایجان می‌کشید. تصاویر رنگی و لیتوگرافی بوده و در صفحات اول و چهارم (روی جلد و پشت جلد) چاپ می‌گردید.

انتشار *حشرات‌الارض* بعد از سیزدهمین شماره متوقف می‌گردد[1] و این به سبب واقعهٔ سیاسی حادی است که در ایران اتفاق می‌افتد.[2]

در این زمان تنها *ملانصرالدین* است که همچنان از آن سوی مرز به حیات خود ادامه می‌دهد[3] و حوادث ایران را منعکس و تجزیه و تحلیل می‌نماید، و نوید پیروزی را به مبارزین می‌دهد.



تصویر ۲۱ـ در مقابل اژدها من گاو هستم اما در نگهداری این گونه مجلس‌ها اژدها[4]

---

۱) سیزدهمین شمارهٔ *حشرات‌الارض* در ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری منتشر گردید. در ۲۲ شوال همان سال شمارهٔ دیگری از این نشریه چاپ شده و سپس دوباره تعطیل گشت. پانزدهمین شمارهٔ آن نیز در ۲۱ محرم سال ۱۳۲۹ چاپ شد که آخرین شماره بود.

۲) به توپ بسته‌شدن مجلس در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری (با توافق محمدعلیشاه و دولت روسیه، قزاق‌ها به فرماندهی سرهنگ لیاخوف مجلس و مسجد سپه‌سالار را محاصره کرده و به توپ بستند.)

۳) با شروع جنگ جهانی اول (اواخر ۱۹۱۴ میلادی) *ملانصرالدین* تا سال ۱۹۲۱ به ایران می‌آید. قلی‌زاده در تبریز شروع به انتشار *ملانصرالدین* می‌نماید اما بعد از مدت کوتاهی، انبوه مخالفان قبلی او دست به تفتین زده و بنابراین نشریه با دشواری بسیار به حیات خود ادامه می‌داده. بالاخره پس از هشتمین شماره تعطیل شده و قلی‌زاده با تأسف بسیار راهی تفلیس می‌شود و بعد از مدتی دفتر *ملانصرالدین* را در باکو مستقر می‌کند و *ملانصرالدین* تا آخرین شماره‌اش در همانجا منتشر می‌گردد.

۴) متن اصلی: «اژدها لر یاننده، من اوکوزم، اما بیله مجلس لری الده ساخلاماقه اژدهایم».

مبارزات مردم، به طور همه‌جانبه مجدداً با هدف کسب پیروزی ادامه می‌یابد.[1] بیداری مردم و گرایش آنها به رهایی از استبداد به تدریج نقش مشخصی پیدا می‌کند و چنانچه مشاهده کردیم مطبوعات به عنوان یکی از پایگاههای مؤثر مبارزاتی در شکل دادن به ماهیت گرایش مردم در قالب مقالات و تصاویر، نقش مهمی را دارا بودند.



تصویر ۲۲ـ محمد علی شاه خشمناک از سوء قصد به‌فکر انتقام‌جویی می افتد. این تصویر ملانصرالدین در حقیقت پیش‌بینی عکس‌العمل شاه است.

۱) چنان که دیدیم، این مبارزات بی‌دریغ به علت کافی نبودن سطح آگاهی سیاسی مردم نتایج مثبت قابل توجهی به بار نیاورد.



تصویر ۲۳ـ حراج

تـصاویر دوران مشـروطیت یـا صـفحات راستین تاریخ

تعابیری که تصاویر و کـاریکاتورهای ایـن دوره، از جهات مختلف به ما می‌دهند، تمثیلی است از رویدادها و نمودهای این دوره.

البته بعضی از وقایع طرح شده در تصاویر، مختص این دوره بوده و در زمان دیگر مفهومی پیدا نـمی‌کند.، ولی این وقایع ضبط شده صفحات جـاندار دوره‌ای از حیات یک ملت است. «تصاویری» کـه در زمـان خـود نقشی تعیین‌کننده در آگاهی یافتن مردم داشته و به تعداد زیادی از مردم عامه علیرغم شـناسایی مـحدودشان از جـامعه، مـناسبات اجـتماعی و سـیاست از طـریق انگیزه‌های مـعقول و مـنطقی کـه در قـالبهای مـختلف تصاویر و کاریکاتورها منعکس شده، شناخت می‌دهند.



تصویر ۲۴

تحلیل تصاویر و آثار کاریکاتور:

(نشریات دوران مشروطیت)

نقش «سمبل» در تصاویر:

ملانصرالدین «ملاعمو» پیرمرد فرزانه را به عنوان سمبل خود انتخاب کرده و اوست که در بیشتر صحنه‌های تصاویر نظاره‌گر حوادث و رویدادهاست.

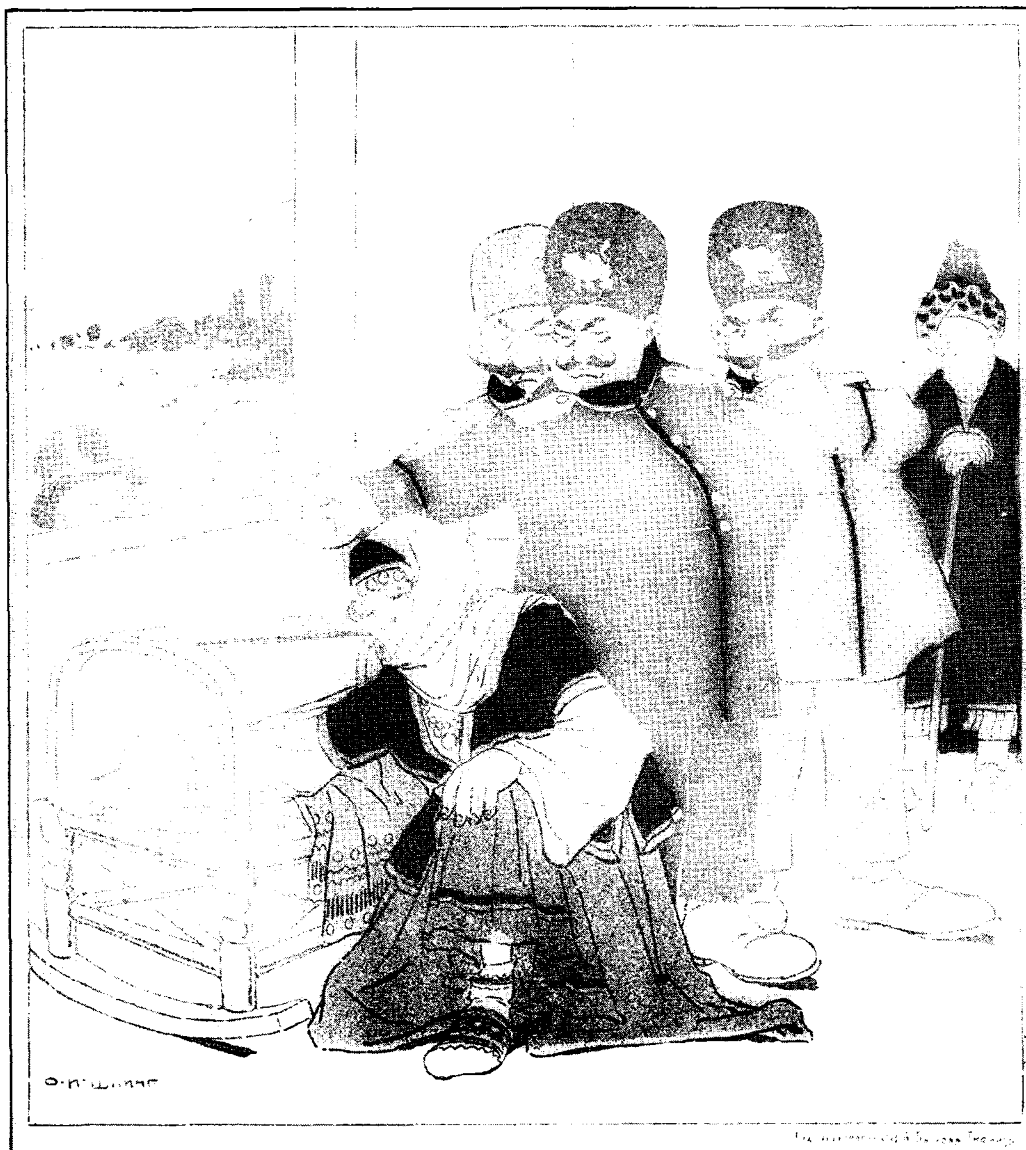
او را در مکانهای مختلف با حالات متفاوت می‌بینیم. «ملاعمو» تحت تأثیر صحنه‌ها قرار گرفته و چهره‌اش نمایانگر حالات درونی اوست.



تصویر ۲۵

در این تصویر علاوه بر «ملاعمو»، نقاش، پنج سمبل دیگر را برای بیان مضمون اثر برگزیده است: مجلس ملی که به صورت طفل نوزادی است، ایران، عوامل دولت قاجار، روس و انگلیس.

دو تصویر اخیر اثر شلینگ است.



تصویر ۲۶

سمبل *آذربایجان*:

سمبل *آذربایجان* سعی می‌کند پا بر جای پای «ملاعمو»ی ملانصر*الدین* گذاشته و کیفیت واقعی چهره‌ها و نمودهای اجتماعی را آشکار سازد.

او به اندازهٔ «ملاعمو» کنجکاو نیست و اصولاً وضعیت نقش او گاهی شخصیت دیگری به خود می‌گیرد.



تصویر ۲۷ـ میرزاآغاسی[1] با ملاعمو گفتگو می‌کند و ملا از او می‌خواهد که پرده را کنار بزنند، میرزا پرده را کنار زده و از پشت آن تماشاها به‌مردم می‌دهد.

۱) میرزا آغاسی معلم محمدشاه قاجار، روحانی ساده‌دلی بود که بعداً به صدارت رسید.



تصویر ۲۹-

شب وصل است و با دلبر مرا لب برلب است امشب
چو شبهای دگر کارم نه یارب یارب است امشب
شب وصل است با لیلی به خلوت گفتگو دارم
ملک از عرش می‌گوید که احسن احسن است امشب

سمبل حشرات‌الارض:

«غفار وکیل» دیوانه‌ای که در تبریز زندگی می‌کند، «بهلولی» است که کلاه شیپوری بر سر گذاشته و در حشرات‌الارض ظاهر می‌شود.



تصویر ۳۰

حسن محمدزاده نقاش *آذربایجان* در *حشرات‌الارض* با طرح و پرداختی ساده و تکنیکی بهتر (بهتر از آثاری که در *آذربایجان* داشت) به کار خود در این نشریه ادامه می‌دهد.

حشرات‌الارض با طنز خاص خود در قالب مطالب و تصاویر سخن می‌راند و وقایع را توجیه می‌کند.

چهره‌های حشرات و حیوانات سمبل دیگری است که *حشرات‌الارض* بهرهٔ فراوان از آن می‌برد و شخصیت و ماهیت هر فردی را با مبدل ساختن چهره‌اش به «جانوری» بازآفرینی می‌نماید.



تصویر ۳۱



تصویر ۳۲ـ از فرنگی‌ها دیگه چی کم دارم؟

استفاده از نوشته در آثار:

تصاویر و کاریکاتورهای روزنامه‌ای این دوره، از نوشته چه در زیر اثر و چه در داخل اثر سود می‌برند. در اکثر آثار، متن زیر اثر، مبین مفهوم تصویر می‌شود و متن بدون تصویر استقلال ندارد.[۱]

---

۱) البته تصاویر کتابها و رسالات مختلف در ایران، همواره جنبهٔ روایتی داشته، و مطلب زیر تصویر بازگوکنندهٔ محیط، زمان و معرف شخصیت تصویر است.

از تصاویر قرن ششم قمری تا تصاویر متعددی که برای *شاهنامهٔ* فردوسی یا سایر داستانهای حماسی و روایی کشیده شده، این رسم دنبال می‌گردد. حتی در تصاویر نشریات دوران مشروطیت کمابیش نظیر این آثار دیده می‌شود.



تصویر ۳۳ـ جوان هفتاد ساله هوس باز ما[1]

۱) اصل زیرنویس: یتمیش یاشنده هوسباز جوانلاریمیز



تصویر ۳۴ـاحترام به‌روزنامه فروش (آذربایجان)



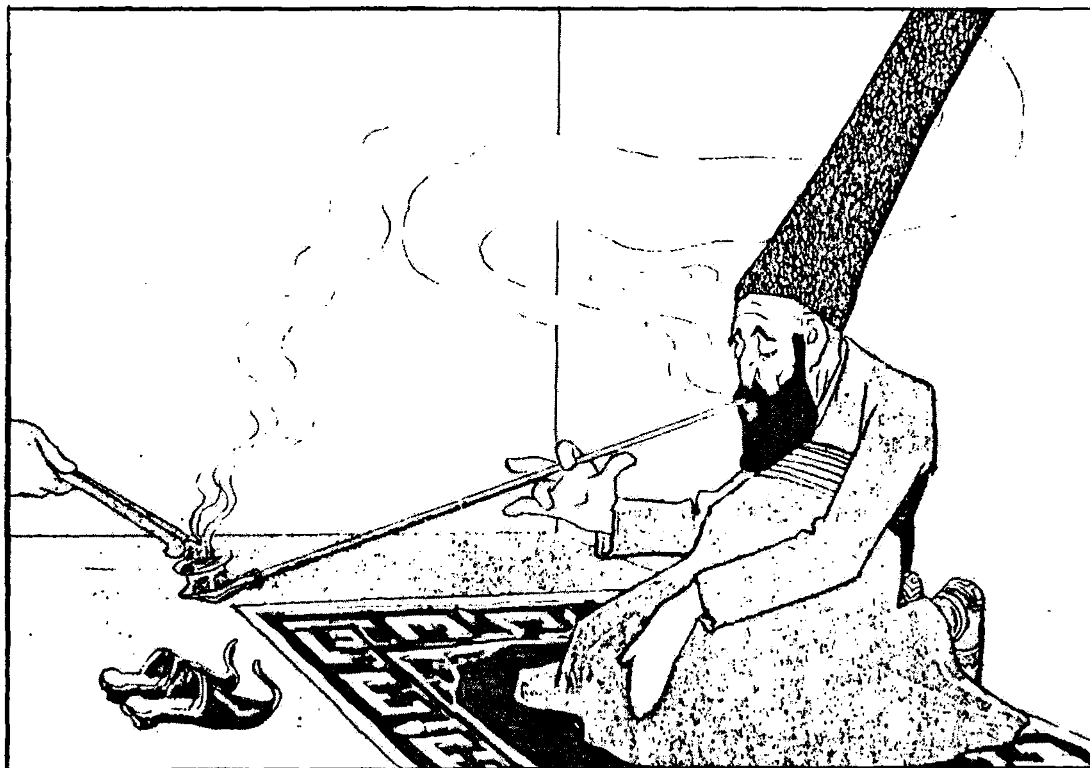
تصویر ۳۵ـ نمایشگاه عمومی ایران (حشرات‌الارض)

بررسی شیوهٔ آثار:

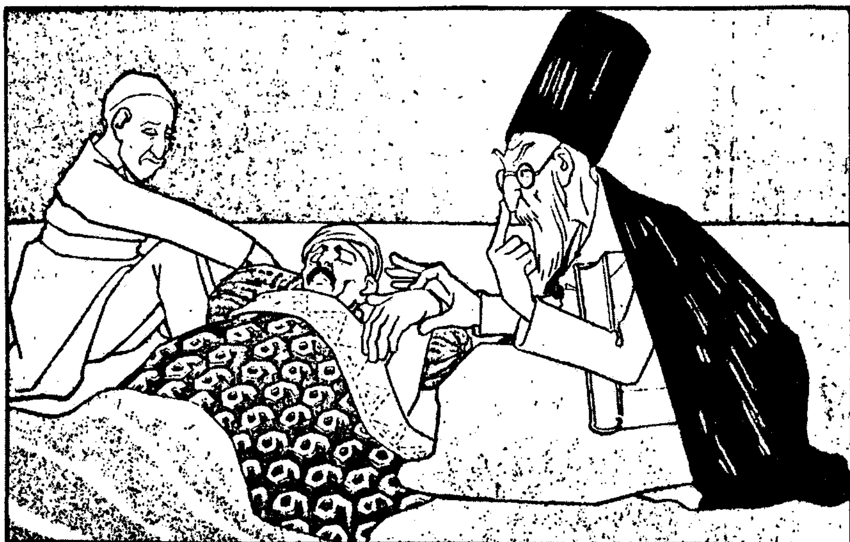
تصاویر *ملانصرالدین* صرفاً بیان ساده و ظاهری چهره‌ها نیست؛ موجودات در این تصاویر از نظر درونی و روانی تجزیه و تحلیل شده و در قالب خطوط سادهٔ صورت، ماهیت و کیفیت صاحب چهره نشان داده می‌شود.

شلینگ در *ملانصرالدین* در بیان تصویری‌اش ابتدا از شیوهٔ رئالیسم بهره می‌گیرد و چهره و اندام در آثارش دستکاری نمی‌شود. اما در نشان دادن محیط و در شیوهٔ بیانی آن «طنز» قابل توجهی به کار می‌برد.

شلینگ در فاصلهٔ کوتاهی ترکیب کلی چهره را به خطوطی ساده خلاصه کرده و برای بهتر نمایاندن ماهیت چهره‌ها، اغراق می‌کند. و اندام به تبعیت از چهره به فرمهای ساده‌ای تبدیل می‌گردد.



تصویر ۳۶



تصویر ۳۷ـ عزیزم مرض تو ذات المطقلقّله است[1]



تصویر ۳۸ـ هـ هـ و بس سه این دعا را بجوشان آبش را بخور و هر دو ساعت یکدفعه بگو، یا قدّوح یا بدوح[2]

۱) اصل زیرنویس: عزیزم سنسین آزارین ذات‌المطقلقه در.

۲) اصل زیرنویس: هـ هـ و سس سه بو دعانی قاینات صونی ایچ و هر ایکی ساعته بیر دفعه دی: یا قدّوح یا بدّوح.



تصویر ۳۹ـ عضو دورهٔ دوم مجلس، انتخاب شدهٔ مسلمانان قفقاز



تصویر ۴۰ـ بعد از فوت مظفرالدین شاه، محمد علی میرزای ولیعهد از تبریز روانه تهران می‌شود و مردم مثل بچه‌ها زار زار می‌گریند.



تصویر ۴۱ـاما به محض دور شدن وی از تبریز به‌رقص و پای‌کوبی می‌پردازند

روتر کماکان برای خلق آثار در *ملانصرالدین* از طنز تصویری در قالبهای مختلف، البته بدون دستکاری آناتومی صورت و بدن، با قدرت استفاده می‌کند.

روتر که سالها خالق تصاویری برای سوژه‌های طنزآمیز *ملانصرالدین* است، در کنار تکنیک پرقدرتش با پرداختی بی‌نظیر فضاهای تصاویرش را بُعدی قابل توجه می‌دهد.

روتر بعد از شلینگ در فرم چهرهٔ پرسوناژهای آثارش تجدید نظر کرده و با تسلط و آگاهی دست به اغراق در خطوط و فرم کلی صورت می‌زند، و اندام را با حفظ آناتومی کلی آن با تبعیت از چهره دستکاری می‌کند، و به حد یک کاریکاتوریست پرقدرت می‌رسد.

روتر با فاصلهٔ نه‌چندان زیادی از شلینگ، با قدرتی شگرف آثار کاریکاتوری خلق می‌کند که نقطهٔ اوج کاریکاتور روزنامه‌ای است.



تصویر ۴۲



تصویر ۴۳



تصویر ۴۴ـ کردها و شاهسونها در ایران: همسایگان عزیز بیخود زحمت آمدن را به‌خود ندهید، ما خودمان از عهدهٔ خراب کردن ایران برمی‌آییم[1]

۱) اصل زیرنویس: ایرانده کوردلر و شاهسونلر: عزیز قونشی لار، هیچ زحمت چکوب گلمیکز، ایرانی داغیتماغه اوزمرده کند بت ایده ریک.



تصویر ۴۵



تصویر ۴۶ـ هفتصد آشپز مخصوص سلطان حمید (تمام اینها را «ترکهای جوان» متفرق کردند.)[1]

۱) اصل زیرنویس: سلطان حمیدک سکزیوز مخصوص آشپزی.



تصویر ۴۷ـ ۱ـ این میلیونر ما ۲ـ این معلم ما ۳ـ این هم نویسنده‌مان ۴ـ این لوطی ما ۵ـ این هم زمینداران‌مان ۶ـ این هم تاجر ما ۷ و ۸ـ و اینها هم زارعین ما.



تصویر ۴۸ـ«هرکس که بتونه این سنگو بغل کنه و دماغش خون نیفته، در اصل و نسبش شکی نیست: یقیناً حلالزاده است. یکی از کسانی که سنگ را برداشته: خدایا، هزار مرتبه شکرت که در ذات من شکی نیست.»[1]

۱) متن اصلی: «داشی گوتورنلرک بیری: سنه مین شکر که منیم ذاتمده شبهه یوخ دور. ـ هر کس بوداشی قوجاغنه آلا بورنی قانامیه، اونن ذاتنده شبهه یوخ‌دور، یقین در که اوز آتاسیندندر»

روتر در بازآفرینی چهره پرسوناژهای خود در قالب کاریکاتور، دارای آن چنان مهارت و شناختی است که انسان تصور می‌کند کاریکاتوریست در روح پرسوناژ اثرش نفوذ کرده و جوهر وجودش را نمایانده است.



تصویر ۲۹



تصویر ۵۰



تصویر ۵۱ـ شیخ بارازان مشهور به‌شیخ دیوانه موصل: من با این سربازان بی‌سرو پایم حکومت عثمانی را درب و داغان می‌کنم.

ـ پخ... بدو که آمد![1]

---

۱) اصل زیرنویس: من بو دیلقیر قوشونم ایله عثمانی حکومتی دارباداغین ایده جگم.

ـ آپ پیرت ـ اده قویما گلدی!



تصویر ۵۲ـ نامه رسان ـ حاجی! بفرمایید روزنامهٔ شما.
حاجی ملک ـ ای بابا، این روزنامه موزنامه بکلّی حال ما را به‌هم زد. ترا به‌خدا برش دار بینداز آن طرف.[1]

۱) اصل زیرنویس: پوچتالیون ـ حاجی! بویوردن غازیتلرزی.
حاجی ملیک ـ آکیشی، بوغازیت قوزیت لاپ بیزیم زهله‌مزی آپاردی، گتور آت اورا سن اللّه!



تصویر ۵۳ـ تاجران میوه در تفلیس [1]

۱) اصل زیرنویس: تفلیس ده یاش یمیش تاجرلری.

آثـــار حســـن مـــحمدزاده در *آذربـــایجان* و *حشـــراتالارض* بـا استفاده از سـوژه و تکـنیک‌های *ملانصرالدین* رسم می‌شود.

عدم تسلط کامل نقاش به خـصوصیات و حـالات چهرهٔ شخصیت‌های گوناگون و حـرکات بـدن، امکـان زیادی به تأثیر سوژه‌های آن نمی‌دهد. با این حال نقاش می‌کوشد تا با صرف وقت و ریزه‌کاری اثری جالب و بدیع خلق نماید.

در آثار اولیـهٔ نـقاش بـه عـلت عـدم تسـلط، طبعاً انحرافاتی در وضعیت چهره و اندام پیش آمده و شـبیه کاریکاتور می‌شود. در دوره‌های بعد با آگاهی و مهارت بیشتر کاریکاتورهای نسبتاً جالبی خلق می‌کند.



تصویر ۵۴ـای فضول من نگفته بودم که بی‌شربت نمی‌توانم شام بخورم، چه دوغ بازی است



تصویر ۵۵


برادر چرا تماشا میکنی اینها مخلوق خدا هستند همدیگر را می کشند چرا
مانع نمی شوید — به جهنم بگذار همدیگر را تمام بکنند بمن چه ..

تصویر ۵۶

کاریکاتور و نقاشی قهوه‌خانه‌ای

بررسی اجمالی تصاویر روزنامه‌ها بین سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۱ قمری نشان می‌دهد که به جز رد پای نقاشان *ملانصرالدین*، تأثیر عمیقی از «نقاشی قهوه‌خانه‌ای» در آثار نقاشی و کاریکاتور ایران به چشم می‌خورد.

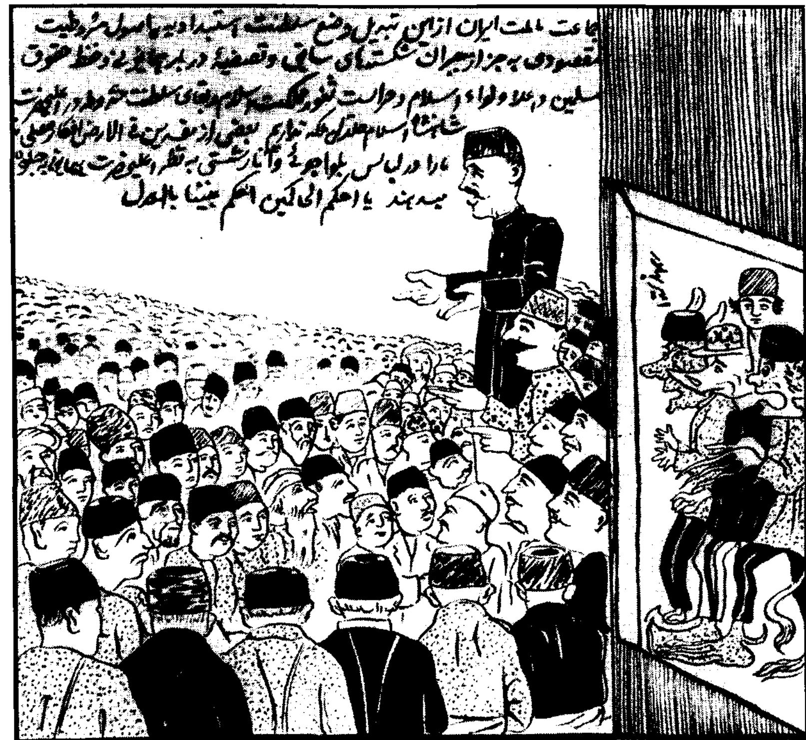
آثار مورد بررسی قرارگرفتهٔ این دوره، صرفاً تصاویر کاریکاتور دو نشریهٔ *آذربایجان* و *حشرات‌الارض* است.[1] آثار محمدزاده کاملاً مبین این تأثیرپذیری دوجانبه است.

به جز آثاری که محتملاً از جانب گردانندگان نشریه اصرار می‌شده تا موضوعات به سبک *ملانصرالدین* تصویر شود، نقاش در هر فرصتی به تکنیک تصویری خود متوسل می‌گردد و در این حالت می‌بینیم که فرم‌های کلی اثر در زاویه‌های تابلو مجتمع می‌گردد، چهره و اندام و اجزای دیگرِ اثر به ترتیب اهمیتی که دارند بزرگ و کوچک می‌شوند و مطلب یا تصویر در قالب واحدی قرار می‌گیرند، و سرانجام سعی در داستانسرایی در قالب یک اثر، خصوصیات بومی نقاش را نشان می‌دهد.

رنگهای تیره و پخته‌ای را که نقاش در آثارش به کار می‌گیرد، تأثیر گرفته از شیوهٔ رنگ‌آمیزی قبلی در متن آثار قهوه‌خانه‌ای است. نقاش با وجود محدودیتهای چاپی، از رنگهای بیان‌کننده در تلفیق آنی ماهیت شخصیتهای آثارش به خواننده استفاده می‌کند. رنگ سرخ را برای لباس، هنگام نشان دادن قدرت و سبعیت شخص به کار می‌برد، با سبز ماهیتی عکس این را نمایش می‌دهد، سرخی دور لبها و سرانگشتان حکایت از خونخواری دارد، رنگ سرخ پشت گوسفندها، قربانی بودن آنها را نشان می‌دهد (تصور ۵۹).

---

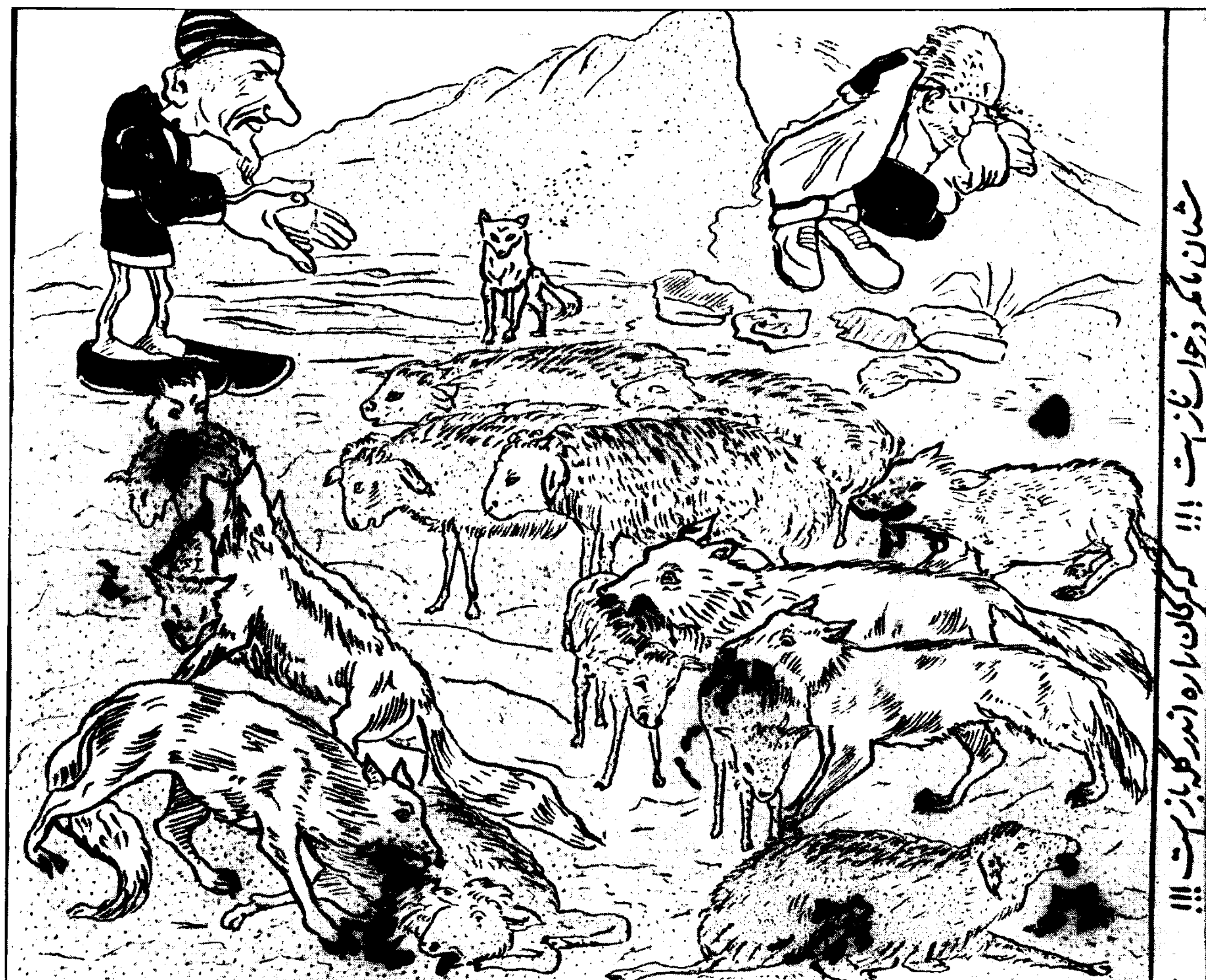
۱) چون در این قسمت از کتاب هدف اصلی ریشه‌یابی هنر کاریکاتور معاصر در ایران، و تحلیل و بررسی آثاری است که در روند آن «تأثیرگذار» بوده‌اند، طبعاً لزومی به ارزیابی نشریات بسیاری که در ایران به طور مصور چاپ می‌شده، نیست. از جمله روزنامه تنبیه (۱۳۲۵ قمری) و یا *کشکول* که از ۱۵ صفر ۱۳۲۵ در تهران شروع به انتشار کرد و آثار متعددی از دو نقاش به امضاهای «حسین‌علی» و «میرزا علی» در آن به چاپ رسید و یا آثار جالب مصورالسلطان نقاش تهرانی‌الاصل که در روزنامهٔ برجیس تبریز به طریقه چاپ سنگی منتشر می‌شد. وی معلم نقاشی مدرسهٔ متوسطهٔ تبریز بود و آثار زیادی به تقلید از آثار اولیهٔ نقاشان *ملانصرالدین* به وجود آورد.



تصویر ۵۷



تصویر ۵۸



تصویر ۵۹



تصویر ۶۰

برداشت کاریکاتوریست‌ها از وقایع

کاریکاتوریست‌ها حوادث و مسایل کلی زندگی روزمره را مطرح می‌سازند و آثارشان تمثیلی است از چهرهٔ واقعی زمان. این ویژگی هنر این هنرمندان است که در قالب آثار محدود ژورنالیستی خود، موجب تفکری نامحدود و تأثیری گسترده در اذهان مردم می‌گردد. در دنبالهٔ تحلیل تصاویر و آثار کاریکاتور، دید سه هنرمند کاریکاتوریست مطبوعات دوران مشروطه را در برخورد با نمودهای مختلف زندگی ملاحظه می‌نماییم.



تصویر ۶۱

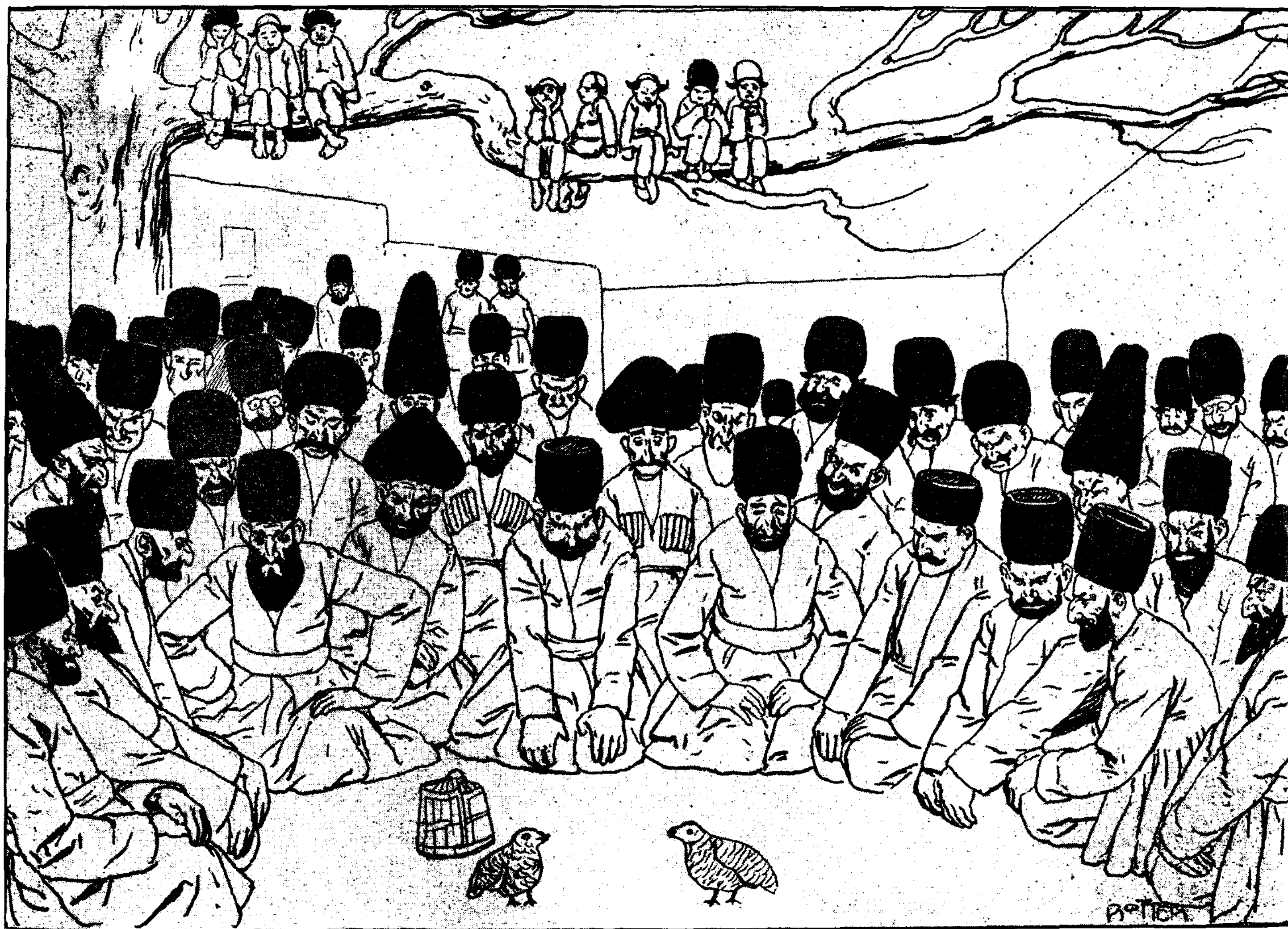


تصویر ۶۲ـ دنیا فانی است، نگاه کنید کجا رفتند آن همه
پادشاهان و پهلوانان و خانها



تصویر ۶۳ـ تربیت بچه‌ها در کوچه‌ها [۱]

۱) اصل زیرنویس: کوچه‌لر اوشاخ تربیت‌سی.

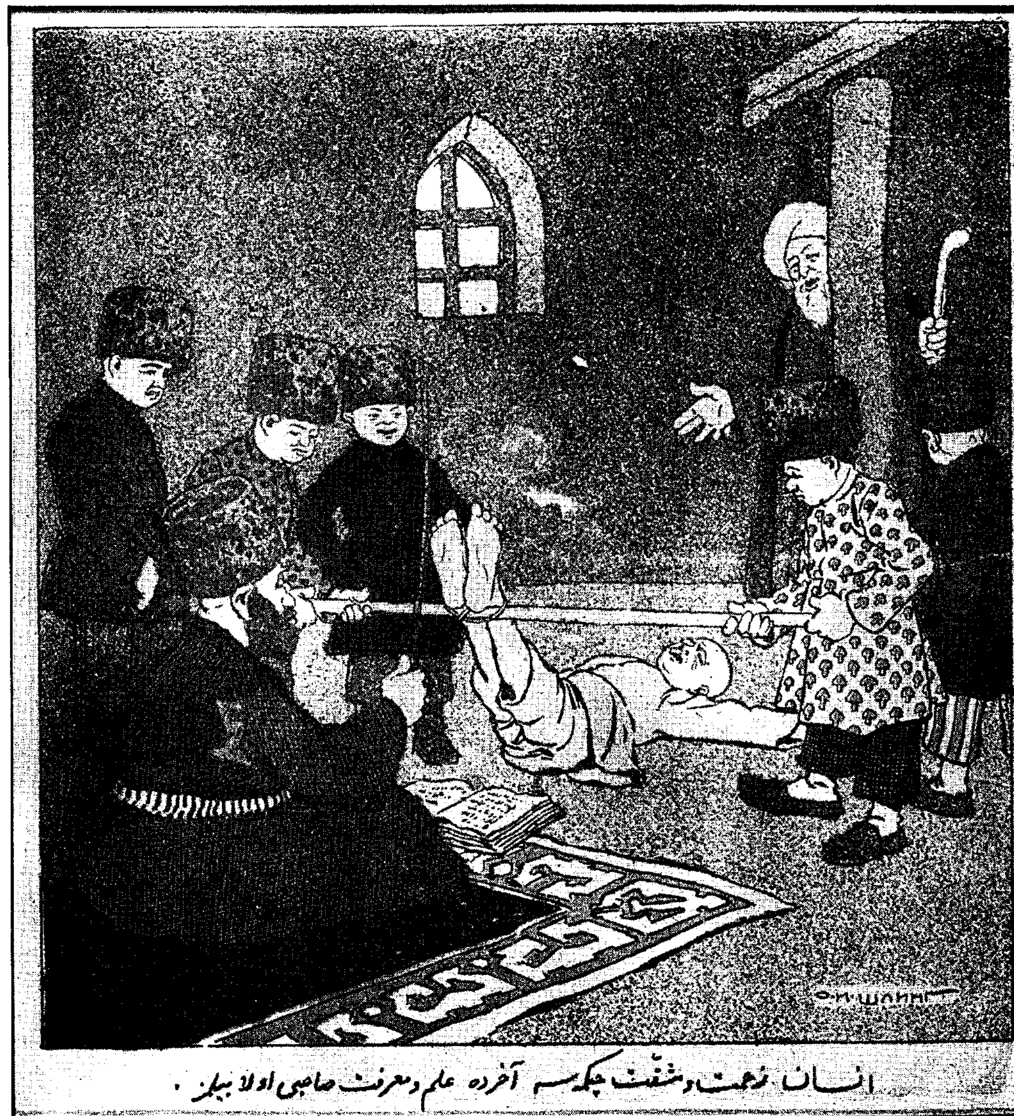


تصویر ۶۴ـتو را به‌خدا انصاف است که آدم دل از این تماشا بکند و برود برای مجلس شورا نماینده انتخاب کند [۱]

۱) اصل زیرنویس: آکشی، بسن‌الله، **انصاف و گل بله تماشانی قوپوبسا گلیک نه بیلوم دومایه وکیل سه چک؟**



تصویر ۶۵ـ حرام‌زاده بازیگوشی نکن، درست را بخوان.

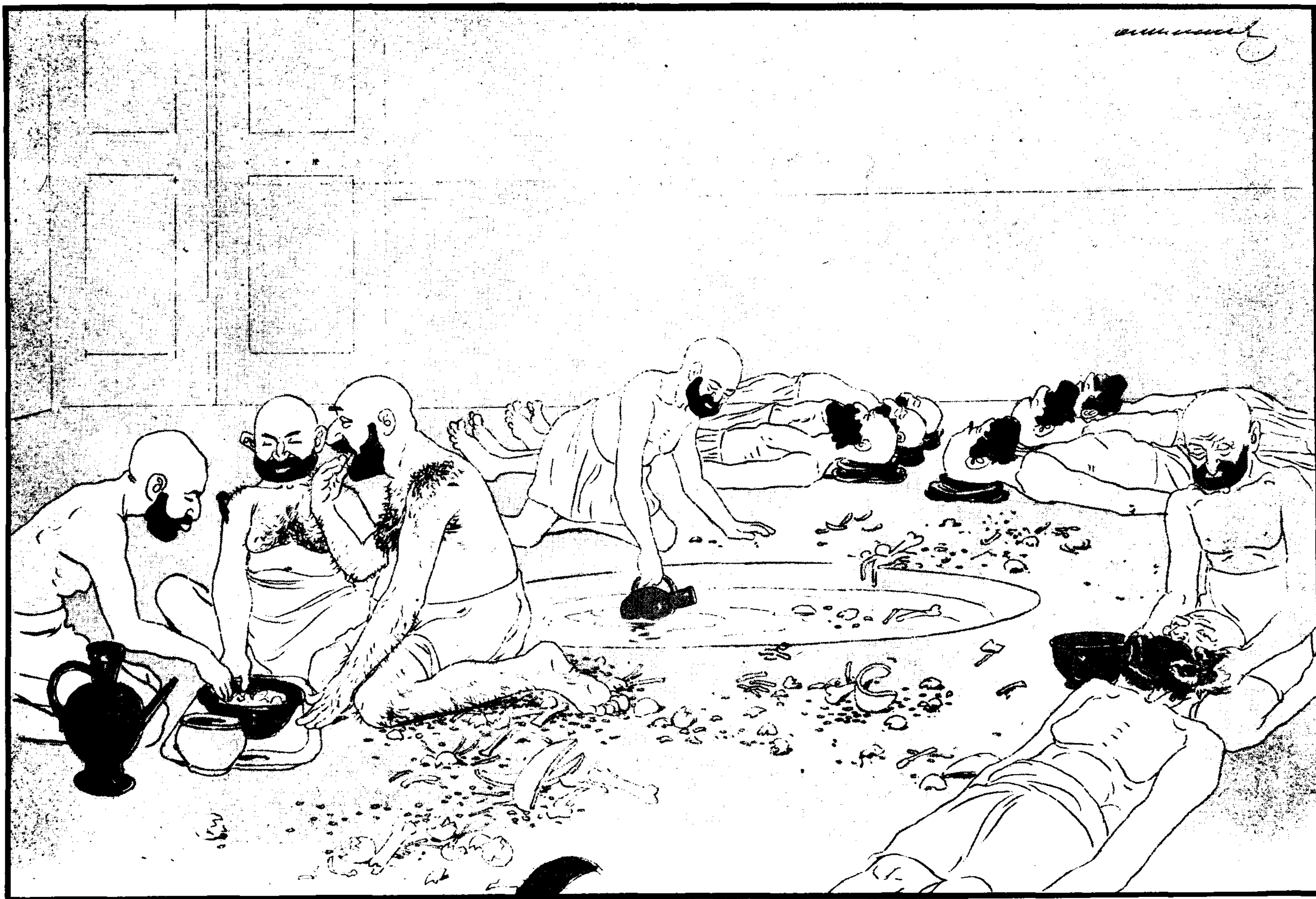


انسان زحمت و مشقت چکمسه آخرده علم و معرفت صاحبی اولا بیلمز .

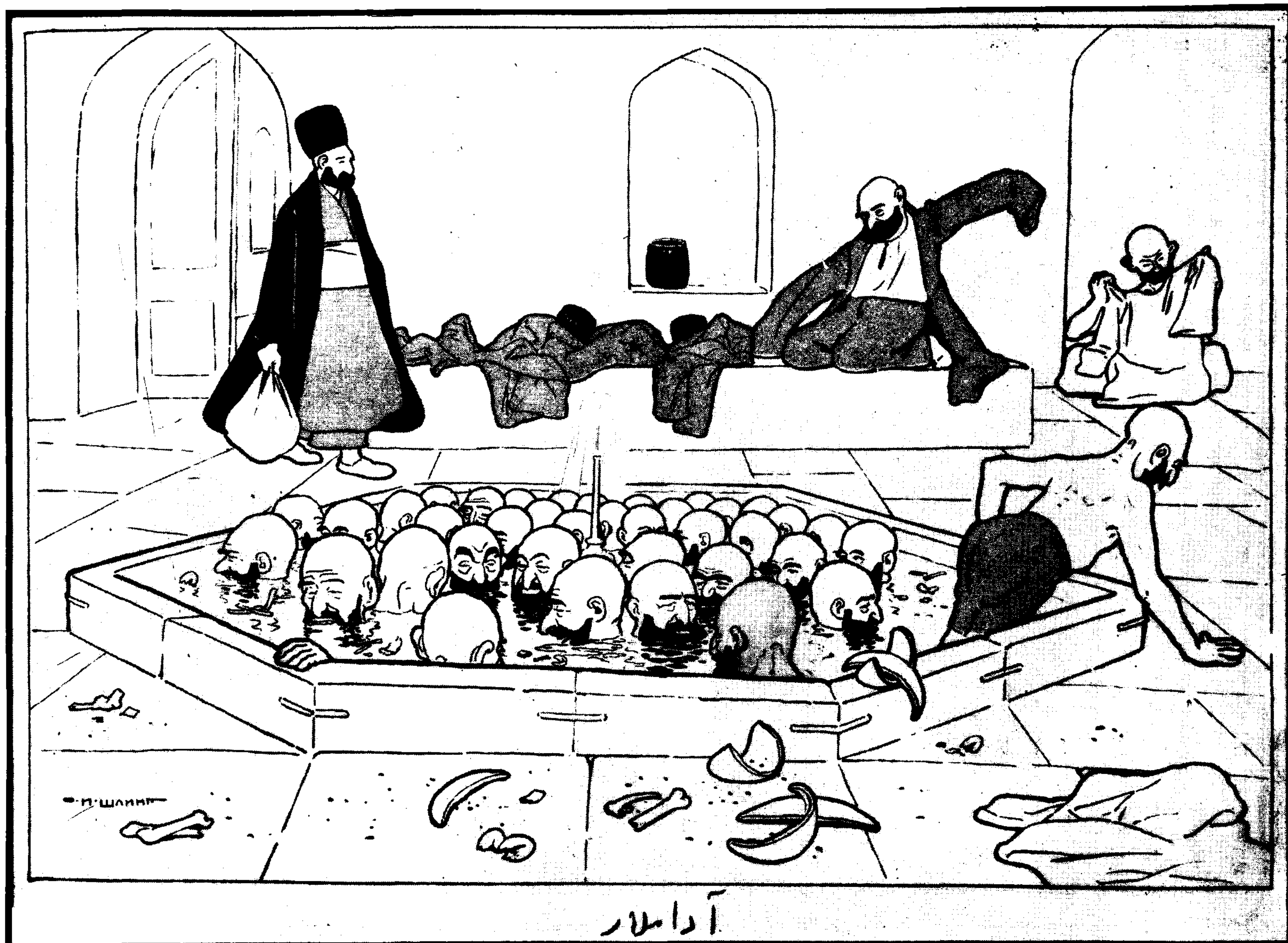
تصویر ۶۶ـ تا ادمی زحمت و مشقت نکشد صاحب علم و
هنر نمی‌شود



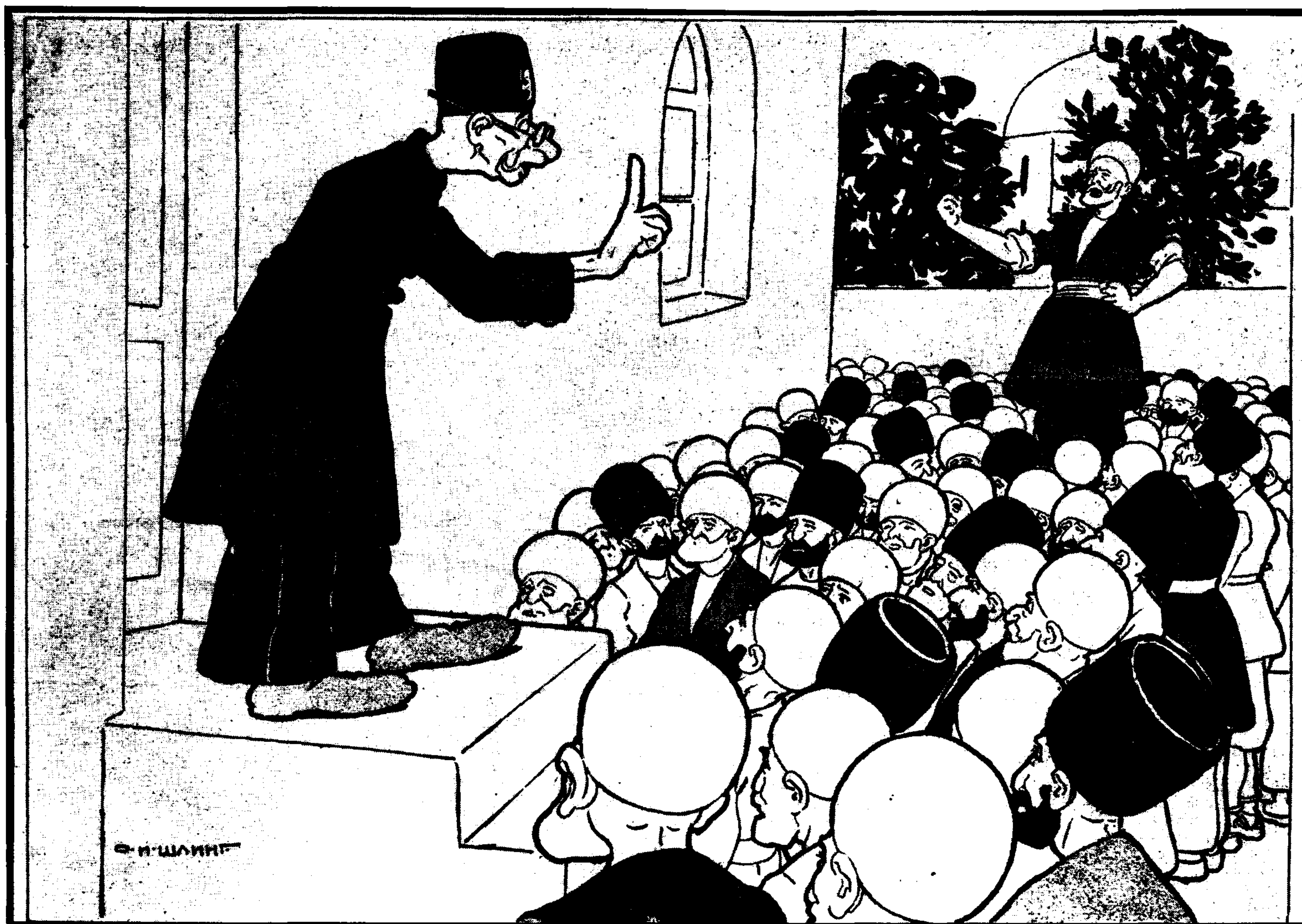
تصویر ۶۷ـ در صاحب‌الامر تبریز



تصویر ۶۸

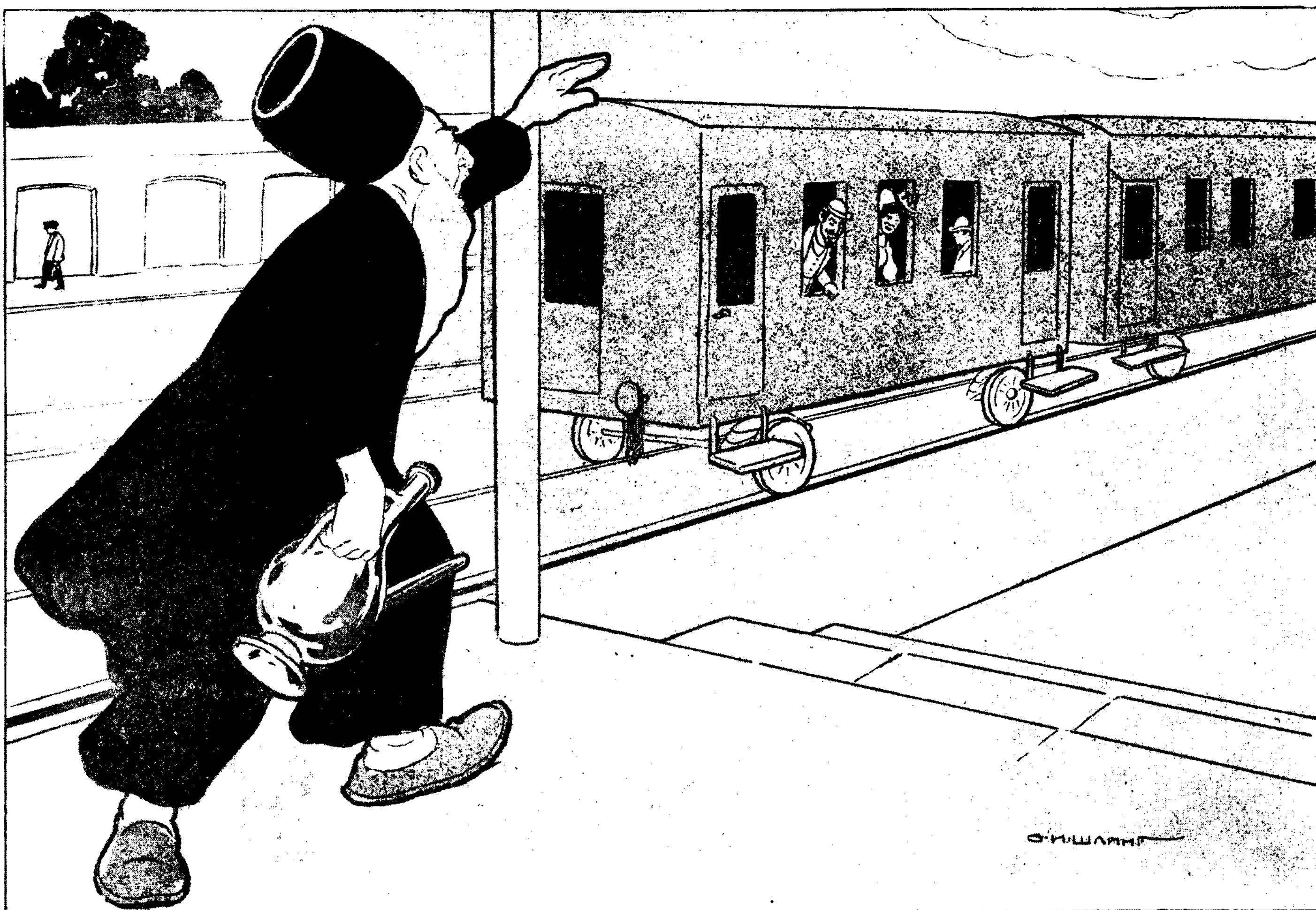


تصویر ۶۹



تـصویر ۷۰ـ هـمین الان بـه‌پادشاه تـلگراف بـزن قـانون «عصاسی» ما را بفرستد، به‌خدا بچه‌هایمان از گرسنگی گـریه می‌کنند، نمی‌توانیم دست خالی به‌خانه برگردیم [1]

۱) اصل زیرنویس: بوساحات پاتشاها تل دور ، بزیم قانون عصافری گوندرسون والله بودقیقه اوشاخلار مزایوده آجنوان آغلیعولار. برالی بوش ایوه قایدا بیلمه نیک.



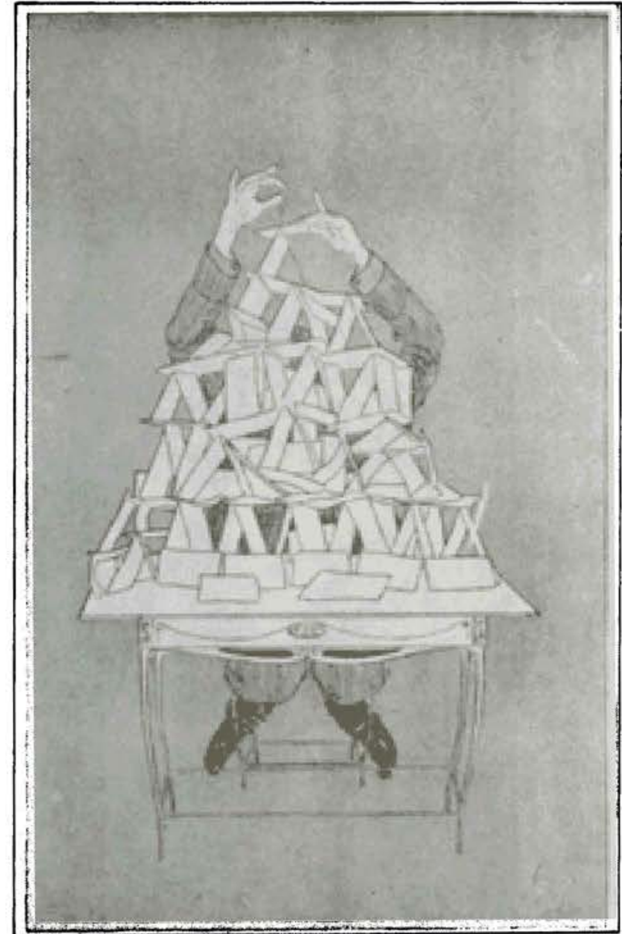
تصویر ۷۱ـنگهدار خانه‌خراب، من جا ماندم

۱) اصل زیرنویس: ساخلا، سرخلاهی، ایوک یخیلسون من قالدیم.

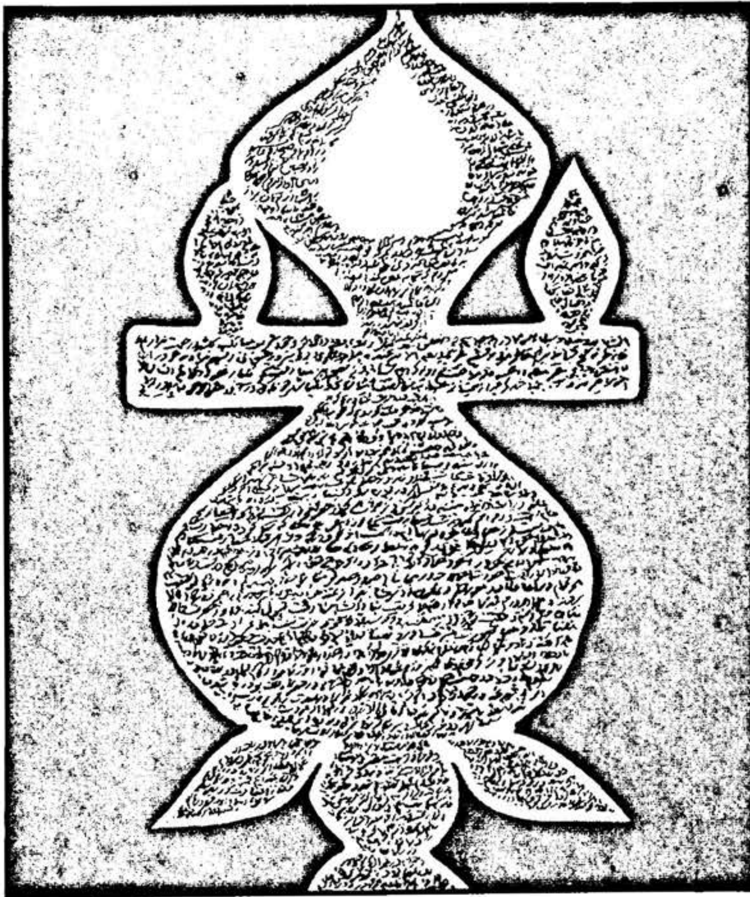


تــصویر ۷۲ـ واه، واه، واه، کــربلایی حســن زن فــرنگی را

باش

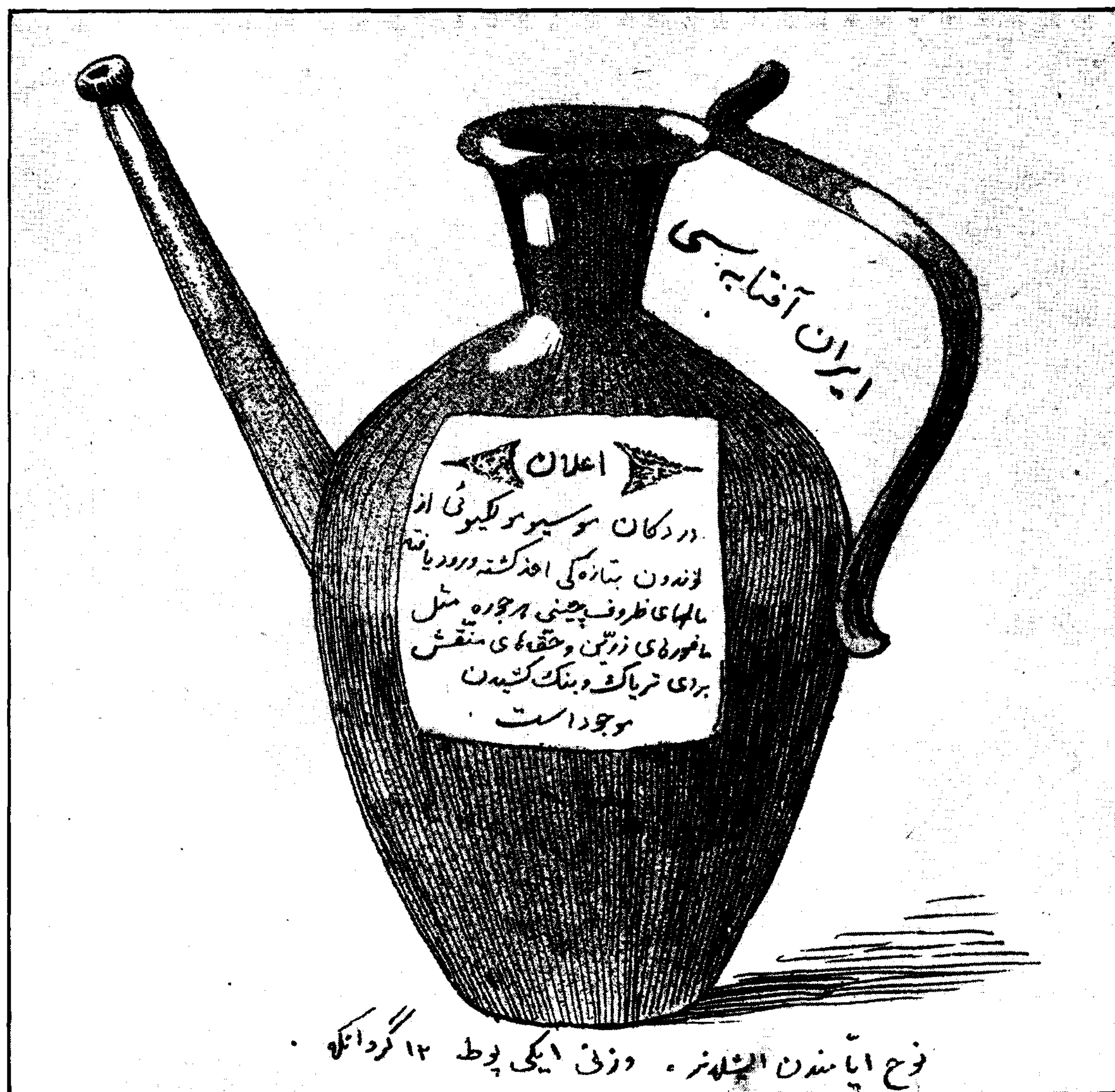


تصویر ۷۳ـبعد از ۳۴ سال تحصیل و کسب هفتاد و دو علم حاصل این قلعهٔ کاغذی‌است،اما من بمیرم فوت‌نکن، می‌ریزه[1]



تصویر ۷۴ـهیچ پادشاهی نمی‌تونه این طوری بنویسه

۱) اصل زیرنویس: طلبه‌لکده اوتوزدورت، ایلک مـتنده تـحصیل اتیدیگم یتمیش ایکی علم‌دن عبارت بیر قـلعه‌در، امـا مـن اولوم دوغله‌مه، داغیلار


ایران آفتابه سی
اعلان
در دکان موسیو مولکیوئی از
لوندون بتازه‌گی اخذ گشته و ورود یافته
مالهای ظروف چینی هرجوره مثل
ماغورهای زرّین و حقه‌های منقّش
برای تریاک و بنگ کشیدن
موجود است
نوح اپاسندن ایشلنر . وزنی ایکی پوط ۱۲ گردانکه .

تصویر ۷۵



تصویر ۷۶ـ سیاست اروپا

تصویر ۷۷ـ جنگ مجاهدین با مرتضی قلی‌خان در قلعه ماکو





تصویر ۷۸ـ قشون ایران



تصویر ۷۹ـ خدایا این جغد باز چرا ناله می‌کند، خداوندا خودت ما را از بلای او در امان‌دار



تصویر ۸۰ـ به‌زن و اسب نمی‌شود اعتماد کرد (سفرحمام)[1]

۱) اصل زیرنویس: آتا و آروادا اعتبار یوخ. (حمام سفری).



تصویر ۸۱



تصویر ۸۲ـ زن و شوهر



تصویر ۸۳ـ دردت به‌جانم، گریه نکن، لولو خورخوره میاد

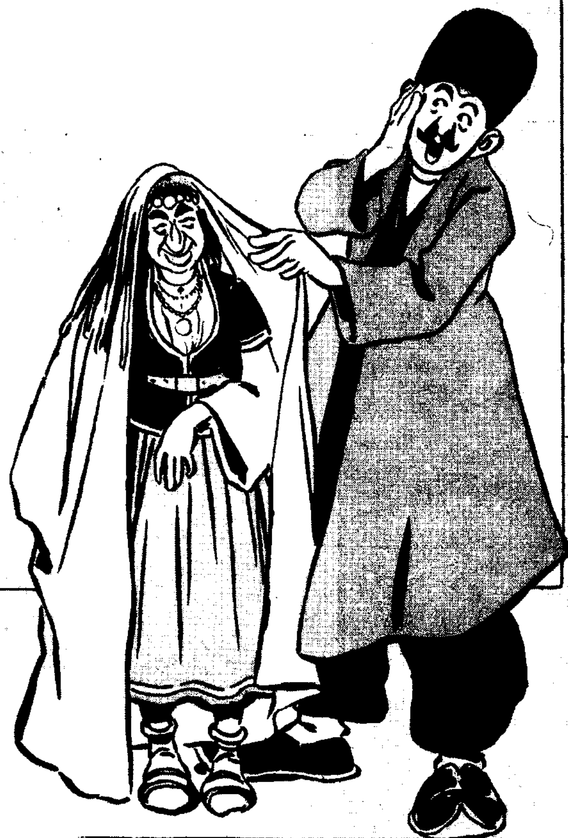
۱) اصل زیرنویس: آغلاما قادان آلیم. خورتلان گلر



تصویر ۸۴



فاطما خالا قیزی گورگزیر
گوزل قیزدی، فاطما خالانی گونده‌ریم بو قیزی آلسون منه.



زفاف اوطاقنده
وای دَدَمْ وای! بو من گورن قیز دگل ...

تصویر ۸۵


Рис. О. И. Шмерлинг
ایوده دورت عورت کفایت در، امّا آرتیق اولانده قیل و قال اولور

تصویر ۸۶

تصویر ۸۷ـ مرد تو را به‌خدا نرو، چشمت می‌زنند (مرد ابرو و ریش‌اش را رنگ کرده و به‌خودش رسیده [۱]



۱) اصل زیرنویس: آکشی آمان گونی دی گیتمه بیربافا، سنه گوزوورولار.



تصویر ۸۸ـ افسار گسیخته شد



تصویر ۸۹ـ پسرم این طور شروع به‌بریدن کردید و با شاخه همراه تشریف خواهید آورد [1]

---

۱) اصل زیرنویس: اوغلوم ایله که باشلایوب. کسرسوز بوداغله برابر یره تشریف گتره جک سوز.



تصویر ۹۰



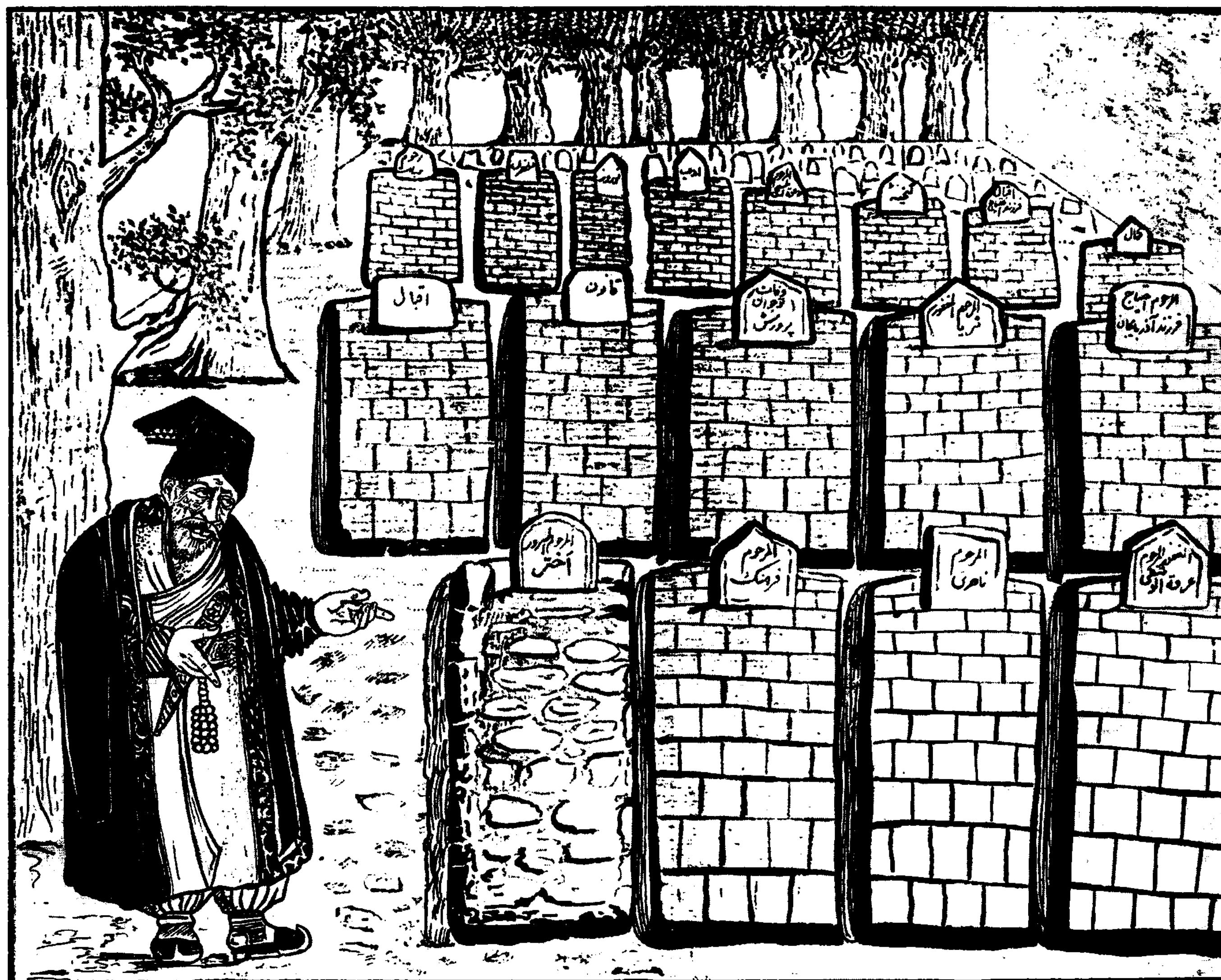
تصویر ۹۱



تصویر ۹۲



تصویر ۹۳



کمال
اقبال
قانون
پرورش
المرحوم المغفور
ثریا
فرزند آذربایجان
المرحوم المبرور
اختر
المرحوم
فرهنگ
المرحوم
ناصری
عروة الوثقی

تصویر ۹۴



تصویر ۹۵ـ میدان سیاست با آسیای وسطی، ما را هم از آن نمد کلاهی ست



تصویر ۹۷ـ حکام و کارگزاران مستبد دوران مشروطیت



تصویر ۹۶

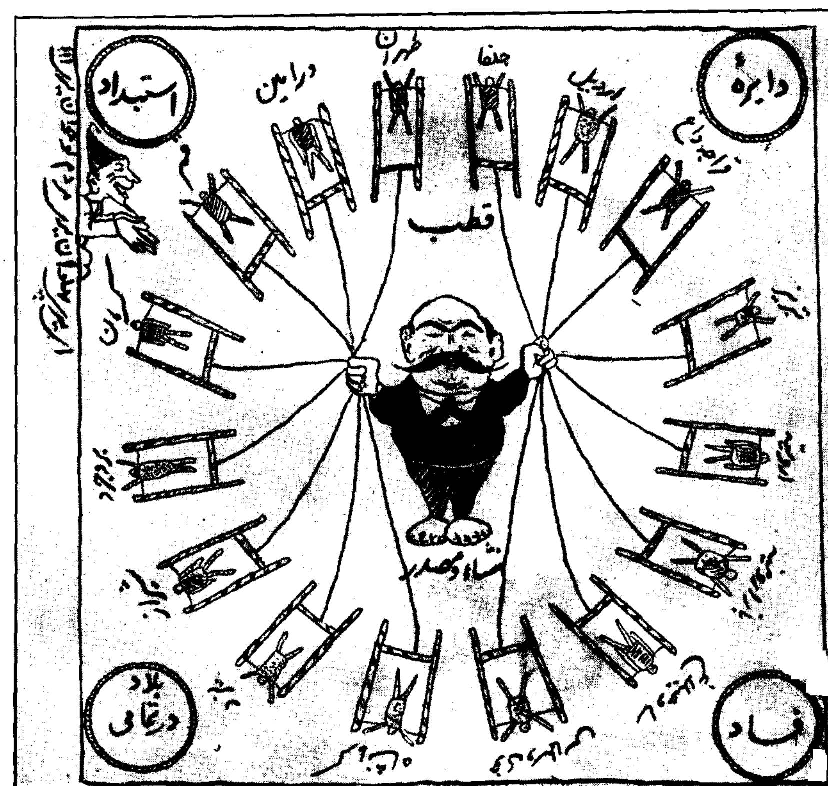

هنگام مشروطه خواه
ایام فلاکت
۱
ای برادران مشروطه آنست که مارا بساحل نجات خواهد رسانید


هنگام تسلط
۲
گور پدر هر چه مشروطه خواهست

تصویر ۹۸



تصویر ۱۰۰



تصویر ۹۹



تصویر ۱۰۱



تصویر ۱۰۲



تفاوت نمی کند غله باشد

تصویر ۱۰۳

تصویر ۱۰۲

حشرات الارض

نمره ۱۵

قیمت دو مرجا پیشکی است



مانیه ترزم در شهر تبریز



تصویر ۱۰۵

زنبور

در بررسی مطبوعات (بین سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۴۱ قمری) از *حشرات‌الارض* تا شروع *ناهید*، تصاویری که قابل توجه بوده و عاملی در ادامهٔ راه یا دگرگونی تصاویر طنزآمیز و کاریکاتور باشد، به چشم نمی‌خورد؛ و اگر به طور متفرق در نشریاتی آثاری به چاپ می‌رسد، اغلب الهام یافته یا حتی کپی از متن تصاویری است که در زمان مشروطیت به وجود آمده؛ مثلاً در تصاویر *زنبور*[1] آخرین نشریه این سالها (که مقارن با شروع *ناهید* است) اکثراً تصاویری را می‌بینیم که در حدود سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۶ قمری در *ملانصرالدین* چاپ شده.

زنبور نشریه‌ای سیاسی ـ انتقادی است که تصاویر آن را حاج پیری نقاش قهوه‌خانه‌ای می‌کشد و با تمام سعی او در کپی آثار *ملانصرالدین*، باز شیوهٔ «نقاشی قهوه‌خانه‌ای» در تکنیک و ماهیت بیانی آن تأثیر می‌گذارد.

البته در کنار این آثار، تصاویری طنزآمیز شبیه کاریکاتور را با سوژه‌های اوریژینال می‌بینیم که به زبان ساده، مسائل مهم روز را مطرح می‌نماید.

---

۱) زنبور از سال ۱۳۴۱ قمری در تهران شروع به انتشار نمود. مؤسس آن کرایی و صاحب امتیازش ش. افشار بود. در صفحهٔ این نشریه به طریقهٔ لیتوگرافی به چاپ می‌رسید.


حیوان صحرائی
(۱)
حیوان دریائی
(۱) دور شده جایگاه مرا مطمح نظر قرار ندهید
والا انگشت دنیا شماها را تأدیب خواهد کرد.

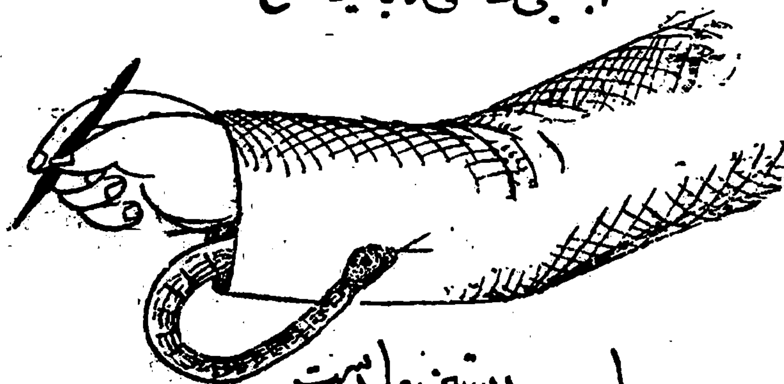
تصویر ۱۰۶



تصویر ۱۰۷


واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا
مورچگان را چو فتد اتفاق
شیر ژیان را بدرانند پوست

تصویر ۱۰۸



تصویر ۱۰۹



عسل استیان خرس نادانی آری صوقر

نه تنبل درشت بی مروت بر آیوی ❊ باری جو عسل ایسته مه پیش مزد

مطبعه مروی


(۱) جناب صاحب، مردم تماماً میگویند پول بلیطها افزوده
اند بعد از آن امنا و حقوق اجزای راه آهن جواب
چه باید داد؟
۲- فضولی موقوف.
(۲)

تصویر ۱۱۱

ناهید

با آغاز سلطنت رضاشاه و تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی، بار دیگر مطبوعات با چهره‌های گوناگون پا به عرصهٔ فعالیت می‌گذارند. از نشریات «تأثیرگذاره»[1] قابل توجه انتقادی ـ مصوّر این دوره، *ناهید* است. این نشریه سالها در قالب مقالات، اشعار و تصاویر طنزآمیزش که هواداران زیادی دارد، به حیات خود ادامه می‌دهد.

میرزا ابراهیم خان ناهید[2] بنیانگذار این روزنامه، با کوششی حیرت‌انگیز بیشتر امور این نشریه را به عهده گرفته، علاوه بر نگارش بیشتر صفحات آن، در انتخاب سوژه و نحوهٔ ارائهٔ تصاویر به نقاشان ایده می‌دهد.[3]

اصولاً تصاویری که در *ناهید* چاپ می‌شود، «پرنسیب» نداشته و روال خاصی را دنبال نمی‌کند. تصاویر به مناسبت انطباق با مقالات و محتوای آنها، تغییر فرم و ماهیت می‌دهد، از آثاری فیگوراتیو با پرداختی کلاسیک تا آثاری با خطوط ساده و اغراق شده شبیه به کاریکاتور، و از مدح و ستایش تا مقالات تند انتقادی.

نقاشان این نشریه آثاری به شیوهٔ رئالیست انتقادی و گاهی تصاویری شبیه کاریکاتور می‌سازند، که با توضیحات مفصل زیر اثر، و پیوسته به مقالات نشریه چاپ می‌شود.

تصاویر *ناهید* که اکثراً در توضیح مقالات ترسیم می‌گردد، بازگوکنندهٔ مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و جزئیاتی است که با وجود ظاهری ساده، قابل تعمق هستند. گاهی نیز مسائل فراگیرتر و جهانی در قالب «تصاویر مربوط به مطلب»، مطرح می‌گردد.

عدم استقلال تصاویر و وابستگی کامل آنها به مقالات، بُردِ اثر را کوتاه و آن را ضعیف نموده و شرط استنباط از تصویر، قرائت کامل مطلب و قرار داشتن در جریان مسائل روز می‌باشد.

در تصاویر *ناهید* همچون مقالات، سمبل‌سازی فراوان دیده می‌شود و طرح موضوعات روزمره در قالب تصاویری که هر «پرسوناژ» آن به تیپ خاصی از اجتماع اشاره می‌کند از ویژگیهای این آثار است.

«منشی‌باشی» سمبل نشریه است که با شمایلی شبیه امیرکبیر در صحنه‌های مختلف ناظر به اعمال مردم و وقایع اتفاقیه است. آثار رسام ارژنگی نقاش نخستین

---

۱) نخستین شمارهٔ ناهید در سال ۱۳۰۰، در تهران چاپ و منتشر گردید. ناهید نشریه‌ای بود سیاسی، انتقادی و فکاهی که صفحات چهارم و پنجم آن به تصاویر اختصاص داشت.

۲) میرزا ابراهیم‌خان ناهید اصلاً شیرازی است، پدر وی حسن ناهید کشاورز ساده‌ای بود و میرزا ابراهیم‌خان بعد از قحطی شدید در فارس (۱۲۷۵ قمری) به اتفاق خانواده‌اش به تهران کوچ می‌کند. وی که نقاشی و مینیاتور را خوب می‌کشید، صبح‌ها در دکانی به کار قلمزنی قلمدان پرداخته و عصرها به مدرسهٔ «خان مروی» می‌رفت و کتب دینی و علوم قدیمه را می‌آموخت. در همین زمان با یکی از کارکنان مطبعهٔ روشنایی مشغول کار می‌شود و این شروع فعالیت ناهید در عرصهٔ مطبوعات است.

۳) مطالب ناهید با همکاری عیسی سروش، اسماعیل یکانی، مهدی ساعی و محمدحسین شهریار نوشته می‌شد، ولی تمام سرمقاله‌ها و بیشتر مقالات توسط میرزا ابراهیم‌خان تهیه می‌گشت.

تصاویر نشریه ملهم از مینیاتور ایرانی و شیوهٔ کلاسیکی است که از اروپا وارد ایران شده.[۱] دیدار و سعی در تقلید از آثار طراحان *ملانصرالدین* نیز ارژنگی را از شیوهٔ مینیاتور کلاسیک رهایی می‌بخشد و رسام بدون تغییر در تکنیک خویش، سالها در *ناهید* و *حلاج*[۲] آثاری به وجود می‌آورد که با دقت و ظرافت «قلم‌گیری» شده است. وی برای حجم دادن به آثار از هاشور و نقطه‌چین استفاده می‌کند، و فضایی خاص در اثر به وجود می‌آورد که پاره‌ای از آنها به صورت رنگی به طبع می‌رسد.

در کنار آثار ارژنگی، از سال دوم انتشار *ناهید* تصاویر محدودی با پرداخت دیگر به چشم می‌خورد. این تصاویر طرحی ساده و فرمی شبیه به کاریکاتور دارند.

با اینکه این آثار تکنیکی متفاوت با آثار قبلی دارند ولی همچنان به طور مداوم پیوستگی خود را با مقالات حفظ می‌کنند.[۳]



تصویر ۱۱۲

---

۱) در حقیقت کمال‌الملک بود که شیوهٔ کلاسیک اروپا را به ایران آورد و رواج داد

۲) نشریهٔ فکاهی انتقادی که همزمان با ناهید چاپ می‌شد و رسام ارژنگی تصویرساز آن بود. سردبیر آن ح حلاج و مدیرش ازدری بود

۳) تصاویر بعد از ۱۳۲۰ (دورهٔ دوم ناهید) به همین نحو (انطباق با مقالات) چاپ می‌شود



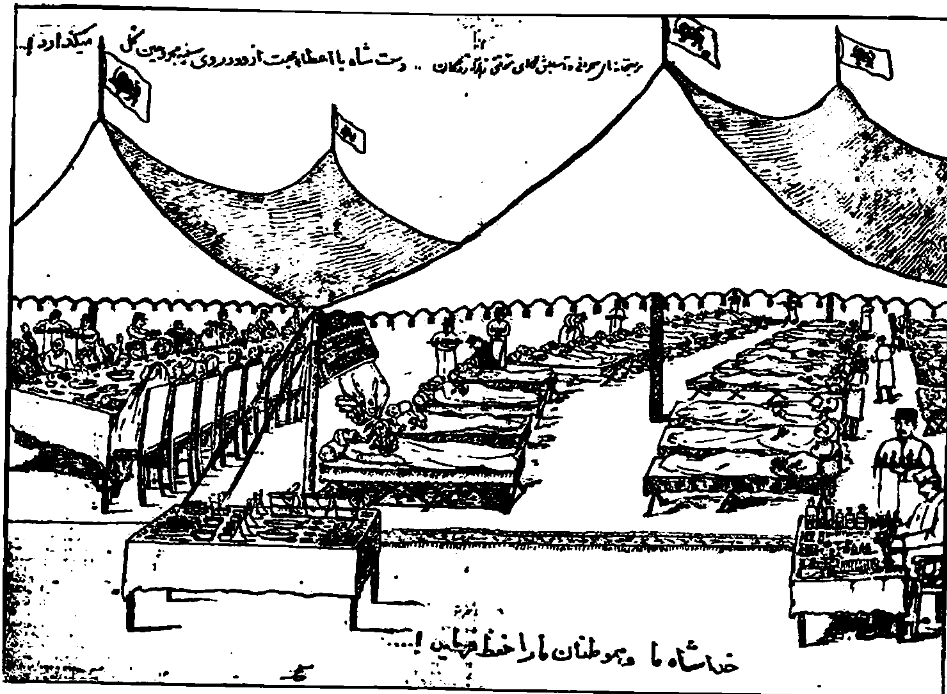
تصویر ۱۱۳



تصویر ۱۱۴


بازار چپاول در ملزومات وزارت مالیه
زغال سنگی .....
کاغذفروش ......
مطبعچی ......

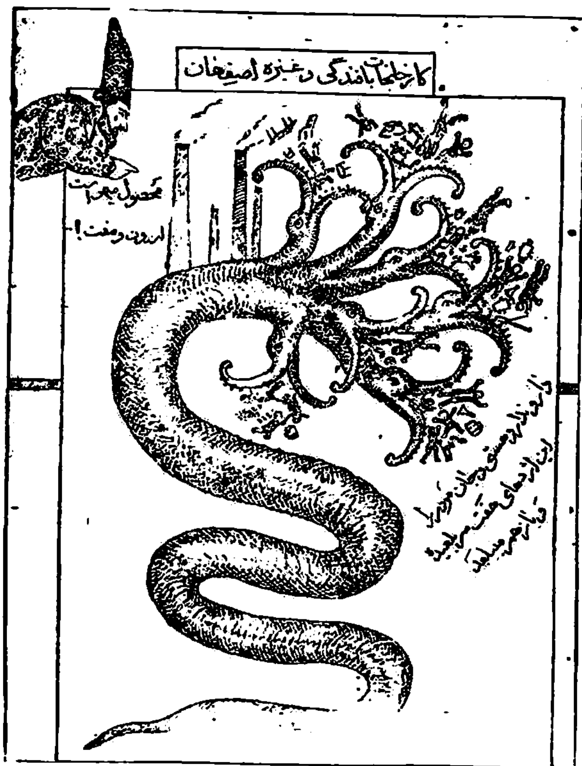
تصویر ۱۱۵



تصویر ۱۱۶

در میدان اقتصاد

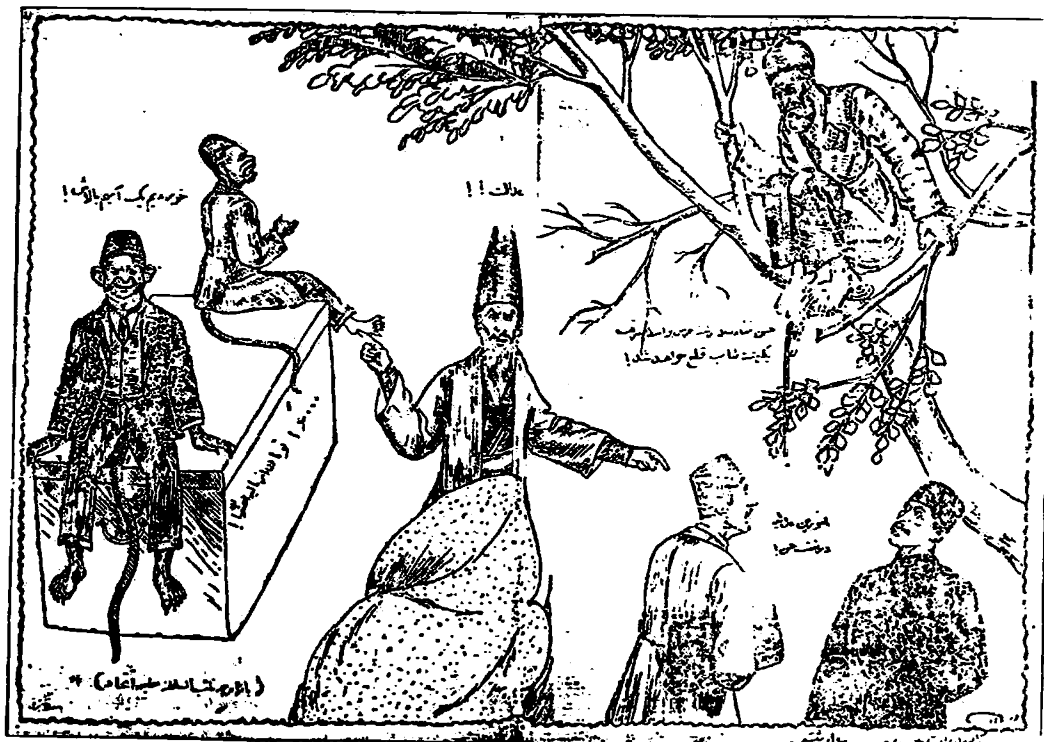
تصویر ۱۱۷



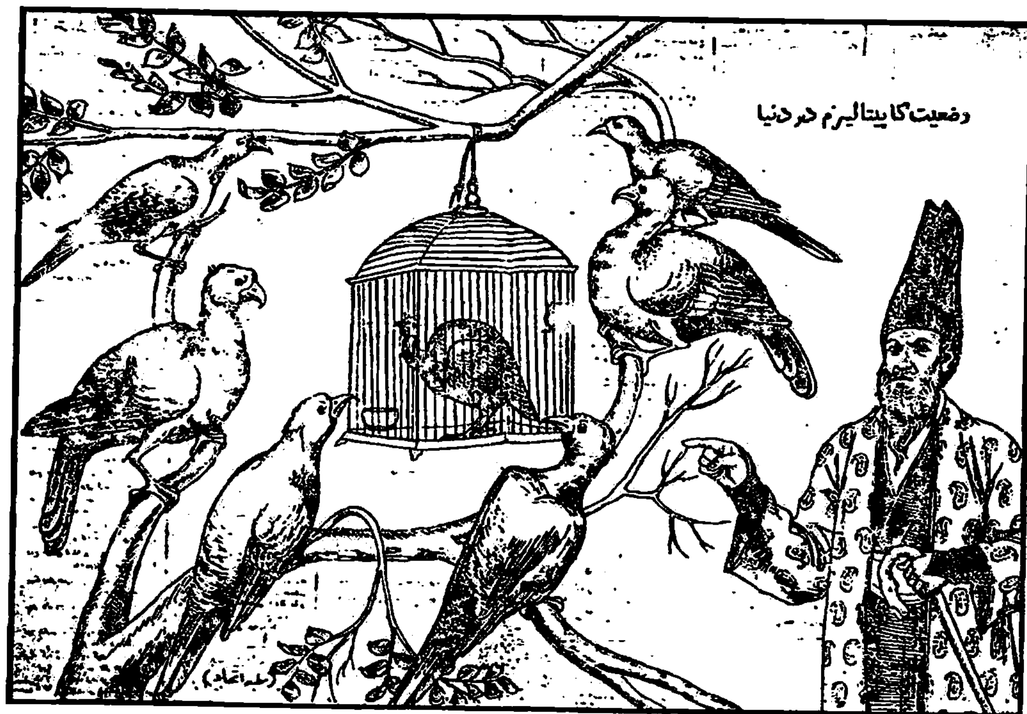
تصویر ۱۱۸



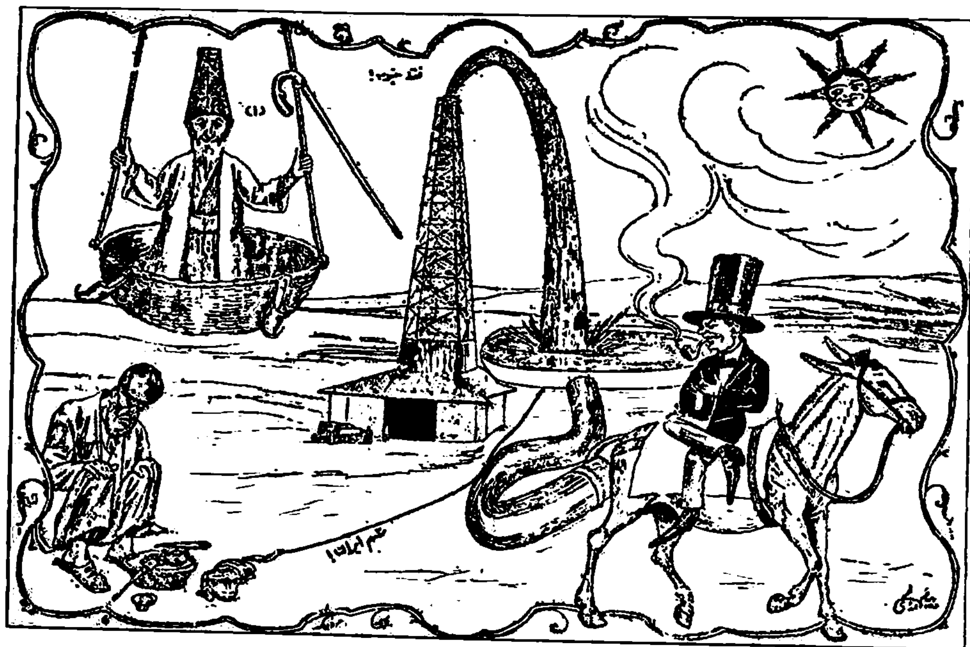
تصویر ۱۱۹



تصویر ۱۲۰



تصویر ۱۲۱



تصویر ۱۲۲



تصویر ۱۲۳

نقاش این آثار محمد بواسحاقی[1] است که در دوره‌های مختلف *ناهید*، با این نشریه همکاری دارد.

از نقاشان دیگر *ناهید* حسین شیخ[2] است. وی بجز همکاری قبلی خود با *ناهید* در شماره‌های آخر روزنامه به طور پیگیر تصاویر متعددی به وجود می‌آورد. شیخ که از پیروان سبک کلاسیک اروپایی متداول شده در ایران است، با طرحهای نسبتاً ساده و پرداخت مختصر به آثارش ویژگی می‌دهد.

تا اول دیماه ۱۳۰۶، قبل از توقیف نشریه جمعاً ۳۰۱ شماره از آن انتشار یافت. سوء تعبیر مقامات انتظامی از مطلب و تصاویر، موجب توقیفهای پیاپی *ناهید* گشت. اما ناهید همچنان به فعالیت خود ادامه داده و به انتشار نشریات دیگر به اسامی *ستارهٔ صبح* و *افلاک و خلق*، دقیقاً با کیفیت مشابه *ناهید*، پرداخت. در ۲۱ مرداد ۱۳۰۹ دفتر نشریه توسط عده‌ای بـه آتش کشیده شد و موجب تعطیل آن گشت. *ناهید* با همت میرزا ابراهیم‌خان بار دیگر در سال ۱۳۱۲ منتشر و پس از چند شماره تعطیل شد. در ۱۳۲۰ *ناهید* دورهٔ دیگری از فعالیتش را آغاز کرد، اما در ۱۳۲۵، پس از اینکه بـه تحریک ناصرخان قشقایی مدیر نشریه *خورشید ایران*، دفتر *ناهید* بار دیگر بـه آتش کشیده شد، میرزا ابراهیم‌خان که با مشکلات همه جانبه، تنها و درمانده شده بود برای همیشه نشریه را تعطیل نمود.



تصویر ۱۲۴ـ حسین شیخ

۱) محمد بواسحاقی فرهنگ ژاندارمری بود که مانند دیگر نقاشان و همکاران ناهید به طور غیرانتفاعی با این نشریه همکاری می‌کرد.

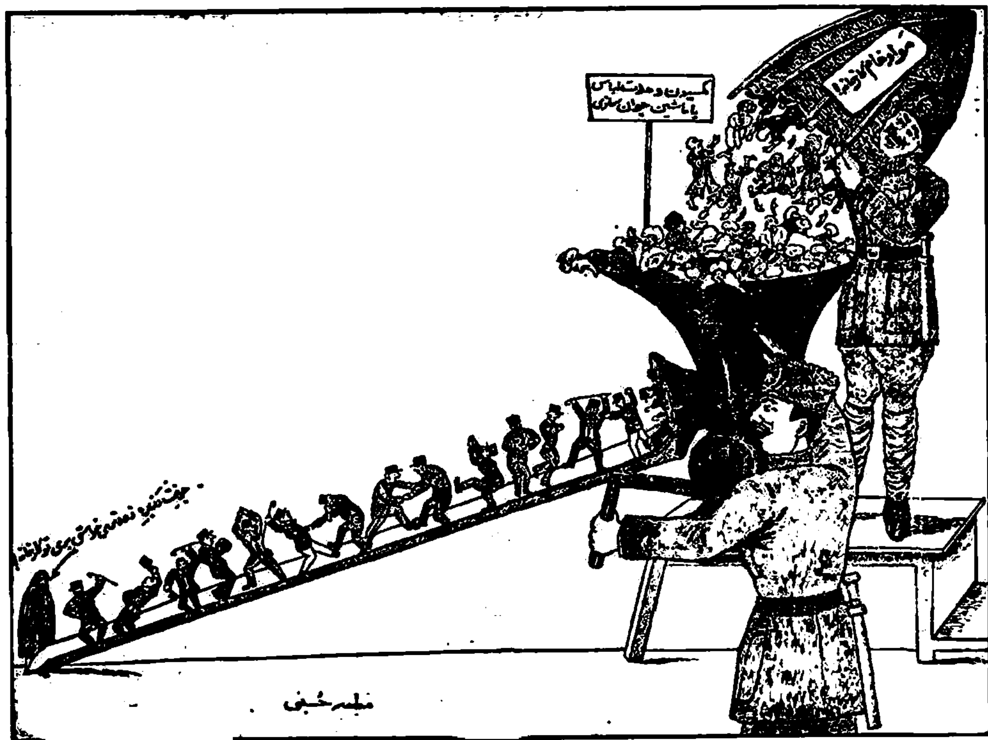
۲) شیخ، نقاش معاصر، یکی از استادان نقاشی کلاسیک (به شیوهٔ کمال‌الملک) بود که سالها به کار تعلیم و تدریس اشتغال داشت.

آزادی بیمار!
ملت بیمار!

تصویر ۱۲۵


اثر این میز اینست که هرکس پشتش نشست
مردم را باین صورت می بیند!...
مسند ریاست و وزارت - یا میز عجائب!

تصویر ۱۲۶



تصویر ۱۲۷

اداره کل ؟!......
در بند اول
عجب مردم سمجی هستید
آقای رئیس کمیسیون دارند - برو

تصویر ۱۲۸


بمناسبت طرح قانون استرداد املاک در مجلس شورای ملی (اردیبهشت ۱۳۲۲)
(۱) اجرای دادگستری
حق بصاحب خود برگردد
(۲) از این غذاها هم کلاهی خواهد رسید!؟
(۳) تا لاشخوران چه گویند!

تصویر ۱۲۹

ناهید و شروع کاریکاتور در ایران؟

عده‌ای از هنرمندان معتقدند که تصاویر *ناهید* مأخذی برای پیدایش کاریکاتور در ایران است، و فاصلهٔ زمانی که بین به وجود آمدن کاریکاتورهای *ملانصرالدین* تا انتشار *ناهید* موجود است زمانی است طولانی که طی آن شیوهٔ *ملانصرالدین* فراموش شده و طراحان هجایی ایران (بعد از *ناهید*) از شیوهٔ تصاویر *ناهید* الهام می‌گیرند...

اصولاً در راه کاریکاتور ایران، همان گونه که شیوهٔ نقاشی قهوه‌خانه‌ای تأثیراتی روی تصاویر هجایی نشریات می‌گذارد، شیوهٔ مینیاتور و حتی نقاشی کلاسیک اروپا نیز در ایجاد سبک و نحوهٔ بیان تصویری آن، بی‌تأثیر نیست.

در همین دوره‌های *ناهید*، ما ضمن دیدار و بررسی آثار نقاشان این نشریه، این تأثیرات را مشاهده می‌نماییم، و ضمناً همین نقاشان را می‌بینیم که از نحوهٔ بیان تصویری و تکنیک آثار *ملانصرالدین* بهرهٔ بیشتری گرفته و گاه دست به تقلید صرف و «کپی‌برداری» می‌زنند.

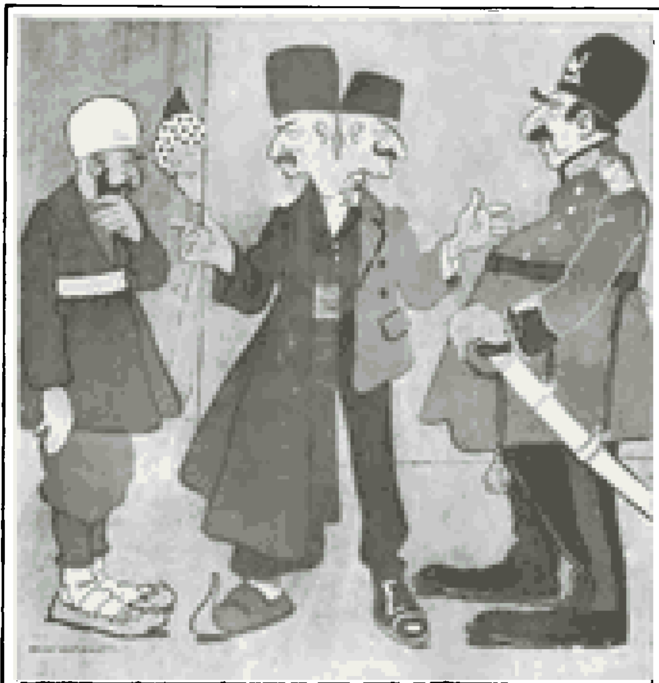
تصویرسازان مطبوعاتی بین سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۴۱ قمری از تمام خصوصیات آثار *ملانصرالدین* بهره می‌گیرند، و در یک بررسی کلی ملاحظه می‌کنیم که نه‌تنها بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ آثار تصویرسازان متأثر از شیوهٔ تکنیکی و بیانی تصاویر و کاریکاتورهای *ملانصرالدین* است، بلکه کاریکاتوریست‌های بعد از ۱۳۲۰ نیز با خط مشی قرار دادن آثار فوق برای خود، تأثیر شیوهٔ کاریکاتورهای این نشریه را به زمان خود راه می‌دهند.



تصویر ۱۳۰



تصویر ۱۳۱



- قونسولده. بو ناغیب رعیته هیچ رحم لازم دگل

— (رعیته) : تویانام قونسول سزی انجیتسون ؟ من
سزک طرفنه یگزام

تصویر ۱۳۲



تصویر ۱۳۳



(۱)
(۲)
۱- پدرجان : راست است که بعضی ها هرشب گوشت میخورند ؟!
۲- پسرجان : اربابها گوشت را بسگهای خودشان میدهند ولیما

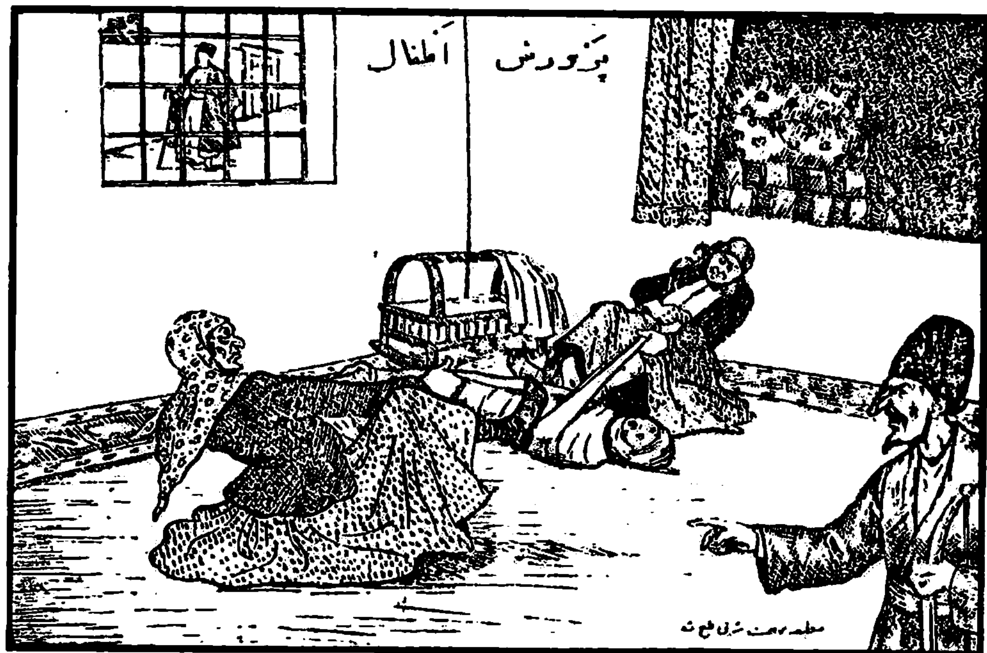
تصویر ۱۳۴



تصویر ۱۳۵



تصویر ١٣٦



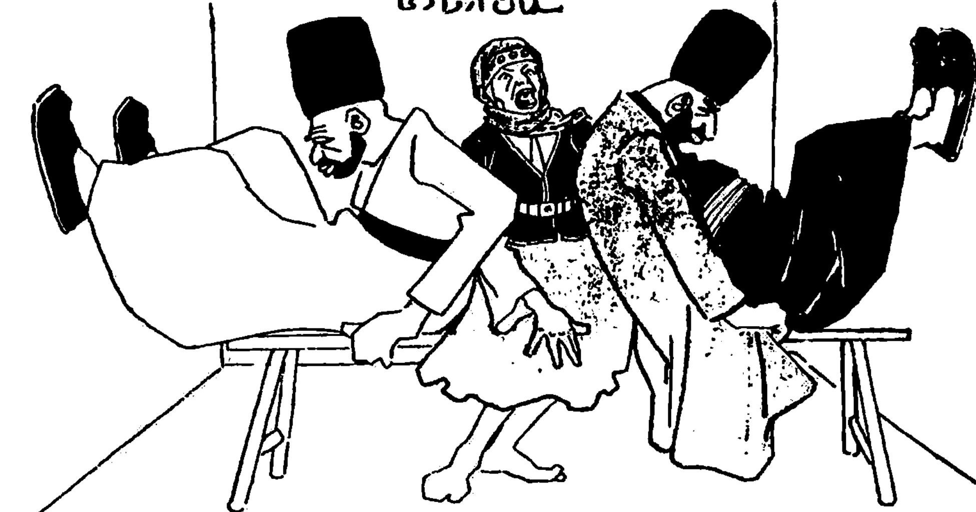
تصویر ۱۳۷



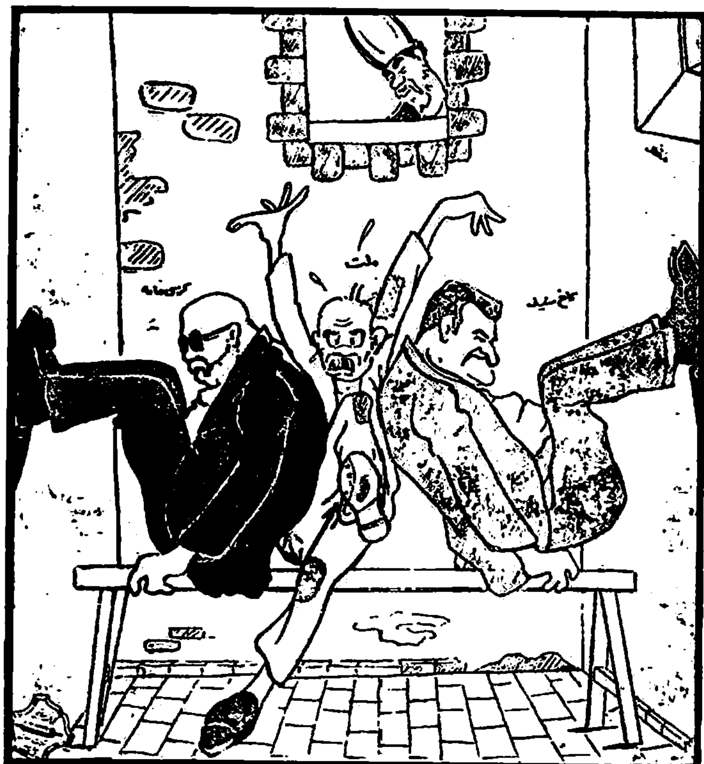
تصویر ۱۳۸



تصویر ۱۳۹



تصویر ۱۴۰



تصویر ۱۴۱ـروزنامهٔ باباشمل (۱۳۲۲ شمسی)



تصویر ۱۴۲ـ روزنامهٔ ملانصرالدین



تصویر ۱۴۳ـروزنامهٔ باباشمل (۱۳۲۲ شمسی)

با آغاز حیات نوین مطبوعات در ایران، نشریات متعددی که در صفحات آن تصاویر و کاریکاتورهایی چاپ می‌شود، منتشر می‌گردند. در این میان گروهی از نقاشان به آثار رئالیستی روی می‌آورند. جزئیات انتزاعی کنار گذاشته می‌شود و ایشان کیفیت و کمیت «زندگی» در حال جریان را مطرح، و آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند.

نقاشان مطبوعاتی پا فراتر نهاده و برای بیانی قویتر آثاری سمبلیک به وجود می‌آورند. تعدادی از اینان عاملانی برای نشر و گسترش افکار ترقی‌خواهانه هستند. هنرمندان کاریکاتوریست نیز با آثار مردمی خود، انگیزه‌ای قوی برای کنجکاوی، هیجان و استقبال همگانی از این نشریات می‌گردند.

دورهٔ جدید توفیق، انتقادی ــ فکاهی ــ کاریکاتور می‌شود و *باباشمل* با کاریکاتورهای جالب و اکثراً سیاسی خود وارد میدان می‌گردد. در نشریهٔ چلنگر کاریکاتورهای سیاسی *احمری* به طبع می‌رسد و در برخی نشریات تصاویری با سوژه‌های سیاسی ــ انتقادی چاپ می‌شود که البته کیفیت کاریکاتور را ندارد. شاید بهترین تصاویر این دوره از مطبوعات، آثار حسین بنایی در نشریهٔ *آرزو* باشد.

نشریات خارجی که توسط متفقین و یا ناشرین داخلی وارد ایران می‌شود، طبعاً زمینه‌ای برای تأثیرپذیری طراحان و کاریکاتوریست‌های ایران از تصاویر این نشریات را فراهم می‌سازد. مجلات کاریکاتور فرانسوی با آثار دوبو، برجسته‌ترین کاریکاتوریست آن، و *پانچ* انگلیسی با سمبل‌های معروفش و شیوهٔ کاریکاتوریست‌های آن، تأثیری مستقیم در طرز کار و کیفیت آثار طراحان ایران می‌گذارند.

نشریات سیاسی در ایران از چاپ تصاویر سود بسیاری در جهت بیان عقاید خود برده و طبعاً کاریکاتور حربه‌ای است که در این پیکار برای تبلیغ مرامهای سیاسی در نشریات به کار گرفته می‌شود.

در این قسمت به بررسی آثار کاریکاتور چند نشریه متعلق به این دوره[1] که عاملین اصلی در نشر و تحول کاریکاتور در ایران هستند می‌پردازیم:

---

۱) به سبب اینکه هدف از تألیف این کتاب، بررسی عوامل تحول کاریکاتور در ایران است، ارزیابی تمام نشریاتی که تصاویر با کاریکاتورهایی به چاپ رسانده‌اند لزومی نخواهد داشت.



تصویر ۱۴۴

باباشمل

یکی از نشریات قابل توجه این دوره در زمینهٔ طنز و فکاهیات و کاریکاتور، *باباشمل*[1] معروف است. سمبل روزنامه در هیئت *باباشمل* وارد میدان می‌شود ولی باباشمل در اینجا «تیپی» اندیشمند و آگاه است[2] این نشریه با همت رضا گنجه‌ای[3] همزمان با آغاز جنگ دوم جهانی شروع به انتشار می‌کند. گنجه‌ای تقریباً تمام امور روزنامه را خود بر عهده داشته و حتی برای خلق تصاویر به طراحان ایده و سوژه می‌دهد.

بنی‌سلیمانی یکی از نویسندگان *باباشمل*، کاریکاتور هم می‌کشد. آثار وی اندک ولی از کیفیت مطلوبی برخوردار است.

کاریکاتوریست عمده و سرشناس این روزنامه که تا آخرین شماره با روزنامه همکاری می‌کند روح‌الله داوری است. وی از پیش‌کسوتهای کاریکاتور در ایران می‌باشد. در ابتدا با سعی در تقلید از نحوهٔ حرکت بدن و حالات چهرهٔ کاریکاتورهای *ملانصرالدین* و الهام از سوژه‌های دوبو شروع به خلق آثاری می‌نماید که پس از مدتی خصوصیات ویژه‌ای یافته و کاریکاتورهایش میدان عرضه و رقابت را در کاریکاتور آن زمان دامن می‌زند.

آثار داوری از جملهٔ نخستین کاریکاتورهای به وجود آمده در بین سالهای ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۷ بوده و طی سالهای پس از آن، پیوسته برای کاریکاتوریست‌ها الهام‌بخش و تأثیرگذار بوده است.

---

۱) روزنامهٔ *باباشمل* دراوایل سال ۱۳۲۲ چاپ و منتشر شد وبعد از مدتی انتشار بدون وقفه، تعطیل گردید. دورهٔ دوم *باباشمل* حدود ۱۲ ماه بعد به‌طبع رسید ولی نشر آن‌مدت‌زیادی‌دوام نیافت.

۲) باباشمل مخفف «باباشاه‌محل»، در آن زمان اصطلاحی برای لوطیهای جوانمرد بود اما «باباشمل» روزنامه، در عین داشتن خوی جوانمردی عامی بوده و آگاه و نکته‌سنج به نظر می‌رسد. او در بدو ورود می‌گوید «داش ما هم اومدیم»

کاریکاتوریست این روزنامه، داوری، به همراه باباشمل یک «سگ فرنگی» را نیز به عنوان شاهد دیگر بر ماجراها وارد صحنه می‌کند، که‌عکس‌العمل این سگ باباشمل درصحنه‌ها دیدنی است.

۳) مهندس رضا گنجه‌ای استاد بازنشستهٔ دانشکدهٔ فنی در مصاحبه‌ای با مؤلف این کتاب می‌گوید: «پدر من جزو حزب دمکرات آذربایجان بود و محیط خاصی در منزل ایجاد نمود که مرا از همان کودکی علاقه‌مند به روزنامه‌نگاری کرد. در سیزده‌سالگی که از تبریز به تهران آمدم، به مدرسهٔ صنعتی آلمان رفتم و ادامهٔ تحصیلات من در زوریخ سویس بود که دورهٔ مهندسی ماشین‌آلات را گذراندم. در سویس ضمن تحصیل مطالعاتی در بارهٔ فلسفه و ادبیات داشتم، یک سال بعد به ایران آمده و در دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران مشغول تدریس شدم.

«در ۱۳۲۲ روزنامهٔ *باباشمل* را به تنهایی تأسیس کردم. همکاران محدودی داشتم، داوری که کاریکاتور می‌کشید، رهی‌معیری (با نام مستعار زاغچه) و ابراهیم صهبا که اشعار طنز و فکاهی می‌سرودند (البته سوژهٔ اشعار و تصاویر را من به آنها می‌دادم). آثار شلینگ و رونر (کاریکاتوریست‌های *ملانصرالدین*) را در اختیار داوری گذاشتم تا از شیوهٔ آنها الهام بگیرد. مهندس اقتصاد همکاری مختصری با *باباشمل* داشت و بالاخره بنی‌سلیمانی که نویسنده بود و کاریکاتور هم می‌کشید. هشتاد درصد مطالب روزنامه را من می‌نوشتم و از لحاظ شیوهٔ نگارش شدیداً تحت تأثیر «دهخدا» بودم (البته می‌دانید که «دهخدا» خود به سبک و شیوهٔ *ملانصرالدین* - یعنی جلیل محمدقلی‌زاده - می‌نوشت) و در عین حال روزنامه‌های فکاهی اروپا نیز تأثیر زیادی در نحوهٔ کار روزنامه داشتند.»



تصویر ۱۴۵

این آثار دیگر آن همبستگی تصاویر به مقالات را (که در *ناهید* می‌دیدیم) نداشته و کاریکاتورها در قالب خود استقلال دارند و بیانگر مسائل بزرگ و کوچک اجتماعی و سیاسی می‌باشند.

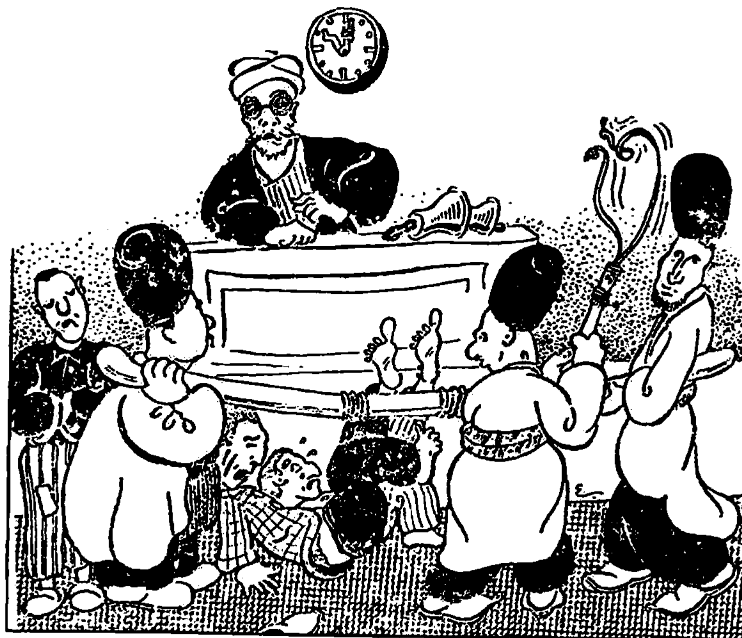
داوری بجز در *باباشمل*، در نشریات دیگری نیز فعالیت می‌کند. آثار متعددی در *اطلاعات هفتگی* چاپ می‌کند و بعد از تعطیل *باباشمل*، در نشریات انتقادی ـ فکاهی ـ مصوری چون: *سیاست روشن*، *حاجی‌بابا*، *علی‌بابا*، و دوره‌های بعدی *حاجی‌بابا* و *علی‌بابا*، *کلثوم‌ننه*، *فرشته آزادی*، *ملانصرالدین*، *متلک* و... آثاری به وجود می‌آورد، که اگرچه زیاد نیست ولی از کیفیت و تکنیک خوبی در عصر خود برخوردار است.[1]



ـ خاله برم بچه بهوش اومده   بخواب جونم یه سر دو گوش اومده!

تصویر ۱۴۶

۱) در مجلهٔ توفیق آثار دیگری با کیفیت مشابه (از سایر کاریکاتوریستها)، به چاپ می‌رسید



تصویر ۱۲۷



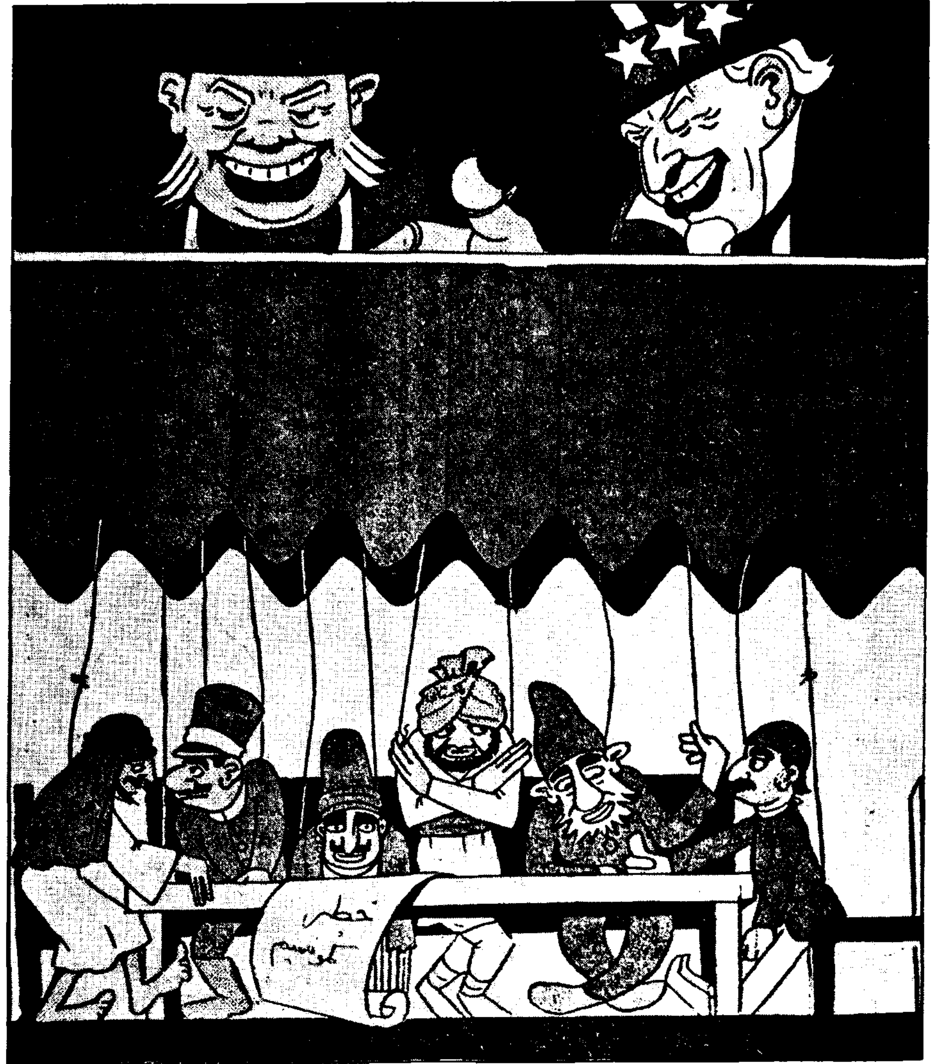
تصویر ۱۴۹



تصویر ۱۴۸


نام ایران
مدت زندان نامحدود
اتهام ضعف
زندانی مزبور محکوم است
علاوه مدت زندان
یک عمر هرگونه دخالت
ناروای مقامات خارجی
و داخلی را تحمل نماید
BP

تصویر ۱۵۰



تصوير ١٥١



تصویر ۱۵۲ـ قهر کردن‌های بیات (نخست وزیر) که این بار محمد صادق طباطبایی (سمت راست) و هاشمی (نماینده بیرجند) او را همچون کودکی ناز می‌کنند و برمی‌گردانند.



تصویر ۱۵۳ـ چون وضع بودجه وزارت دارایی معلوم نبود و میلیسپاک مسئول آن بود، همیشه از او خواهش می‌کرد که بماند و نرود. (در اینجا رضازاده شفق در حال التماس از او دیده می‌شود)

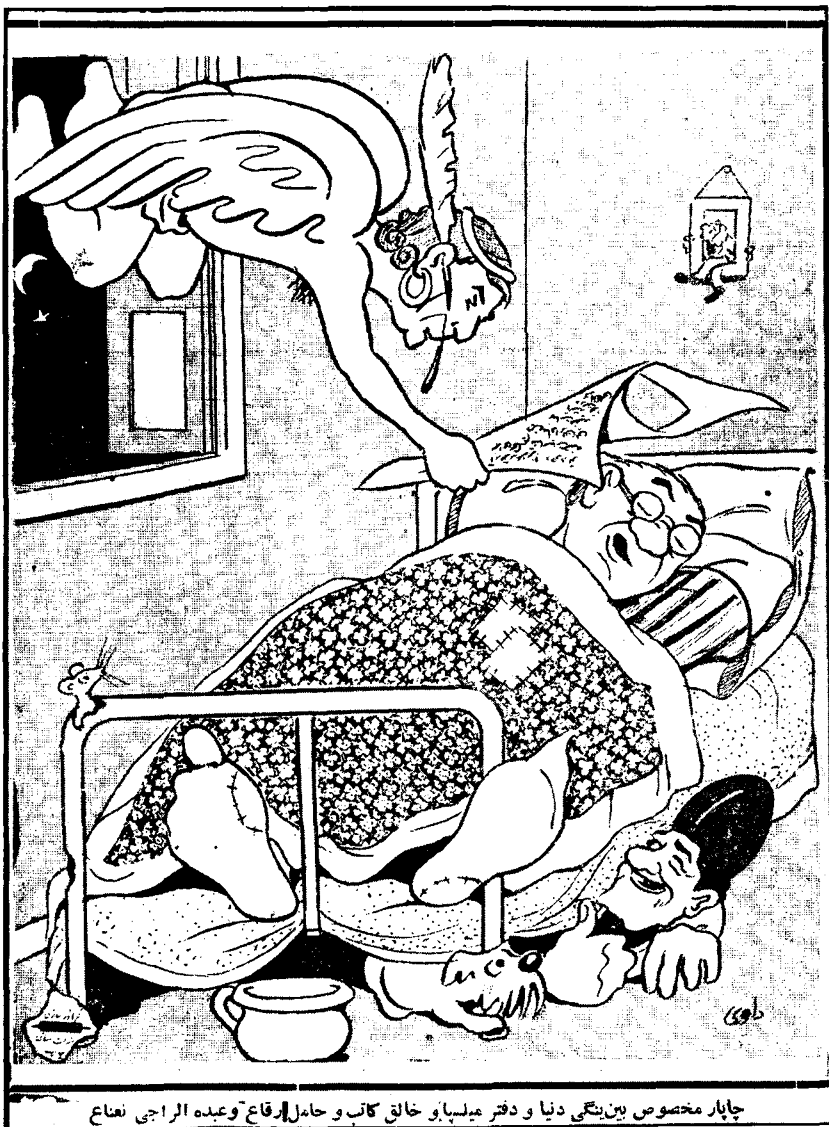


طلاق درمحضر رسمی آمیز ممصندوق

تصویر ۱۵۴


هر حقهٔ کابینه که در هم پیوست
بشکست شبی کوزه‌گر حقه‌برست!
چندین سر و دست شاهدان تر دست
از مهر که پیوست و بکین که شکست!

تصویر ۱۵۵



چاپار مخصوص بین‌بنگی دنیا و دفتر میلسپاو خالق کاتب و حامل رقاع وعبده الراجی نعناع

تصویر ۱۵۶



«بمناسبت نامهٔ اخیر میلسپاك بملاغه»

دیروز جلال و کبر جان افروزی
و امروز چنین ملال عالمسوزی
افسوس که در دفتر عمرم تنها
آن‌را روزی نویسد اینرا روزی

تصویر ۱۵۷



تصویر ۱۵۸ـ منظره زمان بیکاری قوام‌السلطنه (بالا دست‌چپ) صادق طباطبایی (بالا دست‌راست) حتی بعد از مرگ نیز به‌نوشتن کتاب سیر حکمت در اروپا می‌پردازد و سهیلی (پایین دست راست)



تصویر ۱۵۹

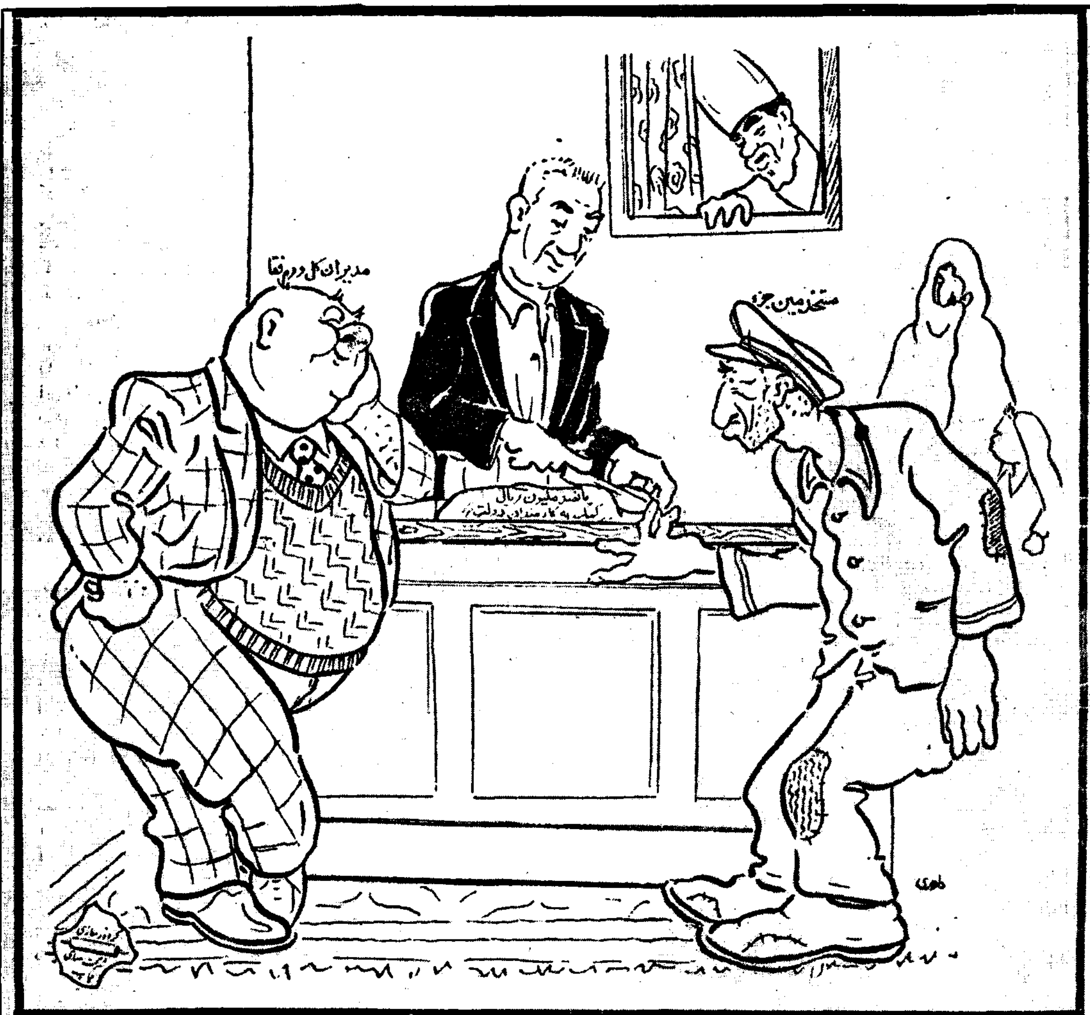


تصویر ۱۶۰ـ مجلس همچون مکتب‌خانه‌ای بی‌انضباط شده بود که محمد صادق طباطبایی در وسط نشسته و بقیه به‌ورجه ورجه و بازیگوشی مشغولند.



آسید زلزله ـ ارباب فرس ! برو جلو ! من مظفر جنی‌را از سوریس و
دردرقای سرسره و تمام لشگر اجنه را بکمک طلبیده‌ام، الان از راه میرسند !

تصویر ۱۶۱



تقسیم نان بیات

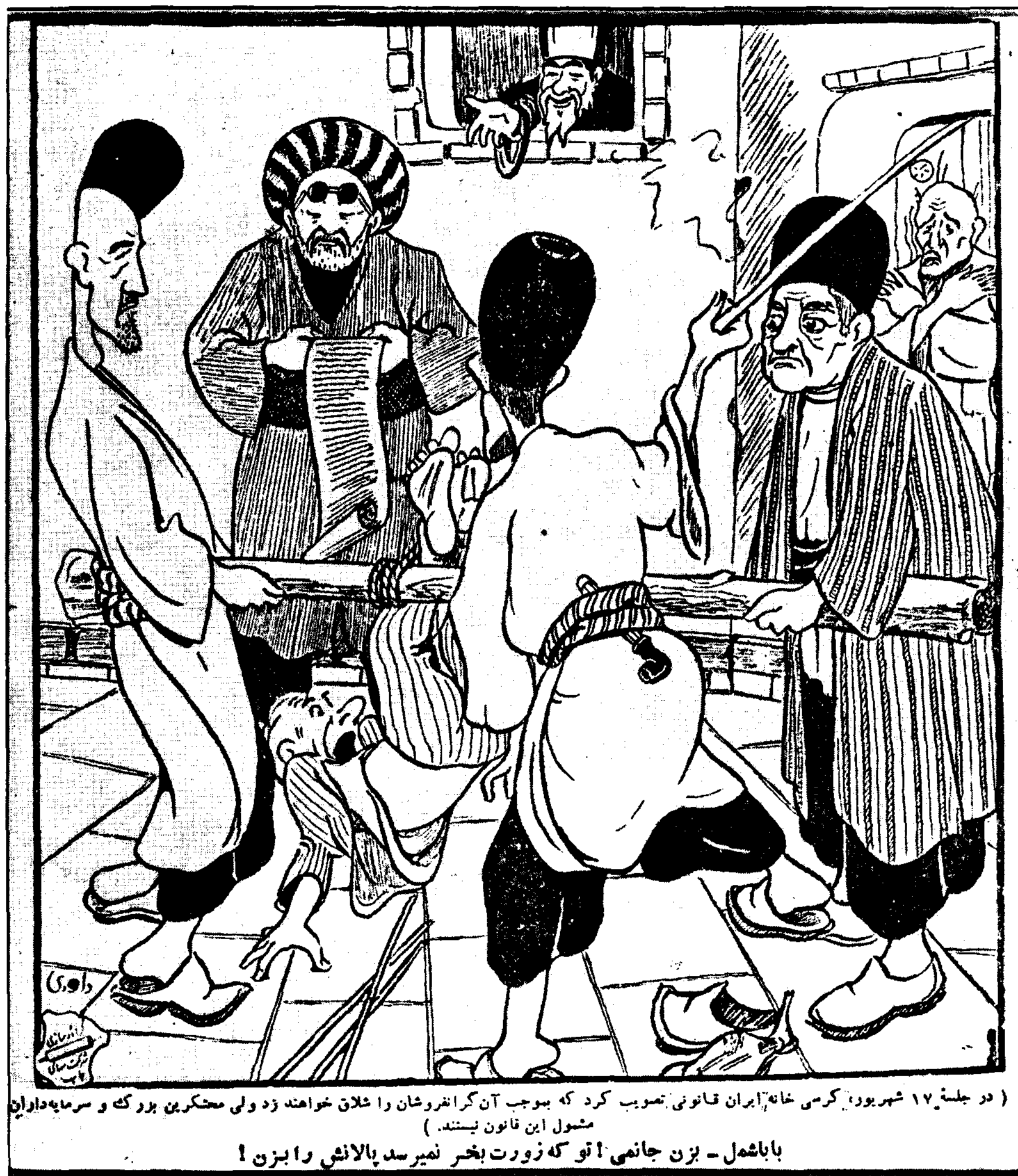
ــ هر کسی بقدر شکمش باید بخورد ! این یك لقمه کوچولو مال تو و بقیه مال این آقایان !

بابا شمل (خطاب بمستخدمین جزء) چو قسمت ازلی بی حضور ما کردند اگر مخالف میل و رضاست خرده مگیر

تصویر ۱۶۲



تصویر ۱۶۳ـ موضوع جمع‌آوری مالیات بر در آمد است، آنهایی را که چاق‌ترند بگیر...



(در جلسهٔ ۱۷ شهریور، کرسی خانهٔ ایران قانونی تصویب کرد که بموجب آن گرانفروشان را شلاق خواهند زد ولی محتکرین بزرگ و سرمایه‌داران مشمول این قانون نیستند.)

باباشمل - بزن جانمی! تو که زورت بخر نمیرسد پالانش را بزن!

تصویر ۱۶۴- بنا به‌قانون مبارزه با گرانفروشی مجرمین را مجازات می‌کردند البته در آن زمان محتکرین مشمول این قانون نمی‌شدند



تصویر ۱۶۵



تصویر ۱۶۶ـ محمد صادق طباطبایی (پرده‌دار) سعی در لاپوشانی سوء استفاده‌های ممالک خارجی دارد (در دوران جنگ واردات قند و شکر و غیره زیاد بود و تجار بزرگ از این رهگذر سودهای کلانی می‌بردند)



تصویر ۱۶۷

چلنگر

چلنگر یکی از نشریات سیاسی ـ انتقادی است که از اواخر سال ۱۳۲۹ شروع به فعالیت می‌نماید، و در دوران حیات دو سال و نیمهٔ خود (تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) صدها تصویر و کاریکاتور به چاپ می‌رساند.

محمدعلی افراشته[۱] بنیانگذار این نشریه، بیشترین مطالب را که غالباً به شعر است خود تهیه می‌کند و همچنین به تصویرگران سوژه می‌دهد. یکی از ویژگیهای این نشریه عدم استقلال مضمون «تصویر» بوده و بطور عمده بیانگر و زینت‌دهنده مطالب و اشعار است.

۱) محمدعلی افراشته (۱۳۳۸-۱۲۸۰) متولد رشت. وی فعالیت مطبوعاتی خود را با همین نشریه شروع کرد.

برف فقرا

از : افراشته

توی این برف چه خوبست الو ـــ آی گفتی
یک بغل، نصف بغل، هیزم مو ـــ آی گفتی
زیر یک سقف ولو بی‌در و پیکر جایی
تا در این برف نباشیم ولو ـــ آی گفتی
منقلی تا که در آن خاکه زغالی ریزیم
همچو جان تنگ بگیریم جلو ـــ آی گفتی
یک دوتا گونی پاره که روی دوش کشیم
نکند برف اثر در من و تو ـــ آی گفتی
استکان و قوری و سمور و قند و چایی
دو سه سر از چپقی کوک و برو ـــ آی گفتی
مشت‌مالی، سر حمامی، و بعدش کرسی
یک شب اندر همهٔ عمر، ولو ـــ آی گفتی
گوشهٔ دنجی و گرمی که توان چرت زدن
کفش و شلوار و کتی کهنه و نو ـــ آی گفتی
تخت کفشی که در آن آب سرایت نکند
رخت گرمی که نگردیم جدو ـــ آی گفتی
کار و کسبی که از آن نان و لبویی برسد
ما که سیریم هم از بوی پلو ـــ آی گفتی
صد نفر برهنه و گرسنه؛ غارت گشته
سه نفر گرم بیغما و چپو ـــ آی گفتی
زحمت کار ز ما، راحتی از آن حشرات
کشت از ما و از آن عده درو ـــ آی گفتی
مادری زاده مرا مثل تو، ای خفته به ناز
می‌رسد نوبت ما غره مشو ـــ آی گفتی
وه چه غولی، چه مهیبی، چه بلایی ای‌برف
قاتل رنجبرانی تو، برو ـــ آی گفتی



تصویر ۱۶۸ـ محمدعلی افراشته

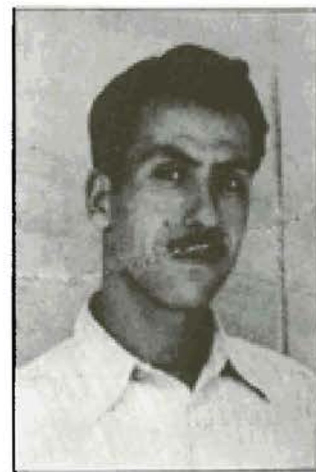
بیشترین تصاویر انتقادی و کاریکاتورهای **چلنگر** را احمری[1] تهیه می‌کند.

آثار «احمری» پرقدرت و ترکیب‌بندی آن پرتحرک است و حال و هوای کشمکش‌های سیاسی زمان را به خوبی انعکاس می‌دهد.

این واقعیت که **چلنگر** یک نشریه مستقل نبوده و در خدمت تبلیغ مرام سیاسی است[2]، از برد و تأثیر کاریکاتورها تا حدی می‌کاهد.



تصویر ۱۶۹



تصویر ۱۷۰

۱) بیوک احمری متولد ۱۲۹۹ تبریز. (که با نامهای مستعار «شیوا» و «فرزین» هم آثار خود را امضاء می‌کرد.)

۲) نشریهٔ چلنگر وابسته به «حزب توده» بود و از سیاست این حزب پیروی می‌کرد.



تصوير ١٧١

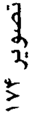


تصویر ۱۷۲

ملت ـ آهای مشدی ، پاشو جلوی حملهٔ سگها را بگیر
پیشوا ـ بگیر بخواب !انشاءالله گربه است



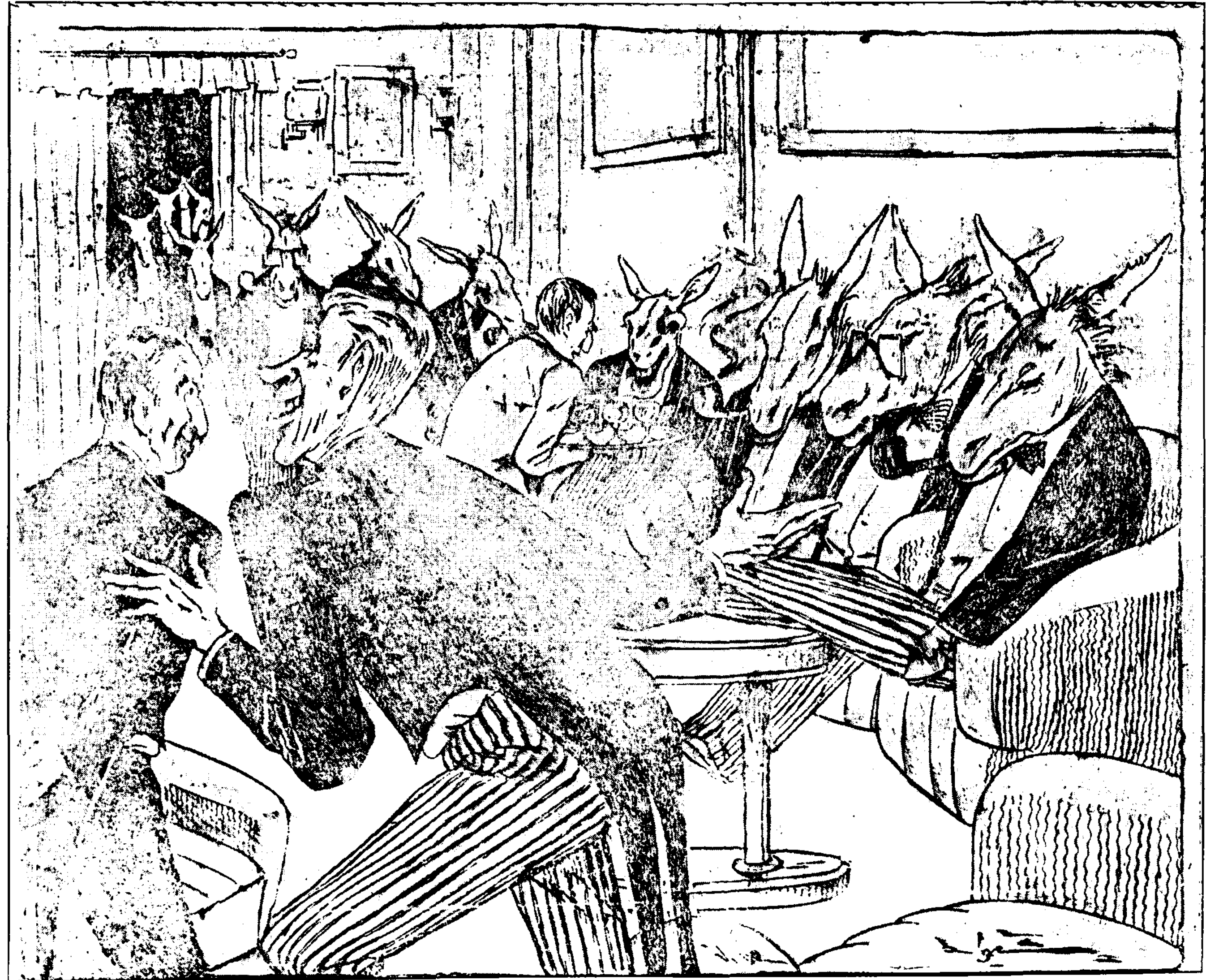
تصویر ۱۷۳



تصویر ۱۷۴

- باباجون ، من از اون تی‌تیش مامانی میخوام
- زق‌زق نکن بچه ، اگه تو پسر خوب و حرف شنوئی باشی و بادکنکتو گم نکنی از اون لباسم واست میخرم!

تصویر ۱۷۵



تصویر ۱۷۶



حاکم قرمز خطاب با « ایضاقادار » ـ در اینصورت با تمام قوا بخاك اصلی چین حمله خواهیم کرد ! یامرك یاحاکمیت وافور !

تصویر ۱۷۷



تصویر ۱۷۸

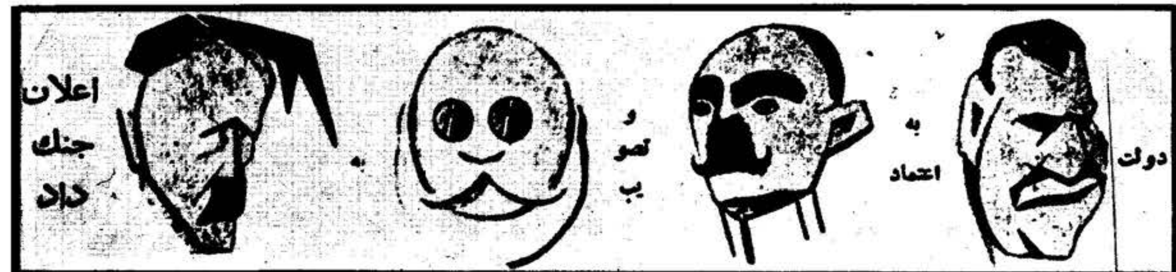
دولّو

یکی دیگر از کاریکاتوریست‌های این دوره که آثاری با مضمون سیاسی دارد **دولّو**[1] است.

نخستین کاریکاتور وی در سال ۱۳۳۲ شمسی در نشریهٔ *ایران ما*[2] حزب پیکار چاپ می‌شود. این کاریکاتوریست شیوهٔ تجریدی خاصی دارد که با تصاویر مطبوعاتی متداول شدهٔ قبل از این دوره که مرزی بین نقاشی رئالیست و کاریکاتور را می‌پیمودند، متفاوت است.

دولّو با پیگیری فعالیت خود در مطبوعات سیاسی و حفظ خصوصیات تکنیکی‌اش شیوهٔ شناخته‌شده‌ای برای خود ابداع می‌کند.

وی در کار نمایاندن ماهیت شخصیت پرسوناژ، با قدرت و تسلط در قالب خطوط تجریدی و فرم‌های سادهٔ هندسی سعی در نمایاندن جوهر واقعی فرد در چهرهٔ او می‌نماید.



تصویر ۱۷۹

۱) محسن دولّو در ۱۳۰۶ در تهران به دنیا آمد. این کاریکاتوریست پیش‌کسوت قبل از شروع فعالیتش در زمینهٔ کاریکاتور، نقاش و دکوراتیو صحنه‌های تئاتر بوده است.

۲) یکی از نشریات «پان‌ایرانیست‌ها».

یکـــی از خـــصوصیات آثـــار دولّـــو، اســـتفادهٔ کـــاریکاتوریست از ســـایه‌روشن و رنگ در مـتن آثـار است.[1] (وی که قبلاً نقاش بوده، در آثار کاریکاتور خود از تأثیر رنگ در نشـان‌دادن مـاهیت پـرسوناژ خـود بـه خوبی بهره می‌گیرد.)
دولّو این شیوهٔ کار را سالها ادامه می‌دهد و آثار پرقدرت وی نـمایش تکـنیک سـازمان‌یافته‌ای است کـه اکـثراً موضوع آن چهره و سوژه‌های سیاسی است.

دولّـو مـجلهٔ *کـاریکاتور* را در سـال ۱۳۴۸ مـنتشر مـــی‌کند. در ابـــتدا ایـــن نشـــریه پـــایگاهی بـــرای کاریکاتوریست‌های جوان می‌گردد و فعالیتهای گروهی آنها کیفیت نمایشی مـجله را ارتـقاء مـی‌دهد، ولی بـه تدریج کاریکاتوریست‌ها این نشـریه را تـرک مـی‌کنند. مجلهٔ *کاریکاتور* تا پایان دورهٔ زمانی مورد بـحث ایـن کتاب انتشاری مرتب و بی‌وقفه دارد.

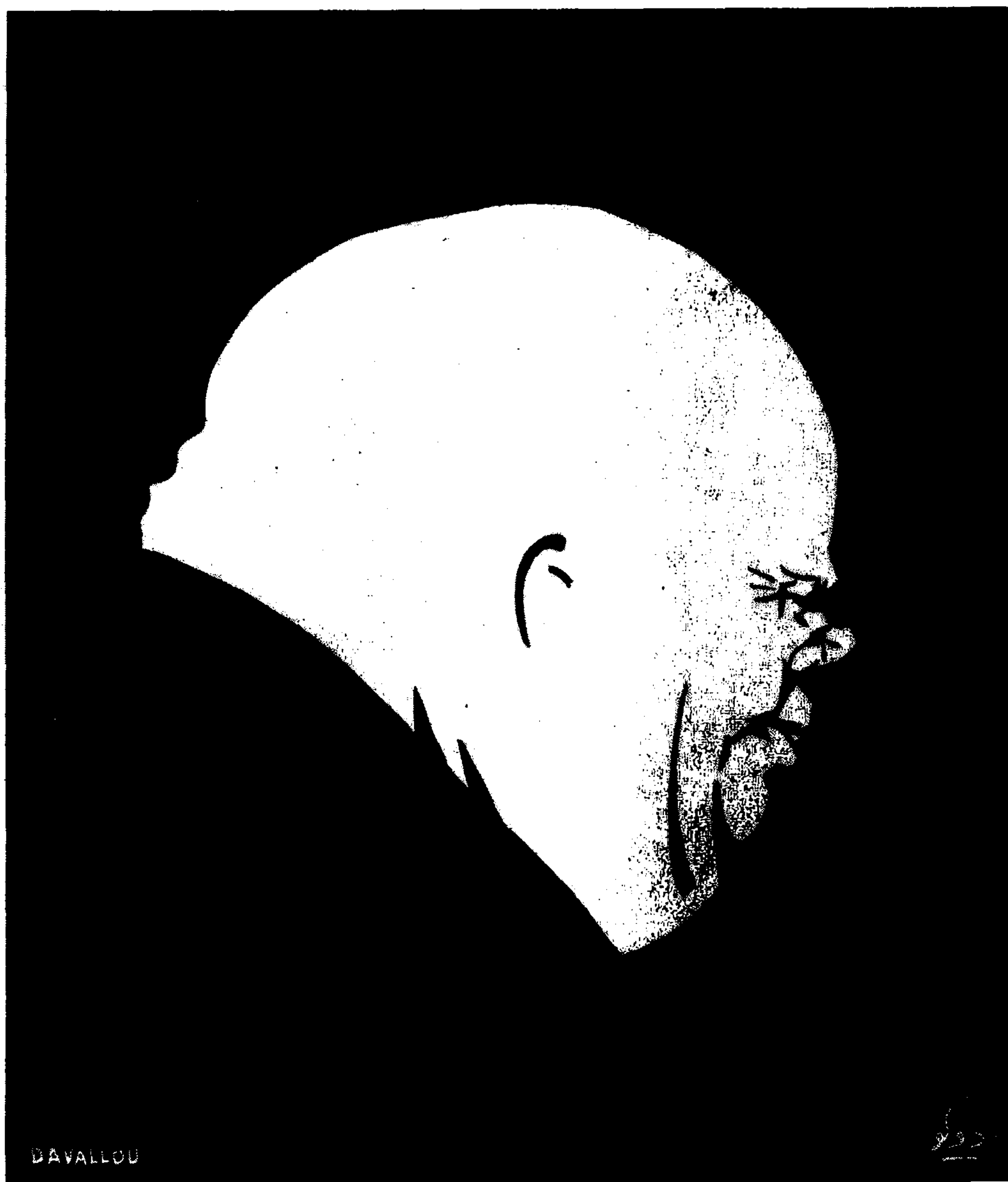


تصویر ۱۸۰ـ محمدساعد مراغه‌ای

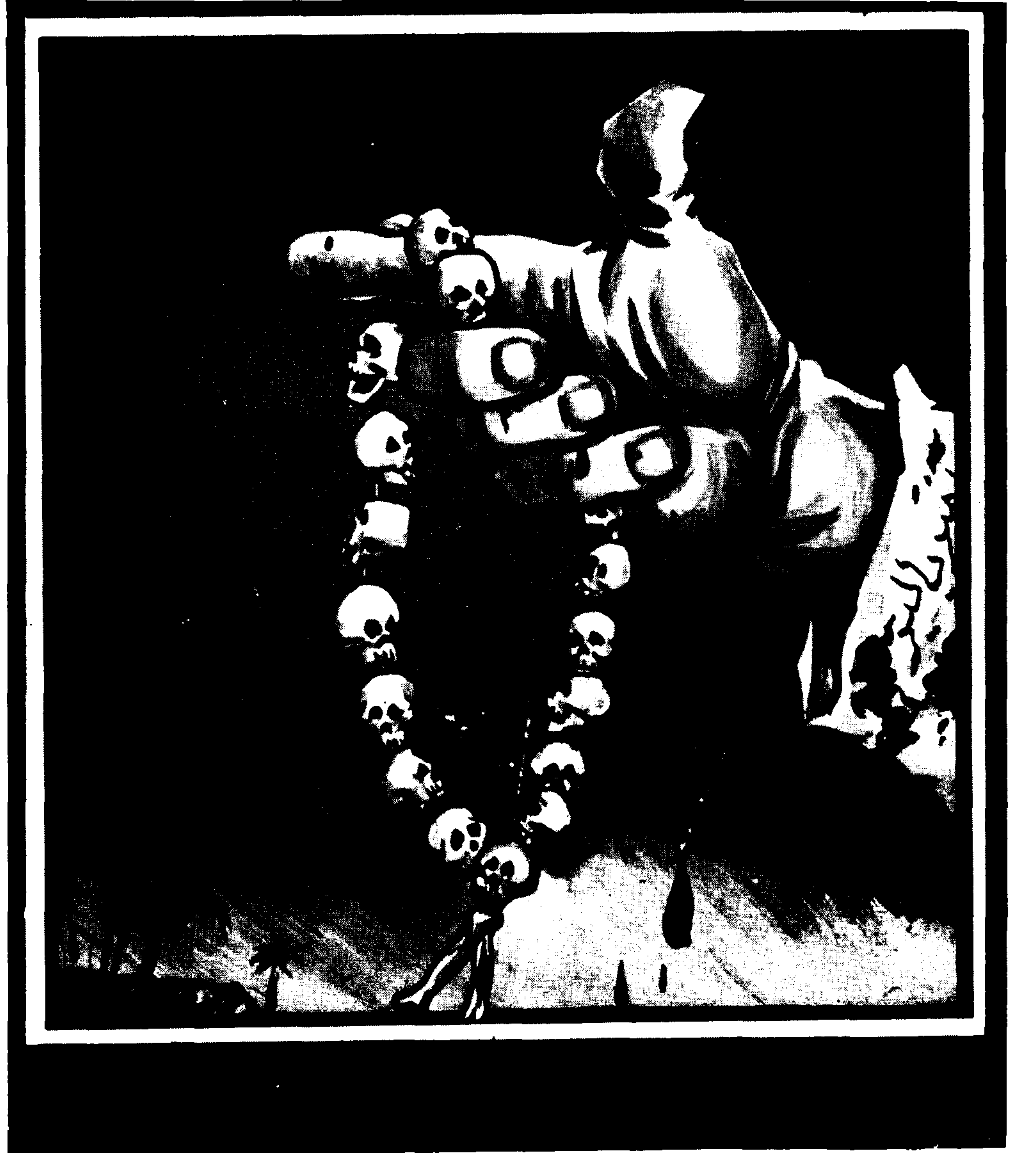
۱) دولّو عقیده دارد: «کاریکاتور مرحلهٔ بعد از نقاشی است. یک کـاریکاتوریست بـاید بـه فـرم خـصوصیات تکـنیکی و بـیانی در نقاشی آشنا باشد، تا بتواند شروع به یادگیری و کشیدن کاریکاتور نماید.»



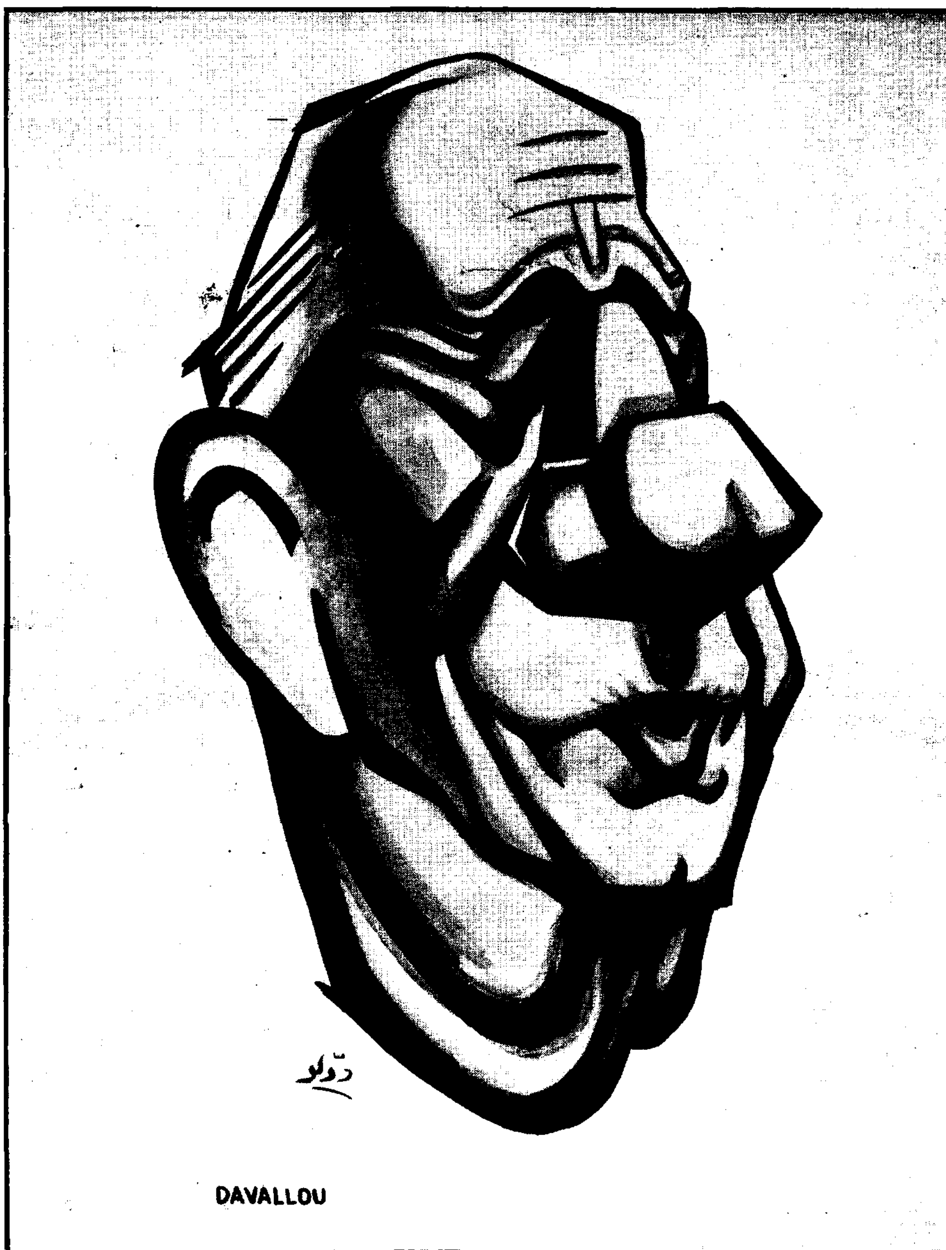
تصویر ۱۸۱ـ سیدضیاءالدین طباطبائی



تصویر ۱۸۲ـ خروشچف (این اثر در سال ۱۹۷۲ در نمایشگاه جهانی کاریکاتور در مونترال کانادا موفق به‌دریافت مدال می‌گردد)



تصویر ۱۸۳ـ(خاورمیانه عزبی) تسببیح مرگ



تصویر ۱۸۴ـ دو گل



تصویر ۱۸۵ـ دندان دوم دوگل هم درآمد (به‌مناسبت انفجار بمب هیدروژنی فرانسه)



تصویر ۱۸۶ـای که پنجاه رفت و در خوابی



«شوروی و آمریکا آماده‌خروج از اروپا هستند.»

تصویر ۱۸۷



تصویر ۱۸۸ـ خداحافظ رینگو



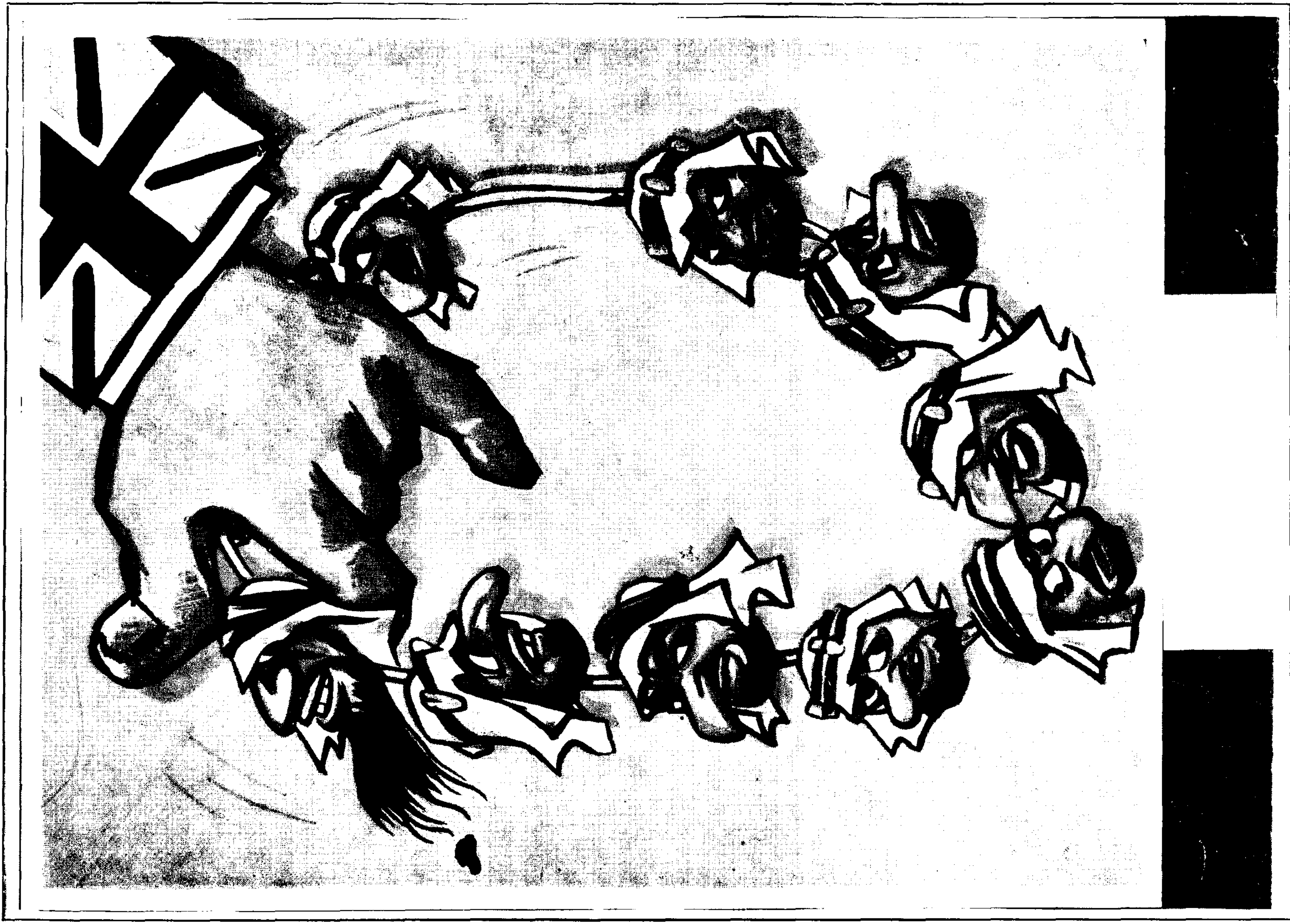
تصویر ۱۸۹- پیر مرد و دریا



تصویر ۱۹۰ـ چه کسانی از جنگ خاورمیانه سود می‌برند



تصویر ۱۹۱



تصوير ١٩٢



تصویر ۱۹۳ـ فرمان یازدهم



تصویر ۱۹۴

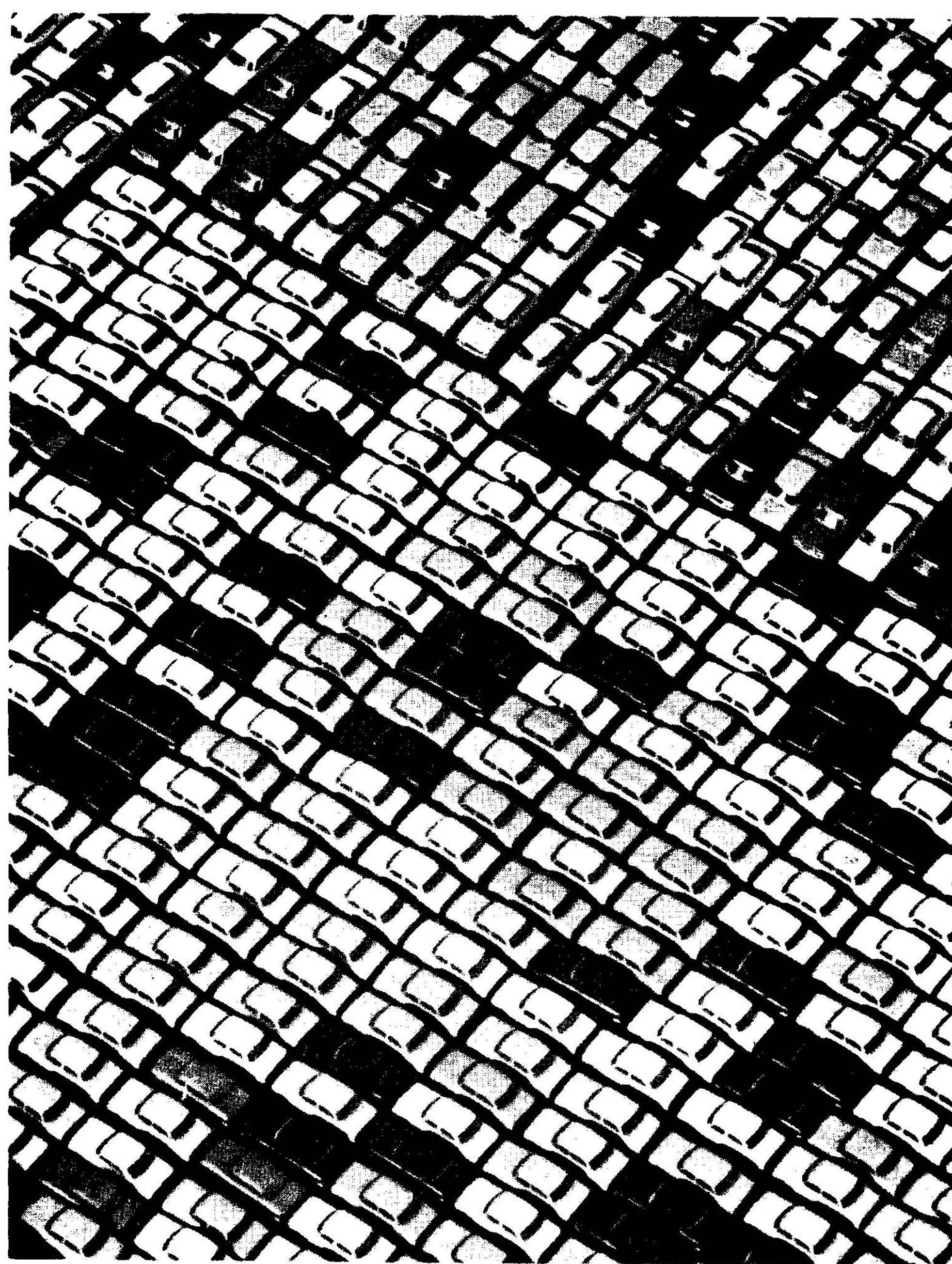


تصوير ١٩٥



تصوير ١٩٦

تصویر ۱۹۷



اینجا تهران است!

تجارتچی

تجارتچی[1] از پیش‌کسوتهای کاریکاتور روزنـامه‌ای در ایران است که او را با آثار «کـارتون مـتحرکش» نـیز می‌شناسیم.

آثار اولیهٔ او مـلهم از شـیوهٔ آثـار کـاریکاتور دوبـو فرانسوی است ولی به تدریج با ترکیب خاص و نحوهٔ بیان معینی که پیدا می‌کند، از این تأثیرپذیری می‌کاهد.

آثار تجارتچی که خصوصیات شناخته‌شده‌ای دارد و بیش از ۳۰ سال در مطبوعات ایران چاپ شـده است، چهره‌ای است از نقاشیهای متحرکش. کاریکاتورهای وی به روال نقاشی متحرک در چند صحنه ساخته شـده و آثار دیگرش که یک‌صحنه‌ای است در حقیقت تـرکیبی است از صحنه‌های مختلف یک سوژهٔ معین.

جذابیت آثار تجارتچی صرفاً در ویژگی تکنیکی کار وی خلاصه نمی‌شود، بـلکه پـرسوناژها، روابـط آنـها، نـمایش صـحنه و بـالاخره تـرکیب‌بندی آثـار، زنـده و پـرتحرکند. وی در حـالی کـه صـحنه‌های جـانداری از زندگی روزمرهٔ مردم را با شیوهٔ بیانی خاص خود خلق می‌کند، خود بدون قضاوت و ادعا در کنار آثارش باقی می‌ماند.

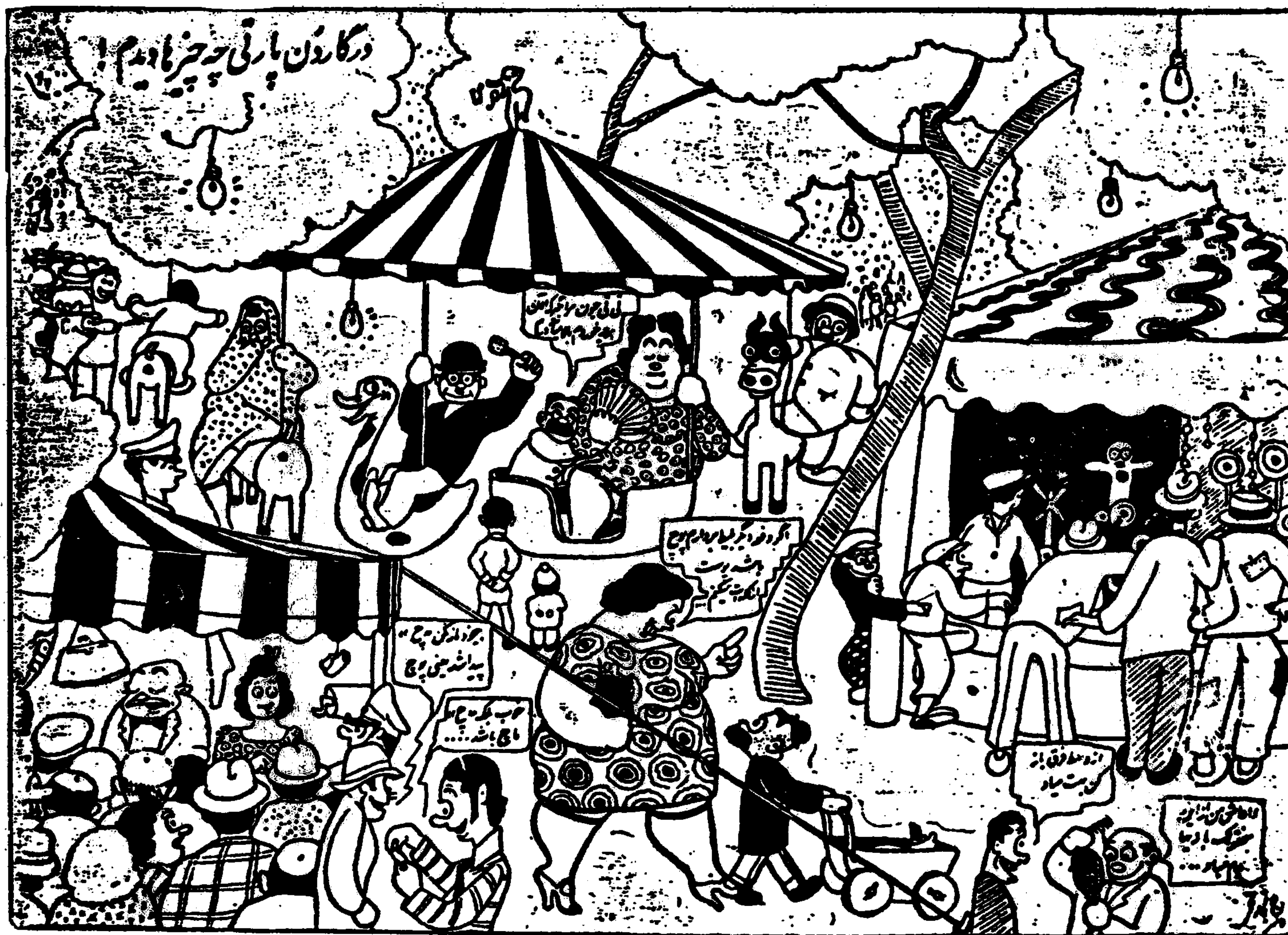
۱) سرهنگ جـعفر تـجارتچی پیش‌کسوت در انیمیشن (نقاشی متحرک) در ایران نیز هست. کوشش پیگیر او و نمایش آثارش (با دستگاهی که خود ساخته بـود) مـوجبی بـرای مـعرفی ایـن هـنر نوظهور در ایران شد.



تصویر ۱۹۸



تصویر ۱۹۹



تصویر ۲۰۰



« افسانه‌های تابستان »



حلاج‌های با ذوق محلهٔ ما هیئت‌ارکستر تشکیل داده و پنبه را با صدای دلنواز موسیقی حلاجی میکنند!
شف‌ارکستر : اوس‌اکبر . خواننده : ابرام لحاف‌دوز سازندهٔ‌آهنگ : طبیعت !! (توضیح اینکه پرندگان روی سیم نوت را درست کرده‌اند !!!)

تصویر ۲۰۲

تصویر ۲۰۳


غذای بنام گوشت
۱۳

خواهر پرواز کنیم اگه نه میزنن داغونمون میکنن
بی خیالش .... کسیکه گوشت نخورده رمق نداره .... نگون نخور هیچ - کاری از شون ساخته نیس ...
برو بچه‌ها ـ قریب یک ماه است که داریم با تیر کمون تمرین میکنیم .. حالا یکی سمت اون کلاغ‌ها نشونه میریم و یه آبگوشت حسابی میخوریم ....
بچه‌های عزیزم از این کرم‌های پروار بخورین که گیر آدم‌ها نمیاد
فیتیله ... خدا تعطیله ....
داداش خوشا بحال تو دگوشت کوب .. کی میشه برنج هم نایاب بشه
اوخیش ... چقدر راحت شدم بعد از هزاران سال بازنشسته شدم
بادش بخیر یک خوبی بود حالا هم فدای شکم شد
فعلاً تا گوشت کیابه توی رستوران‌ها غذا نخورید
آقای دکتر ... بدادم برسین .. روز بروز قیافه‌ام برمیگرده و بی اختیار توی خواب و بیداری معو معو میکنم
پاک از کار و بارمون وا موندیم ... هر روز باید بچه‌ها رو بریم بیابون بچرونیم

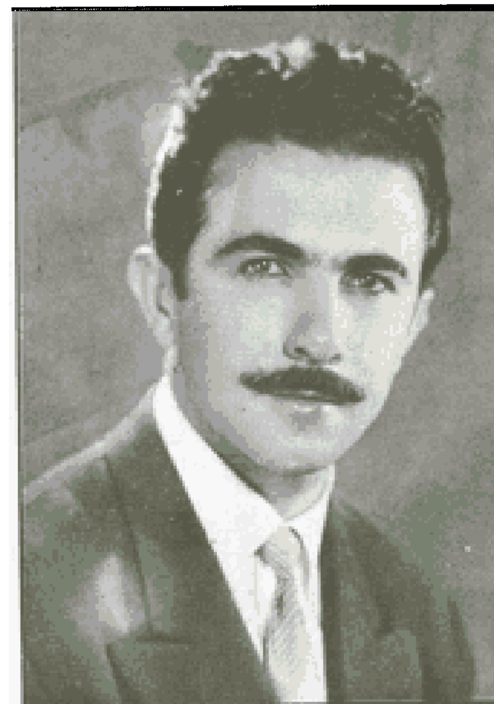
تغییر وضع سیاسی کشور بعد از شهریور ۱۳۲۰، انتشار تعداد زیادی از نشریات جدید را در پی داشت. در دهۀ ۱۳۲۰، افزایش نسبی آزادی بیان، حساس شدن مردم نسبت به وقایع سیاسی و ورود مطبوعات خارجی موجب رونق روزافزون بازار کاریکاتور روزنامه‌ای شد، تا آنجا که اکثریت نشریات مهمترین مطالب و حوادث را به شکل کارتون روی جلد یا صفحات اول چاپ می‌نمودند.



تصویر ۲۰۴

توفیق

توفیق یکی از نشریاتی است که پس از سالها فعالیت، و بعد از پایان حیات بنیانگذار آن[1] از شهریور ۱۳۲۰ با چهره‌ای دیگر شروع به فعالیت می‌نماید.



تصویر ۲۰۵



تصویر ۲۰۶

۱) حسین توفیق که نشریهٔ خود را همزمان با ناهید در تهران تأسیس نمود، نویسنده و شاعر و همچون میرزا ابراهیم‌خان ناهید مرد سرسختی بود که سالهای سال با مشکلات گوناگون مبارزه کرده و به نشر روزنامه ادامه داد. تصویرهای ۲۰ سال اول فعالیت این نشریه که بنا به تمایل خوانندگان همراه با صفحات فکاهی به چاپ می‌رسید چندان قابل توجه نیست.



تصویر ۲۰۷



تصویر ۲۰۸





تصوير ٢٠٩



جاده قم
توکلت علی الله
روزنامه فکاهی توفیق
تأسیس ۱۳۰۱
برچشم بد لعنت

تصویر ۲۱۱

در این دورهٔ جدید[1] شاهد سالهای طولانی فعالیت روزنامه در زمینهٔ طنز و فکاهیات و کاریکاتور هستیم.

در اوایل این دوره، خط مشی تصاویر توفیق نیز شیوهٔ کاریکاتوریست‌های *ملانصرالدین* و طراحان مطبوعات اروپایی است که وارد ایران گردیده ولی پس از ۱۳۲۷ به تدریج توفیق از این تأثیر رهایی یافته و تصاویرش رنگ و بویی ویژه به خود می‌گیرد.[2]

شیوهٔ متداول در توفیق، بیش از ربع قرن تأثیری عمیق در کیفیت و نحوهٔ ارائهٔ کاریکاتور در مطبوعات ایران به جا می‌گذارد.

سرشناسترین کاریکاتوریست این نشریه حسن توفیق[3] است که به طور پیگیر بعد از شهریور ۱۳۲۰ در کنار کاریکاتوریست دیگر توفیق، روح‌اللّه داوری[4]، شروع به فعالیت می‌کند.

در اواخر سال ۱۳۳۶، حسن توفیق ــ کاریکاتوریست رو جلدهای توفیق ــ سمبل اصلی روزنامه، «کاکاتوفیق» را در شمایل «سیاه‌بازها» وارد صحنه‌های کاریکاتور خود می‌کند.

سمبل ملت تیپ دیگری است با لباس فقیرانه و کلاه مارک‌دار.

بعد از سالها کاکاتوفیق که به تدریج پیر شده با چهره‌ای سیاه و ریشی سفید و کلاهی منگوله‌دار، با لباس مردم عامی وارد صحنه می‌شود. وی همه‌کارهٔ مندرجات توفیق، مردی فهیم، زیرک و نکته‌سنج است و اوست که با استفاده از زبان مردم با مطرح کردن مشکلاتشان به آنها نزدیک شده و حقایق را معلوم و سعی در روشن ساختن ذهن مردم می‌نماید.

سمبل‌های دیگر توفیق که هر یک به مقتضای مسائل روز ظاهر می‌شوند «گشنیزخانم» (عیال کاکاتوفیق)، «دکتر ممولی» و «کُری» (خر کاکاتوفیق) هستند.

آرایش چهرهٔ «گشنیزخانم» شبیه زنهای قاجار است.[5] ابروان پیوسته، صورت گرد با خالی بر آن و لبان قلوه‌ای کوچک که همیشه روسری خوش‌نقشی نیز به سر دارد. «گشنیزخانم» طبعاً در مورد مسائل اجتماعی مربوط به زنان وارد میدان می‌شود.

«دکتر ممولی» بچه‌میمونی است زیرک و باهوش که اغلب ته‌مقالهٔ روزنامه را می‌نویسد ولی هرجا که موردی پیش آید سر و کله‌اش پیدا می‌شود، و بالاخره «کری» خر کاکاتوفیق که با مسائل فراوانی چه دربارهٔ آدمها و چه دربارهٔ خرها روبه‌رو است.

حسن توفیق در آثارش، با دید خاص و طنزآلود خود می‌کوشد مردم را در جریان اخبار و مسائل جاری زندگی اجتماعی و مسائل سیاسی قرار دهد و حقایق را آشکار نماید.

وی با زیرکی گوش به‌زنگ وقایعی است که از نظرها پنهان می‌ماند... در بیشتر این وقایع به ظاهر پیش پا افتاده، حقایقی از مسائل قابل توجه جامعه به چشم می‌خورد.

آثار توفیق از میان صفحات نشریه به طور گسترده‌ای به میان مردم کوچه و بازار و محافل گوناگون کشیده می‌شود. تعداد زیادی از خوانندگان توفیق جالبترین برداشت از وقایع اتفاقیه را در این نشریه می‌یابند.

آثار حسن توفیق و کلاً فعالیت این نشریه در دههٔ ۱۳۲۰ با توجه به ویژگی جامعهٔ ایران در آن زمان، سیاسی است و در این مدت سری آثار سیاسی قابل توجهی از این کاریکاتوریست می‌بینیم.

---

۱) محمدعلی توفیق فرزند حسین توفیق بعد از وی ادارهٔ روزنامه را تا سال ۱۳۳۲ به عهده می‌گیرد. (البته پس از تعطیل چهار سال و نیمهٔ توفیق، مدیر روزنامه تا آخرین شماره حسین توفیق است.)

۲) این شیوه به اسم «کاریکاتور توفیقی» مشهور شد و در آثار کاریکاتوریست‌های روزنامه بجز خصوصیات فردی آنها در آثار، به یک ترکیب کلی مشابه بر می‌خوریم که ویژگیهای همانند آن ملموس است.

توفیق حدود سال ۱۳۲۷ و متعاقب آن، یک سال بعد کلاسی برای تعلیم کاریکاتور داشت و از سال ۱۳۴۲ به بعد این کلاس چند دوره دایر بوده است.

۳) حسن توفیق در سال ۱۳۰۵ در تهران متولد شد. آثار اولیهٔ وی که تأثیری مستقیم از کاریکاتورهای داوری داشت به تدریج از شانزده‌سالگی او، در توفیق به چاپ رسید. (حسن توفیق فارغ‌التحصیل از دانشکدهٔ حقوق می‌باشد.)

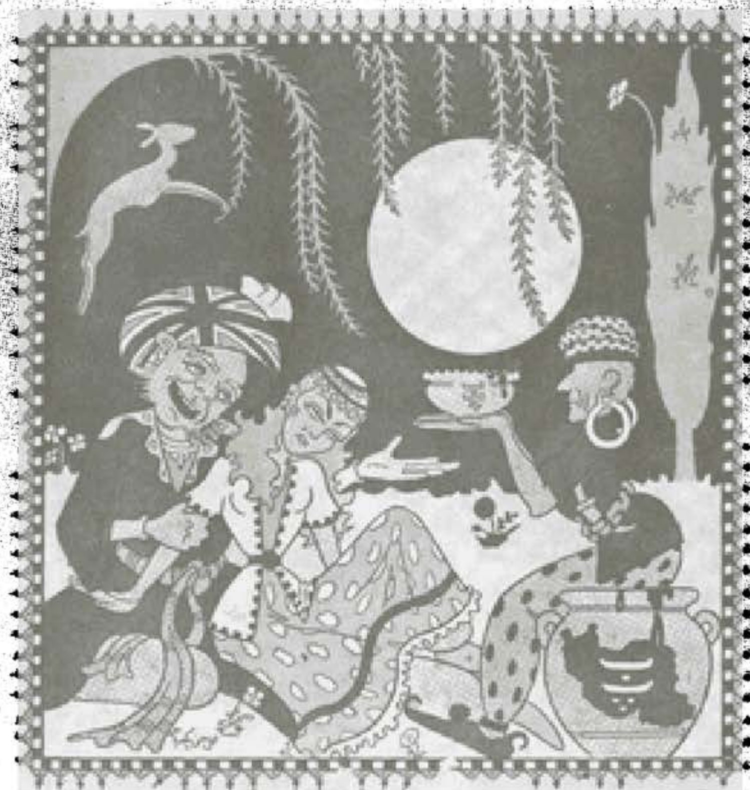
۴) داوری سهم عمده‌ای در خلق کردن نخستین کاریکاتورهای پس از شهریور ۱۳۲۰ در توفیق دارد.

۵) توفیق همان طور که سمبل‌های خود را از میان عامهٔ مردم انتخاب می‌کند، مطالب و تصاویر خود را نیز با آن هماهنگ می‌سازد: «کاریکاتورهای توفیق بعد از آن که از لحاظ سوژه و شیوهٔ بیان، در جلسهٔ روزنامه مورد تأیید اکثریت قرار گرفت برای آخرین نظرخواهی به «نمایندگان عوام» (چند نفری از میان مردم که به این منظور در هیئت تحریریه حضور دارند) مراجعه شده، و عدم پذیرش آن موجب چاپ نشدن کاریکاتور در نشریه می‌گردد.»

تصویر ۲۱۲



توفیق: ۱۳۳۲ — مکش بی جهت پای ما را آبند بروز، بند تنبان خود را ببند



می گرچه بشرع زشت نام خوش است
چون در کف ساقی غلام است خوش است
تلخ است و حرام است خوشم میاید
دیری است که هر چیز حرام است خوشم میاید
* از نفثیات کلبه ارباب خیام لندنی

تصویر ۲۱۳


بمناسبت
آتش سوزیهای اخیر نفت در اهواز و آبادان
وزگاری جان مارا سوختی
وجودت اینچنین آتش فتاد
نفت
حسن توفیق
هر که چون نفت بخندد بشب تار کسی
وزد و گری... و خاموش شود

تصویر ۲۱۴



تصویر ٢١۵


کاری نمیخواهیم انجام بدیم تا احتیاج به برق داشته
من حرف میزنم، شما هم که میشنفین.

تصویر ۲۱۶



تصویر ٢١٧

دیکته :

ریاضی :

طباخی : « خارج از برنامه »

صبر و ثبات :

تاریخ :

زبان خارجه :

جغرافی : شهرهای عمده ایران : شهر زیبای ! مونترال

جمعیت : فعلاً ندارد !

ورزش : ورزش باستانی

خیاطی :

دستور زبان فارسی :

نقاشی :

زمین شناسی :

جانور شناسی :

آداب معاشرت :

حساب : حقوق ۲۰۰ تومن

کرایه خونه ۲۰۰

حساب : بی حساب

عربی :

رسم :

طبیعی بهداشت :

مشق درشت : توانا بود هر که دانا بود !

تصویر ۲۱۸


اعضاء احزاب که اسمشان در لیست انتخابات
عصبانی و ناراحتند
من به دبیر کل حزب شما فحش میدهم، تو به دبیر کل حزب ما !!

تصویر ۲۱۹

• قرای آمریکا در جبهٔ ویتنام
دچار کمبود بمب شد! • - جراید •

عموسام :
ـ آی آقایون!.. خیر امواتتون... در این شب خیراتی
بمبی، سربازی، چیزی بمن عاجز درمونده کمك کنین!؟..



تصویر ۲۲۰

ولی دیری نمی‌گذرد که این روند پایان گرفته و در دورهٔ بعدی فعالیت طولانی‌تر این نشریه است که به تدریج فکاهیات، اشعار و تصاویر هجو و سوژه و تصاویر مبتذل (به خصوص با تأثیرپذیری از *آق‌بابای* ترکیه) صفحات بیشتری از نشریه را تشکیل می‌دهد، که این دگرگونی (علاوه بر علل دیگر) در جهت جبران هزینهٔ چاپ و جمع کردن «مشتری» بیشتر، برای بالا بردن تیراژ نشریه صورت می‌گیرد.

ولی کماکان در کنار آثار مبتذل، چاپ آثار انتقادی (در سطحی که برای دولت قابل تحمل است) نیز ادامه می‌یابد.

عباس توفیق[1] که نویسنده (طنزنویس) و یکی از عاملین انتشار توفیق است، آثار کاریکاتور محدودی را به طور متفرق در این نشریه به چاپ می‌رساند.



تصویر ۲۲۱

۱) عباس توفیق در سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شد. وی در رشتهٔ حقوق تحصیل کرده و درجهٔ دکترای حقوق دارد. در تمام دوران فعالیت توفیق، عباس توفیق به عناوین مختلف در آن مطالبی می‌نوشت.

تصویر ۲۲۲

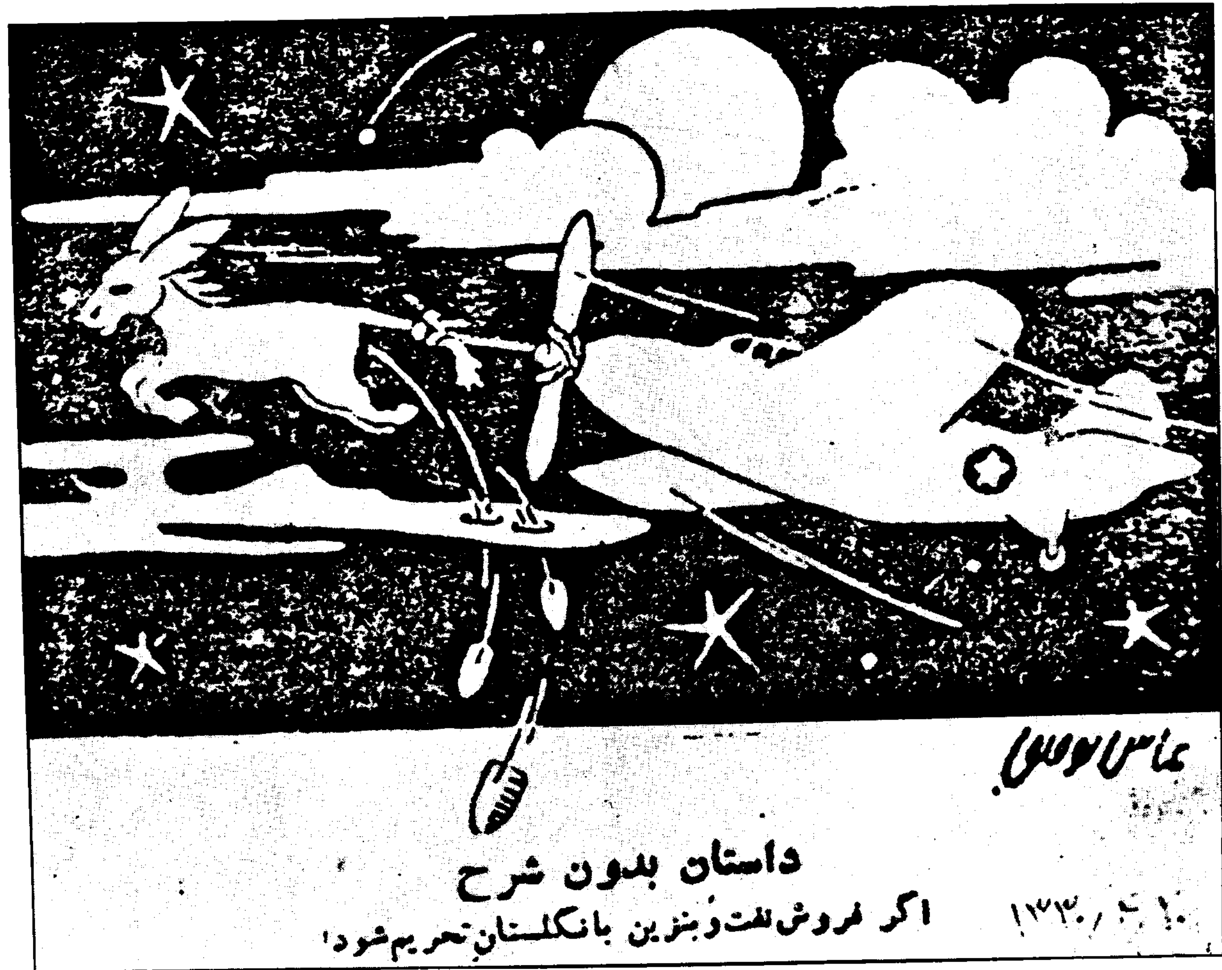


«سال ۱۴۳۱ شمسی» مطابق با «سال ۲۰۵۲ مسیحی»

دکتر صدق: - چون پیشنهاد اخیر «دوستدارم» هم مورد قبول واقع نشد؛ بنا به‌وساطت «عمو سام» پیشنهاد دیگر خود را تقدیم میدارم. درصورت عدم قبول این پیشنهاد تا۳زیر به «قطع رابطه» هستیم و عواقب وخیم این عمل بعهده جنابعالیست



تصویر ۲۲۳


داستان بدون شرح
اگر فروش نفت و بنزین بانگلستان تحریم شود!
۱۰/۴/۱۳۳۰!

تصویر ۲۲۴

نقش زیرنویس و ارتباط آن با کاریکاتور:

«کاریکاتور روزنامه‌ای» با بهره‌گیری از زیرنویس (یا نوشته در متن اثر) کیفیت بیانی اثر را ارتقاء می‌دهد. زیرنویس یک رابطهٔ دوطرفه با تصویر برقرار می‌کند و مکمل اثر می‌شود. البته در این رابطه، با حذف زیرنویس، تصویر مفهوم خود را کاملاً از دست نمی‌دهد.

شکل دیگری از این رابطه بین زیرنویس و اثر وجود دارد که در آن تصویر به زیرنویس یک نوع وابستگی پیدا کرده، و با حذف زیرنویس، اثر مفهوم خود را از دست می‌دهد، که بسیاری از آثار چاپ شدهٔ روزنامه‌ای ایران به این شکل هستند.

گاهی نوشتهٔ زیر کاریکاتور شخصیت بیانی کافی داشته و تصویر در واقع به صورت «یک لطیفهٔ مصور» عرضه می‌شود.

در صفحات دیگر توفیق، طراحان با استعدادی را می‌بینیم که با اندکی تفاوت و ویژگی در آثارشان، کمابیش با شیوه‌ای یک‌دست و مشابه آثار دیگر کار می‌کنند.

تعدادی از این کاریکاتوریست‌های جوان که تحت تأثیر حسن توفیق سعی در تقلید و دنباله‌روی از وی را دارند، اندک زمانی بعد می‌کوشند چهرهٔ دیگری نشان داده و شخصیتی مستقل کسب نمایند.

همچنان که در توضیحات قبلی آمده، به واسطهٔ فرم و خواست نشریهٔ توفیق و در نتیجه عدم آزادی کامل کاریکاتوریست‌ها در انتخاب سوژه و حتی در نحوهٔ پیاده کردن اثر، عملکرد نقاشان بیشتر در قالب تکنیکی اثرشان متمرکز می‌شود.[1]

۱) در توفیق گاهی تکنیک و شیوهٔ بیان آثار به اندازه‌ای یک‌دست و یکنواخت به نظر می‌رسد، که اگر به امضاء زیر اثر توجه نشود گمان می‌رود که تمام آثار در یک کارگاه ساخته و پرداخته می‌شود.


توفیق
«بدستور رئیس جمهور آمریکا نیروهای زمینی و
هوائی و دریائی آمریکا در ویتنام کشت و
کشتاری سابقه‌ای را انداخته‌اند» ـ جراید
عزرائیل ـ وای خدا جونم.... جانسون!
جانسون
عزرائیل

تصویر ۲۲۵



تکشماره هر ۲ ریال
پنجشنبه ۲۳ شهریور ماه ۱۳۲۹
آقای دکتر مصدق: اگر بندجیهی هارا بمجلس راه بدهید سرشان را میبرم.
نخست وزیر: مگر اینجا «قصابخانه است؟!...
«ازمذاکرات مجلس»

تصویر ۲۲۶

تصویر ۲۲۷


«شبیه سازی درماه محرم ممنوع شد» جراید
آجدان ــ چرا خودتو شبیه شمر ساختی؟
جاسوس ــ والله بخدا شبیه نساختم، من خودشمرم!!



تصوير ٢٢٨

لطیفی

یکی دیگر از کاریکاتوریست‌های سرشناس *توفیق* لطیفی[1] است، که قبلاً در حدود هفت سال به‌صورت غیرحرفه‌ای در چند نشریه مانند *چلنگر* و *فردوسی* و *نقش جهان* کاریکاتورهایی به چاپ می‌رساند. وی از سال ۱۳۳۷ با *توفیق* شروع به همکاری می‌نماید ـ آثار او در این نشریه به‌جز شگردهای خاصش در طراحی، خصوصیات دیگر آثار *توفیق* را پیدا می‌کند.

در بررسی تحولات آثار لطیفی، نه تنها رشد تکنیکی او را مشاهده می‌کنیم، بلکه شاهد قصد و ارادهٔ کاریکاتوریست برای ارتقاء مضمون اثر نیز هستیم. به نظر می‌رسد لطیفی میلی به طراحی از سوژه‌های متداول نداشته و تمایلی بیشتر به ابراز و بیان مسائل جدی‌تر را دارد.

سرانجام وی پس از ۶ سال کار در *توفیق* به ادامهٔ کار تمایلی نشان نمی‌دهد و همکاری‌اش با این نشریه قطع می‌شود.

لطیفی ظاهراً از قید *توفیق* رهایی پیدا کرده، ولی چاپ آثارش در نشریات وابسته به مجلهٔ *تهران مصور* نشان دهندهٔ تداوم آثار متداول *توفیق* است.[2]

وی در تداوم فعالیت خود، به‌تدریج به‌ویژگی تکنیکی دست پیدا می‌کند.[3] ولی این پایان کارش نیست،[4] بلکه می‌تواند شروعی برای رشد کاریکاتوریست باشد. لطیفی ضمن سود جستن از تکنیک قوی خود، فضاهای بیانی جدیدی را تجربه می‌کند.[5]



تصویر ۲۲۹

۱) غلامعلی لطیفی در سال ۱۳۱۵ در باکو متولد شد و پس از مهاجرت خانواده‌اش به ایران، دوران تحصیلات خود را در تهران گذراند.

۲) از سال ۱۳۴۳ چند صفحه از نشریهٔ *تهران مصور* با عنوان «کشکیات» به صورت کاریکاتور چاپ می‌شود. لطیفی مسئول و کاریکاتوریست این صفحات است (با همکاری منوچهر محجوبی)، به دلیل استقبال خوانندگان «کشکیات» جداگانه به‌عنوان یک ماهنامهٔ *تهران مصور* تا زمستان سال ۱۳۴۶ به‌طبع می‌رسد.

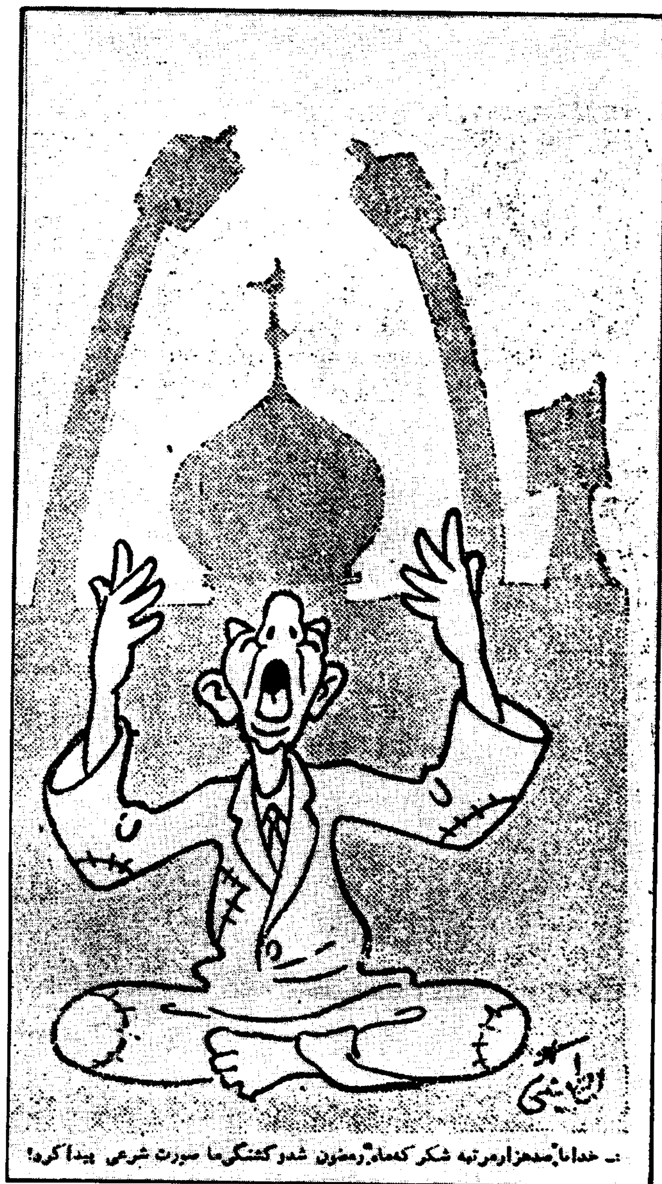
۳) در بررسی آثار لطیفی، به‌ترتیب تاریخ ملاحظه می‌کنیم شیوهٔ کاریکاتوریست‌های مجله *آق‌بابای* ترکیه او را مجذوب و بخصوص سعی وی را به نزدیک شدن به شیوهٔ طراحی کاریکاتوریست پرقدرت معاصر یعنی زکی (Zeki) به‌روشنی می‌توان دید.

۴) در حالی که برای بسیاری از کاریکاتوریست‌های معاصر ایران «پایان کار» می‌شود.

۵) در جلد دوم کتاب، آثار بیشتر و بحث گسترده‌تری دربارهٔ «آثار غیرروزنامه‌ای» وی خواهیم داشت.



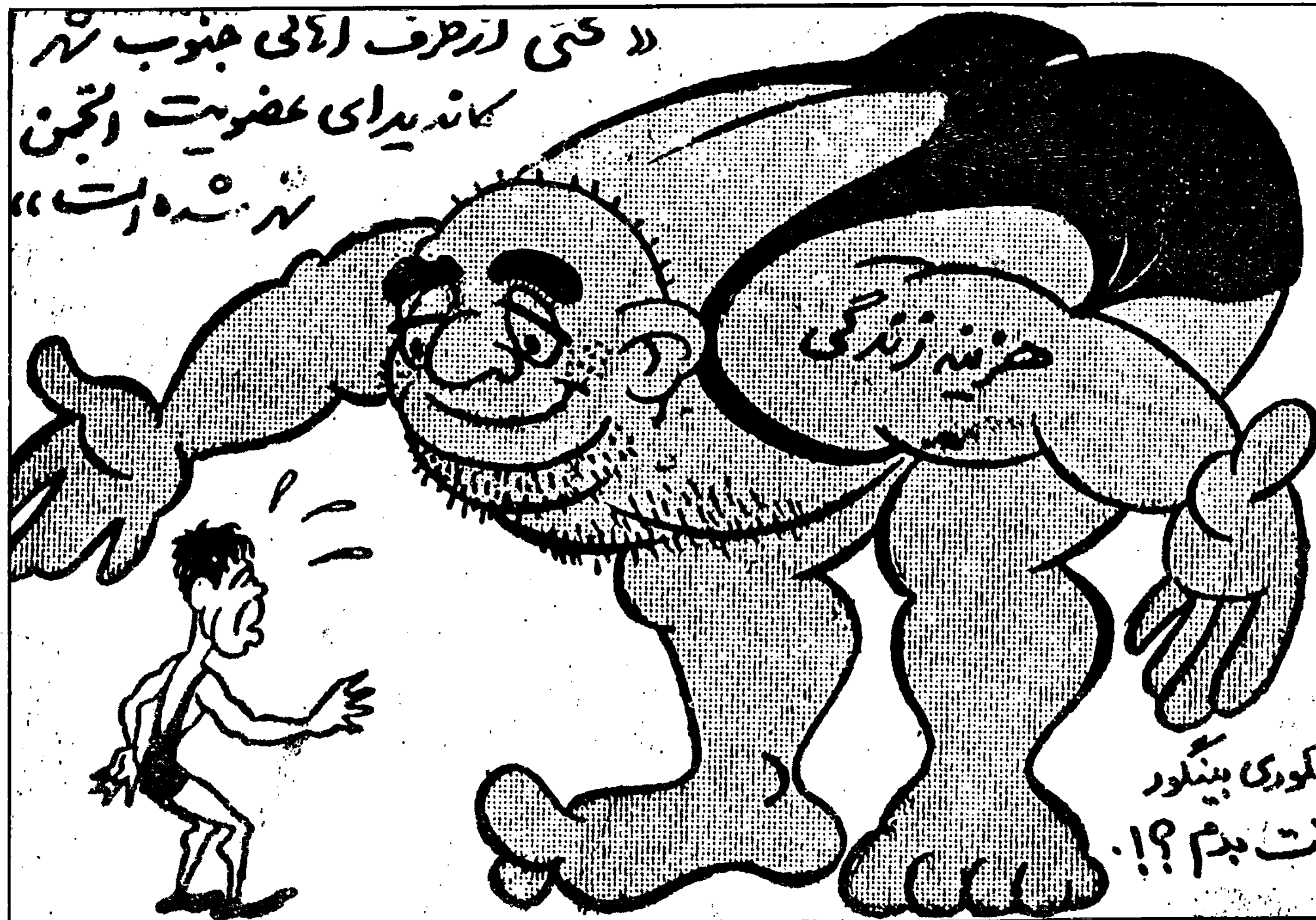
تصویر ۲۳۰



تصویر ۲۳۱

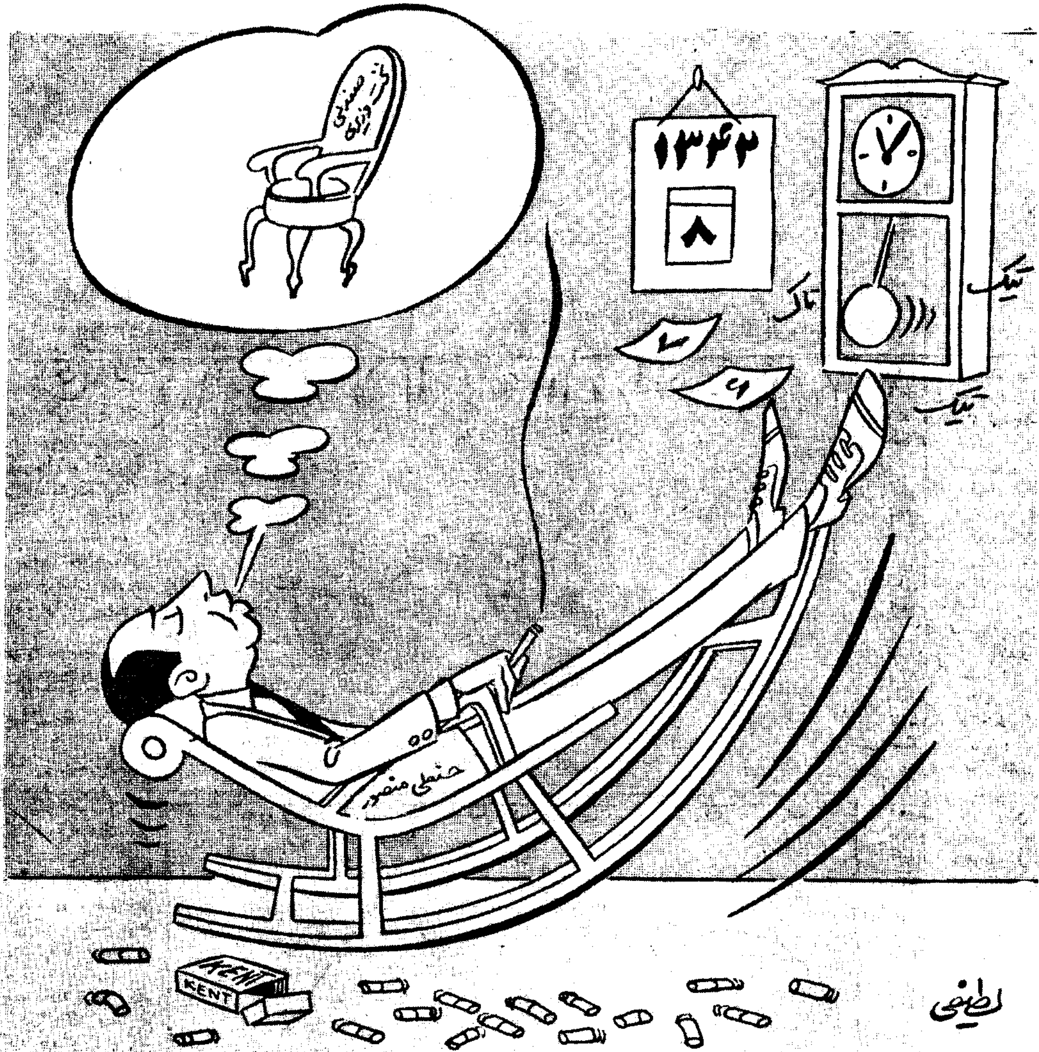

بمناسبت هفته اعلامیه جهانی حقوق بشر
UN
(این جمله را یواش بخوانید) :– اینو خودت بخون بده به بروبچه هام بخونن !؟

تصویر ۲۳۲

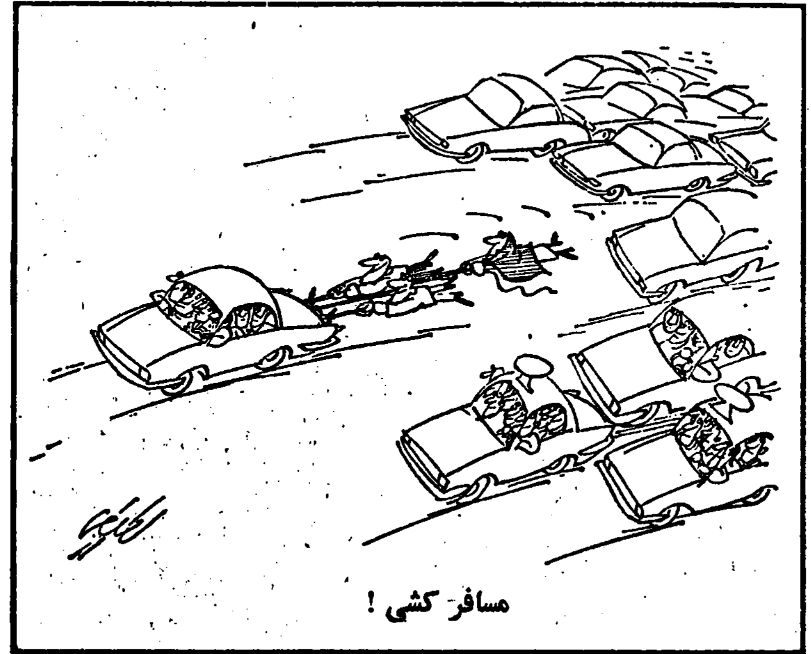

«دکتی از طرف اهالی جنوب شهر
کاندیدای عضویت انجمن
شهر شده است»
هزینه زندگی
هزینه زندگی: جینگوری بینگور
میری یا قورتت بدم؟!.

تصویر ۲۳۳

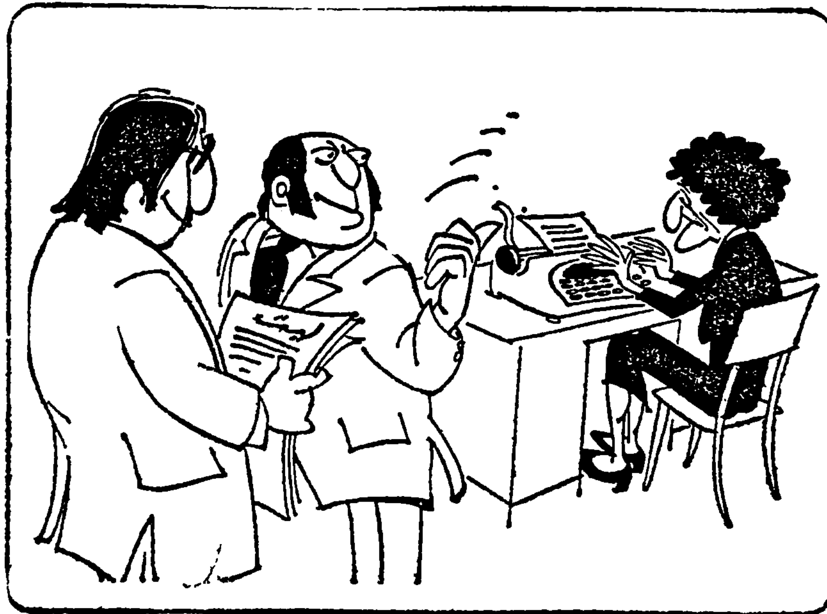
تصوير ٢٣٤



«الإنتظار أشد من الموت»!؟



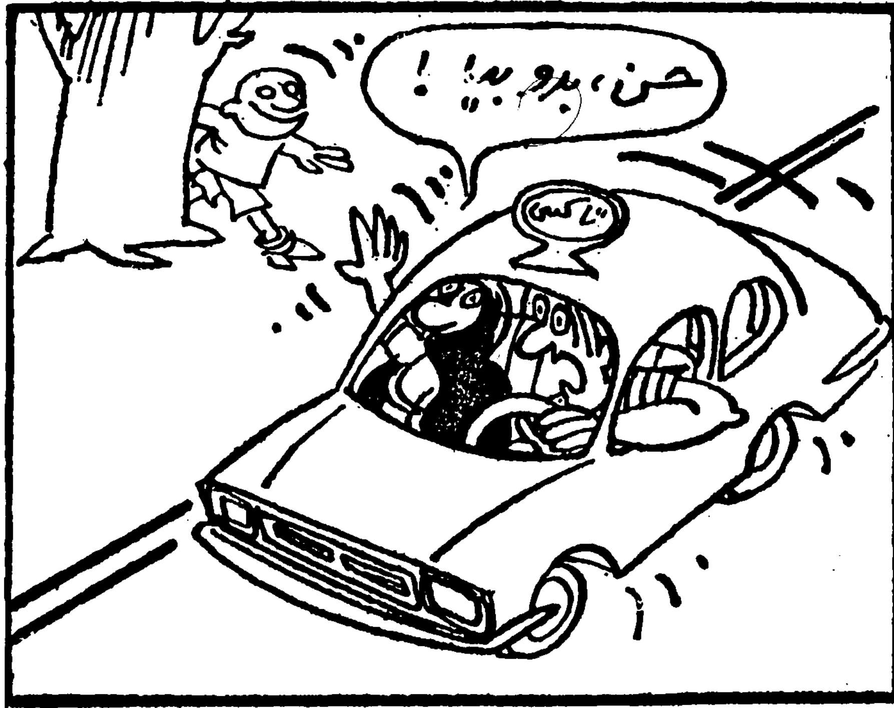
تصویر ۲۳۵



تصویر ۲۳۶

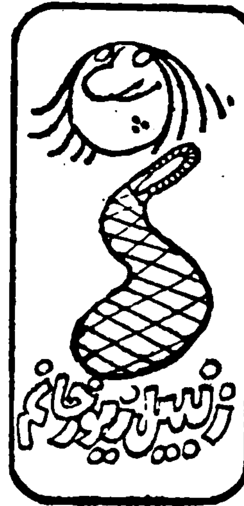




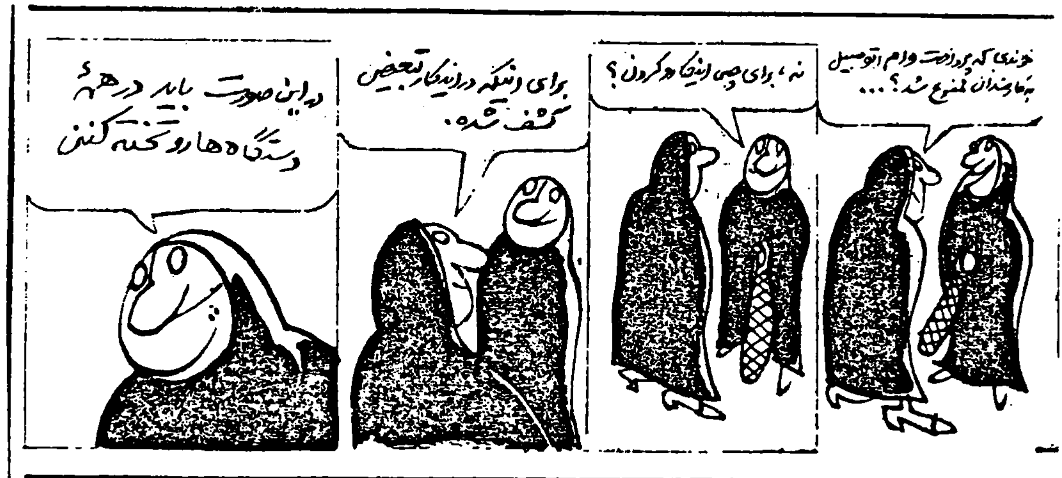


تصویر ۲۳۷





تصویر ۲۳۸



تصویر ۲۳۹



کابوس!

تصویر ۲۴۰

عوامل مؤثر بر رشد و تکوین کاریکاتور در ایران

از حدود دهۀ چهل به‌بعد، روابط اجتماعی مؤثر بر چگونگی رشد و شکل‌گیری هنر کاریکاتور در ایران به تدریج چهره‌ای ویژه پیدا می‌کند.

دولت به تشویق و حمایت مروّجان فرهنگ و هنرمندان، به طور همه جانبه و پیگیر می‌پردازد[1]؛ البته این حمایت «جهتدار» است: قراردادن «هنرخاموش»[2] و «هنر انتزاعی»[3]، در مقابل شیوه‌های دیگری از هنر که هیئت حاکمه به نحوی اشاعۀ آنها را در جهت سیاست‌های خود نمی‌بیند.

به واسطۀ وجود شرایط خاص سیاسی، امکان بیان آزاد ناچیز و محدود بوده، از طرفی کمبود زمینۀ شناخت جامعه، فقدان منابع اطلاع رسانی مناسب، عدم شناخت فرهنگ و هنر ملی، و از طرفی هم هجوم نشریات خارجی با انعکاس منفی مطالب و تصاویرشان در رسانه‌ها، و نداشتن مخاطب گسترده در جامعه‌ای که رشد فرهنگی آن اجازۀ استقبال از هنری پرمایه‌تر وعمیق‌تر را نمی‌دهد، و بالاخره مشکلات مالی، شاخص‌های موجود برای عدم رشد کافی و مناسب زمان را برای هنرمندان ایجاد می‌کند.[4]

البته در این شرایط زمینۀ رشد نامحدود افراد و نشریاتی که ابتذال و وابستگی را رواج می‌دهند هموار می‌شود.

طبعاً در چنین فضایی، در حیطۀ کاریکاتور هم استعدادها مجال رشد و شکوفایی قابل توجه را نیافته و هنر کاریکاتور نمی‌تواند از مراحلی که کاریکاتور در اروپا، بعد از تولدش تا امروز طی کرد بگذرد.

---

۱) اشاره به کمک‌های گسترده و مستقیم مالی، و حمایت وزارت فرهنگ و هنر از هنرمندان، گالری‌ها و بی‌ینال‌ها و جشنواره‌های هنری و غیره است.

۲) ترغیب و تشویق وزارت فرهنگ و هنر به بازسازی آثار مینیاتور و خوشنویسی.

۳) حمایت دفتر هنری دربار از طرفداران هنر آبستره، فرمالیست‌ها و چهره‌نگاران درباری.

۴) اکثر کاریکاتوریست‌های با استعداد ایران، از یک سو آثار «بازاری» و «ژورنالیستی» برای امرار معاش، و از سوی دیگر به دلیل احساس نیازی که به نوع دیگر و عمیق‌تری از هنر می‌کنند آثاری روشنفکرانه به‌وجود می‌آورند.



تصویر ۲۴۱

محصص

اردشیر محصص[1] طراح مشهور ایران که از سال ۱۳۳۱ آثار محدودی در زمینهٔ «کاریکاتور روزنامه‌ای» در نشریات به‌چاپ می‌رساند[2]، سرانجام با الهام از طراحان اروپایی (به خصوص فرانسوی) به کاریکاتور مدرن و سپس طرح‌های روشنفکرانه روی می‌آورد.

عرضهٔ آثار محصص در نمایشگاه‌ها، بحث‌های منتقدین و ارزیابی گستردهٔ آثار این طراح پرکار و جستجوگر در مطبوعات، و کلاً مطرح شدن شیوه‌های بیانی جدید در طراحی، موجبی برای تشویق و ترغیب استعدادهای جوان می‌گردد و انبوه آثاری که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم طرح‌های محصص در آنها دیده می‌شود، به‌وجود می‌آید.

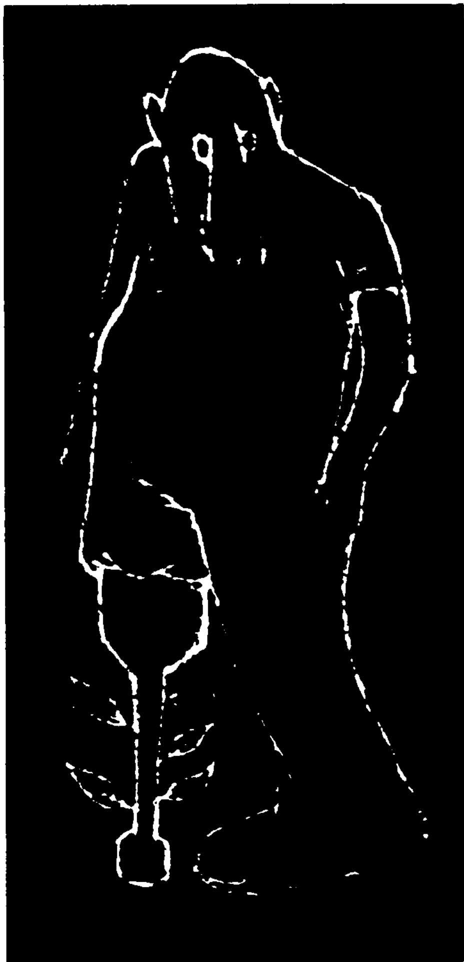
---

۱) اردشیر محصص متولد ۱۳۱۵ در رشت و فارغ‌التحصیل رشتهٔ حقوق است.

۲) چاپ اولین کاریکاتورهای محصص در مطبوعات از زمانی شروع می‌شود که وی ۱۵ سال دارد. کاریکاتورهای روزنامه‌ای او با وجود اندک بودن، تا سالهای ۱۳۶۵ در مطبوعات ایران دیده می‌شود. به لحاظ اهمیتی که محصص در شروع کاریکاتورهای مدرن (به شیوهٔ اروپایی) در ایران دارد، شخصیت و آثارش در جلد دوم کتاب به‌طور کامل بررسی می‌گردد.



تصویر ۲۴۲

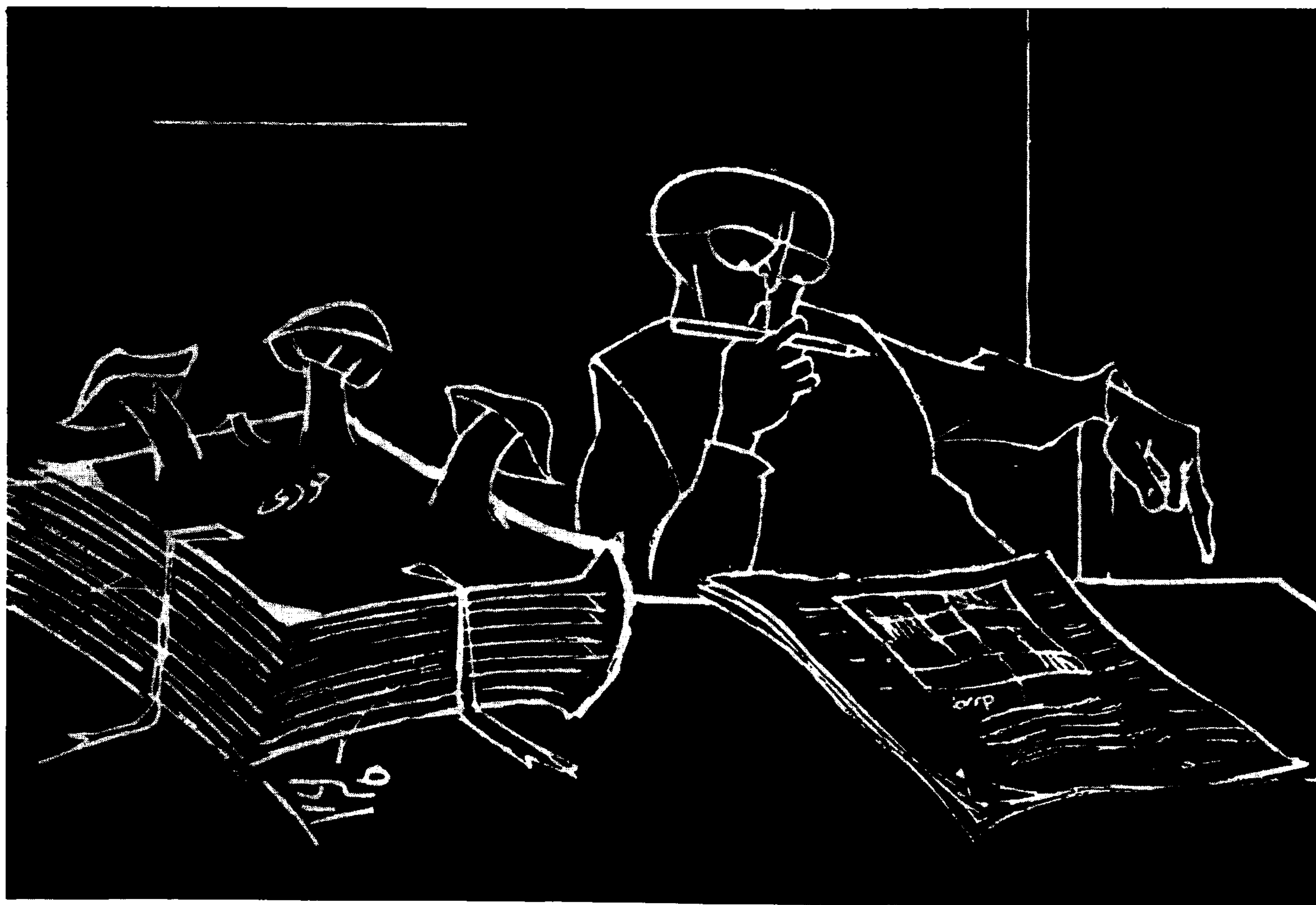


تصویر ۲۴۴

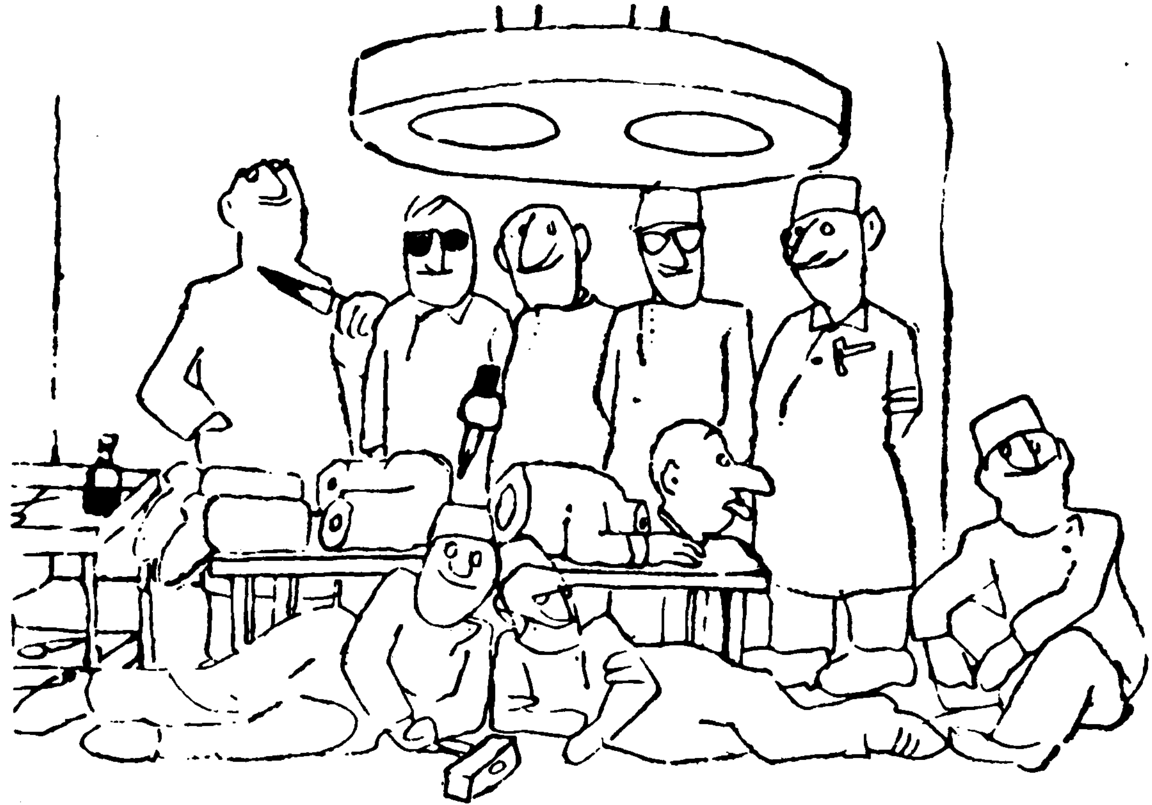


پشوله دلان ناهم ساسه .. حال خوتردل دل لرتم
دا نم

تصویر ۲۴۳

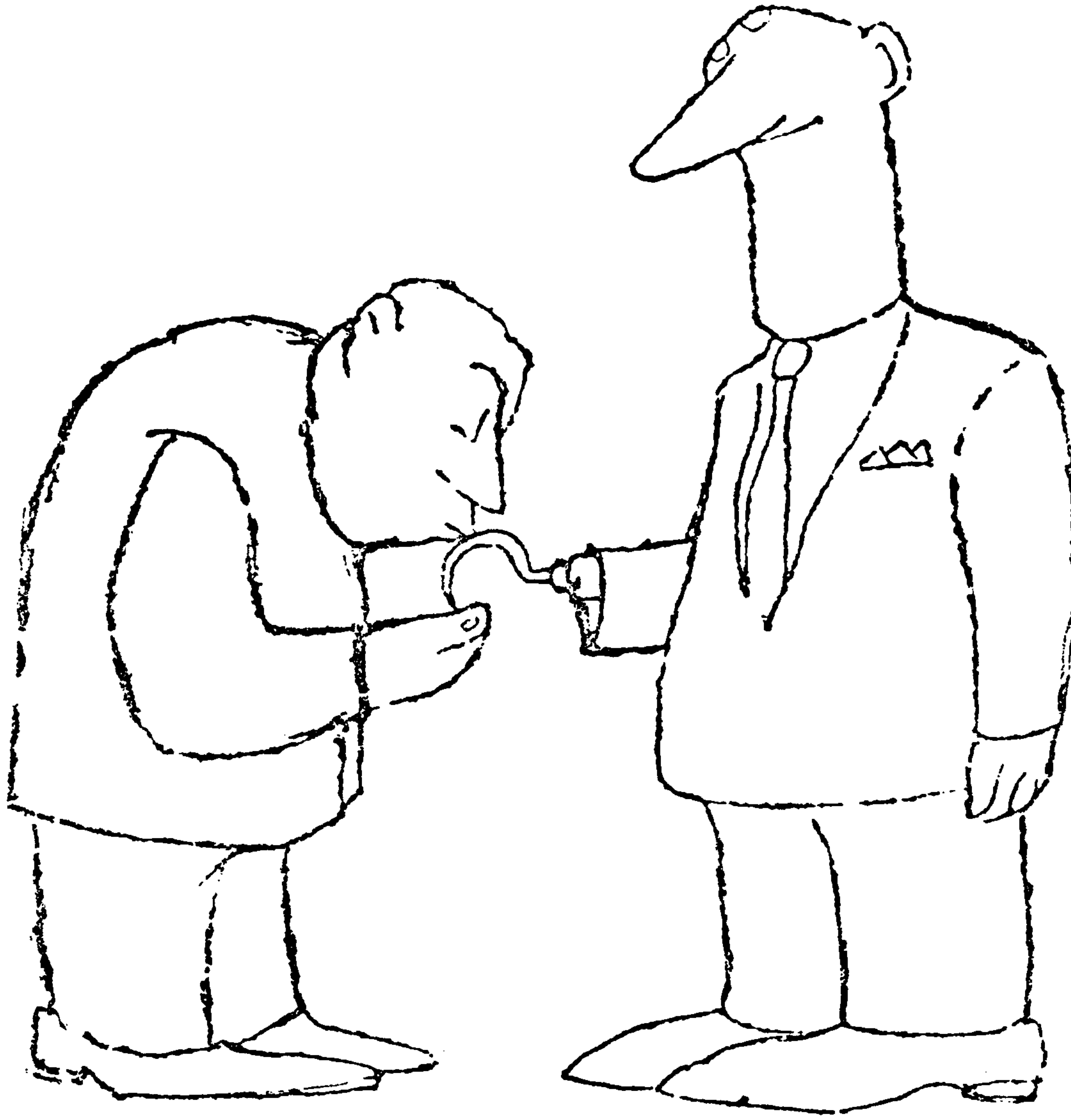


تصویر ۲۴۵



عکس یادگاری

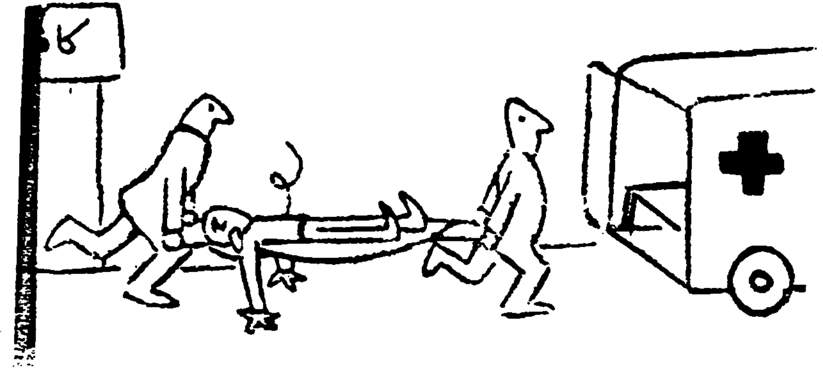
تصویر ۲۴۶



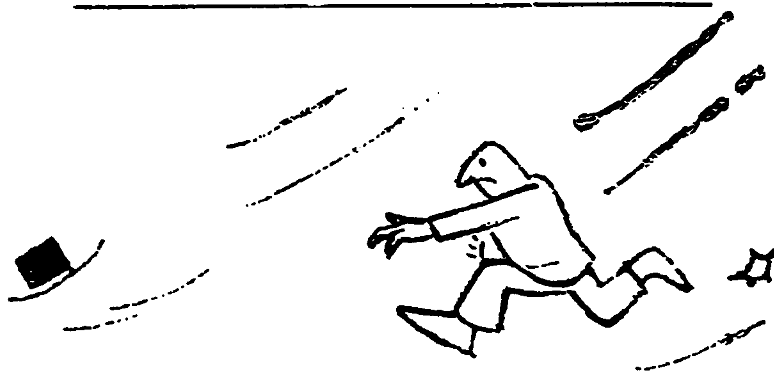
تصویر ۲۴۷ عید دیدنی



تصویر ۲۴۸



تصویر ۲۴۹

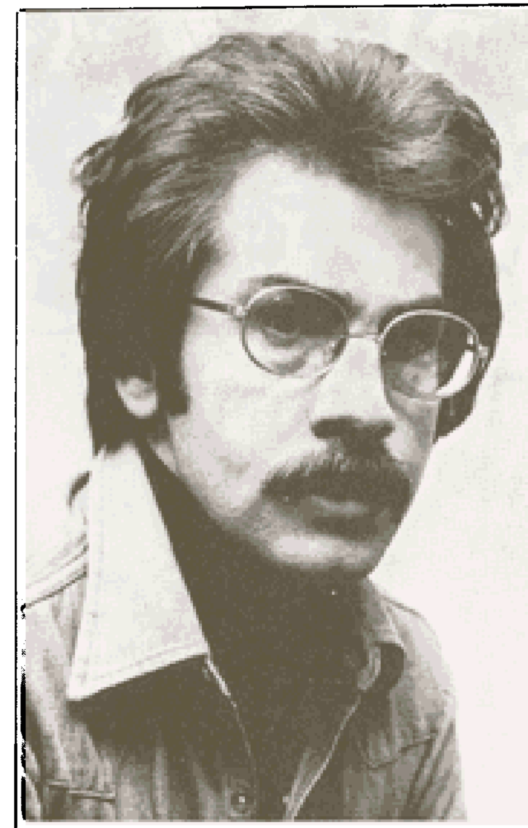


بادزدگی

تصویر ۲۵۰

درم‌بخش

به سال ۱۳۳۶ درم‌بخش، کاریکاتوریست بسیار جوانی است که آثارش در چند نشریهٔ تهران به‌چاپ می‌رسد.[۱]



تصویر ۲۵۱

وی پس از تحصیلات مقدماتی راهی آلمان می‌شود. هنگام تحصیل در آلمان آثارش در نشریات گوناگون چاپ می‌شود و بعد از بازگشت به ایران، در مجلهٔ توفیق شروع به فعالیت می‌نماید.

درم‌بخش جوان ولی با تجربه ومستعد پیشرفت است، لذا طولی نمی‌کشد که کاریکاتورهایی قابل توجه در توفیق به‌وجود آورده و جای خالی لطیفی را پر می‌کند.

درم‌بخش در مدت اشتغال در توفیق، بهترین آثار را دُر حال و هوای این مجله به‌وجود می‌آورد، و طراحان جوانی را که همزمان یا بعد از او در مجله کار می‌کنند تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

شروع فعالیت مجلهٔ *کاریکاتور* تعدادی از کاریکاتوریست‌های سرشناس را به‌خود جلب کرد؛ درم‌بخش نیز توفیق را رها کرده و در این نشریه شروع به فعالیت می‌کند، و کماکان به همان شیوه آثاری به‌وجود می‌آورد.

درم‌بخش که هیچگاه از فرم کاریکاتور مطبوعات‌پسند[۲] ایران راضی نیست و به ناچار در این راه ادامه می‌دهد، شیوه‌های مختلفی را بیرون از چارچوب نشریات تجربه می‌کند. با این حال با شروع فعالیتش در روزنامهٔ *آیندگان*، تعدادی از آثار تجربی‌اش به نام «مینیاتورهای سیاه» در این نشریه به چاپ می‌رسد.

درم‌بخش در ادامهٔ همکاری با *آیندگان* «کاریکاتورهای روز» را می‌سازد. این آثار در حقیقت بهترین آثار وی در زمینهٔ «کاریکاتور روزنامه‌ای» است.

اما فعالیت جدی درم‌بخش، در زمینهٔ کاریکاتورهای مدرن و طرحهای روشنفکرانه است[۳]، که این آثار را صرفاً در نمایشگاه‌هایش و احیاناً در مطبوعات خارجی می‌بینیم.

درم‌بخش از جمله طراحانی است که چون «اردشیر محصص» کوششی برای انعکاس و شناساندن آثارش در نشریات خارجی داشته و طبعاً موفق به دریافت جوائزی نیز شده است.

---

۱) کامبیز درم‌بخش در ۱۳۲۱ در شیراز به‌دنیا آمد، آثاری که در زمان تحصیلش در هنرستان به‌طور پراکنده از او نشر می‌شد بیشتر کپی و تقلیدی از کاریکاتورهای تجارتچی بود که غالباً در نشریات *سپید و سیاه* و *اطلاعات هفتگی* به چاپ می‌رسید. پس از پایان دورهٔ هنرستان به آلمان رفت که بعد از مدتی، آثاری از وی در *اشترن* و چند نشریهٔ دیگر به طبع رسید.

۲) کاریکاتور مرسوم مطبوعات ایران، اکثراً بنابه سفارش و سلیقهٔ سردبیر و با محدودیت سوژه به‌روشی تهیه می‌شد که کاریکاتوریست، صرفاً وظیفهٔ مصورکردن زیرنویس را به‌عهده داشت.

۳) درم‌بخش می‌گوید: «من دو نوع کار در زمینهٔ مشخص و مجزا به‌وجود می‌آورم. آثار جدی من کاریکاتورهای مدرن (یا چنانکه مصطلح است: طرح‌های هجائی) است و کار دوم من (کاریکاتور روزنامه‌ای) صرفاً برای امرار معاش».

در جلد دوم این کتاب از آثار غیرروزنامه‌ای وی صحبت خواهد شد.



اگر مذکیسه‌ای بهمه طبقات سرایت نماید!
استغفرالله . استغفرالله
بیکار پاسبان بدادم برس دیشب والله بچه‌ام که
میخواست دمش بذاشتم - زد دست و داغونم کرد
حاج آقا خوب کوپنها را جای کپه
به حق اله آب کردیم آ....
آره سوسول جون، اینجوری هم کم خرج
تره هم جذاب تر.
محض رضای خدا این روز جمعه
پول کپه‌های بیچاره کمک کنین
حقوق ما کارمندها اگر کپه تیر
اصلاً کوپنی کفاف نمیده.

تصویر ۲۵۲



تصویر ۲۵۳



تصویر ۲۵۴



تصویر ۲۵۵

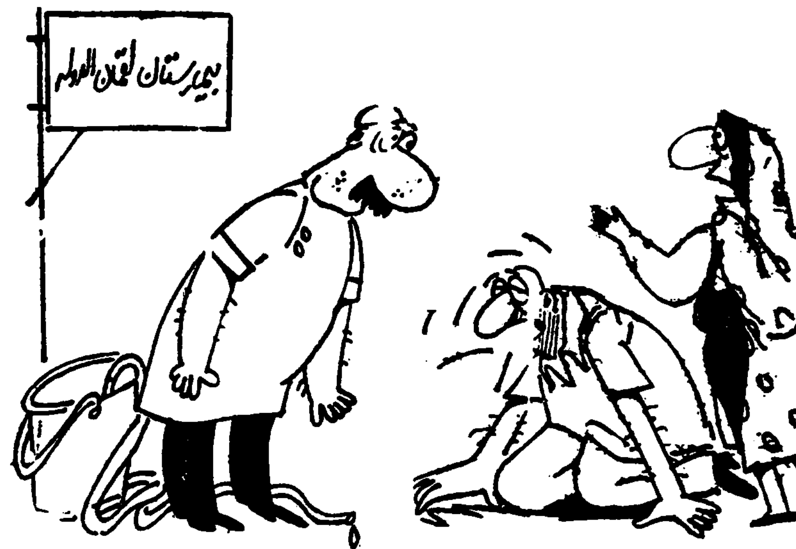
تصویر ۲۵۶


آپارتمان اجاره
می‌بینی که فقط طبقه چهارم خالیه،
خوب پول مول چی داری که
پیش بدی؟!

تصویر ۲۵۷



تصویر ۲۵۸



تصویر ۲۵۹



گرانفروش‌ها ازارزان‌فروشی دلخور هستند

برنج کیلوئی چنده ؟
کیلو ٤ تومن و ٥ زار . بخرکوفتت کن !!.

تصویر ۲۶۰



ـ مآبه ش هم مشمول صرفه جوئی شد

تصویر ۲۶۱

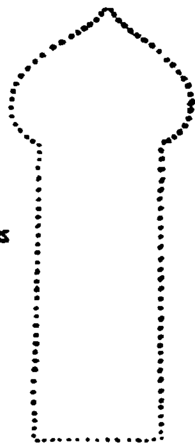


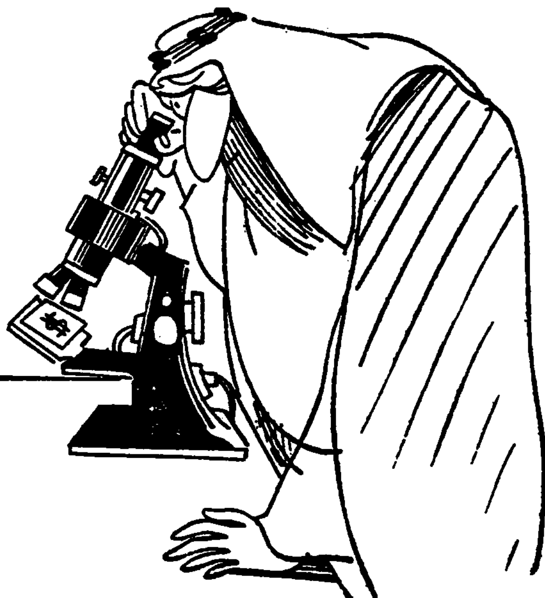
توریست های خارجی درتهران گدائی میکنند

تصویر ۲۶۲

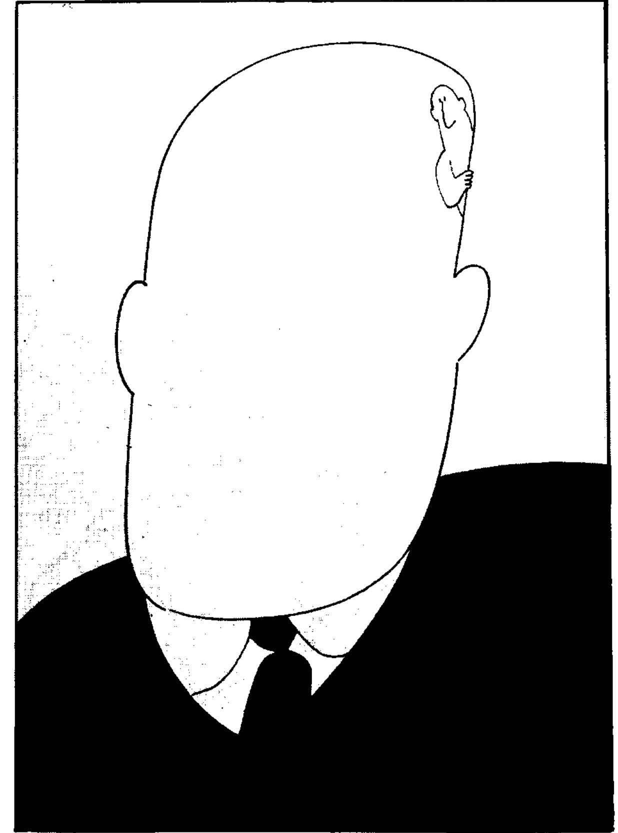


تصویر ۲۶۳

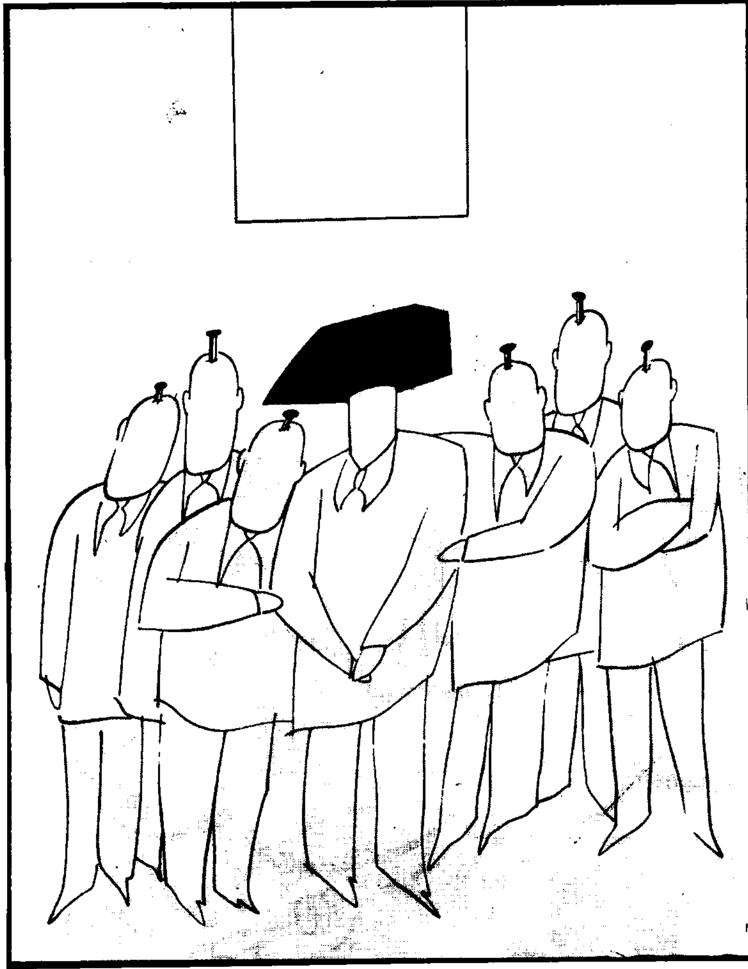




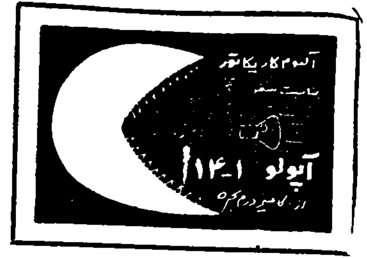
تصویر ۲۶۴



تصویر ۲۶۵

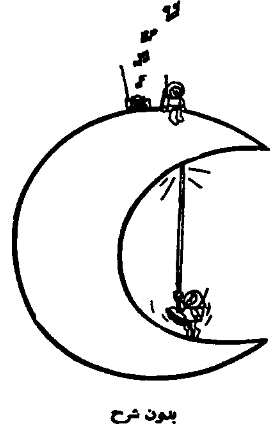


تصویر ۲۶۶ـ عکس یادگاری

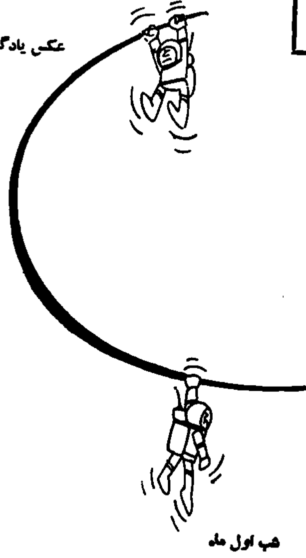




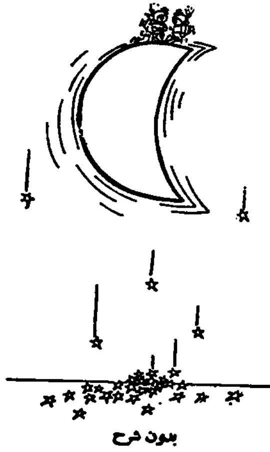
عکس یادگاری



بدون شرح



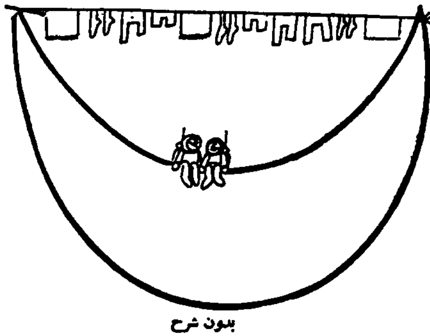
شب اول ماه



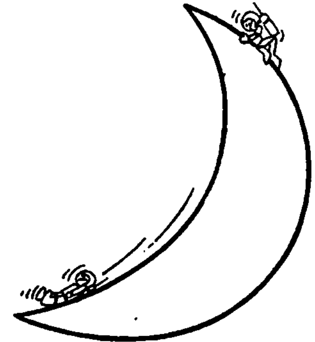
بدون شرح



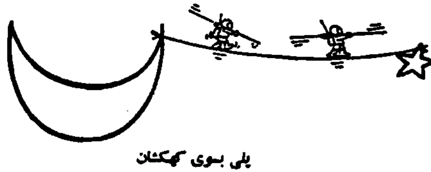
بدون شرح



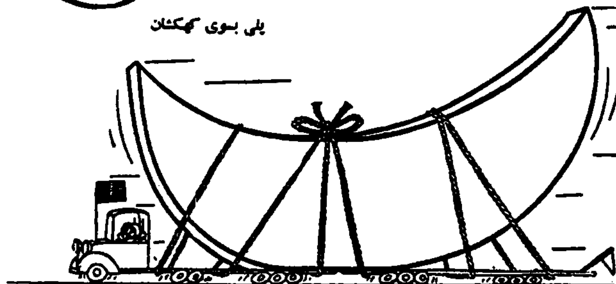
بدون شرح



سرسره بازی



پلی بسوی کهکشان



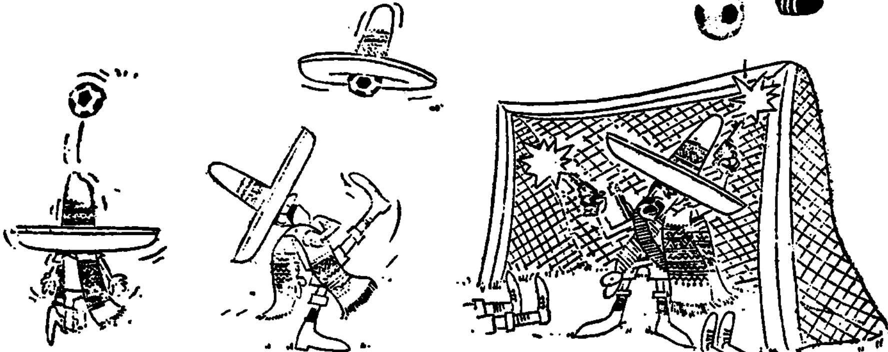
بازگشت

تصویر ۲۶۷

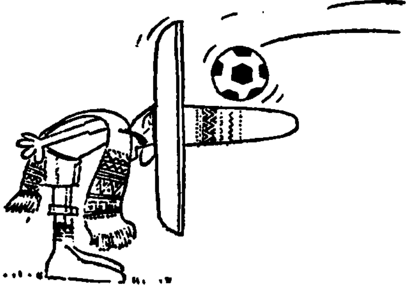
تصویر ۲۶۸

مکزیکو 1970

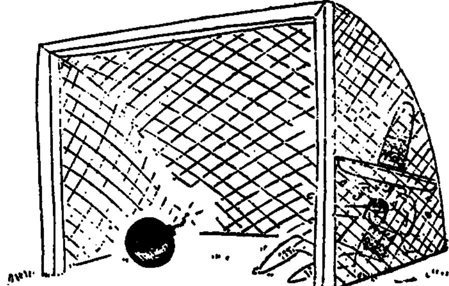




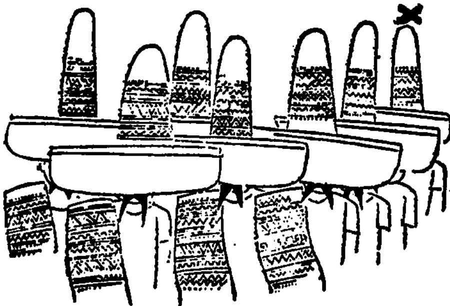
ـ ویوا زاپاتا — شوت مکزیکی — هد مکزیکی



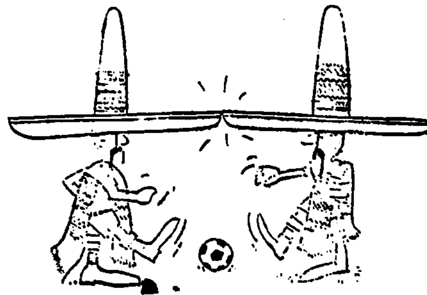
یکی از مدافعان سرسخت تیم مکزیک!



بدون شرح



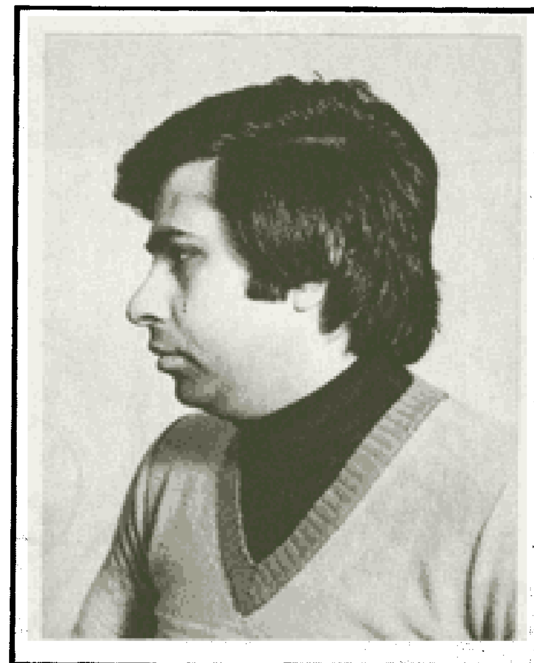
عکس یادگاری تیم فوتبال مکزیک کاپیتان تیم با علامت «×» مشخص شده است



بدون شرح



تصویر ۲۶۹



تصویر ۲۷۰

سخاورز

سخاورز[1] نیز کاریکاتور را با توفیق آغاز می‌کند. وی در آنجا صرفاً یک مجری است. در ابتدا جست‌وجوی شتاب‌زده‌اش در راه کاریکاتور، در محیط این نشریه به تقلید و دنباله‌روی می‌کشد.[2]

اما سخاورز به‌تدریج از تکنیک خوب خود بهره برده و بـه‌یاری آن تـصمیم مـی‌گیرد کـه راه مستقلی را در کاریکاتور در پیش بگیرد، و با اینکه ظاهراً خارج شدن از حیطهٔ تأثیر توفیق مشکل به‌نظر می‌رسد ولی این کـار انجام مـی‌گیرد و سـخاورز فـرصت شـروعی دیگـر در کاریکاتور را می‌یابد.

سخاورز اوایل بیشتر به وقایع و حوادث صـورت عینی می‌دهد و ویژگی بیانی دیگری ندارد.[3]

اعتقاد سخاورز بـه«نـوع روزنـامه‌ای کـاریکاتور» و سعی وی در شناخت ایـن بـخش از هـنر و سـرانـجام پیگیری‌اش در این زمینه، ویژگی ملموسی در نحوهٔ ارائه و بیان مطلب به‌آثار وی می‌بخشد.

به‌تدریج سخاورز فضاهای جدیدی را درکار و شیوهٔ بـیانی خـود جستجو مـی‌نماید، و طـبعاً مـثل سـایر کاریکاتوریست‌های «جستجوگر» چندان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد.[4]

وی بـا تـصویر ذهـنی روشـن، بـه‌یاری طـراحـی پرقدرتش وقایع اجتماعی را از دیدی خاص در قـالب کاریکاتورهای خود مطرح می‌سازد، و می‌بینیم که بـه بیان تصویری خوبی می‌رسد.

سخاورز به کار طولانی و بدون وقفه در مطبوعات ادامه می‌دهد[5] و از معدود کاریکاتوریست‌هایی است که به شیوهٔ «کاریکاتور روزنامه‌ای» ارج نهاده و بـه یـاری نوشته‌های کوتاه مکـمل اثـرش[6] از طـریق مـطبوعات باخوانندگان ارتباطی پیگیر دارد.

«کلاغ سیاه» سخاورز، شـاهد کـنجکاوی است کـه ماهیت افسانه‌ای خود را حفظ کرده وبه تمام صحنه‌های خالقش سرک می‌کشد.

در کنار فعالیت مـطبوعاتی، شـاهد کـاریکاتورهای دیدنی از مشاهیر ایران و جهان به قلم سخاورز هستیم؛ از این آثار و سایر آثار سخاورز نـمایشگاه‌های مـتعدد برگزار می‌شود.

---

۱) احمد سخاورز در سال ۱۳۲۳ در تهران متولد شد. تحصیلات عالی وی در زمینهٔ زبان و ادبیات انگلیسی است.

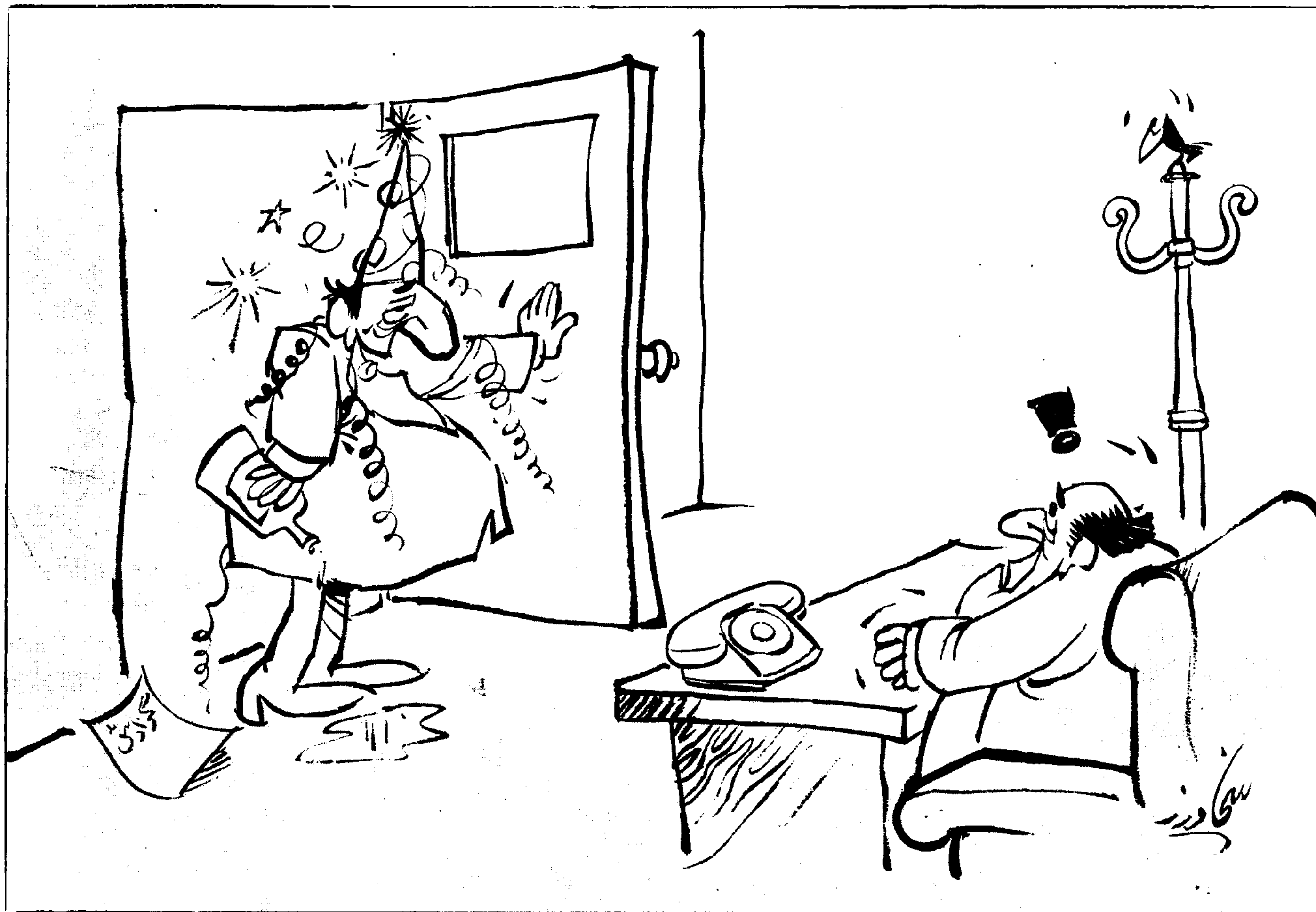
۲) سخاورز در زمان اشتغال در توفیق کاملاً تحت تأثیر شیوهٔ متداول آن بوده و معتقد است کاریکاتور معاصر ایران به‌همت این نشریه به‌وجود آمد و برای تمام کاریکاتوریست‌ها الگو شد.

۳) از جمله آثار وی در نشریات *فردوسی* و *اطلاعات هفتگی* که مقارن با دومین و سومین سال فعالیتش در این زمینه است.

۴) اکـثر مـردم عـادت بـه‌دیدن کـاریکاتورهایی بـه‌شیوهٔ تـوفیق داشتند، لذا طراحانی که تغییر شیوه می‌دادند آثارشان در ابتدا غیر عادی جلوه کرده ومورد پسند قرار نمی‌گرفت.

۵) سخاورز پس از ۴ سال فعالیت در نشریات گوناگون، به‌صورت دائمی در روزنامهٔ *اطلاعات* مشغول به‌کار می‌گردد.

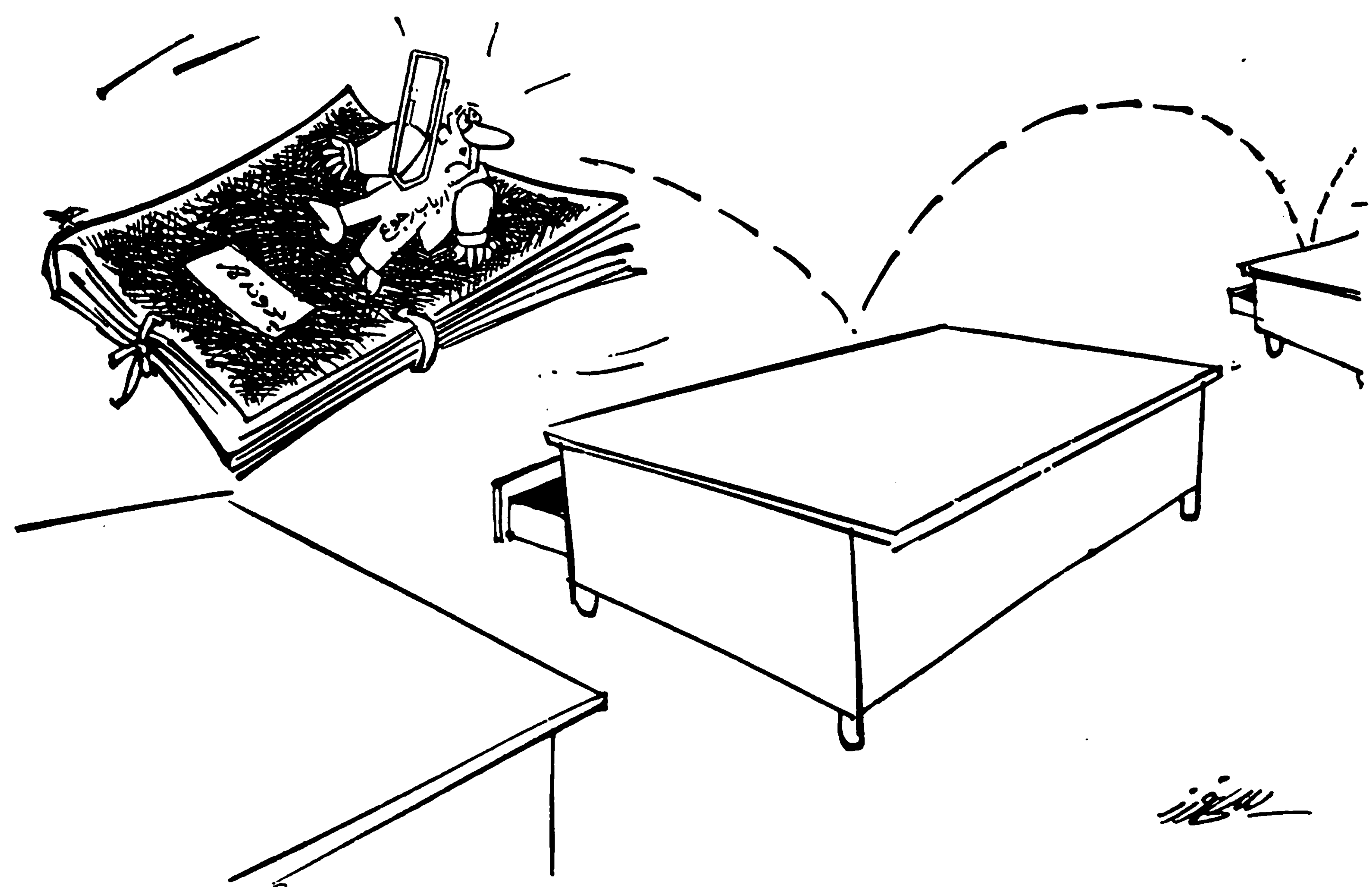
۶) در مورد نقش زیرنویس و ارتباط آن با اثر، پیش‌تر توضیح داده شده است.



تصویر ۲۷۱



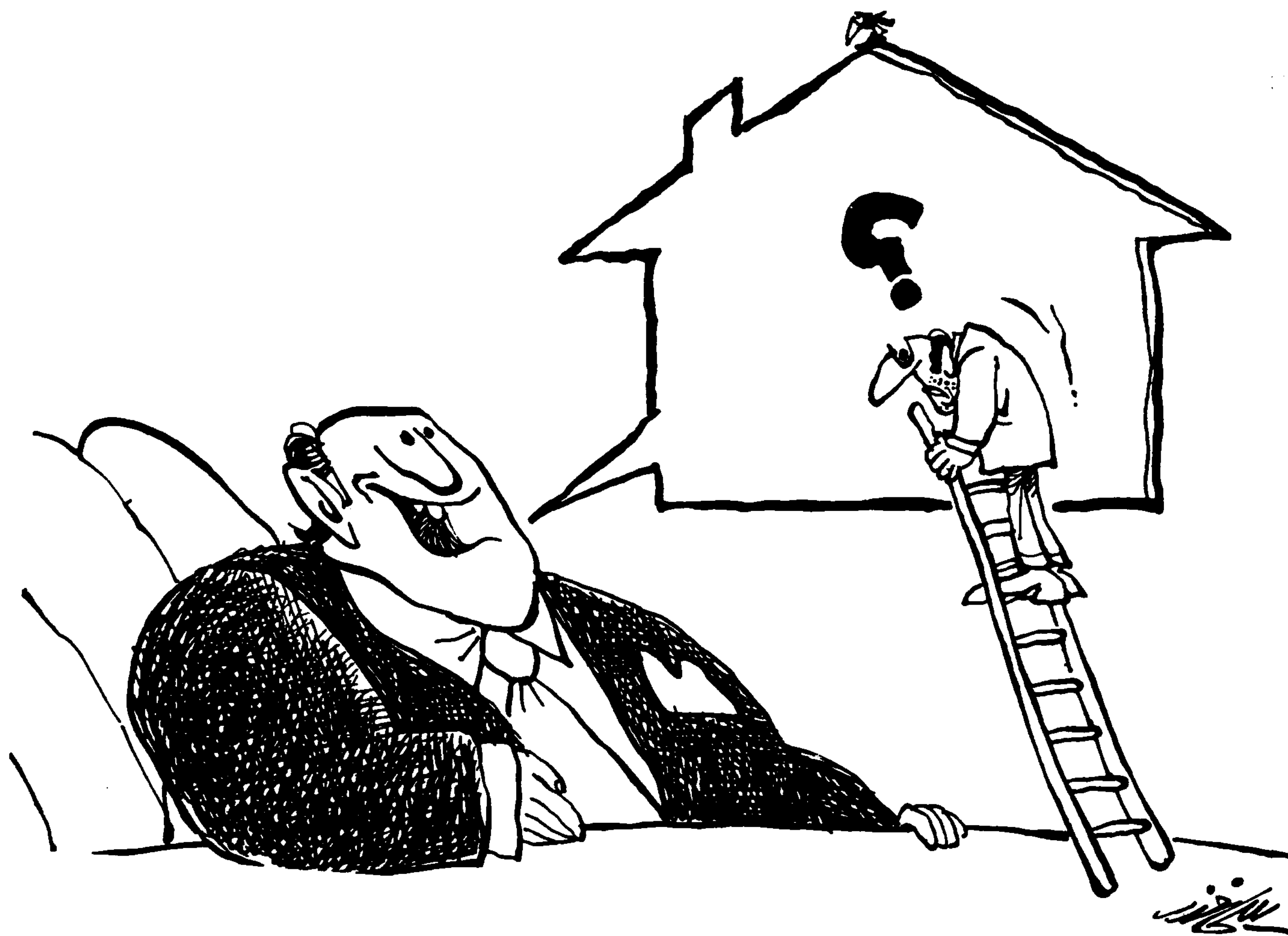
تصویر ۲۷۲



تصویر ۲۷۳



تصوير ٢٧٤

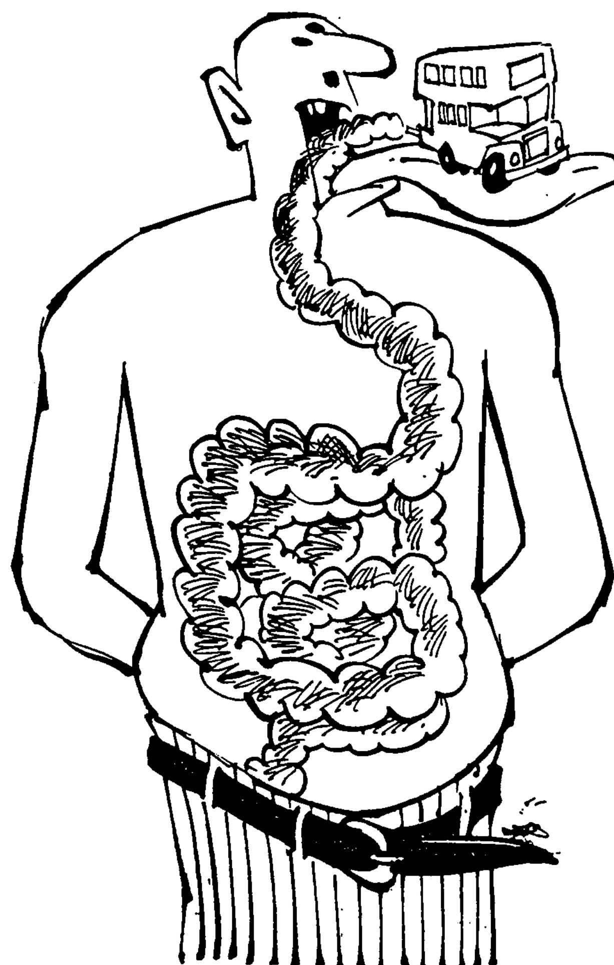


تصویر ۲۷۵

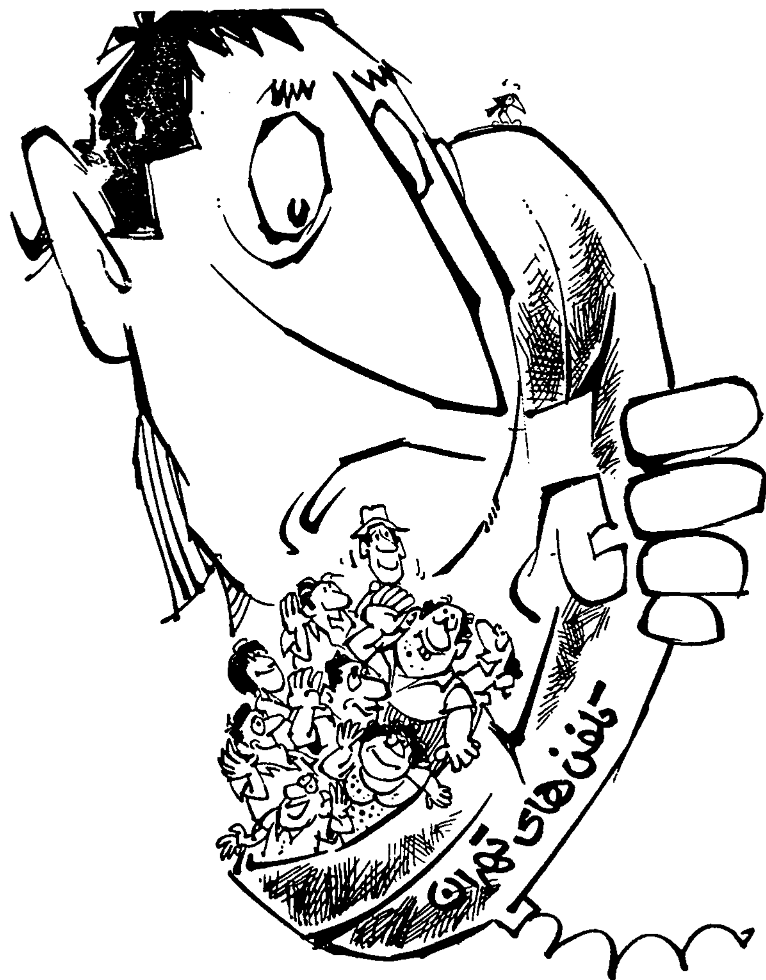


یک مسکن قوی برات آوردم..
طرح رفع مشکلات مسکن
مردم
ایران
نوع بیماری
کمبود مسکن

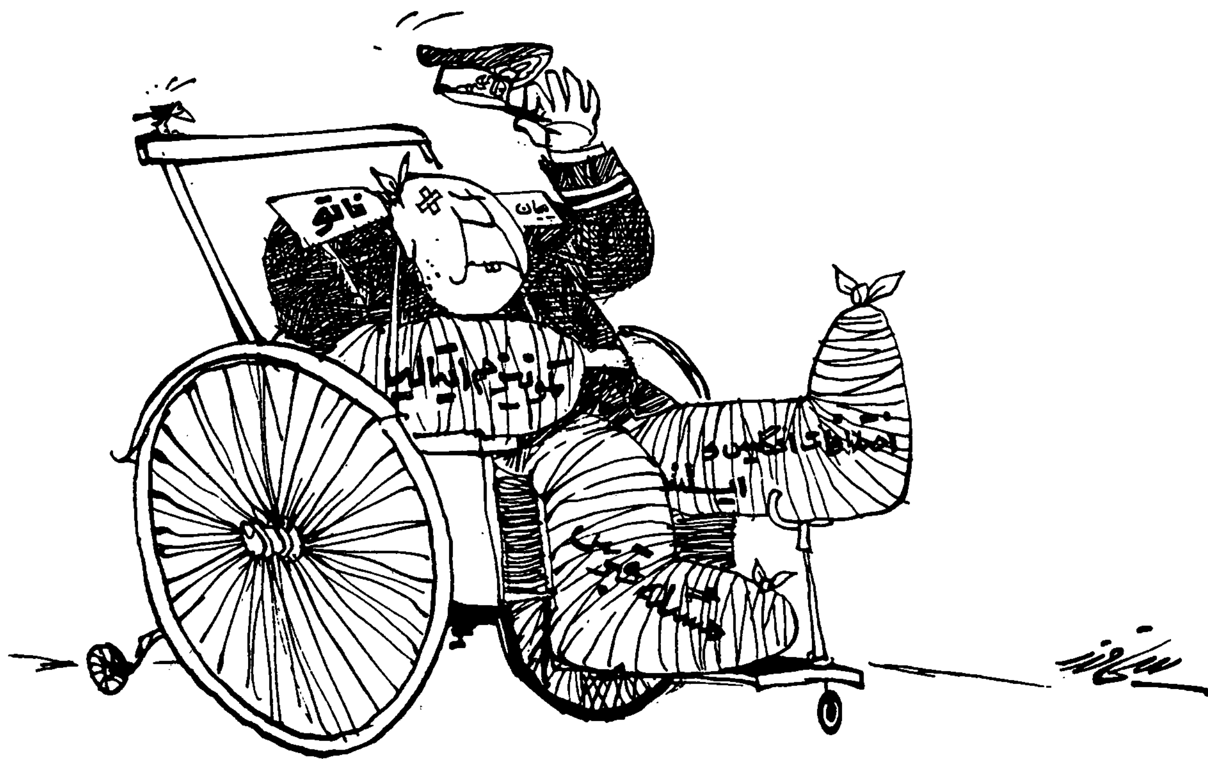
تصویر ۲۷۶



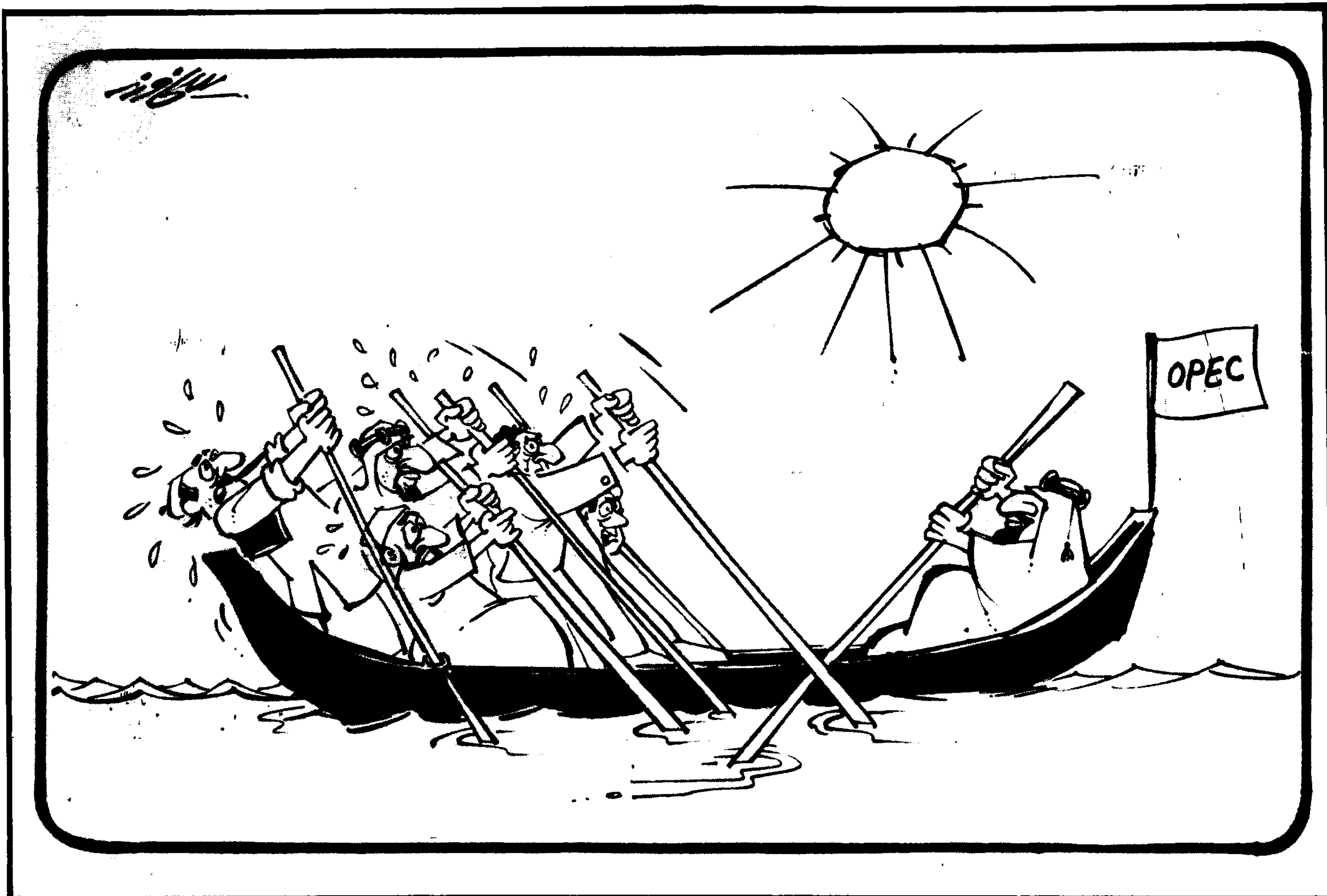
تصویر ۲۷۷



تصویر ۲۷۸



تصویر ۲۷۹



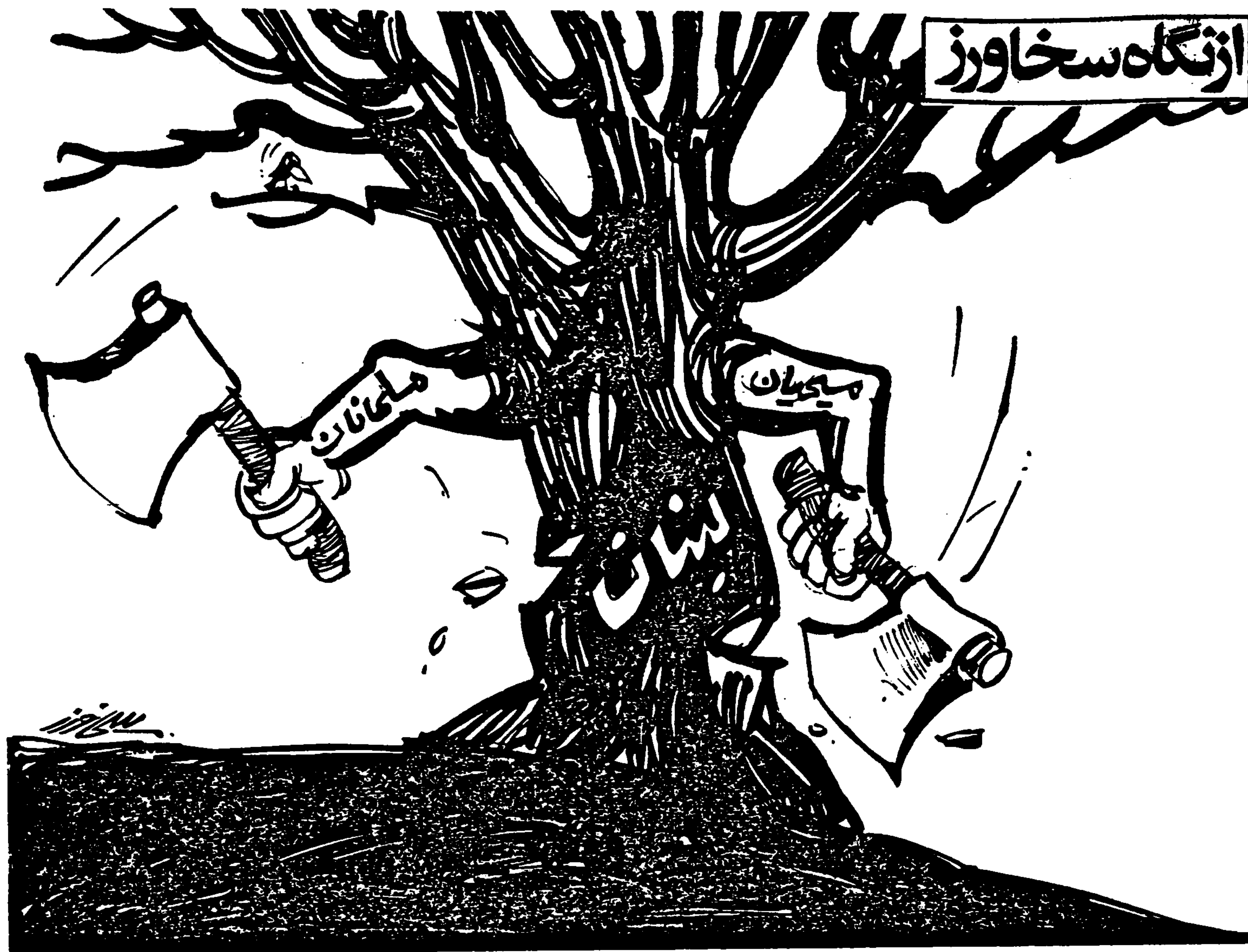
تصوير ٢٨٠



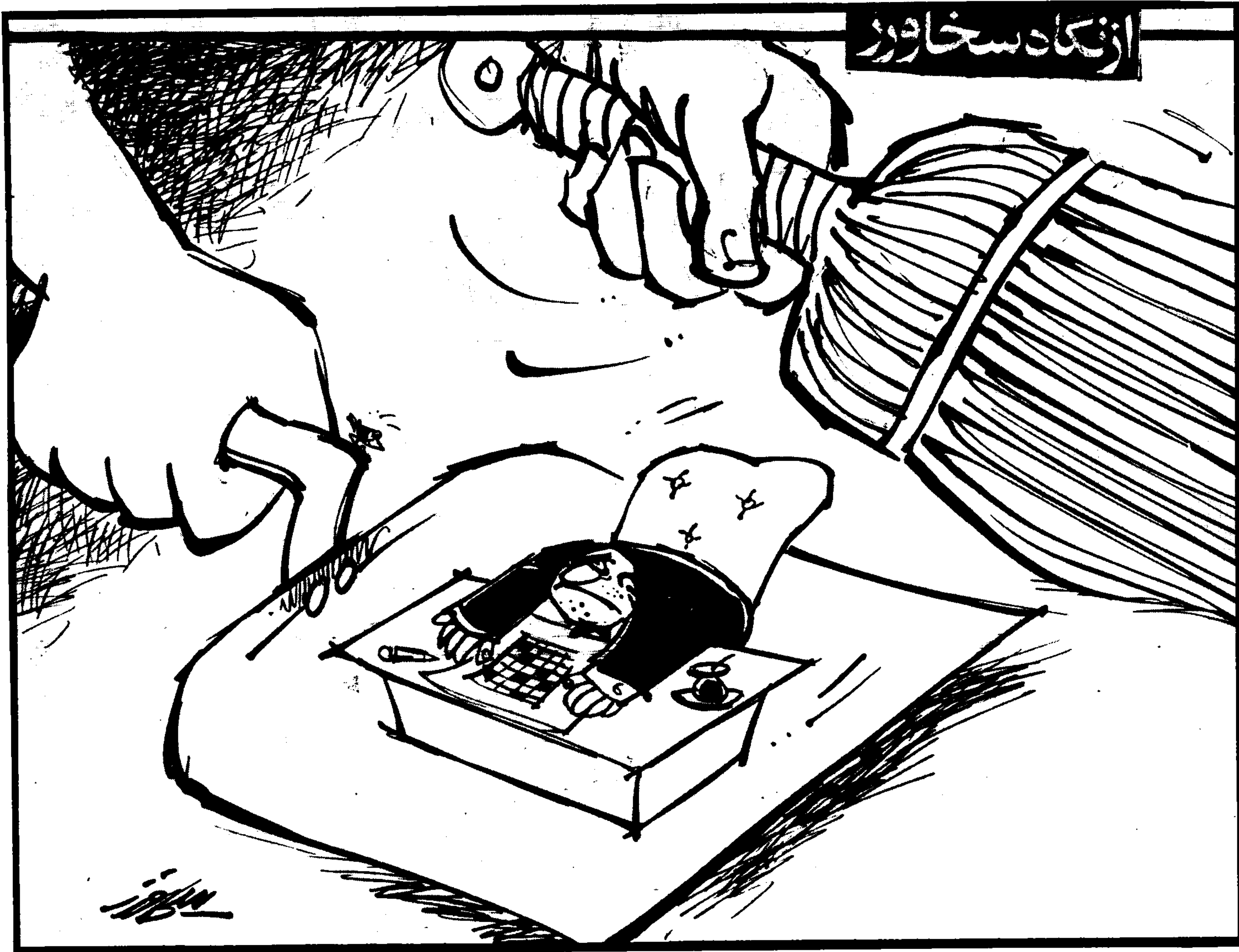
تصویر ۲۸۱



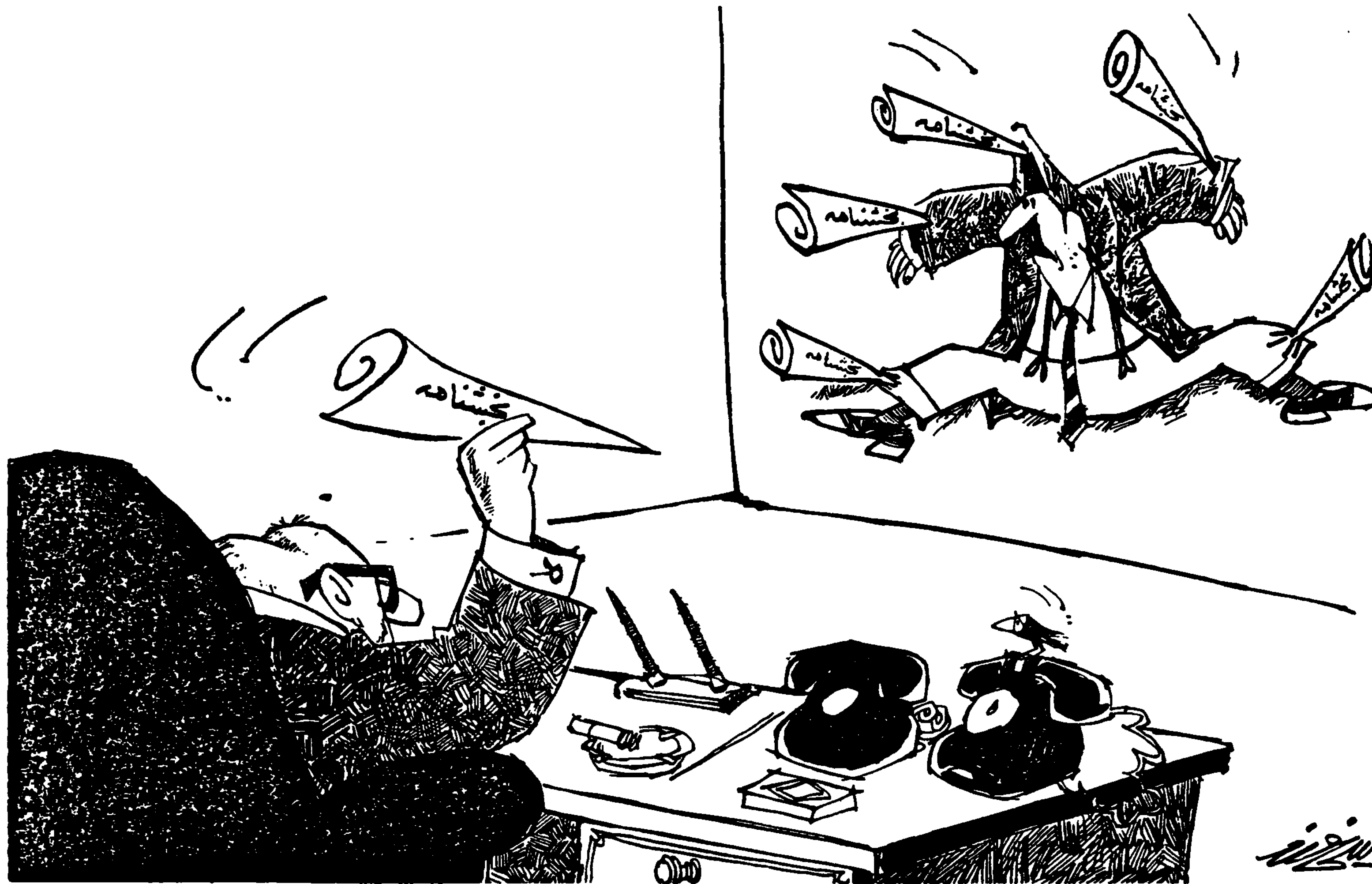
تصویر ۲۸۲



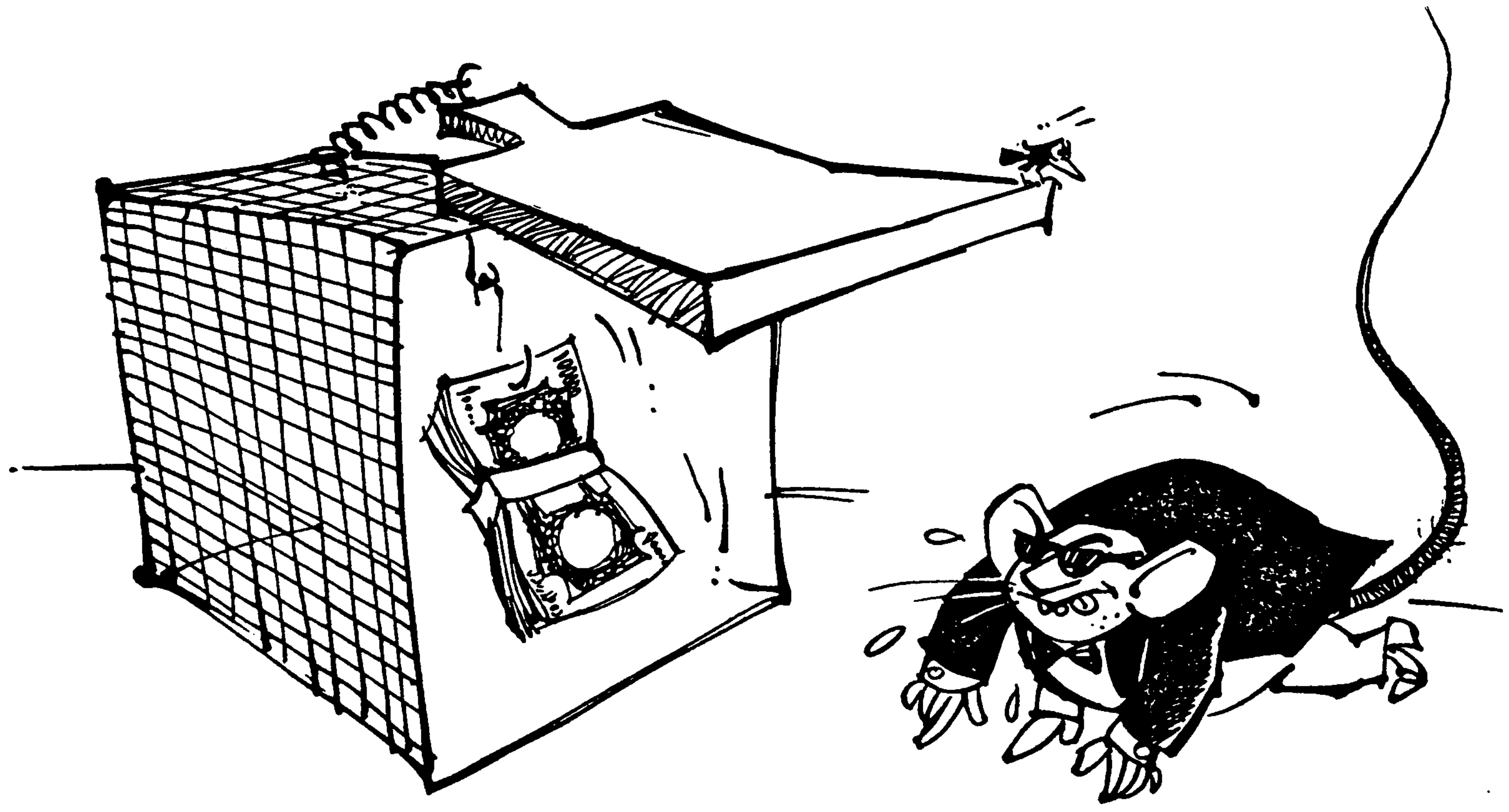
تصویر ۲۸۳



تصویر ۲۸۴



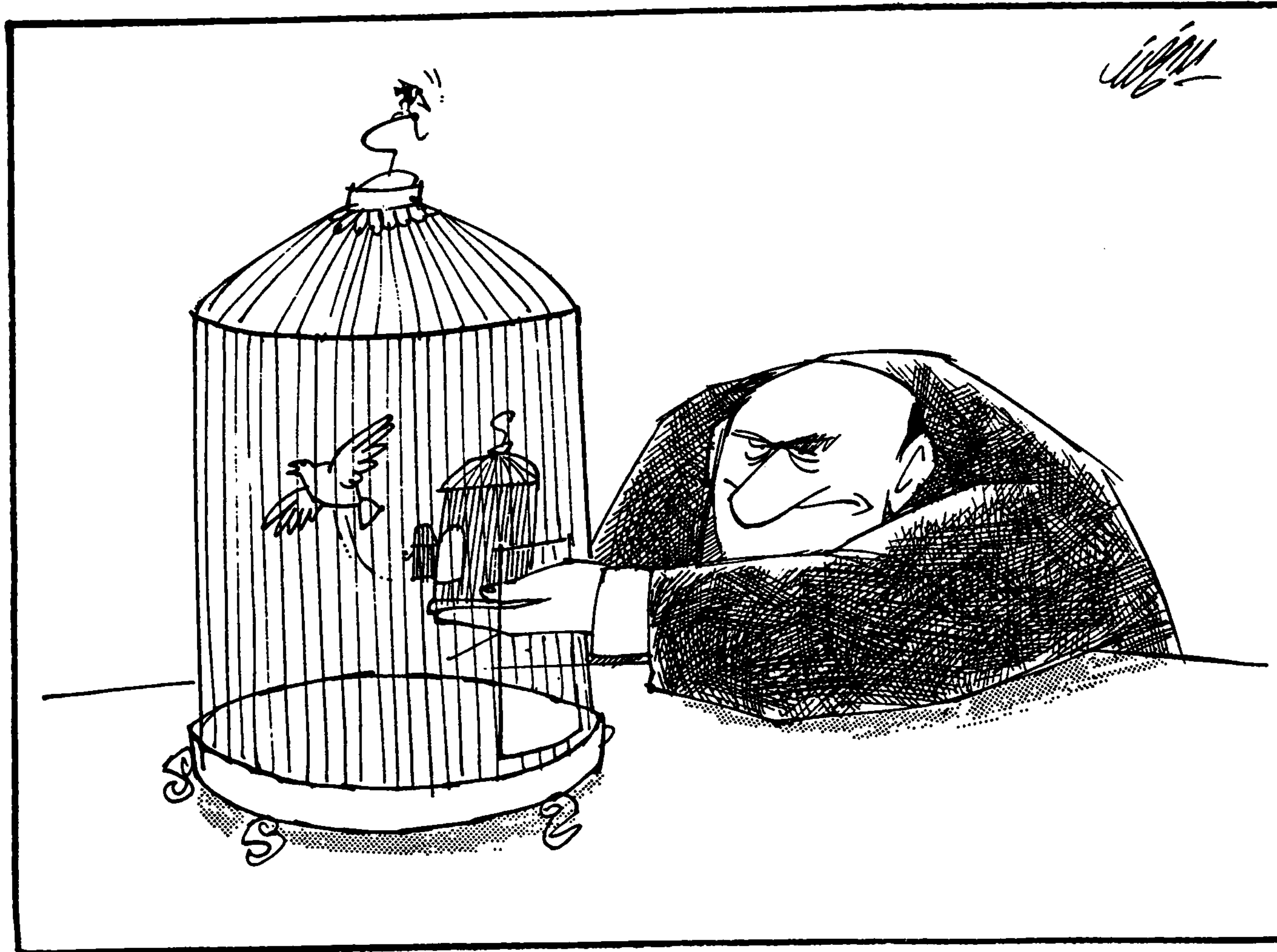
تصویر ۲۸۵



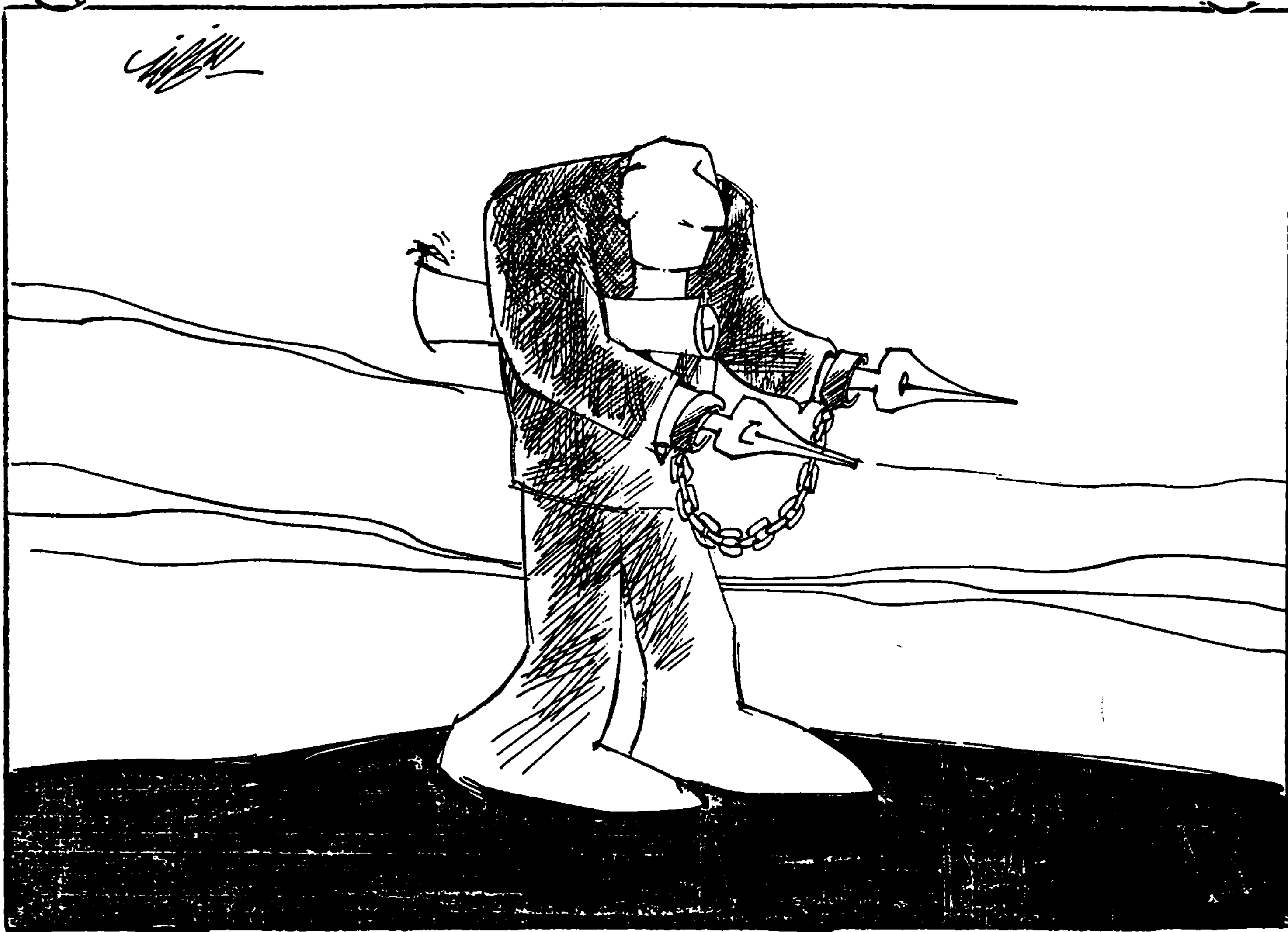
تصویر ۲۸۶



تصوير ٢٨٧



تصویر ۲۸۸



تصوير ٢٨٩



تصویر ۲۹۰ـناصرالدین شاه



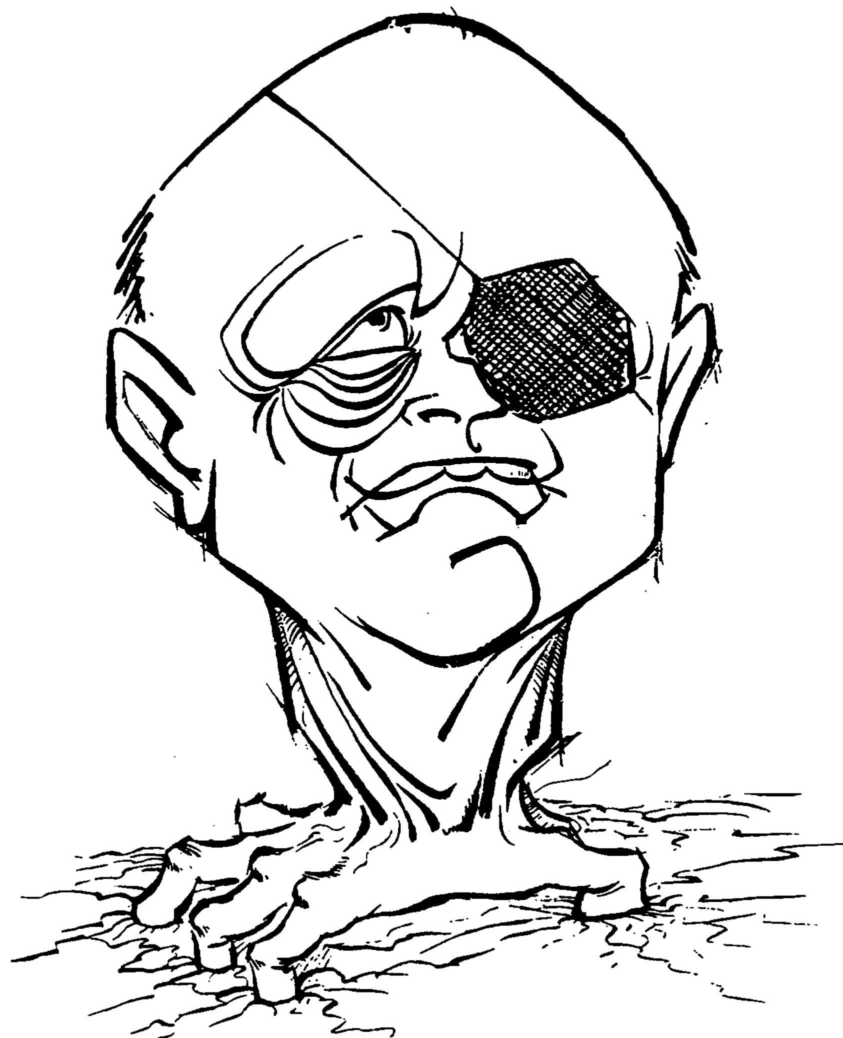
تصویر ۲۹۱ـگاندی



تصویر ۲۹۲ـ چوئن لای



تصویر ۲۹۳ـ یان اسمیت



تصویر ۲۹۴ـ موشه دایان



تصویر ۲۹۵ـ نیما



تصویر ۲۹۶ـ شهریار



تصویر ۲۹۷ـاخوان ثالث



تصویر ۲۹۸ـ شاملو

کاریکاتورهای روزنامه‌ای

کاریکاتوریست‌های معاصر ایران

(بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰)

در انتخاب چند نمونه از آثار روزنامه‌ای کاریکاتوریست‌های دیگر معاصر ایران، سعی شده خصوصیات تکنیکی و کیفی آثارشان نشان داده شود:

ایرج زارع و بهمن رضائی که حدود ۱۵ سال سابقهٔ کار در این زمینه دارند، پاک شیر و خانعلی صرفاً در توفیق کار کردند، عربانی و عبداللهی‌نیا که با توفیق شروع کرده و ادامهٔ کارشان در نشریات گوناگون بوده است (این دو گرایشی نیز به کاریکاتور مدرن نشان می‌دهند).



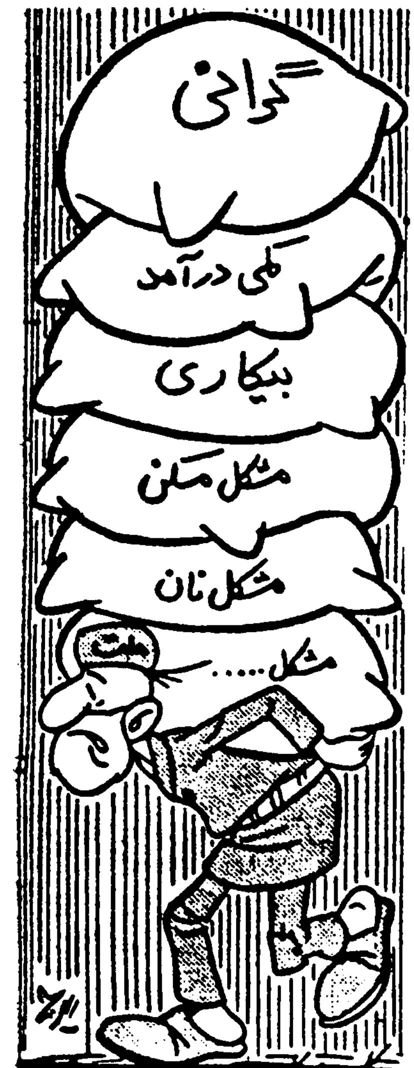
تصویر ۲۹۹



تصویر ۳۰۰

مامور سرشماری ـ چند سر نون خورداری !
پدر بچه‌ها ـ هیچی قربون ، اینارو که می‌بینی
یه هفته‌س نون نخورده‌ن !!

تصویر ۳۰۱



تصویر ۳۰۲

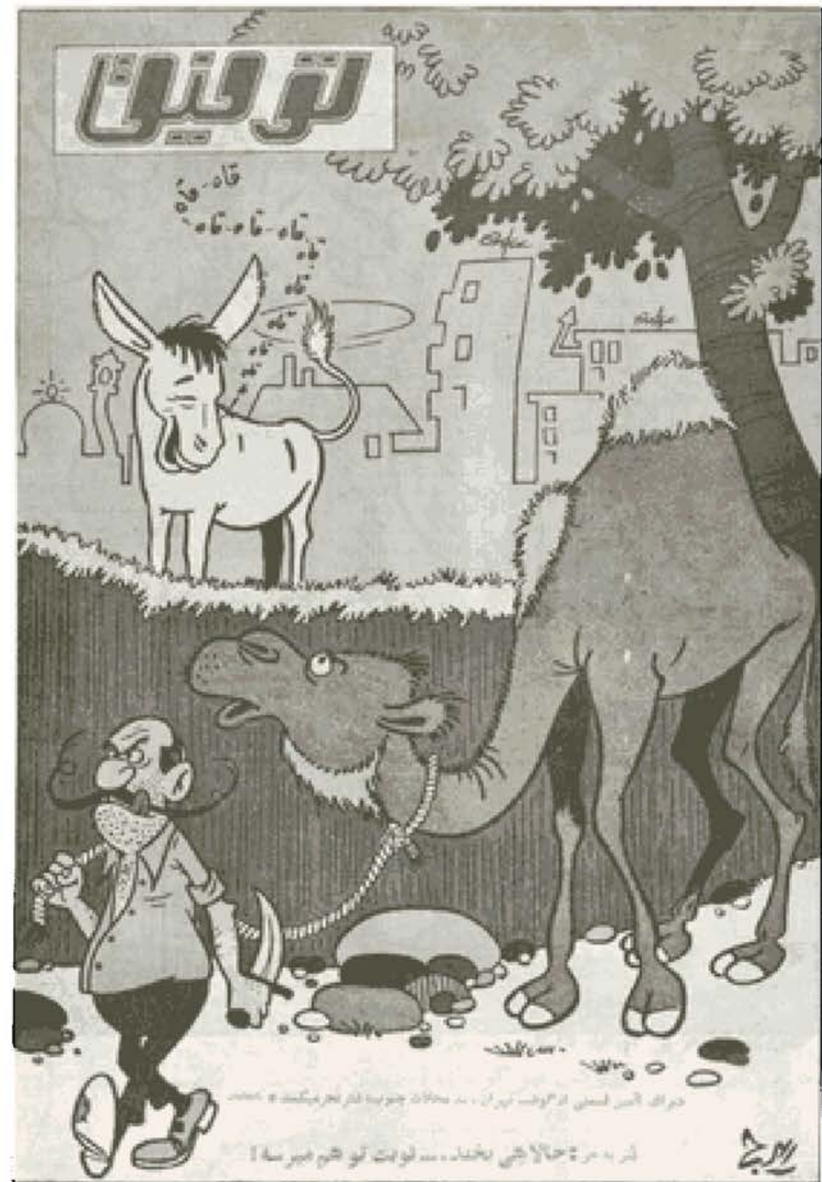


«به علت جنگ خاور میانه هزاران آمریکالی از
کشورهـای عربی آواره شدند» ـ جرايد
یهودی سرگردان !

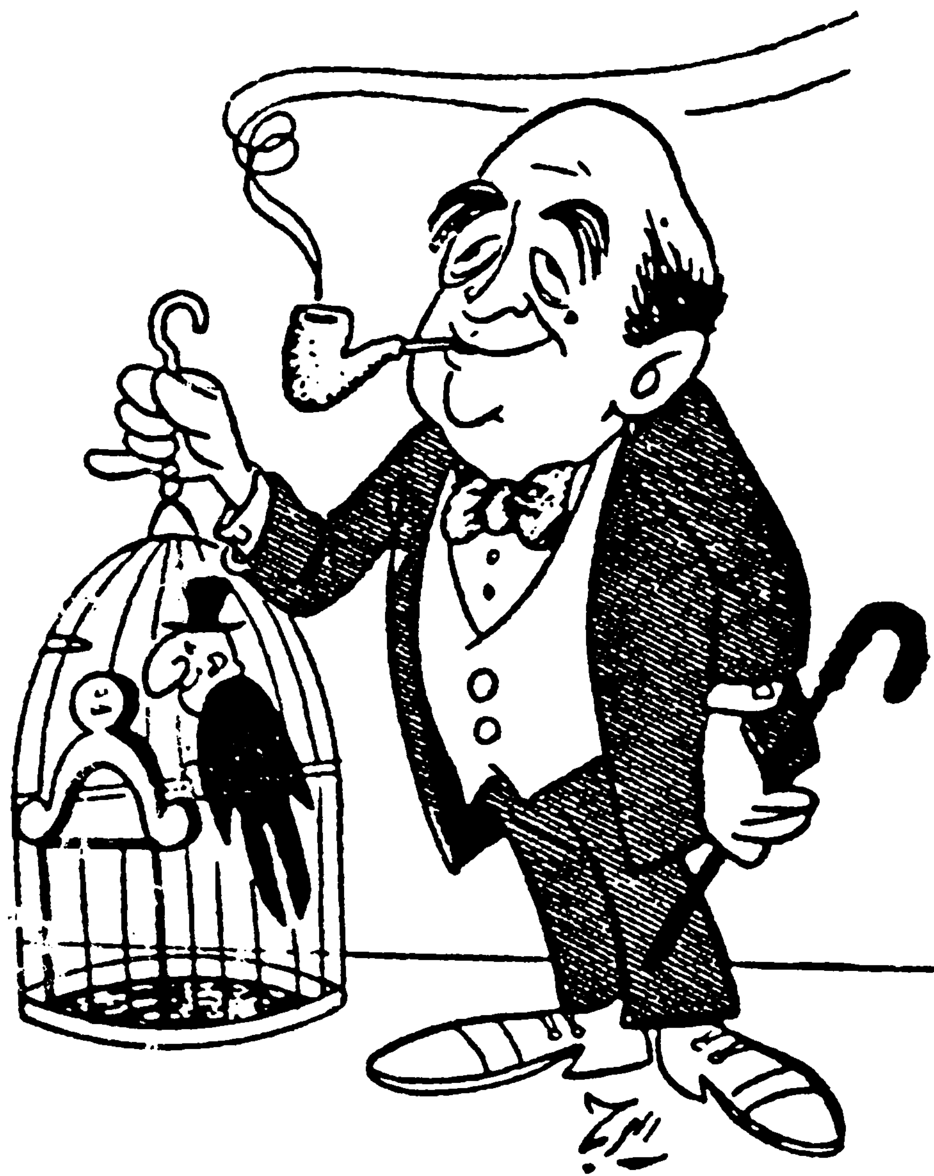
تصویر ۳۰۳


بدون شرح!
ویتنام
« جانسون هرروز تنها با سگش گردش میکند
و به مسائل مختلف می‌اندیشد » ـ جراید

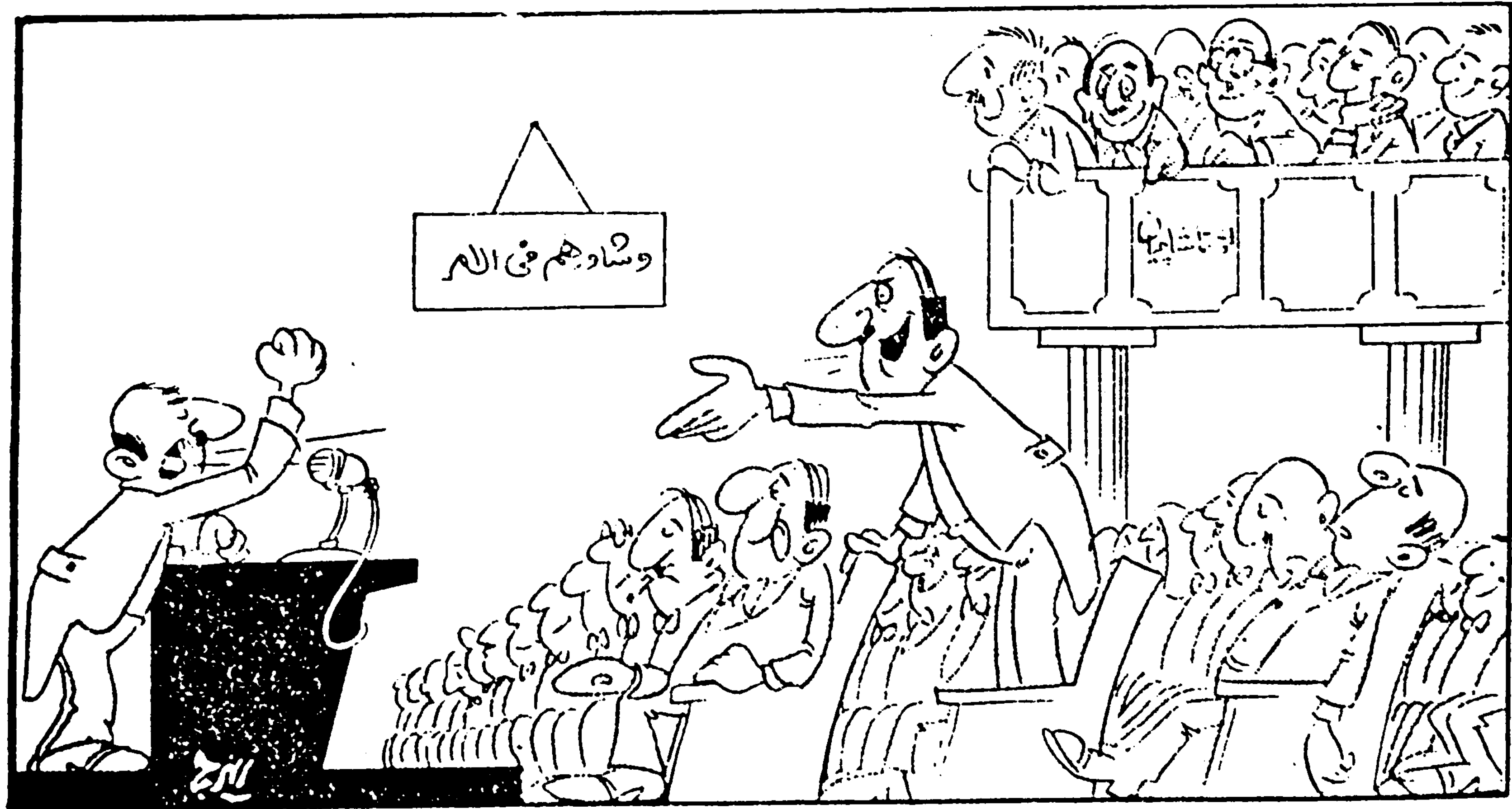
تصویر ۳۰۴



تصویر ۳۰۵



تصویر ۳۰۶

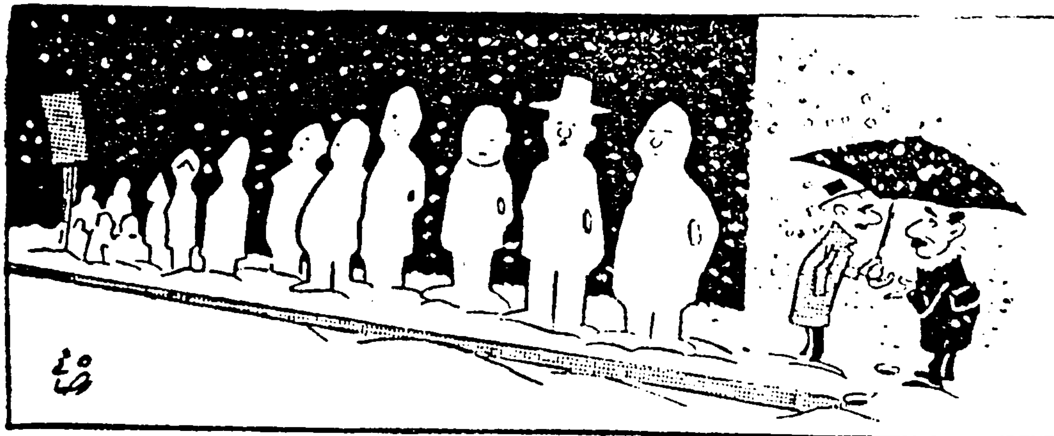


تصوير ٣٠٧



مشتری۔ آقا یه روزنامه بده !
روزنامه‌فروش۔ چه روزنامه‌ای بدم !!
مشتری۔ فرقی نمیکنه ... میخوام کفش توش بپیچم!

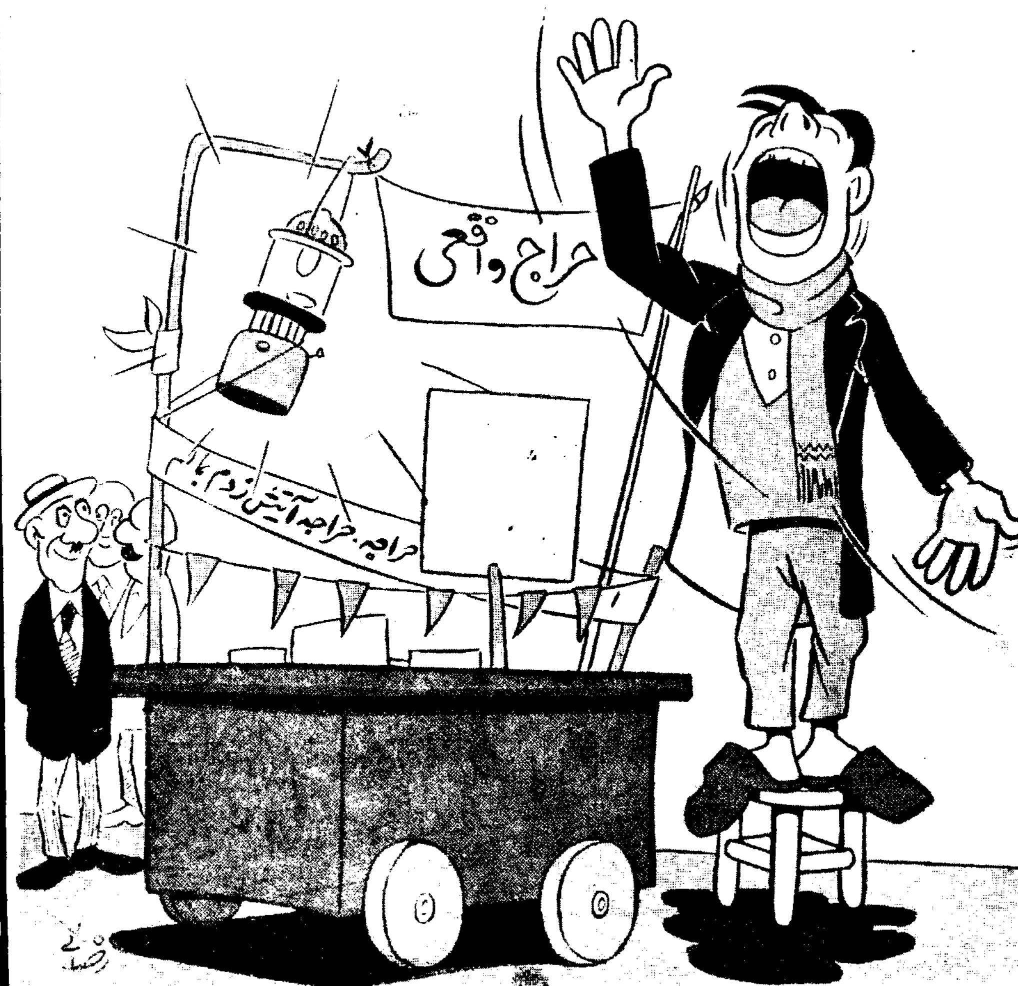
تصویر ۳۰۸



ـ این آدم برفی‌ها را کی ساخته؟

ـ ...شرکت زالد!

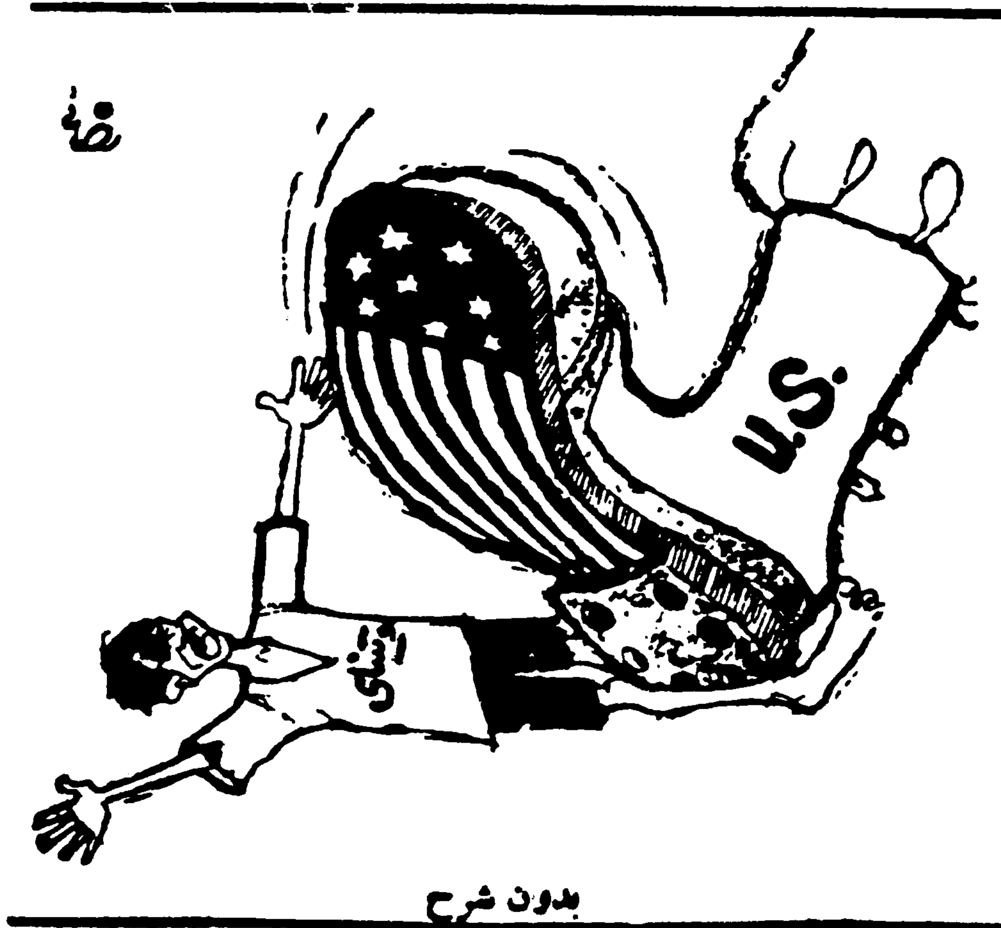
تصویر ۳۰۹


بمناسبت حراج های فصل «!» :
ـ آی خونه دارو بچه دار !... حراجه (!) ... حراجه (!) ... همون ۵ زاری ها ۸ زار !...
آتیش زدم به مالم !!.. ببرین ازاین جنسهای «ارزون قیمت !؟» تاجرش بیچاره شد !..
حراج واقعی
حراجه. حراجه آتیش زدم بمالم

تصویر ۳۱۰



تصویر ۳۱۱



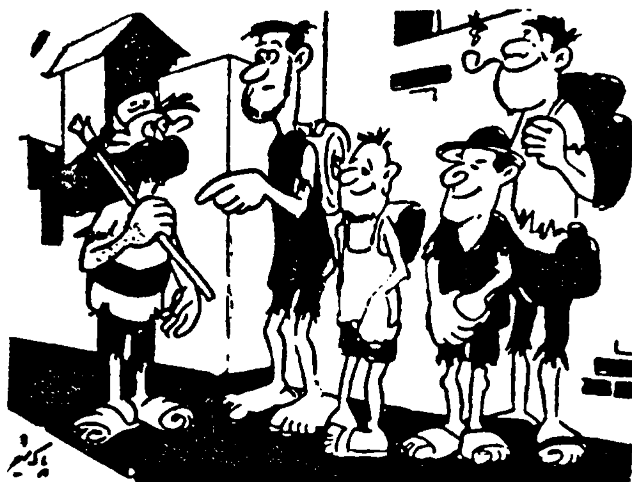
تصویر ۳۱۲



«پیاز مسئله قرن ماست» ـ اطلاعات
«دولت هویدا کاملا تثبیت است» ـ کیهان

معاون صدراعظم ـ قربان، پیازگیر مردم نمیاد...
صدراعظم ـ پیاز ما که فعلا کونه کرده، باقیشو ولش!

تصویر ۳۱۳



«در تهران توریست فقیر زیاد شده» ـ جراید
توریست ها به ملت ـ اوه مستر، شما هم هست توریست!!

تصویر ۳۱۴



« سازمان آب نرخ آب را مدتی است گران کرده است»
شمر به وزیرآب و برق :
ــ من بمیرم ، پهلوی‌من‌واینستا ، گناه خودم برای‌هفت پشتم بسه !

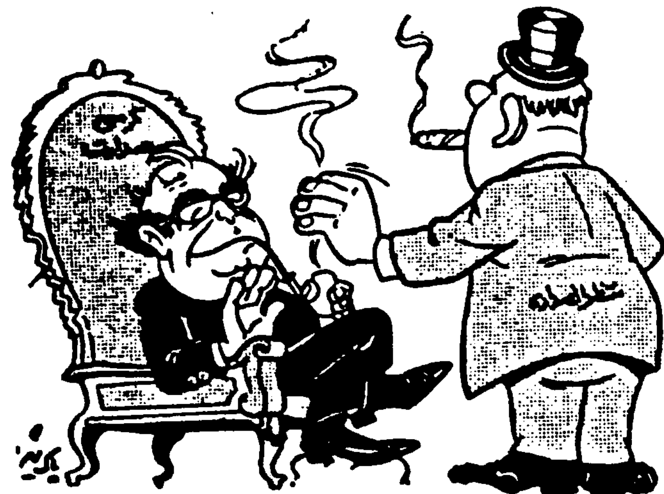
تصویر ۳۱۵



الاغی به مسافرها ــ شوش سه زار ..؟!

تصویر ۳۱۶

« نخست وزیر گفت : ما در مقابل هر کاری استقامت بخرج میدهیم » – جراید



منتظرالصداره- داداش از نشستن این رو خسته نشدی ؟!

صدراعظم- نه رفیق ما استقامتمون خیلی زیاده!!

تصویر ۳۱۷

« هویدا برای آرام کردن هر ناراضی در هر موقعیتی روش و وسیله‌ای خاص دارد » ـ آیندگان

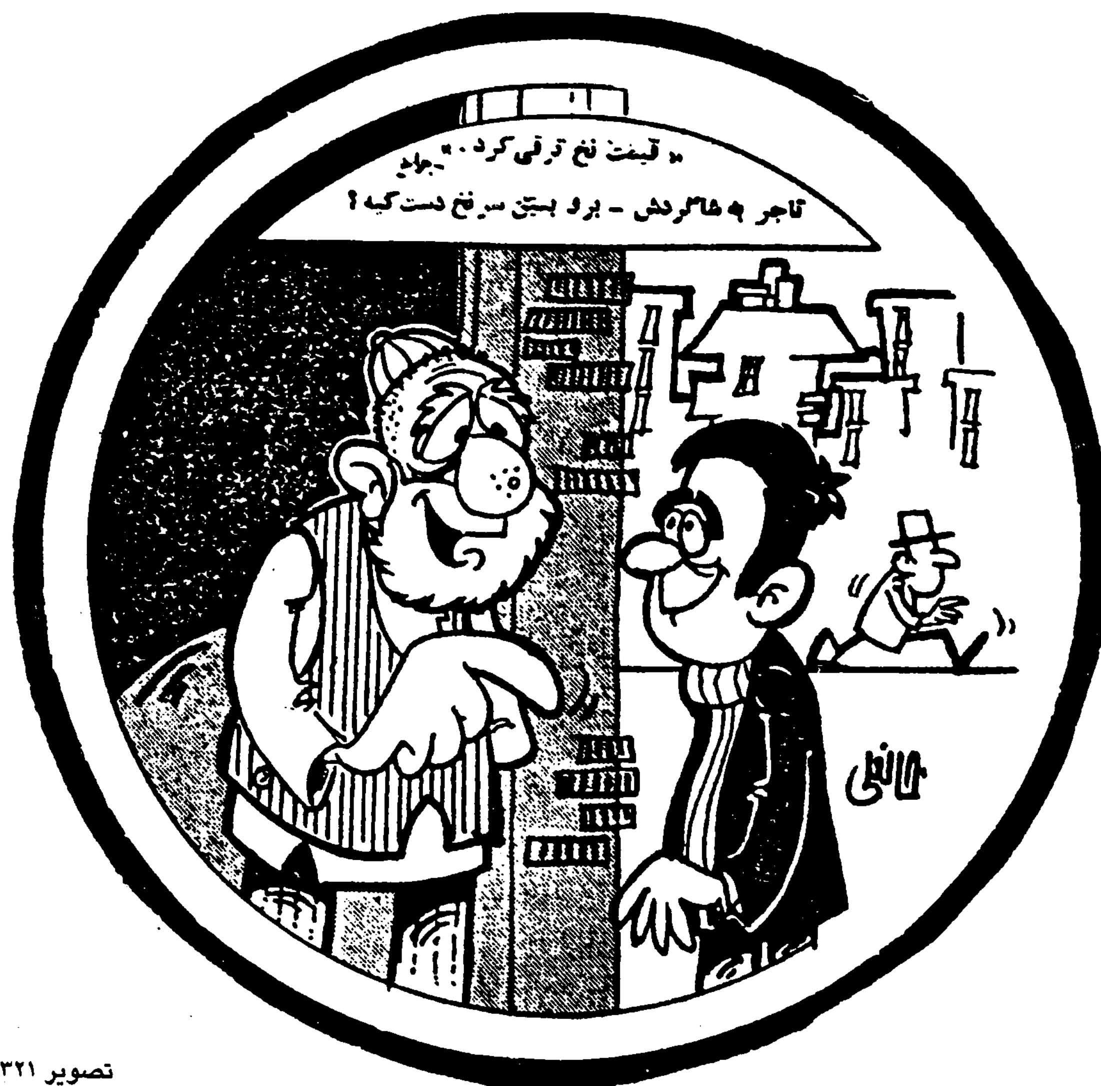
ـ بیا جلو! اینم بذارم دهن تو که راضی باشی و صدات در نیاد !



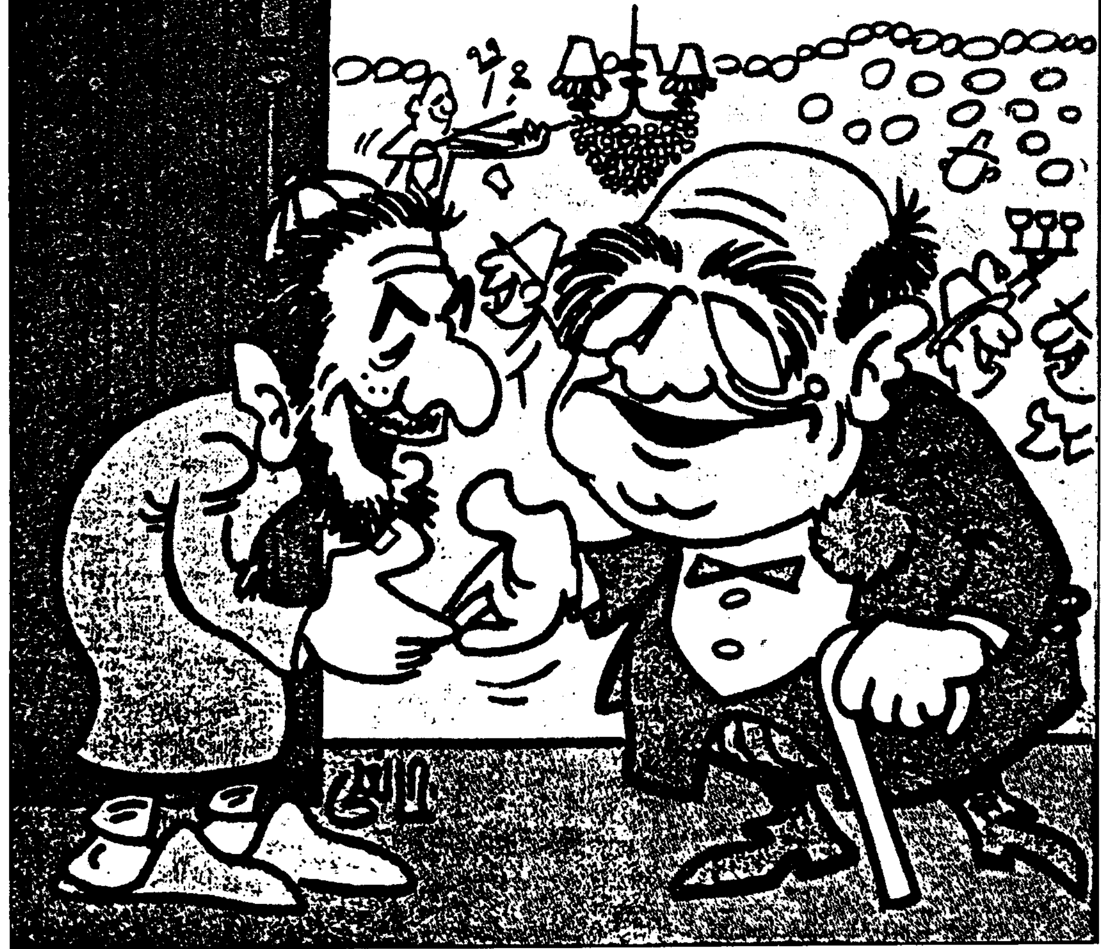
تصویر ۳۱۸


«هویدا به دوهزارمین روز نخست وزیری خود رسید» - جراید
عصائی - عجیبه ..!.. این دو هزار روز نخست وزیری
به من مثل دو روز گذشت.
اکبری - به ما که مثل دوهزارسال گذشت!
معاملا

تصویر ۳۱۹



تصویر ۳۲۱


« در مهمانی بزرگ نخست‌وزیر ، او دم در ایستاده بود و
مرتباً به مهمانان «گود ایونینگ» میگفت»
عسائی - گود ایونی نینگ !
آمیرزا - و علیکم السلام گود ایونی نینگ !

تصویر ۳۲۲



تصویر ۳۲۳


معلم – میخواستم ببینم ، کسی که نه کرایهٔ خونه
داده باشه و نه پول آب و برق و تلفن و خرجی خونه
، چیکارش میکنن ؟!!

تصویر ۳۲۴



مشتری ـ پنج سیر گوشت آبگوشتی میخوام!
قصاب ـ خوراکی باشه یا منجمد ؟

تصویر ۳۲۵



ستوان کالی که متجاوز از صد نفر زن و کودک ویتنامی
را کشته بود بدستور نیکسون آزاد شد. ـ جراید
اولی ـ این بابا را چرا به زندان میبرند؟
دومی ـ برای اینکه نرفته آدم بکشه ! !

تصویر ۳۲۶



ـ انتخاب تو نو تبریک میگم .
ـ هنوز که انتخابات انجام نشده .
ـ خب اینجوری بیشتر تبریک داره !

تصویر ۳۲۷



۱ـ «اسرائیل اورشلیم را پس نمی‌دهد»
۲ـ « اسرائیل شرم الشیخ را پس نمی‌دهد »
۳ـ «اسرائیل ارتفاعات جولان را پس نمی‌دهد»
نکیر
موشه دایان

تصویر ۳۲۸

رقص جزو دروس اختصاصی میشود



– بچه‌تون زده بسرش؟
– نه بابا درسشو حاضر نکرده ۵۰ تا «قر کمر» جریمه‌ش کرده‌اند!

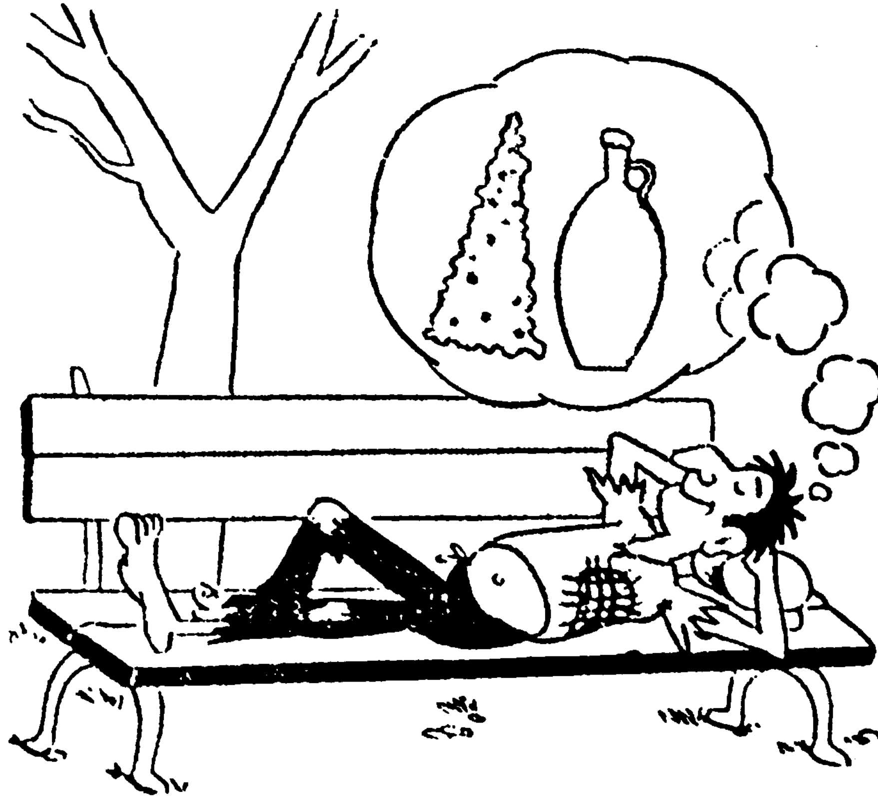
تصویر ۳۲۹

در حاشیه سرشماری

مأمور آمار

زن: چی شد به گریه افتاد؟
مرد: هیچی کرایه خونه مونو بهش گفتم

تصویر ۳۳۰



«اگر خواب نبینیم، میمیریم» — جراید

آدم زنده

تصویر ۳۳۱



تصویر ۳۳۲



«سخنان هویدا همیشه باطنز همراه است» ـ ارادهٔ آذربایجان
ـ بزودی شماها بایدو کیلاتونو انتخاب کنین !؟

تصویر ۳۳۳

گشت وگذاری درجنوب شهر

از عبداللهی نیا

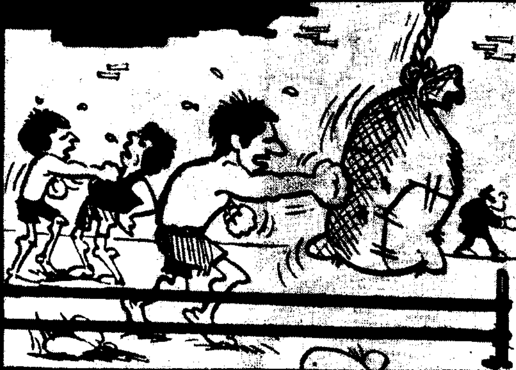
...... من که خودم بچه جنوب شهرم بهتر ازهرکسی میتونم از اونها حرف بزنم. ازچیزهائی که وقتی من بچه بودم نداشتن وهنوزهم ندارن. زمین برای بازی و وسیله برای ورزش. من شمارا به تماشای تأسیسات ورزشی!! بچه های جنوب شهرمیبرم.



مولوی. محله خودمون شروع میکنم. هنوزهم بچه‌ها [illegible] ورزش [illegible] ساعات کشتی خودشونو توی کوچه و روی تشکی که یکی از بچه‌ها از خونه‌اش آورده [illegible] گذار میکنند.



حیوان سواری تا کوچه [illegible] ورزشی بچه‌های این محله است که در گوشه‌ای از کوچه بچه‌ها را در حال تمرین [illegible] و تمرین از روی حرکت حقیقی می‌بینید



تمرین مشت‌زنی بچه‌های [illegible] آماده به نبرد است. البته کیسه‌ای برای ورزش ندارند گوشه‌ای از کوچه را بصورت صحنه مشت‌زنی درآورده‌اند و به تمرین [illegible] خود ادامه میدهند.

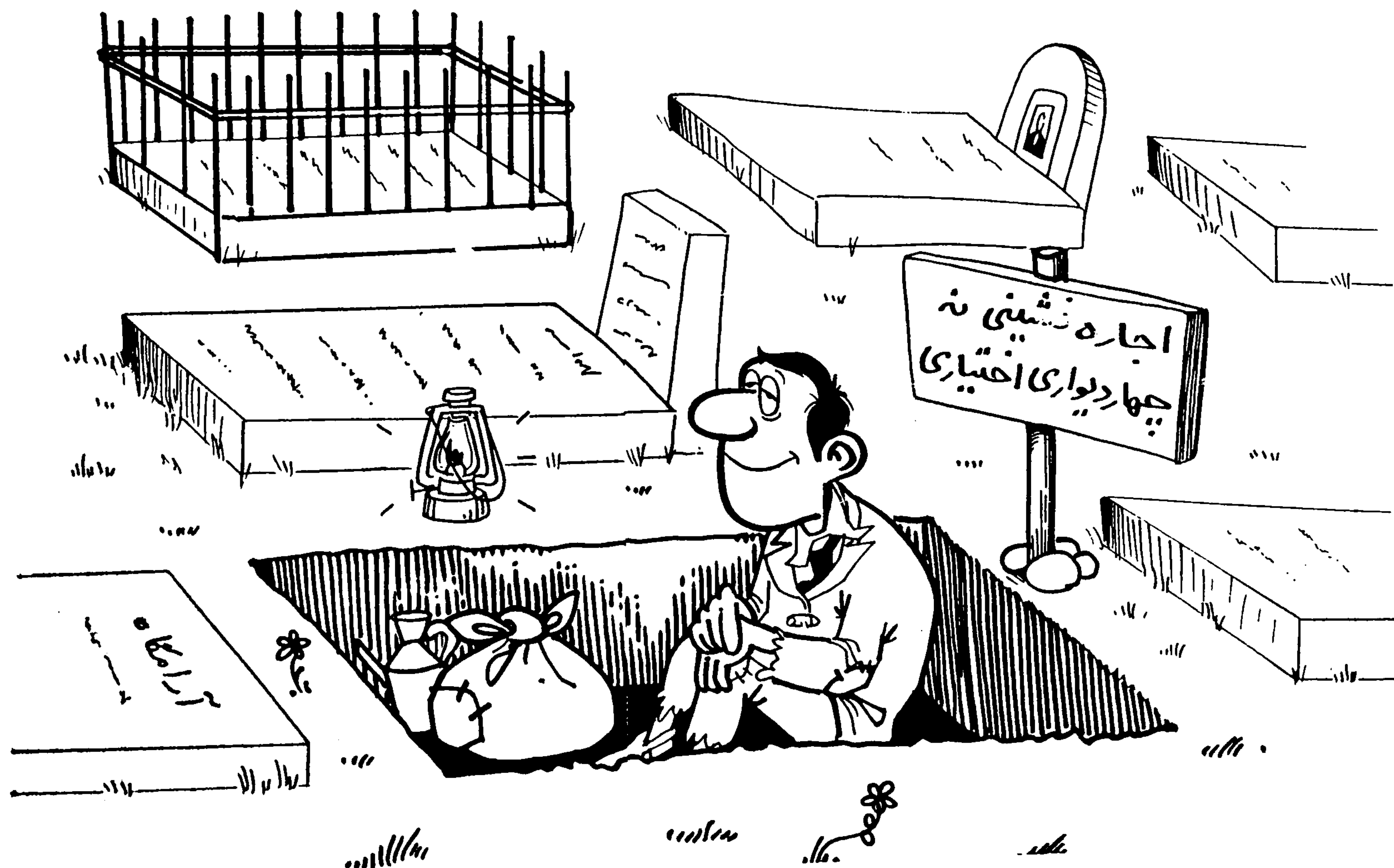


جوی آب برای بچه‌های [illegible] بهترین استخر [illegible] در تابستان بخاطر نداشتن استخر برای شنا در جوی‌های آب [illegible] خود را برای قهرمانی [illegible] آماده میکنند!!



زمین فوتبال بچه‌های دروازه‌غار را زمینهای سخت و پر از سنگ و بلندی تشکیل میدهد [illegible] این بچه‌ها بارها زمینهای [illegible] سخت‌تر را هم برای زمین بازی صاف کرده‌اند

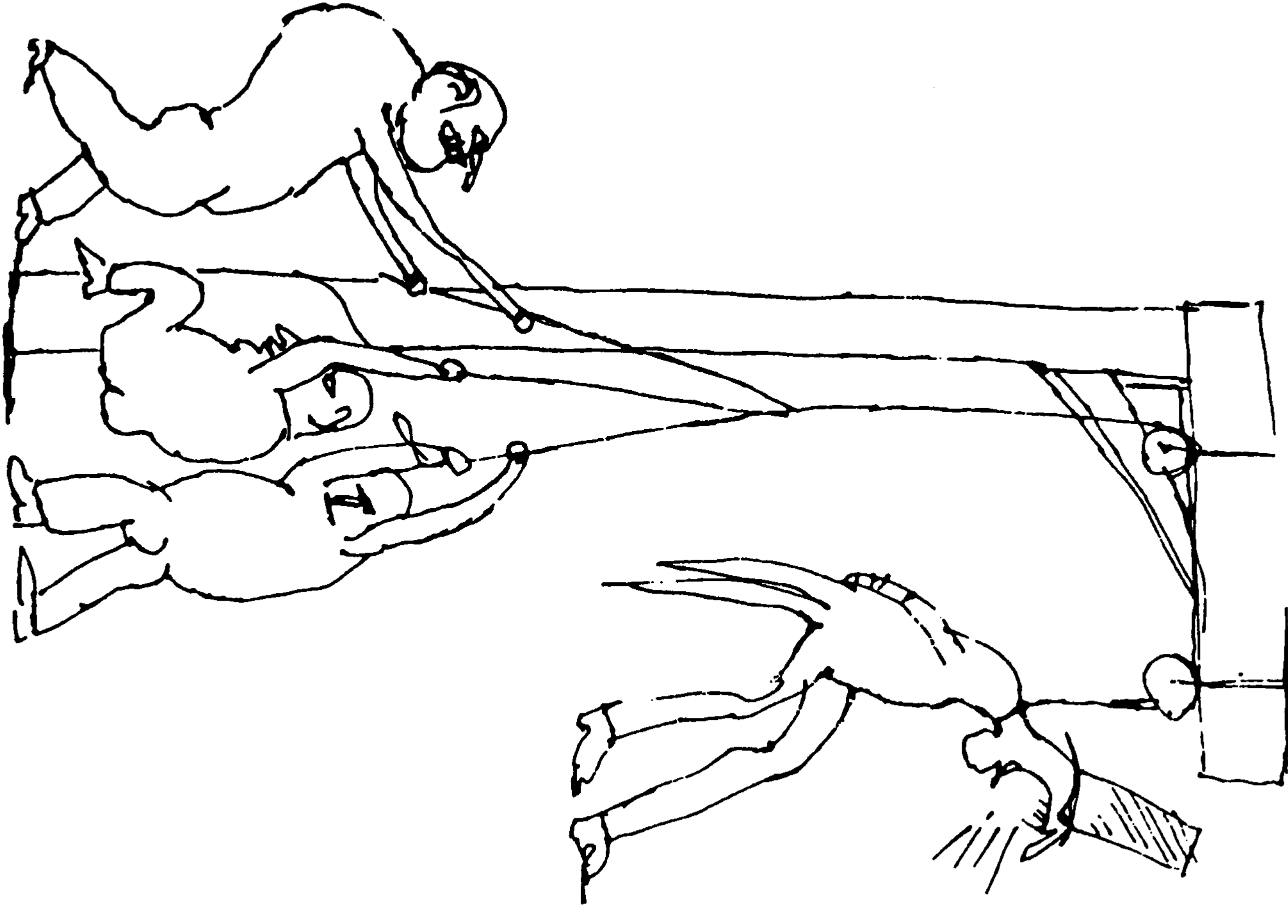
تصویر ۳۳۴



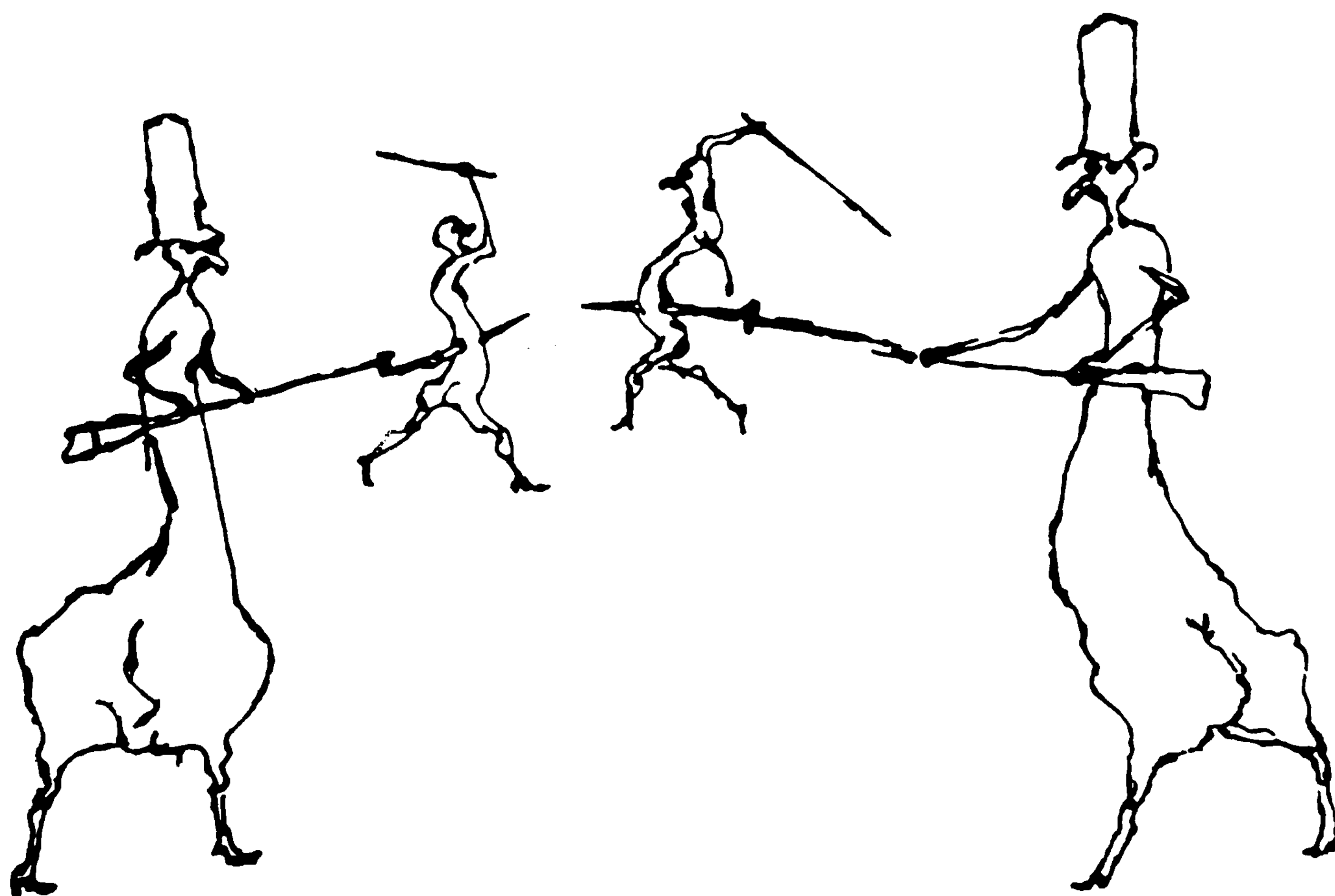
تصویر ۳۳۵

نمونه‌هایی از کاریکاتورهای مدرن ایران
۱۳۵۰ الی ۱۳۵۵

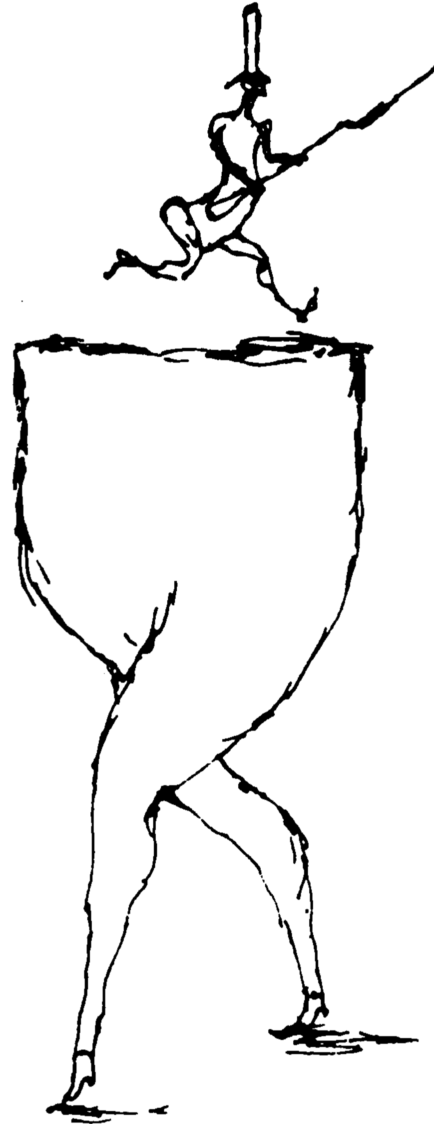
اردشیر محصص



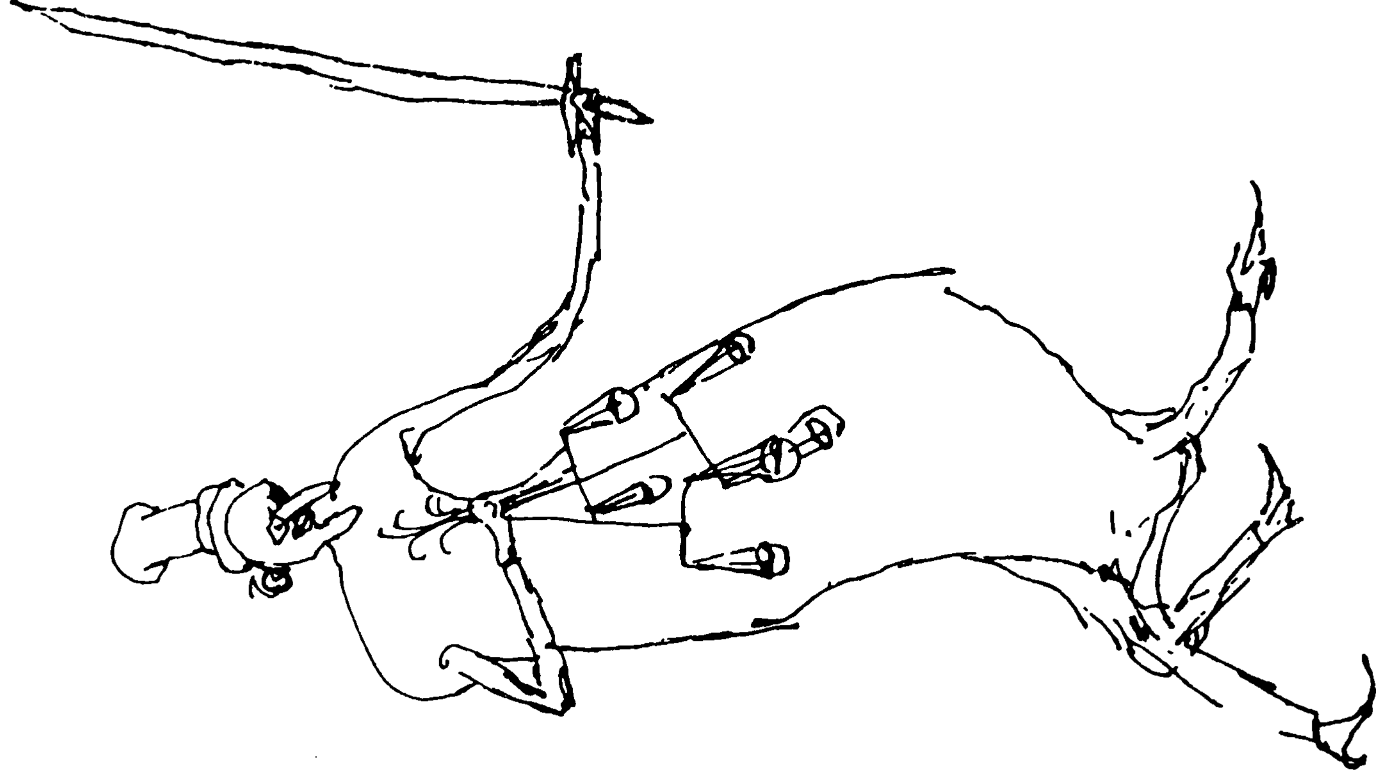
تصویر ۳۳۶



تصویر ۳۳۷



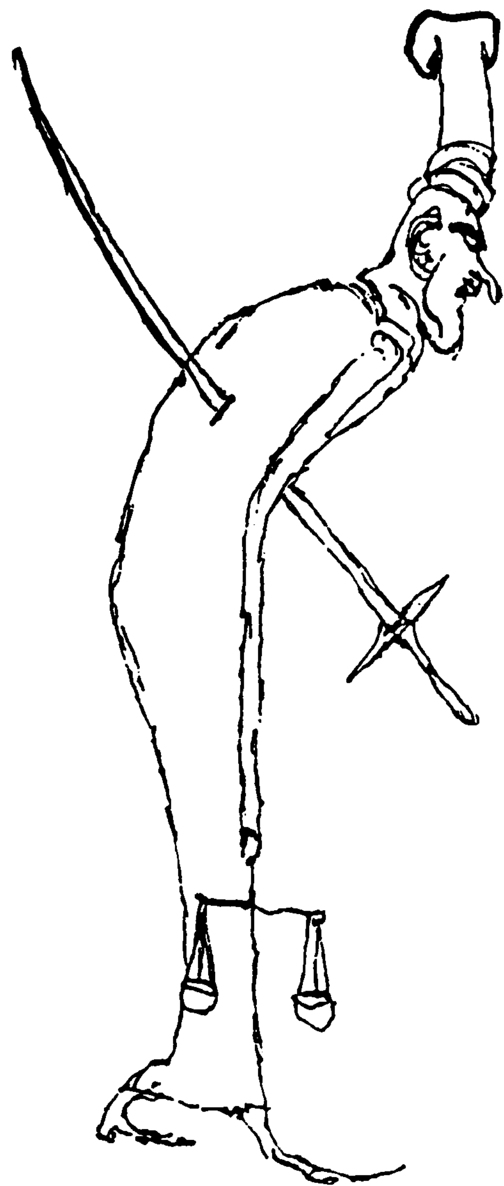
تصویر ۳۳۸



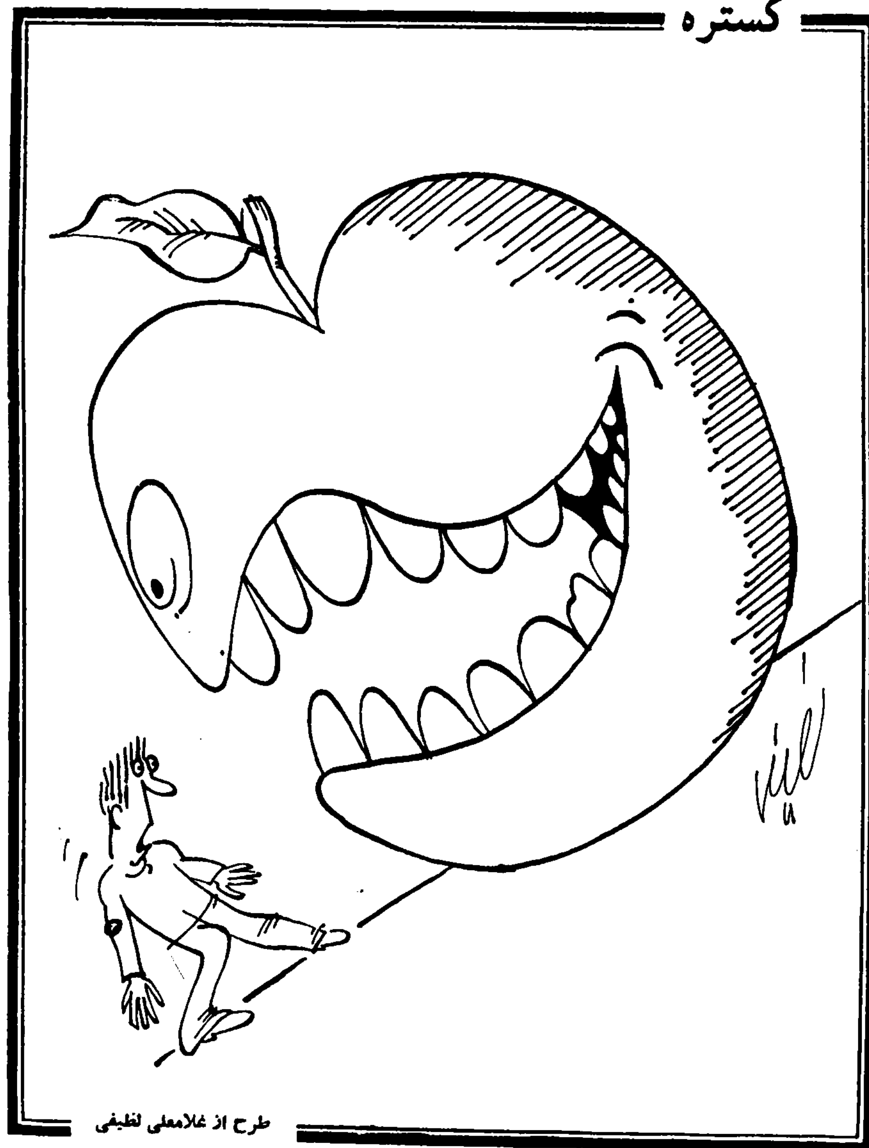
تصوير ٣٣٩



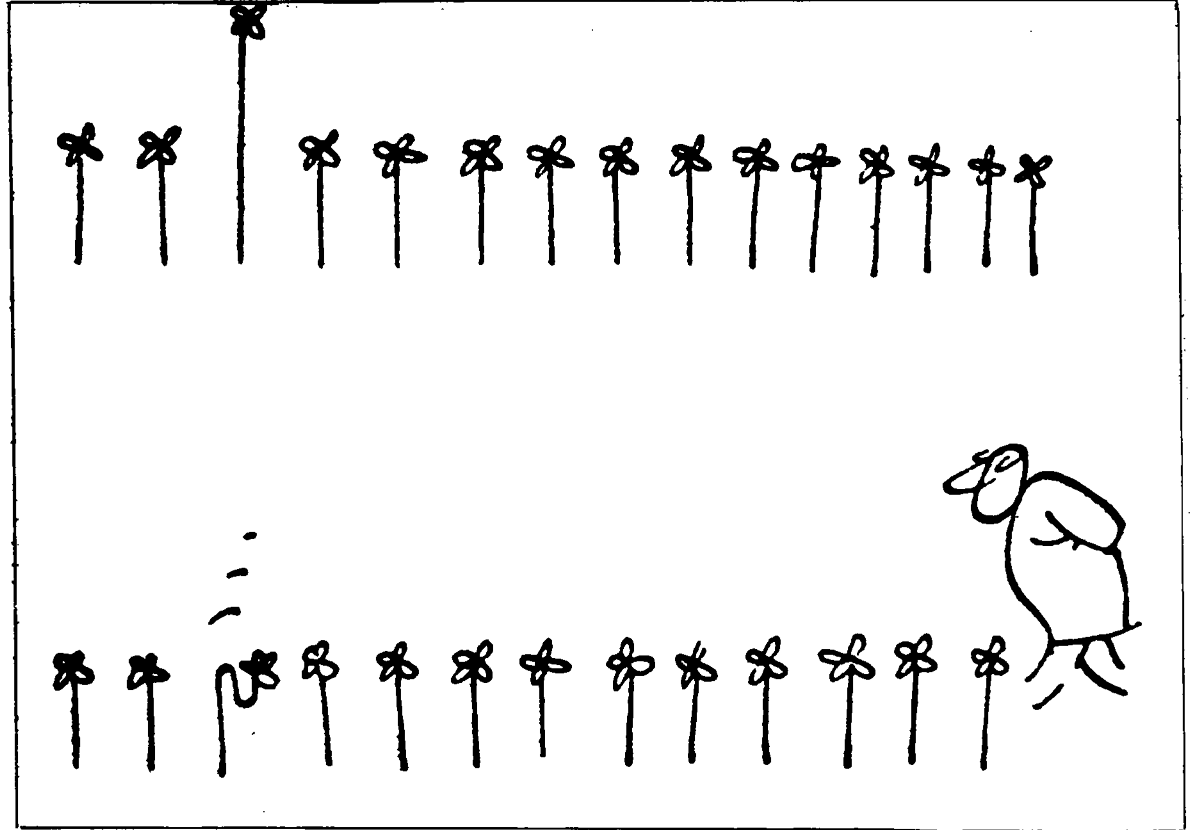
تصویر ۳۴۰



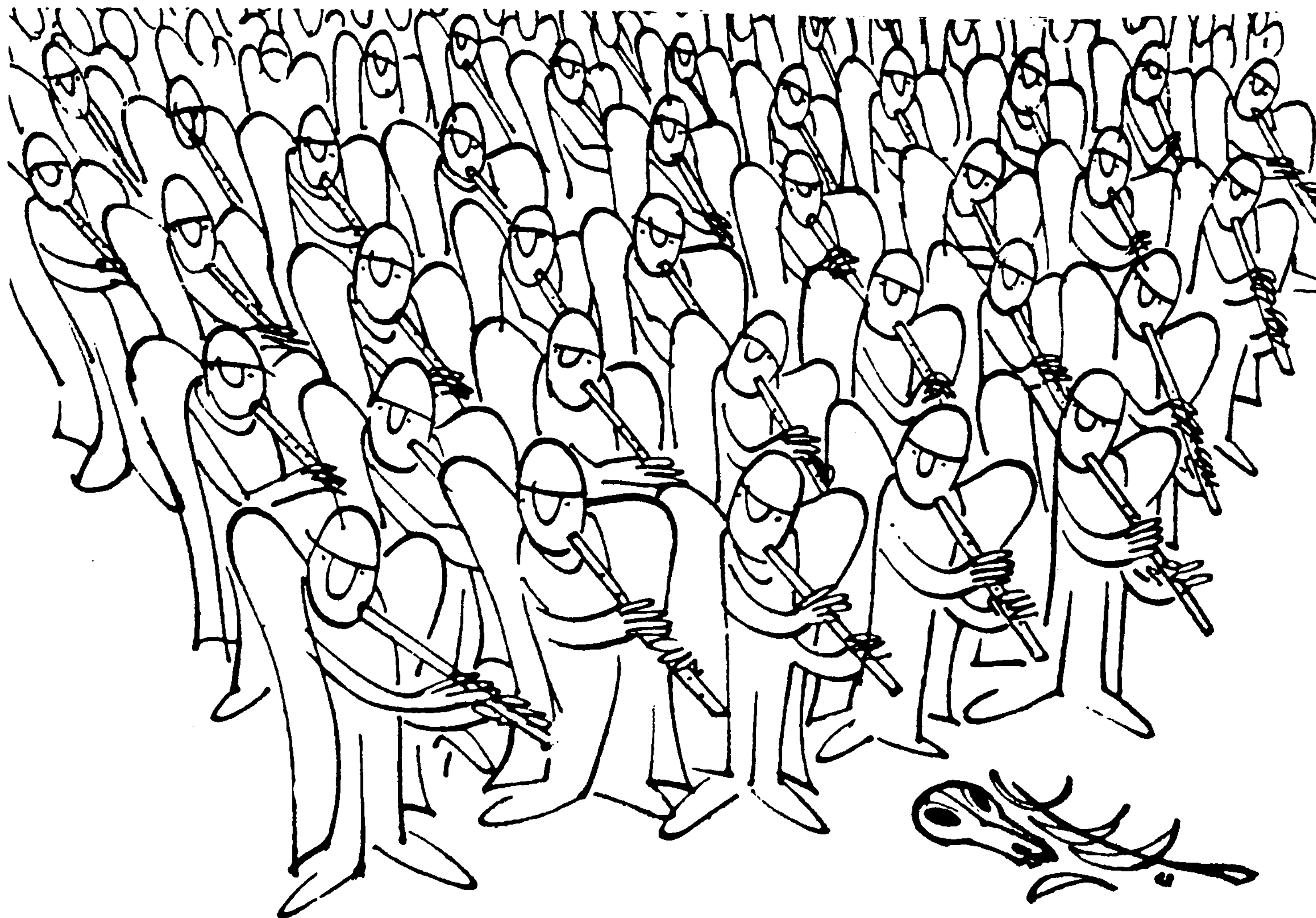
تصویر ۳۴۱



تصویر ۳۴۲



تصویر ۳۴۳

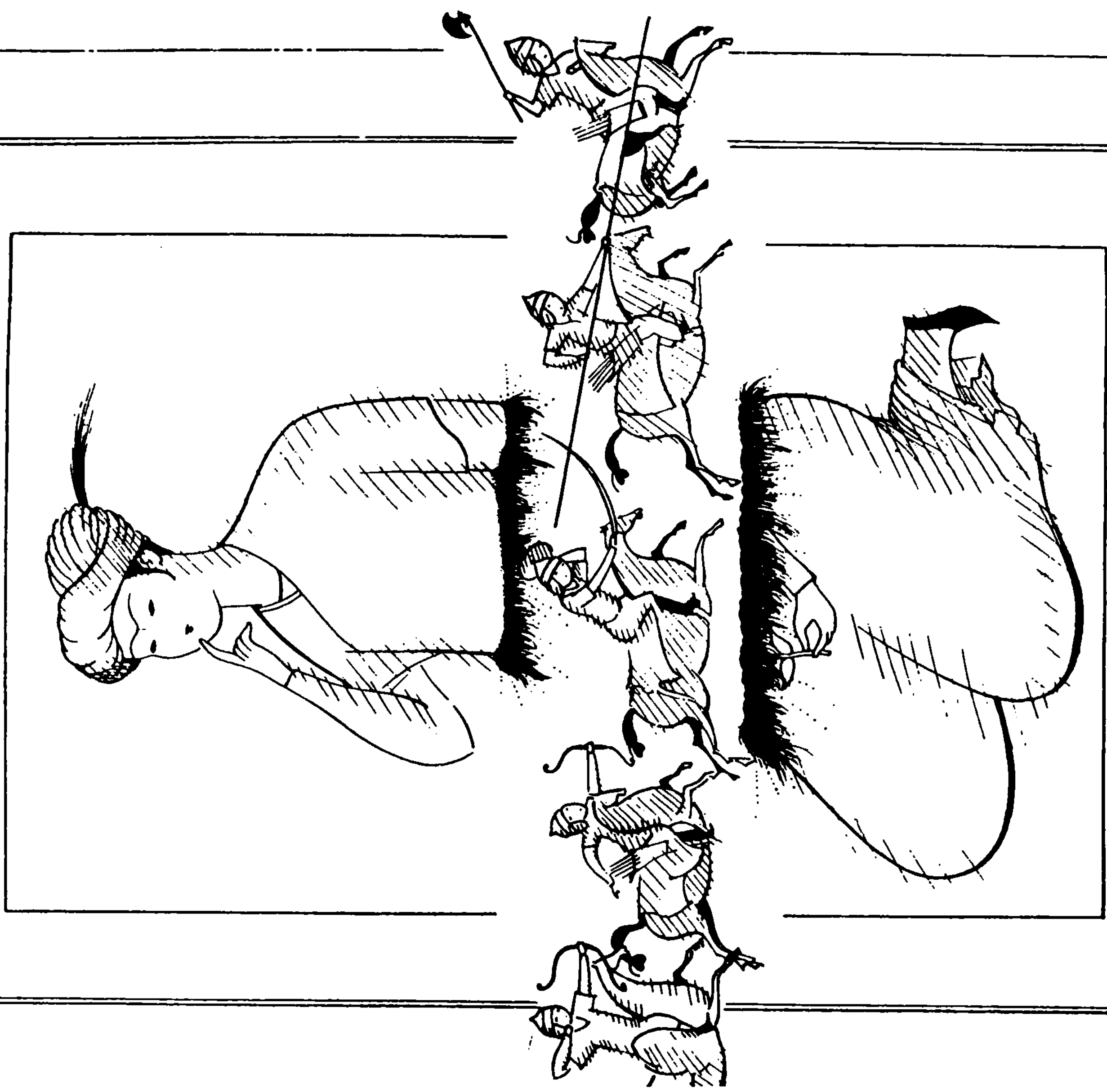


تصویر ۳۴۴

تصویر ۳۴۵

رزم بخش

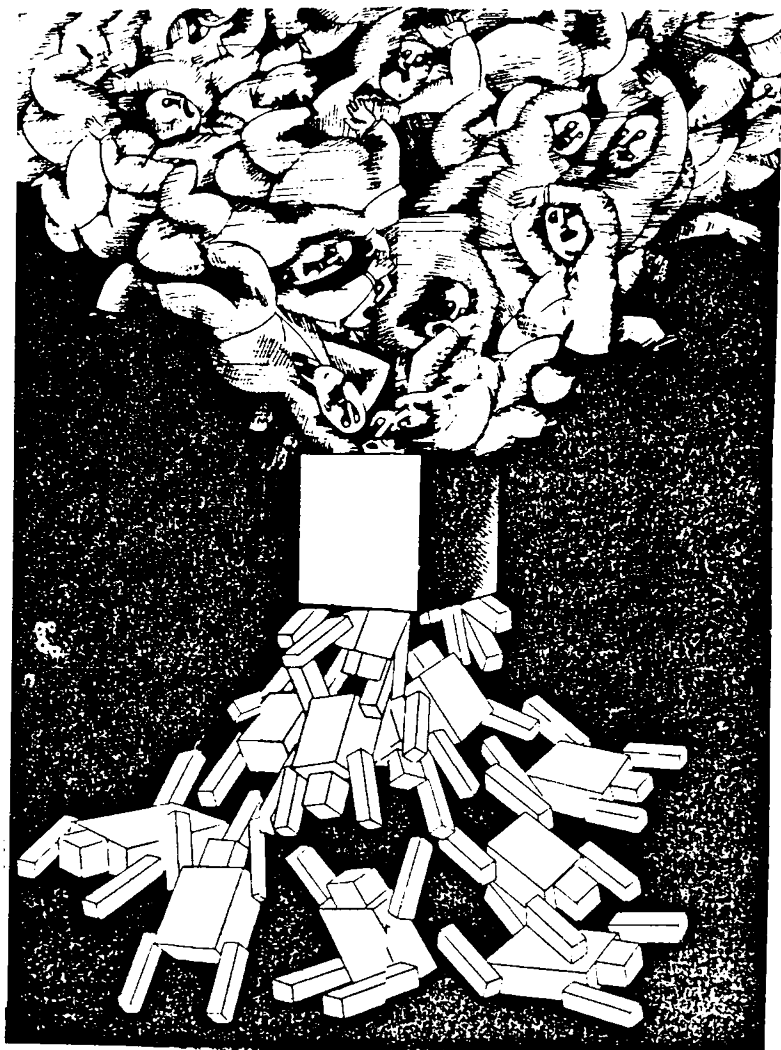




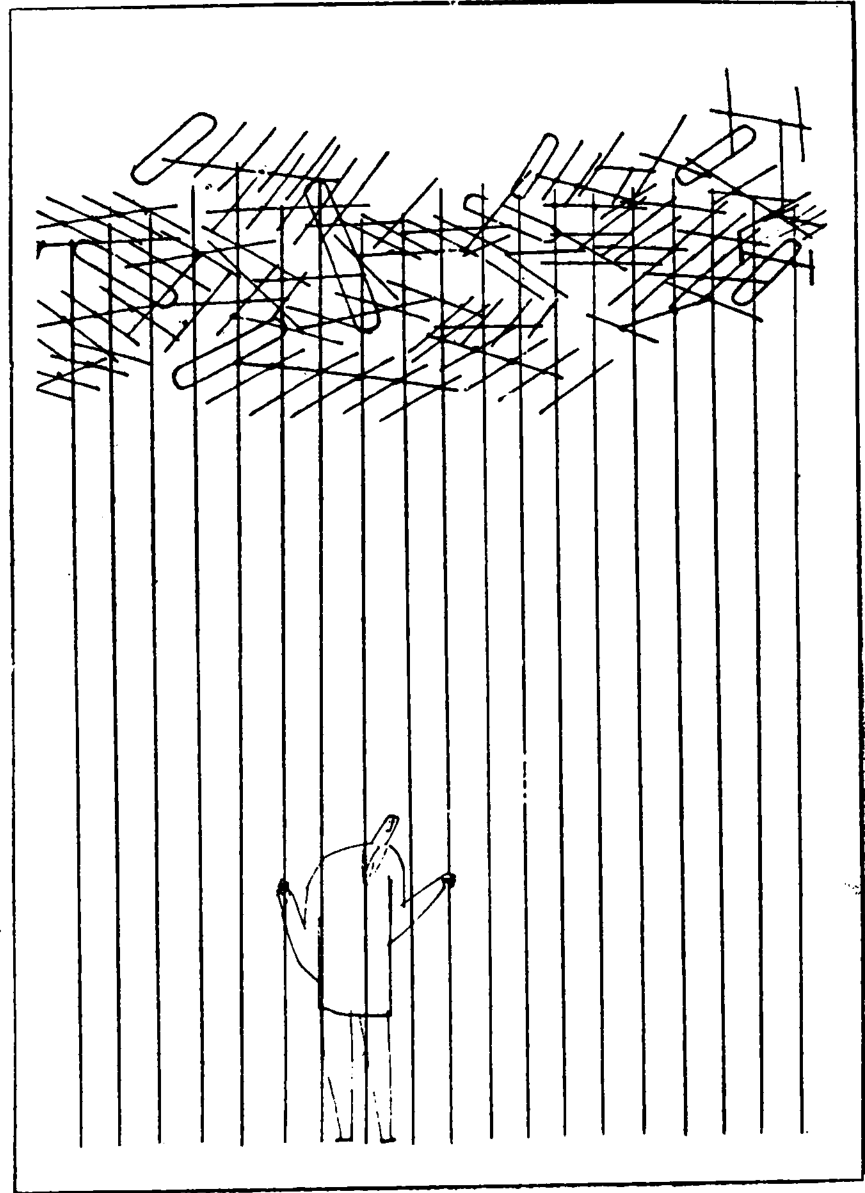
تصویر ۳۴۶



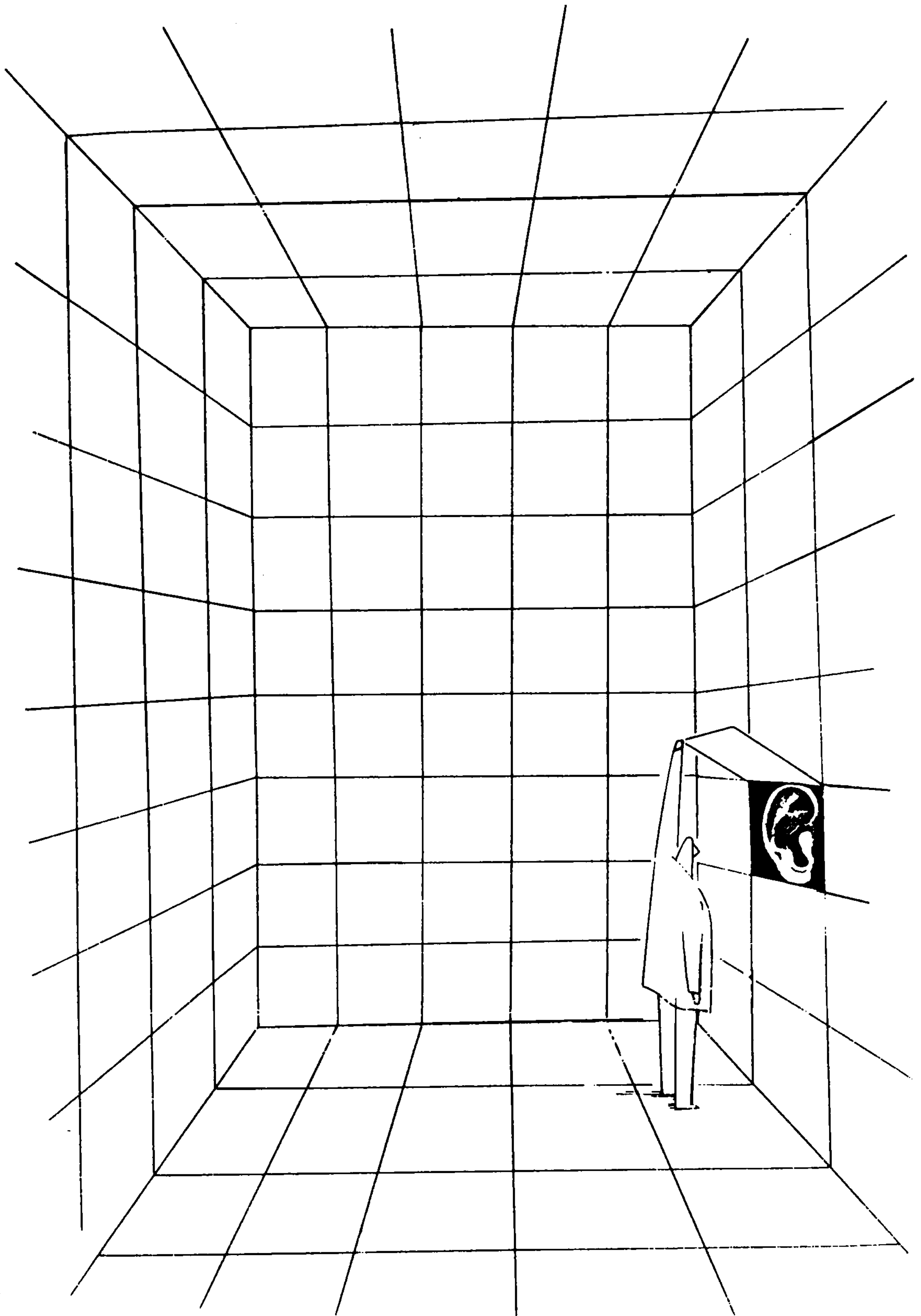
تصویر ۳۴۷



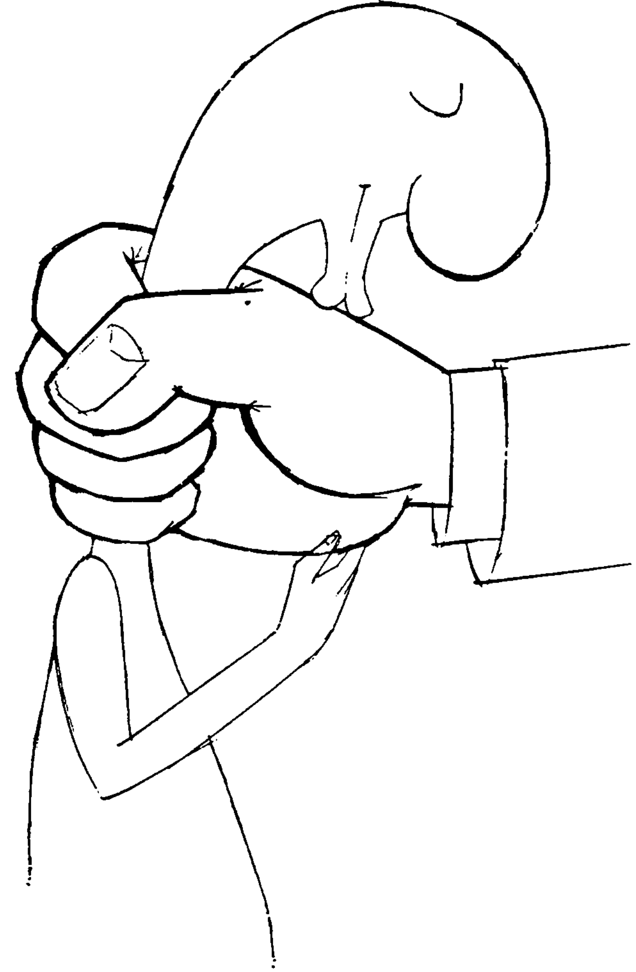
تصویر ۳۴۸



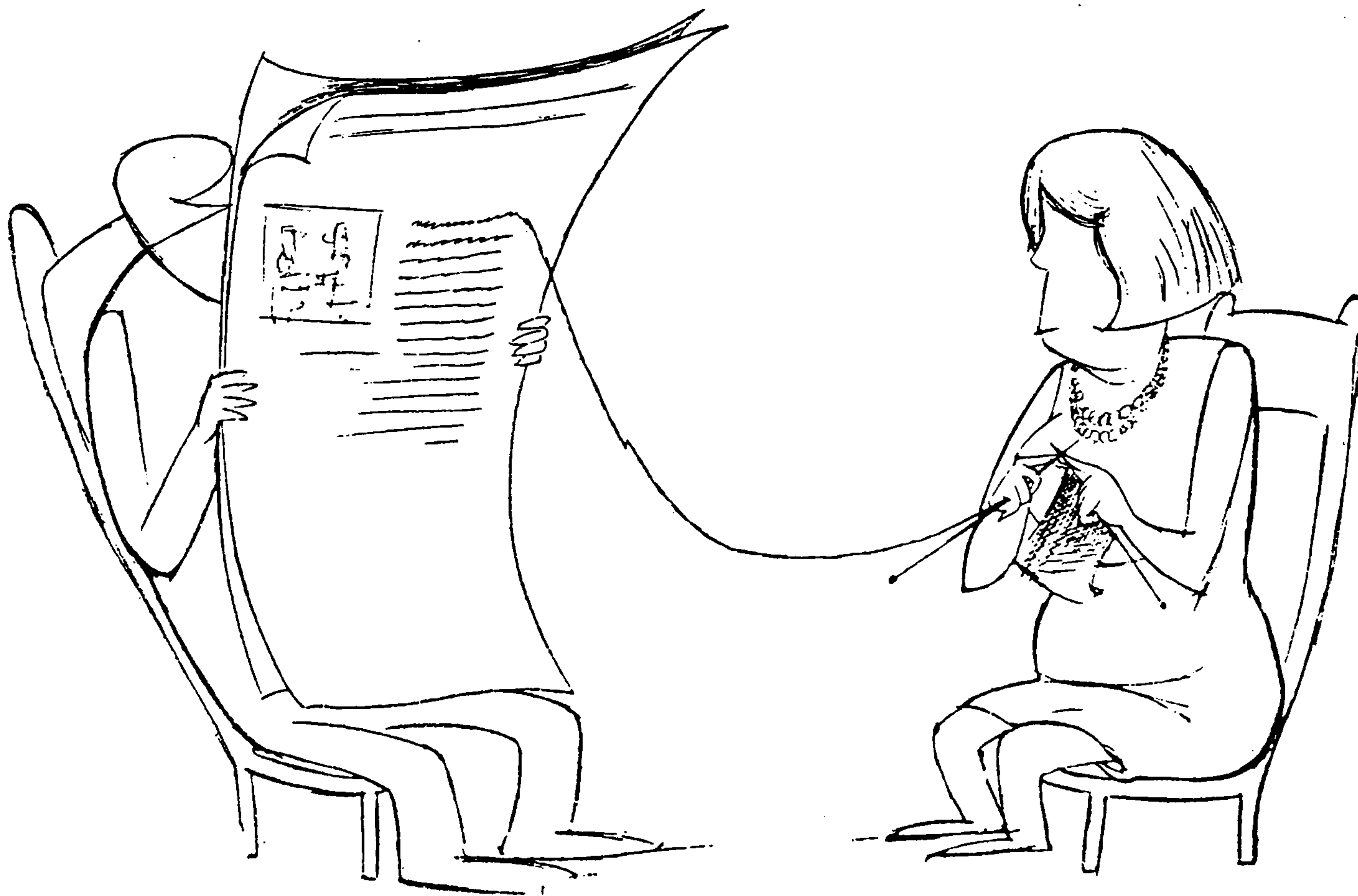
تصویر ۳۴۹



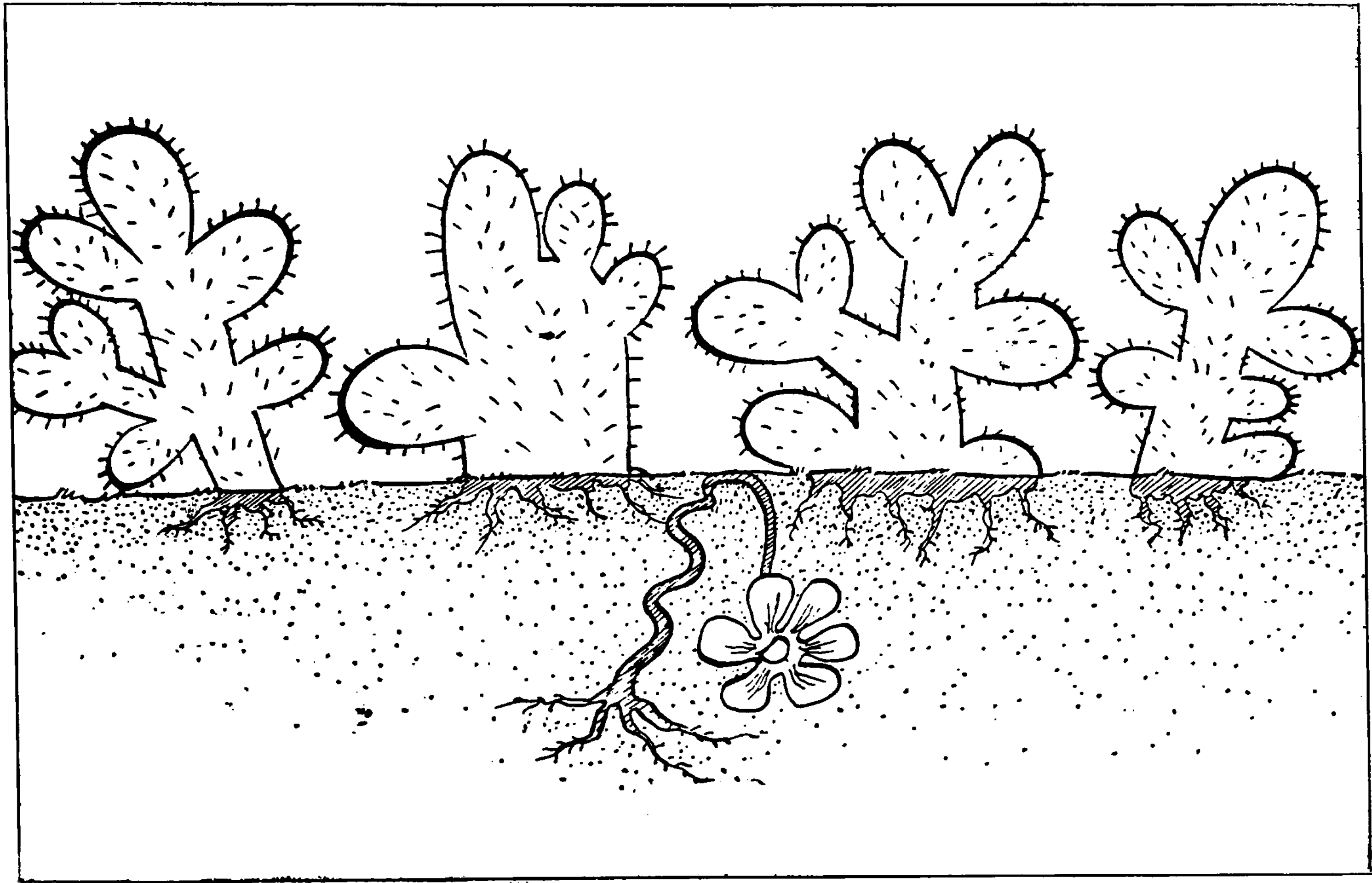
تصوير ٣٥٠



تصویر ۳۵۱



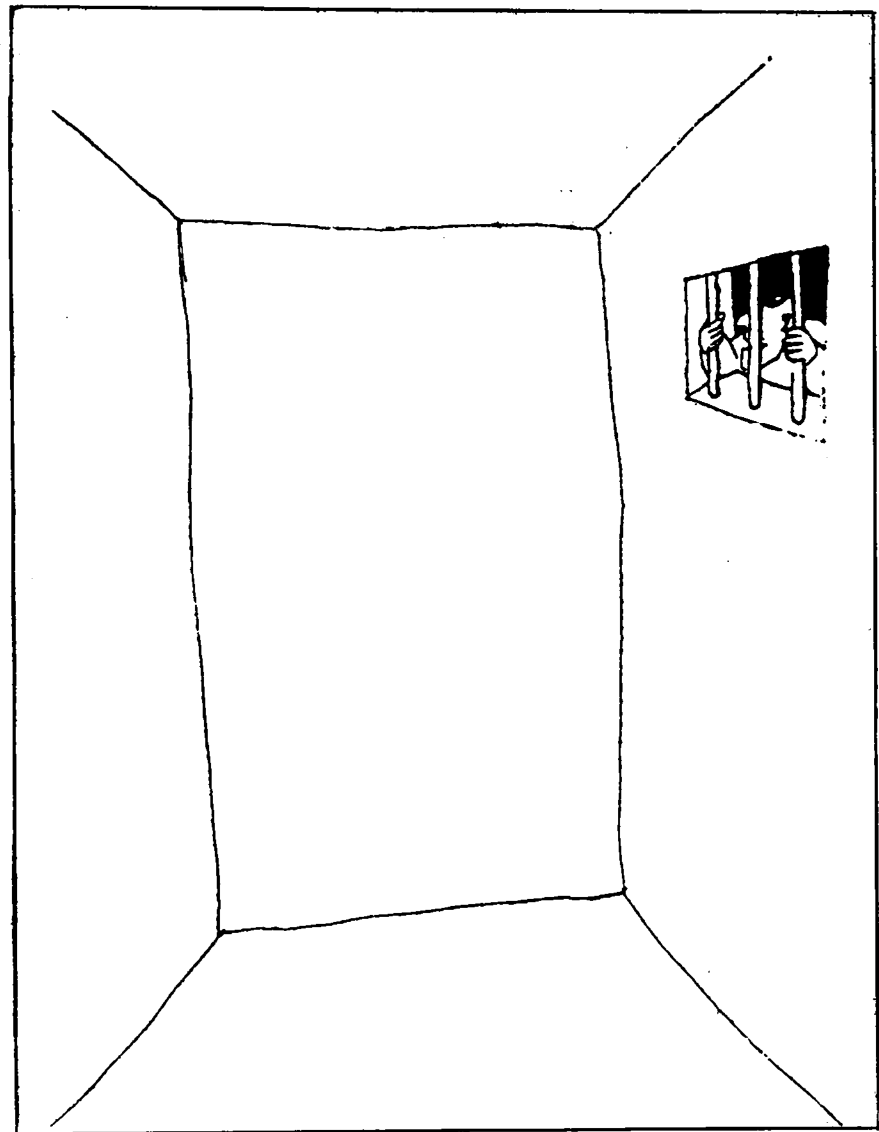
تصویر ٣٥٢



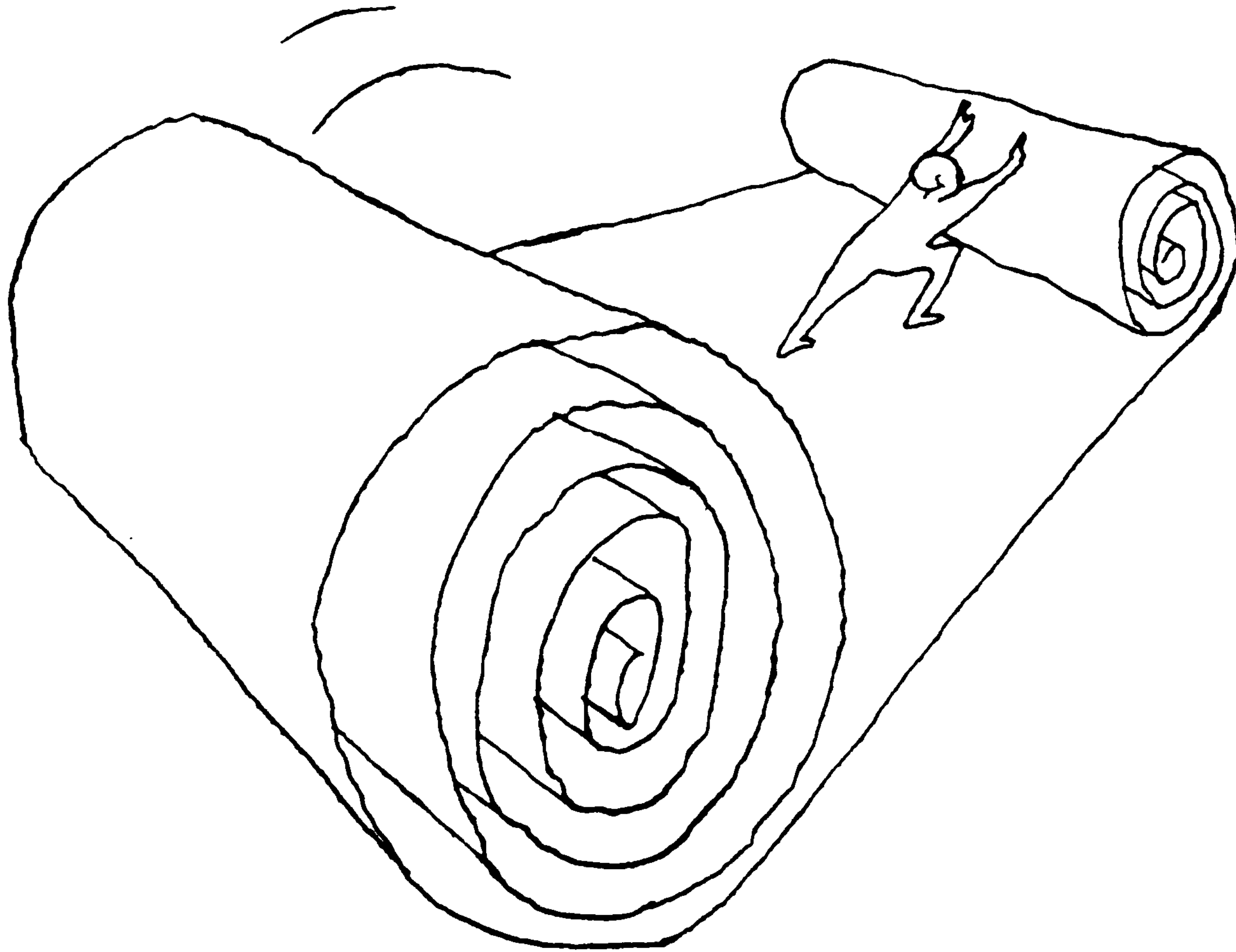
تصویر ۳۵۳



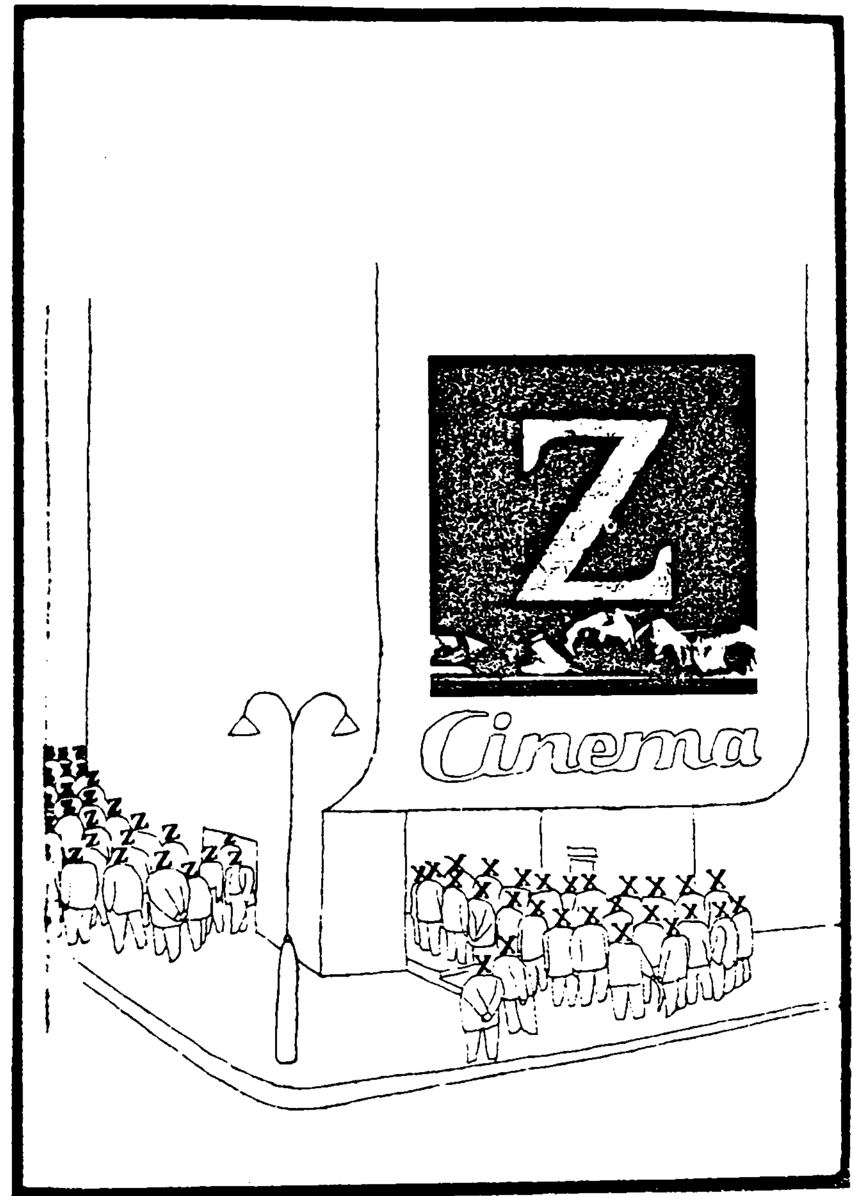
تصویر ۳۵۴



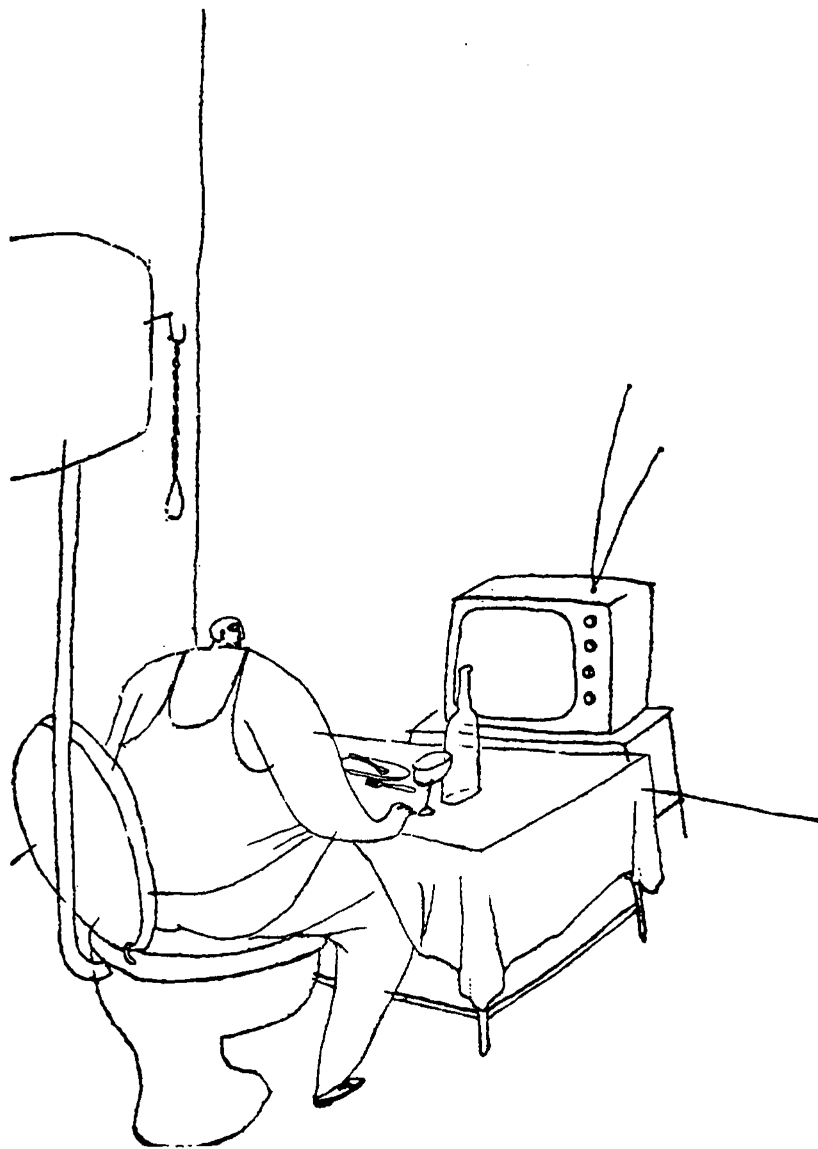
تصویر ۳۵۵



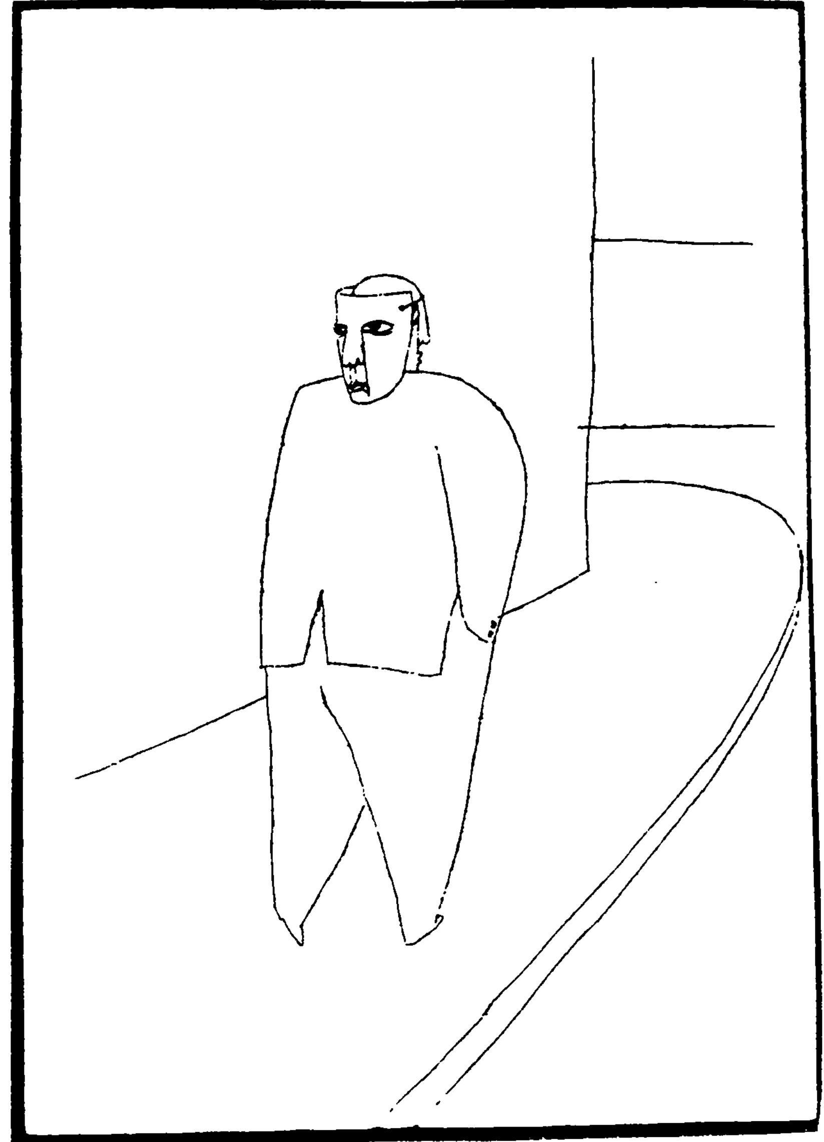
تصویر ۳۵۶



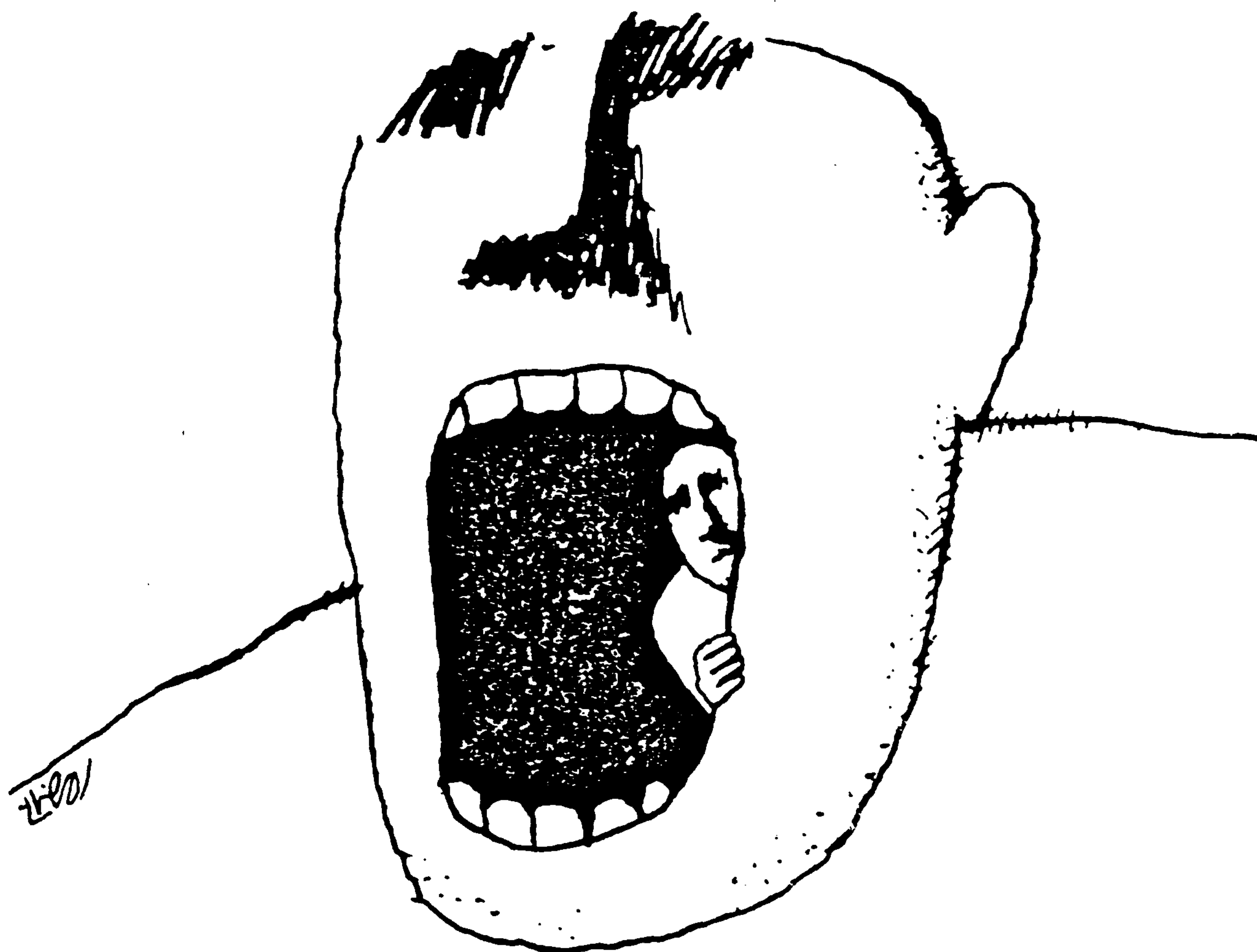
تصویر ۳۵۷



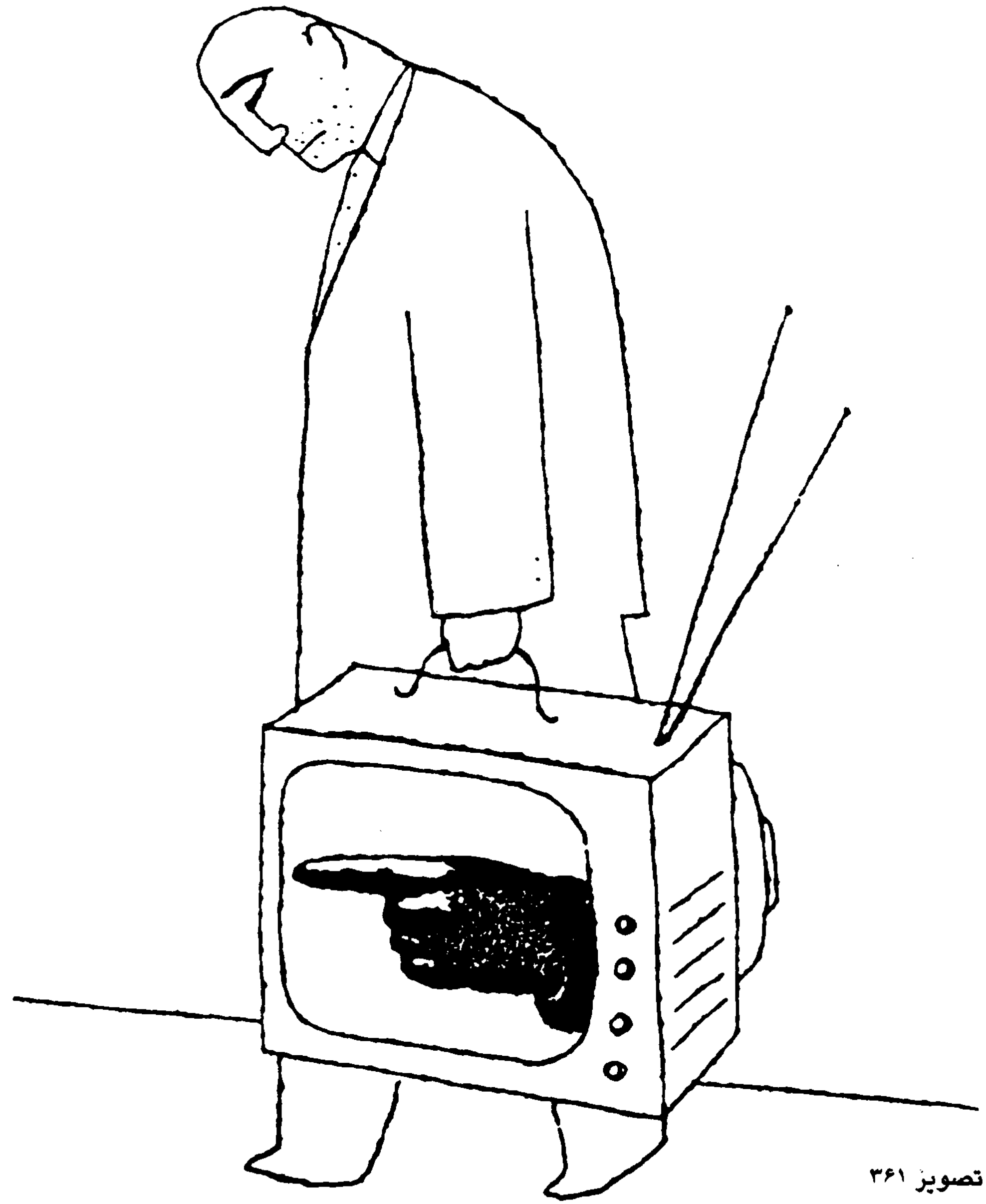
تصویر ۳۵۸



تصویر ۳۵۹



تصوير ٣٦٠



تصویر ۳۶۱

مآخذ:

۱ـ کتابخانه‌های عمومی ایران.
۲ـ منابع و کتابخانه‌های خصوصی.
۳ـ آرشیوهای هنری «تالار نقش».
۴ـ موزهٔ ویکتوریا آلبرت لندن.
۵ـ نشریات انستیتو فرهنگی و ملی آذربایجان.
۶ـ مصاحبه و مکاتبه با هنرمندان، نویسندگان و سردبیران مورد توجه.
۷ـ نشریات کاریکاتور خارجی.

مؤلف به منظور ارزشیابی آثار کاریکاتوریستهای مطبوعات ایران، دوره‌های نشریات انتقادی کاریکاتور *آق‌بابای* ترکیه، *کروکودیل* شوروی (سابق) و اکثر نشریات کاریکاتور قابل توجه اروپایی (به‌خصوص فرانسوی) و امریکایی را جمع‌آوری و بررسی نموده است.

Publishing of the book *70 years of change in caricature in Iran*, by a manufacturing and commercial agency, would not have been possible without contribution of those endowed with literature and culture.

While offering our profound gratitude, it is worth mentioning that suchlike works can not be entirely faultless.

Also, where it regards the recognition and analysis of 70 years of caricature in Iran, it must be noted that any kind of analysis and selection reflects the views, recognition and potentialities of the editor, especially as the caricatures being reviewed, were chosen from the magazines and newspapers of the present period.

It should also be noted that many cartoonists have faced censorship during this 70 year period, and their works, amongst others which for some reason were not printable, have been excluded from this collection.

It seems therefore that what is printed here, is 70 years of formal caricature in Iran, both from the viewpoint of the editor and that which could be published.

Mostafa Nezhad-setary

We encountered many problems. Sometimes, to just find one illustration or caricature, or a particular person (who had a required source), I had to search everywhere, even abandoned stores and as I traveled on a "student" budget, it made the task even more difficult.

After one year, I managed to find the whereabouts of editors-in-chief, illustrators and the pioneers of caricature. Meeting and interviews were arranged with these "hard-workers", renewing hopes in me and encouraging me to continue this work.
The families of Nahid, Reza Ganjehey, Rooh Allah Davary and others specially helped in my work.

Although this continuous collecting, research and reviewing took three years, but a rare collection was accomplished as a result. A heap of published newspapers, great many photographed illustrations, interview tapes and eventually about 6ooo original caricatures were collected in the archive.

One year of exhibitions
A series of remarkable exhibitions were set up one after the other, under the title, "70 Years Caricature in Iran". These exhibitions were set up in the gallery as the First caricature Festival in Iran, for a complete year. (17 exhibitions in all).
These exhibitions continued for many years inside the universities of Tehran and other cities, as well as schools and mosques.

At the end of the one year exhibitions, a booklet portraying 70 of the best chosen caricatures in the from of postcards with related brochures, was published.

I then began compiling a book titled, "Changes in Caricature in Iran". This book with 700 pages, which took almost a year to complete and in fact formed the basis for the present book, in many respects forced me to carry out more studies and research.

In writing the present book, I was inspired by the great works of hundreds of writers, poets and caricaturists, carried out in almost three quarters of a century and whom have no doubt left a valuable heritage for the Iranian nation.

Hamid Saher

Introduction

From the first year of my student days at the Faculty of Fine Arts, I attended one of the old and well-known galleries of Iran. Later, we formed four groups, where I was active continuously in the research group. This gallery was the only exhibition in Iran, that provided extra-curricular activities. First, we would think of a project, carry out the necessary studies and research, then, set up an exhibition and submit our research findings on a large scale while exhibiting the works.

One of our projects was to exhibit paintings by the forgotten artists of the traditional "tea-houses". For this purpose, we studied a great deal, carried out much research and collected many works which because they had long been stored in the tea-houses, were completely darkened and dull, to the point that were hardly recognizable. Only after much hard work and preparation by our colleagues, were they ready for exhibition.

We then studied and worked a great deal on puppetshows, the socio-political art of Iran, as well as miracle plays. These exhibitions continued for many years in the gallery.

Research on modern Iranian poetry, prose and satire was later carried out; many nights were spent reciting poetry, stories and satire in the following years and this pattern continued.

One of the attractive projects that we were engaged in, was the work done on caricature and satire in Iran. In the first place, this work was important to us because it meant working in a gallery.

Having carried out extensive research and collected illustrations and caricatures, we decided on setting up a valuable exhibition, especially as no other exhibition on caricature works had ever been set up in Iran until that time.

We began our work by searching the big libraries of Tehran; however, their archives were so limited, incomplete, useless and despairing that we had to turn to the libraries of other large cities such as Tabriz and Shiraz. After that we searched specialist libraries and visited collectors, culture-loving families and so on. (Anyone who has ever carried out research in Iran and about Iran, will understand better the processes and shortfalls of this kind of searching).

70 years of caricature in Iran

Hamid Saher

Atropat-Ketab
Tehran, 1377

شابک: ۳ - ۴ - ۹۱۶۶۳ - ۹۶۴
ISBN: 964 - 91663 - 4 - 3

بها: ۳۹۵۰۰ ریال

سیر تحولات ۷۰ سال کاریکاتور در ایران، سابقه و تحولات این شیوهٔ خاص بیانی و هنری را طی ۷۰ سال از ۱۲۸۰ تا ۱۳۵۰ شمسی ارائه کرده
مورد بررسی قرار می‌دهد. این مجموعه دربردارندهٔ کاریکاتورهای مجلات و روزنامه‌های مختلفی است که طی این دوران منتشر می‌شده‌اند
مانند ملانصرالدین، حشرات‌الارض، زنبور، ناهید، توفیق، چلن‌گر و... همچنین در این مجموعه از هنرمندان کاریکاتوریستی چون محصص
دولو، درم‌بخش، سخاورز، لطیفی، تجارتچی و دیگران، آثاری به یادماندنی و باارزش گرد آورده شده است.
در این کتاب در خلال شناخت سیر تکوینی و تحولی ۷۰ سال کاریکاتور ایران، نمایی از تاریخ و جامعهٔ ایرانی در این دوران حاصل می‌آی
که در نوع خود بسی باارزش و درخور تأمل است.

